

زندگینامه

شهدای اردیبهشت ماه

شهرستان ارومیه



امروز فضیلت زنده نگه داشتن یاد و خاطره



کمتر از خود شهادت نیست

مقام معظم رهبری





قابل توجه خوانندگان گرامی:

این ویژه نامه جهت توزیع محدود در یادواره شهدای اردیبهشت ماه ارومیه تهیه شده است و ممکن است ایراداتی در آن مشاهده گردد، خواهشمند است نظرات خود را به روابط عمومی بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان ارومیه اطلاع دهید و یا در وبلاگ این ویژه نامه درج نمائید تا در اسرع وقت برای چاپهای بعدی اشکالات مرتفع گردد.

متشکریم

www.hohada-urmia.blogfa.com

وبلاگ ویژه نامه شهدای شهرستان ارومیه



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ

اسم شهید



نام کتاب: زندگینامه شهدای اردیبهشت ماه شهرستان ارومیه
گردآورنده: علی جعفری، علی نظری، عبدالعظیم سپهری، صالح محمدی،
 رضاسلطانعلی پور، یعقوب بدلی و سید حسین بزمی.

ناشر: انتشارات زرین حکمت ۰۹۱۴۳۶۳۲۴۱۷

جای اول: بهار ۱۳۹۳

تیراڑ: ۱۰۰۰ جلد

ستاد برگزاری یادواره شهدای اردیبهشت ماه شهرستان ارومیه تلفن: ۰۴۴۱-۲۲۳۳۰۷۰

www.shohada-urmia.blogfa.com • ۴۴۱- ۲۲۳۲۳۷۰ فاکس

ISBN: 978-7-5-93879-7-7

شایک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۴۶۹-۶-۷

ISBN:978-600-93469-6-7



ستاد برگزاری یادواره شهدای شهرستان ارومیه



مقدمه:

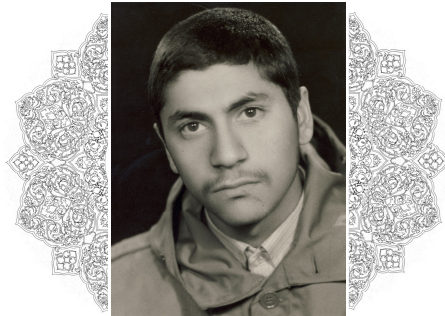
یکی از نعمت‌های بزرگ دین اسلام، نعمت شهادت است و امروز فرهنگ شهادت و یادواره شهدا باید ارتباطی بین نسل گذشته و نسل حاضر باشد.

انقلاب اسلامی با شهادت پیروز شده، با شهادت به پیش رفته و با شهادت دستاوردهای آن در سطح جهان گسترش یافته و تنها راه ادامه آن، ترویج این فرهنگ است. تکریم شهدا برای نسل جوان به منظور سرلوحه و چراغ زندگی قرار دادن، در همه عرصه‌های زندگی لازم و ضروری است و هر یک از شهدای دفاع مقدس بزرگوارانی هستند که به خاطر دفاع و پشتیبانی از کیان و شرف ملت ایران از جان خود گذشتند.

برپایی این گونه آیین‌ها علاوه بر زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا، باعث ترویج آرمان‌های آنان در بین نسل جدید خواهد شد. آنچه در این اوراق و در قالب عبارات و الفاظ آمده است، جلوه‌ای است از حیات روشن ۲۲۰ پرنده عاشق، که بال در بال هم از وادی حیرت گذشته و هم‌نشین کوی یار شدند.

«کسانی می‌توانند خوب زندگی کنند که می‌توانند خوب بمیرند. بگو ای همه کسانی که به پیام توحید، به پیام قرآن، و به راه علی (علیه السلام) و خاندان او معتقدید، خاندان ما پیامشان به شما، ای همه کسانی که پس از ما می‌آیید، این است که اگر دین‌دارید، «دین» و اگر ندارید «حریت» - آزادگی بشر - مسؤولیتی بر دوش شما نهاده است که به عنوان یک انسان دین‌دار، یا انسان آزاده، شاهد زمان خود و شهید حق و باطلی که در عصر خود درگیر است، باشید که شهیدان ما ناظرند، آگاه‌اند، زنده‌اند و همیشه حاضرند و نمونه عمل‌اند و الگویی‌اند و گواه حق و باطل و سرگذشت و سرنوشت انسان‌اند».

ستاد برگزاری یادواره شهدای
شهرستان ارومیه



شهید: بهروز آهندوست

تاریخ تولد: ۱۳۴۷

محل شهادت: هویزه

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۰۹

فرازی از زندگینامه شهید:

پاسدار شهید بهروز آهندوست در سال ۱۳۴۷ در شهرستان خرم آباد در خانواده ای متدین و با تقوا چشم به جهان گشود. و تحصیلات ابتدائی اش را در دبستان حکیم نظامی واقع در ناحیه ۲ آموزش و پرورش ارومیه به پایان رساند. و از اوایل کودکی پیوسته به تکالیف شرعی خود عمل می کرد. به طوریکه در ۷ سالگی نمازش را می خواند و روزه اش را می گرفت. اولین بار در سن ۱۴ سالگی به جبهه کردستان اعزام شد. شهید دارای عقیده بسیار مذهبی و عاشق حضرت امام(ره) بود و می گفت تمام ملت باید به فرامین امام جامه عمل ببوشانند. خلاصه هر قدر از دیانت و نجابت او بگویم، کم گفته ایم. شهید در بیشتر جبهه های کردستان، سقز و جبهه های جنوب حضور داشته و در بیشتر عملیات ها شرکت می کرد. حتی یک بار شهید در جبهه سقز در درگیری با ضدانقلاب زخمی شده بود و به مادرش نگفته بود که بعداً می فهمند. و در حوزه علمیه بودند که برادرش جواد شهید شد. و او بعد از چهل برادرش دیگر نتوانست در حوزه علمیه دوام بیاورد. لذا از آنجا بیرون آمده و راهی جبهه های نبرد حق علیه باطل می شود. و در قسمت تخریب و خنثی سازی مین که قبلاً دوره اش را دیده بود مشغول می شود. او سرانجام در مورخه ۶۵/۲/۹ در درگیری با ارتش متجاوز عراق در عملیات خیبر در حالیکه با قلیبی مطمئن و آرام مشغول خنثی کردن مین و باز کردن معبر برای رزمندگان اسلام بود به درجه رفیع شهادت نائل می شوند. لازم به یاد آوری است که قبل از او دو برادرش نیز شهید شده بودند. روحشان شاد و راهشان پر رهرو باد. از شهید وصیتنامه ای باقی مانده که ضمیمه پرونده می باشد.

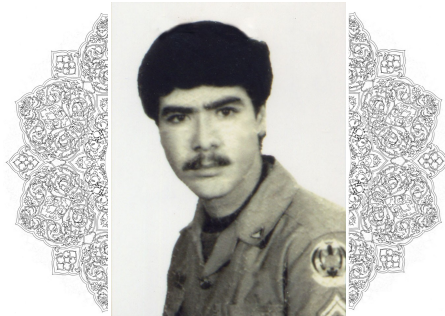
فرازی از وصیتنامه شهید:

وصیت نامه عبد عاصی محمد آهندوست
هر که به پیغمبر (ص) گردیده مأموریت استقامت دارد. (امام خمینی)
آنقدر در دریای خون شنا کنید تا به ساحل پیروزی برسید. (امام خمینی)
خدایا این بنده گناهکار در خود لیاقت فیض شهادت را نمی بیند. مرا از آنجا که
امامان (ع) سفارش کرده اند که انسان وصیت نامه را بنویسد، بارالهی، گناهانم به
قدری زیاد است که از تو شرمنده ام که بگویم چند سال زندگی را حتی لحظاتی
عبادت تو را کرده ام و بنده تو بوده ام. ولی چه کنم که در دعاهایم بعد از استغفار از
معاصی همیشه طالب یافتن عشق به تو بوده ام و این با توفیق شهادت همراه می دانم و
این تنها خواسته بنده از آفریدگار خود بوده و هست. چون این وصیت نامه را در سنگر
و خیلی با عجله نوشتم، عذر می خواهم.
پدر و مادرم، از خدا اول برای شما صبر و اجر خواسته و بعد می خواهم که بعد از بنده
عمری را که خداوند مقرر کرده را در طاعت خدا و کار برای اسلام بسر برید. و از
همه مهمتر بنده نتوانسته ام وظایف دینی خود را در حق شما انجام دهم و از شما
حلائیث می طلبم. (انشاء...) تنها سختم با دوستان و مردم این است که تا تحقق
آرمانهای اسلامی از پا ننشسته و امام را هیچگاه خدای نکرده تنها نگذارند.

والسلام عبدخطا کار خدا، محمد آهندوست

۶۵/۲/۸ مورخ





شهید: مصطفی آقارضائی

تاریخ تولد: ۱۳۴۵

محل شهادت: کله قندی (حاج عمران)

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۲۴

فرازی از زندگینامه شهید:

مفقودالثر مصطفی آقا رضایی در سال ۱۳۴۵ در شهرستان خوی دیده به جهان گشود و علیرغم مشکلات بسیار تا کلاس سوم راهنمایی تحصیل نمود و سپس برای امرار معاش و کمک به پدر مریضش مشغول کار می شود. فردی غیرتمند و پرتلاشی بود که در برابر مشکلات خم به ابرو نیاورد. انسان مؤمن و معتقدی بود که با صبر خویش و عزت و شرافت را بر خود و خانواده اش به ارمغان آورد.

ایشان انسان مبارزی بودند که یاغی گری و تجاوز دشمن را به خاک میهن اسلامی تحمل نکرده و به جمع دریا دلان ارتش پیوست و با عزم راسخ گام در میدان رزم نهاد و دلیرانه از آرمانهای با شکوه امام و خون شهیدان حراست نمود. حماسه ها آفرید و شجاعتها نشان داد.

حماسه هایی که با جوهری از عشق، با قلمی از گلوله و بر صفحه ای از دشت و بیابان، سروده و نگاشته شده است.

ایشان در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۲۴ در منطقه عملیاتی حاج عمران در اثر درگیری با دشمن یعنی مفقودالثر گردید.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: عباسعلی آقازاده قره باغ

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: خونین شهر

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۲۰

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید عباسعلی آقازاده به سال ۱۳۴۱ در روستای قره باغ چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در زادگاهش ادامه داد و بعد دوران دبیرستان را در مدارس ارومیه به پایان رساند. بعد از اتمام تحصیلات به خدمت مقدس سربازی اعزام شد.

شهید اخلاق بسیار خوبی داشت. فردی مهربان و متواضع بود. نماز و روزه اش را ترک نمی کرد و از امام (ره) و فرامینش اطاعت می کرد. در مراسم عاشورا شرکت می نمود و احساس وظیفه در مقابل میهن و انقلاب علت اعزام به جبهه ایشان بود. شهادت ایشان تأثیر زیادی بر روی اقوام و فامیل ها گذاشت.

شهید در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۲۰ در منطقه عملیات خرمشهر (عملیات فتح المبین - منطقه ام الرصاص) به آرزوی دیرینه اش دست یافت و به سوی معبودش شتافت. روحش شاد و راهش مستدام باد.

**در زمان غیبت امام زمان (عج) چشم و گوشتان به ولی فقیه باشد تا ببینید
از آن کانون فرماندهی چه دستوری صادر می شود.**

(شهید مهدی زین الدین)



شهید: سیدقادر آیاتی

تاریخ تولد: ۱۳۲۱

محل شهادت: خرمشهر

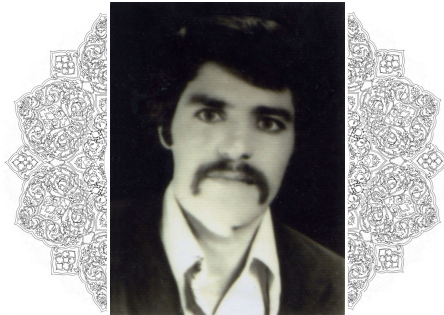
تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۰

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید سیدقادر آیاتی به سال ۱۳۲۱ در شهر مهاباد چشم به جهان گشود. پس از سپری نمودن دوران کودکی تا مقطع سوم راهنمایی تحصیل می نماید و بعد از ترک تحصیل به استخدام ارتش در می آید. سپس در سن ۲۴ سالگی ازدواج می کند که حاصل آن چهار فرزند می باشد. شهید پس از ازدواج به شهر سلماس منتقل می شود. چون نظامی بوده، محل های خدمتی وی متفاوت بوده است. شهید فردی باایمان و متعهد به انقلاب اسلامی بود. به امام عشق می ورزید و پشتیبانی از ولایت فقیه رأس همه فعالیت های این شهید بوده است. عشق به میهن و دفاع از آبرو و ناموس مردم ایران و همچنین لبیک گفتن به فرمان امام خمینی(ره) یکی از اهداف این شهید برای اعزام به جبهه بوده است و آخرین بار که به مرخصی آمده بود سه بار بلیط مسافرت خود را عوض کرد. همیشه به همسرش سفارش می کرد که مواظب بچه ها باش و گفت که این آخرین دیدار ماست و گوئی که به او الهام شده بود که دیگر بر نمی گردد.

شهید سید قادر آیاتی در منطقه عملیاتی جاده خرمشهر - اهواز به درجه رفیع شهادت نائل آمد. شهید مدت چهار سال در خطوط مقدم جبهه حضور داشت و می گفت [وقتی] در جبهه بودم، زندگی ام رنگ تازه ای به خود می گرفت و یک نیروی عجیبی مرا به جبهه وصل کرده است و هرگز احساس غریبی و ناراحتی نمی کردم.

شهید همیشه از حماسه ها و دلیری های رزمندگان صحبت می کرد و از فرزندان خود می خواست که هیچ وقت اسلحه او را به زمین نگذارند و همیشه راه امام را دنبال کنند و سرانجام در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ به فیض شهادت نائل آمد. روحش شاد و یادش گرامی باد.

**شهید: بختيار آیرملو****تاریخ تولد: ۱۳۳۱****محل شهادت: حاج عمران****تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۲۸****فرازی از زندگینامه شهید:**

شهید بختيار آیرملو در سال ۱۳۳۱ در شهرستان ماکو به دنیا آمد. او بعد از سپری کردن دوران کودکی به دبستان پا نهاد و تا کلاس پنجم ابتدایی در شهر خودش ادامه داد. سپس ترک تحصیل نموده و به شهرستان ارومیه عزیمت کردند. با توجه به احساس مسؤولیت و دلسوزی به مملکت خودش، وارد بسیج سپاه گردید. در این ارگان بعد از گذراندن آموزش های لازم راهی جبهه های حق علیه باطل شد. او در زمان انقلاب، نوارهای امام راحل را به دست مردم می رسانید و در تشویق مردم به تظاهرات علیه رژیم ستمشاهی تلاش می نمود و همیشه مدافع راه حقیقت و اسلام بود. شهید وقتی که حمله عراق به ایران را شنید و مخصوصاً وقتی که دید خاک جمهوری اسلامی به دست عراق افتاده، او به اتفاق تعداد دیگری از مردم غیرتمند روانه جبهه ها شدند.

شهید قبل از رفتن به جبهه از همسرش حلالیت خواست. گویا همسرش به او گفته بود که نرو. ولی ایشان فرمودند: اگر ما نرویم خاک جمهوری اسلامی در دست دشمن باقی خواهد ماند. بنابراین با شهامت و رشادت عازم جبهه گردید و در عملیات والفجر ۲ که در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۲۸ در منطقه عملیاتی حاج عمران انجام گردید، به وسیله خمپاره مورد اصابت قرار گرفت و به درجه رفیع شهادت نایل آمد.

مزار او در باغ رضوان شهرستان ارومیه قرار دارد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: اسماعیل ابابکری فرد

تاریخ تولد: ۱۳۱۱

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۳۱

فرازی از زندگینامه شهید:

مفقودالثر اسماعیل ابابکری فرد در سال ۱۳۱۱ در روستای هاشم آباد از توابع شهرستان ارومیه دیده به جهان گشود. او از دوران کودکی تا پیروزی انقلاب در روستای خود به کشاورزی مشغول بود. به علت عدم علاقه به تحصیل به مدرسه نرفت. پس از رسیدن به سن جوانی ازدواج نمود و دارای ۵ فرزند شد. بعد از پیروزی انقلاب به عضویت بسیج سپاه پاسداران درآمد و حدود یک سال به طور مداوم با دشمن یعنی عراق و ضدانقلابیون احزاب مختلف به نبرد پرداخت. شهید دارای روحیه مذهبی و اعتقاد کامل به مذهب خود که سنی بود، داشت و همیشه فرایض دینی خود را به موقع انجام می داد. او پیرو خط امام(ره) و ولایت فقیه بود و فرمایشات رهبر را از جان و دل پذیرا می شد. شهید در مناطق عملیاتی سیلوانا، پیرانشهر و مخصوصاً حاج عمران مرتباً در حال نبرد بود.

عاقبت در سال ۱۳۶۵/۲/۳۱ در منطقه حاج عمران مفقودالثر گردید.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: غفور ابراهیمی کورانه

تاریخ تولد: ۱۳۱۸

محل شهادت: کورانه

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۱۸

فرازی از زندگینامه شهید:

بسیجی شهید غفور ابراهیمی در سال ۱۳۱۸ در توابع شهرستان ماکو به دنیا آمد و بعد از طی دوران کودکی به کارگری پرداخت. در سال ۱۳۴۲ برای کار و امرار معاش به شهر ارومیه مهاجرت نمود. با شروع و اوج گیری مبارزات مردم به انقلاب پیوست و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عضویت بسیج مردمی در آمد و مدت ۴ سال فعالانه در این ارگان مردمی در خدمت انقلاب بود. در این ایام او چندین بار در مناطق عملیاتی دزفول و اسلام آباد غرب و گیلانغرب علیه دشمن متجاوز با رشادت تمام جنگید.

شهید زندگی ساده‌ای داشت و در روابط خانوادگی با اهل خانواده بسیار صمیمی بود و در هنگام برگشتن از جبهه عملیات و قهرمانی های رزمندگان تعریف می کرد و بچه ها را به انقلاب و آینده جنگ امیدوار می ساخت.

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۸ در منطقه کورانه در حوالی سرو در حین پاکسازی منطقه از اشراار ضدانقلاب به علت انفجار مین به کاروان شهیدان انقلاب پیوست و به دیدار حق شتافت.

نام و یادش گرمی باد



شهید: فادل ابراهیمی

تاریخ تولد: ۱۳۴۴

محل شهادت: سرو

تاریخ شهادت: ۶۶/۰۲/۲۴

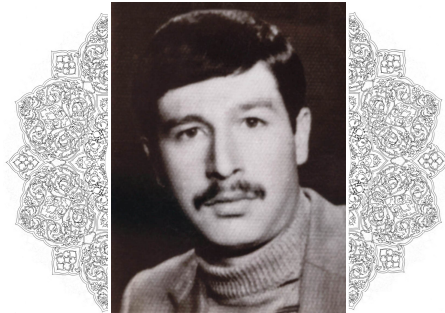
فرازی از زندگینامه شهید:

شهید فادل ابراهیمی در سال ۱۳۴۴ در روستای گنگچین از توابع شهرستان ارومیه در یک خانواده سنی مذهبی دیده به جهان گشود. پس از طی دوران کودکی، تحصیلاتش را تا کلاس پنجم ابتدایی ادامه داد. سپس ترک تحصیل کرده و به اتفاق پدرش در زمین های کشاورزی مشغول به کار شد.

از نظر خصوصیات اخلاقی، فردی مؤمن و متدین بود، اخلاق خوب او در میان اعضای خانواده الگو و نمونه بود، علاقه شدیدی به امام راحل داشت. با اوجگیری انقلاب شکوهمند اسلامی در پایگاه مسجد روستای گنگچین به فعالیت پرداخت.

در آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه کشور عزیزمان ایران، شهید فادل پس از طی آموزش های لازم نظامی و رزمی، برای انجام خدمت مقدس سربازی از طریق نهاد مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عازم جبهه های حق علیه باطل گردید و بعد از یک سال خدمت صادقانه در راه میهن و انقلاب، نهایتاً در تاریخ ۱۳۶۶/۲/۲۴ در منطقه سرو (روستای کورنگویل) پس از درگیری شدیدی که با حزب منحلہ دمکرات داشتند، به رودخانه سقوط کرده و در اثر خفگی در رودخانه به درجه رفیع شهادت نایل آمدند.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: سلیمان ابراهیمی خانشان

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: شلمچه

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۲۰

فرازی از زندگینامه شهید:

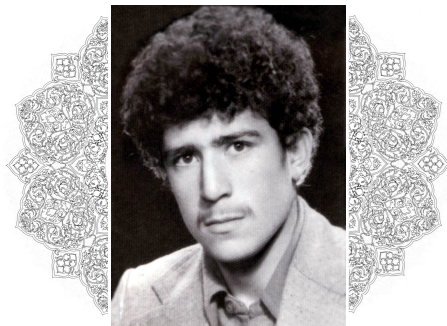
شهید سلیمان ابراهیمی به سال ۱۳۴۱ در روستای خانشان یکی از توابع شهرستان ارومیه متولد شد و تحصیلاتش را در ارومیه به پایان رساند شهید از همان دوران کودکی اعتقاد خاصی به اسلام داشت و در دوران پیروزی انقلاب اسلامی نیز شخصاً در راهپیمایی ها شرکت می کرد. علاقه خاصی به حضرت امام (ره) داشت و او را در زندگی سرمشق و الگوی خود قرار داده بود.

پس از اتمام تحصیلات به خدمت مقدس سربازی رفت و در جهت دفاع از تمامیت ارضی کشور و ناموس و احساس مسؤولیت، به جبهه های نبرد اعزام شد.

بعد از ۲۰ روز مبارزه در جبهه جنوب، در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۲۰ در منطقه شلمچه، بر اثر اصابت گلوله به فیض عظیم شهادت نائل آمد.

ضمناً، یک نامه، از جبهه به دست خانواده اش رسیده بود که در آن نامه خوشحالی خودش را در حضور در جبهه اعلام کرده بود و گفته بود با حضور در جبهه می تواند به نظام و اسلام و وطن خدمت نمود.

روحش شاد.



شهید: نادر ابراهیمی زده لو

تاریخ تولد: ۱۳۴۴

محل شهادت: خرمشهر

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۲۰

فرازی از زندگینامه شهید:

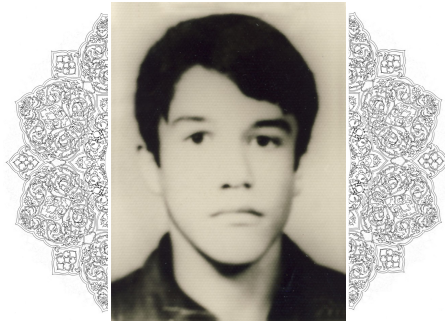
شهید نادر ابراهیمی در سال ۱۳۴۴ در روستای زده لو، از محال نازلوچای ارومیه در یک خانواده متوسط دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدائی را تا کلاس چهارم در روستای زادلو گذراند. سپس ساکن شهر ارومیه شد و موفق به اخذ دیپلم گشت.

شهید، علاقه شدیدی به خواندن قرآن داشت و بنا به گفته والدین، شاگرد حجت الاسلام حاج آقا ناصحی بود. وی به حدی در خواندن قرآن تبحر داشت که بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی به عنوان قاری قرآن در مساجد و در مسابقات قرآن شرکت و فعالیت می نمود. همچنین عضو پایگاه مقاومت بسیج میرحسین آقا بود. اخلاق پاک و روحانی وی زبانزد عام و خاص بود و نسبت به پدر و مادرش احترام خاصی قائل بود و علاقه عجیبی به رهبر انقلاب امام راحل داشت و با آغاز جنگ تحمیلی عراق، برای انجام خدمت سربازی و اطاعت از فرامین حضرت امام (ره) که فرمودند: جبهه ها را خالی نگذارید و این یک تکلیف شرعی است. از طرفی احساس مسؤولیت در قبال دفاع از خاک میهن به جبهه های حق علیه باطل شتافت.

در موقع وداع از پدر و مادرش گفت: من شهید خواهم شد و انتظار برگشتن مرا نداشته باشید. ناراحت نباشید و افتخار کنید. چون در راه حق شهید می شوم.

سرانجام بعد از ۴ ماه خدمت در تیپ ۵۵ هواپرد شیراز، در جبهه جنوب، جاده اهواز - خرمشهر در مورخه ۱۳۶۱/۲/۲۰ بر اثر اصابت ترکش یعنی های عراق به درجه رفیع شهادت نایل گشت و در مزار شهدای باغ رضوان ارومیه به خاک سپرده شد.

در ضمن پسرعموی ایشان به نام جمشید ابراهیمی در دیگر جبهه ها شربت شهادت نوشید. روحشان شاد، یادشان گرامی.



شهید: علیرضا ابراهیمی مرنگلو

تاریخ تولد: ۱۳۳۸

محل شهادت: دره قاسملو

تاریخ شهادت: ۵۹/۰۲/۱۴

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید علیرضا ابراهیمی در سال ۱۳۳۸ در شهرستان ارومیه، در یک خانواده مذهبی و متوسط چشم به جهان گشود. وی فرزند سوم خانواده بود. تحصیلات خود را در هنرستان فنی مطهری به انجام رساند. علاقه مخصوصی که به ادامه تحصیل داشت قرار بود، که بعد از خاتمه خدمت مقدس سربازی، ادامه تحصیل بدهد.

یکی از خصوصیات بارز شهید شکسته فنی و احترام و اطاعت از والدینش بود. هیچ وقت ارتباطش را با تنها معبود خود در نماز ترک نمی کرد. و در نماز شب با خدای خود راز و نیاز می کرد. به هیچ وجه کسی را از خود نمی رنجاند و ساده زیستن را ملاک خود در زندگی قرار داده بود.

قبل از انقلاب، بی صبرانه منتظر ورود امام راحل به ایران بود. به طوری که از تلویزیون ورود امام راحل را پیگیری می کرد و هر روز بعد از ظهرها هنرستان که تعطیل می شد به همراه دوستانش به مسجد اعظم می رفت.

بعد از پیروزی انقلاب به هیچ احدی اجازه تبلیغات دروغین را نمی داد و همیشه آرزوی پیروزی انقلاب را داشت. در ماه پیروزی خون بر شمشیر، ماه محرم در مساجد و تکایا حضور داشت. در روزهای عاشورا و تاسوعا برای عزاداری امام حسین(ع) سیاه پوش می شد.

علیرضا برای اینکه به فرمایش امام راحل لبیک گفته باشد برای ادای وظیفه مقدس سربازی عازم جبهه گشت. ایشان همیشه انزجار خود را از حزب منحلّه دموکرات اعلام می داشت. او بسیار خوشحال بود که این بار گردان آنها را برای سرکوبی دموکرات و کومله به کردستان اعزام می شود.

شهید علیرضا ابراهیمی در گردان خود یک دوست داشت که چند روز قبل از اعزام علیرضا به منطقه رفته بود. وی همیشه با دوست خود در منطقه در ارتباط بود و به دوستان خود قول داده بود همراه با گروه داوطلب، با گردان بعدی به منطقه اعزام خواهد شد. دوستان علیرضا از او خواسته بودند که موقع برگشتن از مرخصی برایشان سیگار و خرما بیاورد. ایشان هم چنین کرد و در منزل سیگارها و خرما را بسته بندی کرد و با اهل خانواده خداحافظی می نمود. متأسفانه در اولین لحظه ورود وی به منطقه دره قاسملو (دره شهدا) مورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفت و در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۱۴ به شهادت می رسد.

سربازان به خاطر شهید شدن علیرضا همان روز اول، منطقه را از لوث وجود اشرار دموکرات و کومله پاکسازی کردند. چند بلندی که در اختیار دموکرات ها بود، توسط لشکریان اسلام آزاد گشت. روحش شاد.



شهید: سلیمان ابوالفتحی

تاریخ تولد: ۱۳۱۶

محل شهادت: رودخانه لاون

تاریخ شهادت: ۶۴/۰۲/۳۱

فرازی از زندگینامه شهید:

جهادگر شهید سلیمان ابوالفتحی به سال ۱۳۱۶ در خانواده ای محروم و روستائی در حومه شهر ارومیه دیده به جهان گشود و دوران کودکی سختی را گذرانید و در سن ۱۰ سالگی از نعمت و مهر پدری محروم گردید و با مشکلات مالی زندگی را ادامه داد. سپس اقدام به ازدواج نمود که ثمره آن پنج فرزند می باشد که از وی به یادگار مانده است.

با شروع و اوج گیری انقلاب، وی با شرکت در راهپیمایی ها و نمازهای جماعت و جمعه به فرمان امام (ره) لبیک گفت و بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب و تشکیل جهاد سازندگی به عنوان راننده بولدوزر به خدمت جهاد درآمد. در مدت خدمت به جهاد منشأ خدمات ارزنده ای شد و با فعالیت در مناطق محروم دین خود را به انقلاب ادا نمود.



او از دوستان و علاقمندان انقلاب اسلامی بود و اطاعت از امام (ره) را با جان و دل می پذیرفت و از نظر اعتقادی فردی مؤمن و پرهیزکار بود. در ایام سوگواری ماه محرم سخت متأثر می شد و به عزاداری و سوگواری می پرداخت.

او همراه با فرزند بزرگ خود به جبهه عزیمت نمود و در مقابل سؤال همسرش فقط می گفت بر خدا توکل کن. مرگ با عزت، بهتر از ماندن در رنج و ذلت است. سرانجام در تاریخ ۱۳۶۴/۲/۳۱ در شناسائی منطقه سردشت بر اثر یک سانحه به شهادت رسید. روانش شاد، یادش گرامی.

فرازی از وصیتنامه شهید:

بسم الله الرحمن الرحيم
 «ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تنزل عليهم الملكة الا تخافوا ولا تحزنوا و ابشروا بالجنة التي كنتم توعدون»
 با سلام به محضر آقا و مولایم صاحب عصر (عج) و نائب بر حق و بزرگش امام خمینی. خدایا، مرگم را در راه حق و دین خود و دفاع از آرمان مقدس شهیدانمان قرار بده. خداوندا اگر قرار است بمیرم پس چه بهتر در لباس رزم و دفاع از دین تو جان سپارم. خدایا مرگم را از بهترین مرگها قرار بده. خدایا تو را به حق فاطمه زهرا (ع) مرگم را شهادت قرار بده.
 ای برادران و خواهران دینی شما را به خدا امام را تنها نگذارید و جبهه های حق را از یاد نبرید. اگر از دستور امام تمرد کنید فردای قیامت گریباتان را خواهیم گرفت و به هیچ وجه نه خواهیم بتان بخشید. پس تا وقت دارید به خود آئید و دل امام را بیش از این به درد نیاورید. از قهر و عذاب خدا بترسید. خدا در کمینتان است. هر گاهی که انجام می دهید در مظهر خدا هستید. بترسید از خدا.
 حال که به لطف خداوند بزرگ توفیق این را پیدا کرده ام که به خانه خدا قلب مسلمین تشریف فرما شدم بنا به وظیفه شرعی چند تا وصیت دارم و امیدوارم که بعد از آن بازماندگانم به آنها جامه عمل بپوشانند. اول اینکه تمام اموال منقول و غیر منقول چون وصیت کرده ام حلال بوده و در مصرف آن هیچ شکی به خود راه ندهید. دوم اینکه تا زمانی که زخم (معصومه صفری) بعد از آن در خانه بماند قیوم و سرپرست بچه هایم می باشد و هر چه دارم در اختیار اوست و اگر نخواهد در خانه من بماند بعد از آن پسر بزرگم (محمد) قیوم و سرپرست خانواده و بچه ها می باشد. و من به هیچ کس قرض ندارم و در ضمن یک حیاط هم دارم که متعلق به فرزندانم می باشد و اضافه بر اینکه زخم به اندازه یک سهم پسر از حیاط سهم دارد و باید به وی تعلق گیرد. دیگر عرضی نیست. توفیق همگان را از خداوند خواستارم.

به امید باز شدن راه کربلا و نابودی تمام مستکبران.
 خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی (عج)، خمینی را نگهدار
 سلیمان ابوالفتحی





شهید: خالد ایزز

تاریخ تولد: ۱۳۳۲

محل شهادت: سیلوانا

تاریخ شهادت: ۶۴/۰۲/۰۱

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید بسیجی شهید خالد ابیری در سال ۱۳۳۲ در روستای بند، از توابع شهرستان ارومیه به دنیا آمد. دوران کودکی را در همان روستا به سر برد و به علت عدم تمکن مالی از نعمت سواد محروم گردید.

بعد از انقلاب به مدت سه سال به عنوان جوانمرد در خدمت ژاندارمری بود و بعد از آن استعفا داد و به کارگری پرداخت.

مدتی بعد دوباره به عضویت بسیج مردمی درآمد و بعد از مدت یک ماه در عملیات پاکسازی منطقه سیلوانا، در تاریخ ۱۳۶۴/۲/۱ در رویارویی با عناصر ضدانقلاب به شهادت رسید.

روحش شاد و یادش گرامی باد.

در پایان اگر نتوانستید جنازه ام را به عقب بیاورید

آن را بر روی مین های دشمن بیندازید

تا اقلاً جنازه من کمکی به اسلام کرده باشد .

(متن پایانی وصیت نامه شهید محسن وزوایی)



شهید: اکبر احمدزاده

تاریخ تولد: ۱۳۴۵

محل شهادت: قلاویزان (مهران)

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۲۹

فرازی از زندگینامه شهید:

سرباز شهید اکبر احمدزاده در سال ۱۳۴۵ در روستای ممدکندی از توابع شهرستان ماکو، قدم به جهان هستی گذاشت. بعد از سپری نمودن دوران طفولیت، تا کلاس پنجم ابتدایی درس خواند و سپس ترک تحصیل نمود و به کارگری مشغول شد. او بعد از گذشت هفت سال به اتفاق خانواده اش به شهرستان ارومیه مهاجرت نمود. در این شهر به مانند سایر مردم زحمتکش برای امرار معاش به کار و تلاش پرداخت و با رسیدن به سن خدمت به کسوت سربازی ملبس گردید و برای حفظ میهن اسلامی و حراست از حدود و ثغور و نوامیس کشور، تلاش و مجاهدت نمود و عاقبت در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۲۹ در منطقه مهران، بر اثر اصابت ترکش گلوله تانک متجاوز بعثی، به کاروان شهیدان ملحق و عاشقانه به دیدار حق شتافت. روحش شاد و یادش گرامی باد.

خوشا آنانکه مردانه می میرند و تو ای عزیز!

خوب می دانی که تنها کسانی مردانه می میرند که مردانه

زیسته باشند...

(شهید سید مرتضی آوینی)



شهید: مختار احمدزاده علی شاهی

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: خرمشهر

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۸

فرازی از زندگینامه شهید:

پاسدار شهید مختار احمدزاده به سال ۱۳۴۱ در شهرستان ارومیه دیده به جهان گشود. بعد از گذراندن دوره ابتدائی در مدرسه شهید تازه قلعه، راهنمایی را در مدرسه مولوی به پایان برد. سپس به علت مردودی در دوره روزانه، در کلاس های شبانه ثبت نام کرد و روزها به کار در یک کارگاه مکانیکی پرداخت تا به سن سربازی رسید و به خدمت مقدس اعزام گردید.

فعالیت های انقلابی او به دوران نخستین روزهای شروع انقلاب اسلامی باز می گردد. او با شرکت در راهپیمایی ها و تظاهرات بعد از پیروزی انقلاب با حضور در پایگاه مسجد محل، دین خود را به انقلاب ادا می کرد.

از نظر اخلاقی، نسبت به افراد فامیل و خانواده خود بسیار صمیمی و مهربان بود و در انجام فرایض دینی سستی به خود راه نمی داد و دیگران را به انجام آن تشویق می نمود.

خدمت نظام وظیفه را به عنوان پاسدار مشمول به خدمت سپاه درآمد و در جبهه های مختلف نبرد حق علیه باطل مردانه جنگید و بارها زخمی شد، ولی پس از بهبودی دوباره در جبهه ها حضور می یافت و سرانجام، در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۸ در جبهه خونین شهر در راه آزادی و حفظ تمامیت ارضی و بازگردانیدن این منطقه به آغوش میهن اسلامی، بعد از رشادت ها و شجاعت های زیاد، بر اثر اصابت گلوله دشمن متجاوز به درجه رفیع شهادت نائل گردید. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: نورالدین احمدی کابرش

تاریخ تولد: ۱۳۴۴

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۲۸

فرازی از زندگینامه شهید:

مفقودالانر نورالدین احمدی در سال ۱۳۴۴ در روستای دوپرا از توابع ارومیه دیده به جهان گشود. دوران تحصیلات را تا پنجم ابتدایی ادامه داد. سپس ترک تحصیل نمود و برای امرار معاش و اداره زندگی به کارگری مشغول شد.

ایشان از همان دوران کودکی فردی شجاع، با ایمان، صبور و پر تلاش و انسانی متواضع و فروتن بود. با افراد فقیر نشست و برخاست می کرد و در حد امکان، برای آنها کمک نمود. امام(ره) را دوست می داشت و فرامینش را به جان پذیرا بود. امام(ره) را دوستدار فقرا و ضد ستمگران می شناخت. امید و آرزوهای زیادی برای انقلاب داشت.

وی برای حفظ و حراست از آرمان های باشکوه انقلاب، داوطلبانه به خدمت زیر پرچم اعزام شد و در جمع برادران سپاهی بر علیه دشمنان اسلام و میهن اسلامی به جهاد و مبارزه پرداخت. تا خون در بدن داشت دلیرانه جنگید و حماسه های باشکوه و پرافتخار از خود به یادگار نهاد و سرانجام در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۲۸ در منطقه عملیاتی حاج عمران، در اثر درگیری با نیروهای بعثی مفقودالانر گردید.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: حفظ اله احمر نیجالانی

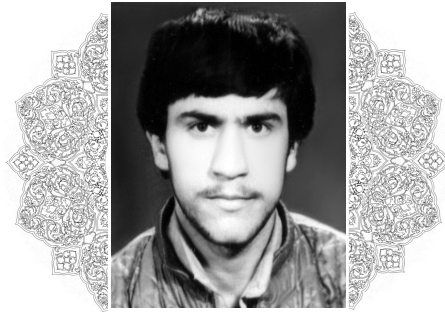
تاریخ تولد: ۱۳۰۵

محل شهادت: ارومیه

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۱۸

فرازی از زندگینامه شهید:

بسیجی شهید حفظا... احمدی در سال ۱۳۰۵ در شهر ارومیه متولد شد. از دوران کودکی به کار کشاورزی مشغول شد. به همان علت از نعمت سواد بی نصیب ماند. او مظهر یک کشاورز صدیق و پرکار بود. در راه رفاه خانواده خود او هیچ کوششی دریغ نمی کرد، به فرزندان و خانواده خود علاقه خاصی داشت. پایبند دین و مذهب بود. با شروع انقلاب اسلامی، به فرمان امام (ره) لبیک گفت و به صف مردم انقلابی پیوست و همگام با آنان در سرنوشتی رژیم شرکت جست. بعد از پیروزی انقلاب، جهت تحقق آرمانها و اهداف انقلاب، به صف پرتوان بسیجیان پیوست. در پایگاهها به حفظ و حراست از انقلاب مشغول گردید. سپس به مناطق مختلف اعزام شد. سرانجام در تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۸ در منطقه کردستان، در پایگاه خانگی، بر اثر انفجار مین، به درجه رفیع شهادت نایل گردید. روانش شاد، یادش گرامی.



شهید: علی ادریسی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷

محل شهادت: سلمچه

تاریخ شهادت: ۶۶/۰۲/۳۰

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید علی ادریسی به سال ۱۳۴۷ در شهرستان ارومیه، در یک خانواده متوسط دیده به جهان گشود. پس از طی دوران طفولیت تحصیلات خود را تا کلاس پنجم ابتدائی ادامه داد. سپس ترک تحصیل نمودند.

از نظر خصوصیات اخلاقی، فردی مؤمن و انقلابی بود و در راهپیمائی هایی که توسط مردم مسلمان و غیور و انقلابی صورت می گرفت شرکت می کرد و در مساجد در فعالیت های فرهنگی و تبلیغی حضوری فعالی داشت.

با آغاز جنگ تحمیلی عراق و اشتغال سرزمین اسلامیان توسط رژیم بعثی عراق، شهید علی ادریسی جهت انجام خدمت سربازی از طریق کمیته انقلاب اسلامی به مناطق عملیاتی اعزام شد و پس از هشت ماه حضور در جبهه های حق علیه باطل، در منطقه عملیاتی سلمچه در اثر اصابت ترکش خمپاره دشمن بعثی در تاریخ ۱۳۶۶/۲/۳۰ به درجه رفیع شهادت نایل گردید و در باغ رضوان ارومیه به خاک سپرده می شود. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: الهوردی استادگنجه

تاریخ تولد: ۱۳۴۳

محل شهادت: فاو

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۱۰

فرای از زندگینامه شهید:

شهید الهوردی استاد گنجه در سال ۱۳۴۳ در چهارگان، در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود. دوران تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را با موفقیت به پایان برد و با شروع جنگ تحمیلی از طریق سپاه عازم جبهه های نبرد حق علیه باطل گردید.

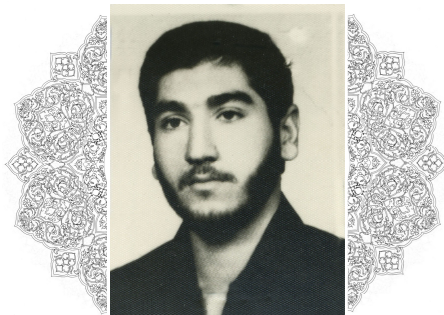
شهید فردی مؤمن و درستکار و معتقد به ولایت فقیه و نظام جمهوری اسلامی ایران بود و امام (ره) را بسیار دوست داشت. در ایام عاشورای حسینی به صورت گسترده و مشتاق شرکت می کرد.

شهید در جریان پیروزی انقلاب، در تمام راهپیمائی ها و تظاهرات مردمی حضور می یافت و به تهیه و توزیع اعلامیه های حضرت امام (ره) می پرداخت. با توجه به مسئولیت سنگینی که احساس می کرد در آگاه کردن مردم از مطالب رژیم شاه بسیار کوشا بود.

بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب، در ابعاد گسترده تر به فعالیت پرداخت و با حضور در جبهه های نبرد حق علیه باطل، خدمات ارزشمندی به اسلام و میهن اسلامی انجام داد. چندین بار به مناطق عملیاتی گوناگون اعزام شد و رشادتها و دلاوریها زیادی از خود نشان داد. طوری که، باعث تعجب فرماندهان و همزمانش شد.

شهید در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰۲ در منطقه عملیاتی فاو، در اثر اصابت ترکش خمپاره، شربت شهادت را گوارای وجودش کرد و به لقاء... پیوست.

"روحش شاد، یادش گرامی"



شهید: جعفر اسدیان

تاریخ تولد: ۱۳۴۲

محل شهادت: فاو

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۰۱

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید جعفر اسدیان در سال ۱۳۴۲ در شهرستان مهاباد در یک خانواده زحمتکش دیده به این دنیای زودگذر و فانی گشود. ولی هنوز سیراب از مهر مادر نشده بود که از نعمت مادر محروم گشت و شهید زیر دست نامادری بزرگ شد. وی تا کلاس سوم راهنمایی در زادگاهش به تحصیل پرداخت و بعد از پیروزی انقلاب با توجه به جو موجود کردستان را ترک گفت و به ارومیه عزیمت نمود.

جعفر تحصیلاتش را تا اخذ دیپلم تجربی، در دبیرستان دکتر علی شریعتی دنبال نمود. سپس به خدمت مقدس سربازی رفت و پس از پایان خدمتش وارد سپاه شد و در قسمت عملیات سپاه به فعالیت پرداخت. بعد از مدتی ازدواج کرد.

ایمان راسخی که به دین و انقلاب داشت و همچنین اخلاق پسندیده و نیکویش در بین خانواده از محبوبیت خاصی برخوردار بود.

علاقه خاصی که به امام حسین(ع) داشت، در مراسم عزاداری های تاسوعا و عاشورا در دستجات سینه زنی شرکت می کرد. همواره سر نماز دعا می نمود، خدایا جوانان ساده دل این آب و خاک را از گمراهی رهایی بخش و به راه راست هدایت بفرما. از بدو رسیدن به سن تکلیف همواره در طاعت معبودش بود و عاشقان خداوند چهره خیس و اشکبارش را در راز و نیاز کمیل و توسل به یاد دارند و دیوارهای اتاقش شاهد نایبهای شبانه اش و العفو گفتن بسیارش بودند.

در سال ۶۱ عازم خدمت سربازی شد و تمامی خدمت خود را در جبهه های کردستان مشغول نبرد با ابادی شیطان بزرگ بود. در سال ۶۳ با آشنا شدن با جو جبهه و پیدا نمودن مکان ایده آل از طریق بسیج عازم جبهه های جنوب شد و مشغول نبرد با صدامیان شد. زمانی که وارد سپاه شد به جبهه های فاو، منطقه عملیاتی والفجر ۹ و مناطق مختلف کردستان عزیمت کرد.



در اواسط سال ۱۳۶۴ ازدواج نمود و به عضویت سپاه پاسداران درآمد و از طریق واحد مهندسی رزمی قرارگاه حمزه سیدالشهدا در عملیات جاده سازی منطقه سهیم بود و در عملیات قادر و والفجر ۹ از ایثار و جانفشانی دریغ ننمود.

زمستان سال ۱۳۶۴ بود که می خواست به جبهه برود، به خانه آمد و از تک تک برادران و خواهران و پدر و مادرش حلالیت گرفت. دستمال پیشانی اش را که بر رویش نوشته شده بود عاشقان شهادت بر سر بست و با چهره ای که پوشیده از نور خدایی بود، در میان بدرقه اهل منزل از زیر قرآن گذشت و به سوی مسلخ عشق پر گشت.

پس از عملیات والفجر ۹ تقریباً پس از پنج روز استراحت در تاریخ ۶۴/۲/۲۴ همراه راهبان کریلا عازم منطقه فاو شد. در حالی که از ازدواجش فقط ۶ ماه می گذشت و از این مدت کوتاه بیش از ۴ ماه را در جبهه های نبرد حق علیه باطل گذرانده بود.

جعفر با وجود این که مرخصی داشت، ترجیح داد که به جبهه برود، لذا وقتی شنید به عده ای خط شکن نیاز است، پیش از سایرین داوطلبان وارد عملیات شد و در صف مقدم جای گرفت و به دنبال یک سری عملیات قهرمانانه به همراه عده ای از رزمندگان موفق به گرفتن قسمت اعظمی از منطقه شدند و شادمانانه خود را به سنگرهای دشمن که به تسخیر رزمندگان اسلام درآمده بودند، رساندند که در این لحظه گلوله ای ایشان را مجروح کرد و پس از قریب ۱۲ ساعت، بر اثر خونریزی شدید و عفونت در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۱ در عملیات والفجر ۸ در منطقه فاو، به درجه رفیع شهادت نایل گشت. مزار شهید در باغ رضوان ارومیه می باشد.

فرازی از وصیتنامه شهید:

بارالها چه نویسم در حالی که تو خود از درونم آگاهی. خدایا امر شده که وصیت نامه بنویسم. با چه روی نمی دانم. خدایا من کیستم و یا چیستم که برای آیندگان وصیت نامه نویسم. در حالی که آیندگان از ما بآکنند. برای چه کسانی توصیه کنم در حالی که خود سراپا غرق گناه و عصیان و عالم بی عمل هستم. خداوند تو هستی که به حول و قوه ات انگشتان بنده ات را حرکت می دهی تا آنچه را راضی توست روی کاغذ آورد. خدایا توفیق ده با اخلاص بنگارم.

خدایا، از تو پروردگارم خجالت می کشم که روزی بیاید در حالی که سراپا گناه و نافرمانی و نامه عملی بدون حسنه و عبادتهای مردود، سرافکنده و گریان در مقابل لرزان ایستاده ام و برای جرم و گناهم عذر و بهانه ای ندارم. در حالی که نعمتهایت را برابرم بشمارم و در عوض این همه نعمت از بنده ات جز گناه چیزی نبینی. بارالها از تو به خاطر عصیانم معذرت می خواهم و طلب عفو می کنم. طلب ذلیل و شرمنده، از سلطانی مقتدر و کریم و بی مانند.

خدایا، اگر آموزیده شوم، هنگامی که مستحق آموزشت باشد و از جرم بگذری و در حالی که سزاوار آن باشم. این امر از سزاواری بنده ات نیست. روی فضل و کرم توست.

خدایا تو را با زجرهای پیامبر اسلام و به درد دل حضرت علی (ع) در دل شب و به سینه سوراخ شده زهرار (ع) و به سر بریده حسین (ع) و به حضرت بقیه ا... (عج) قَسَمَت می دهم که از گناهان گذشته و آینده مان درگذری و پاکیزه و بدون حق الناس قبول مان کنی که طاقت شرمندگی مرگ و قیامت و آتش و غضب جهنم را نداریم. (یا ارحم ضعف بدنی)



سلام ای تنها منجی عالم بشریت، یابن الحسن. آقا جان، سلام ما را و سلام امام و امت امام را پذیرا باش و از ماها راضی باش و ما را روز قیامت نزد خداوند شفاعت کن. ای یوسف زهرا، از خداوند آرزوی تمجیل در ظهورت را خواستارم. امیدوارم ما را نیز به عنوان سربازی حقیر در لشکرت قبول کنی و از شهیدان در رکابت باشیم.

سلام ای امام عزیز، ای سجاد جماران، ای که ما را از منجلاب فساد قرن حاضر به حول قوه الهی نجات دادی.

سلام ای امید مستضعفان جهان، سلام ای ولی فقیه و نایب به حق امام زمان(عج)، سلام ای پیر طریقت و راهگشای اسلام و ای زنده کننده اسلام به انزوا کشیده شده، سلام خدای بر تو باد، دست خداوند و مدد امانان معصوم راه گشای راهت باد.

امام عزیز سلام ما را به آقا امام زمان(عج) برسان و برایمان از خداوند طلب بخشش و مغفرت کن و روز قیامت ما را پیش جدت رسول اکرم(ص) و امام حسین(عج) شفاعت کن. خداوند از عمر ما بردارد و بر عمر شریف شما بیفزاید. (آمین یا رب العالمین)

و شما ای امت شهیدپرور، درود و رحمت خداوند بر شما باد که پشتیبان انقلاب و رهبر هستید و امام را مانند اهل کوفه تنها نگذاشتید و پیرو او شدید و جگرگوشه هایتان را به فرمان او به سوی قتلگاه کربلای ایران فرستادید و چه بسا شهید و یا مفقود و یا مجروح و یا معلول دادید. درود بی پایان خداوندی بر چنین امت شهیدپرور و خانواده معظم شهدا و مفقودین.

هیچ وقت حتی تا لحظه مرگ امام را تنها نگذارید. مبدا قلب امام با سستی شما لحظه ای ناراحت و غمگین شود که اگر امام ناراحت بشود، امام حسین(ع) ناراحت می شود. مبدا، مبدا امام را تنها بگذارید و دیگر در راه خدا و اسلام از بذل جان و مال و فرزندان باک و ترسی نداشته باشید و تا آخرین قطره خون و تا آخرین لحظات با دشمن اسلام (آمریکا و شوروی و عمالش) مبارزه کنید و زیاد نگوئید خیلی شهید داده ایم، چون این قدر شهید می دهیم تا آقایان مهدی بیاید و از شما تقاضامندم در مراسم نماز جمعه و جماعات را و دعاها و کتب و توسل و مجالس ذکر مصیبت خاندان عصمت و طهارت و محافل یادبود شهدا را فراموش نکنید و با شرکتان آنها را یاد کنید. زیرا از این محافل انسان های لایق عروج می کنند.

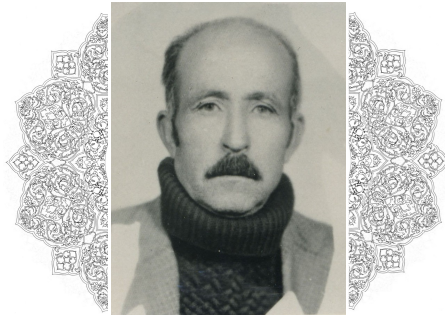
توصیه ام به شما خانواده عزیزم:

امروز هدف استکبار جهانی از بین بردن اسلام است. پس اگر زندگی راحتی دارید به برکت اسلام و خون شهیدان است. حالا اگر ناموسمان در امان است به خاطر دفاع فرزندان پاک اسلام است در جبهه ها. به هر حال از شما می خواهیم راه اسلام را دنبال کنید و حب دنیا زیاد در دلتان قرار نگیرد و برای آخرت خودتان توشه راه جمع کنید، تا در آخرت شرمنده نباشید و از روزی برسید که پدر از پسرش، زن از شوهرش و برادر از برادر فرار کند. امیدوارم که مرا حلال کنید و برایم طلب مغفرت از خداوند بکنید.

برادرانم این را بدانید که از برای فرار از مسؤولیت نگهداری شما به جبهه نرفته ام، بلکه برای کمک به دین اسلام رفتم تا در آینده در محیط اسلامی و پاک رشد نمایم و خوشبخت شوید و از شما می خواهم که اگر بزرگ شدید دنباله رو ولایت فقیه باشید و از اسلام منحرف نشوید.

نصر من ا... و فتح قریب- جعفر اسدیان- ۶۵/۱/۱۷

ا... اکبر، لا اله الا ا... محمد رسول ا... علی ولی ا... یا زهرا شفاعت



شهید: سیف اله اسماعیلی

تاریخ تولد: ۱۳۱۲

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۲۷

فرازی از زندگینامه شهید:

مفقودالانر سیف ... اسماعیلی به سال ۱۳۱۲ در روستای قهرمانلوی علیا، از توابع شهرستان ارومیه دیده به جهان گشود. پس از طی دوران طفولیت، به اتفاق خانواده به شغل کشاورزی مشغول شد و مدتی نیز، در همان روستا به شغل خرید و فروش گوسفند اشتغال داشت. سپس تشکیل خانواده داد و دارای هفت فرزند شد.

مفقودالانر سیف ... قبل از انقلاب همیشه در مساحد حضور به هم می رساند و در نماز جماعت شرکت نمود. بعد از انقلاب نیز به عنوان بسیجی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به خدمت مشغول بود.

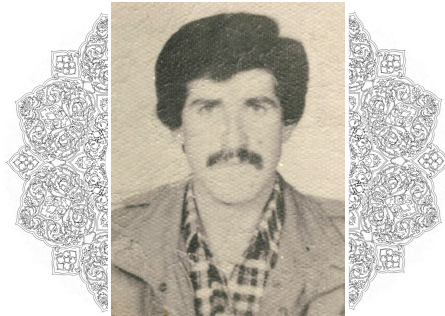
از نظر خصوصیات اخلاقی، فردی مؤمن و متدین بود. در مراسم عزاداری عاشورای حسینی شرمات فعال داشت.

بعد از جنگ تحمیلی عراق یک ماه قبل از اعزام، تمام فکر و ذکرش جبهه بود و تبلیغ می کرد که: ای بسیجیان، این مملکت مال ما ایرانی هاست. باید همه امت اسلامی در جنگ شرکت کنند و حافظ جان و مال و ناموس مردم ایران باشند. این دشمن زبون به هیچ احدی رحم نمی کند.

با این که سن زیادی از او گذشته بود، در منطقه حاج عمران مسئولین خیلی اصرار می کردند که در پشت جبهه به فعالیت بپردازد. ولی با اعتراض شدید می گفت: برای عاشق حسین(ع) مرگ یا خستگی معنایی ندارد. من برای جنگیدن آمده ام و باید هم بجنگم.

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۲۷ در عملیات حاج عمران، مفقودالانر گردید.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: لطیف افرسی

تاریخ تولد: ۱۳۴۲

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۳۱

فرازی از زندگینامه شهید:

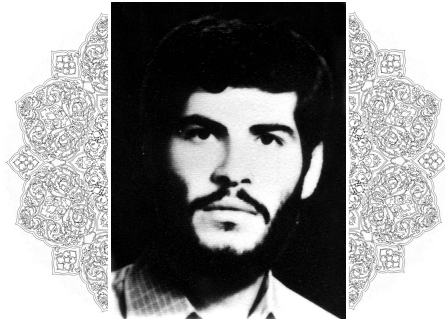
مفقودالثر لطیف افراسی در سال ۱۳۴۲ در روستای رزگه از توابع شهرستان ارومیه در خانواده ای زحمتکش چشم به دنیای فانی گشود. به قصد ارتقاء معلومات، وارد مدرسه گردید و دوران ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را یکی پس از دیگری با موفقیت سپری نمود.

در کنار تحصیل، در کارهای مزرعه به پدرش کمک می کرد و برای تأمین مخارج خانواده و مخارج تحصیلی خود زحمات زیادی می کشید. مفقود افراسی فردی مذهبی و معتقد به اسلام و انقلاب بود. وی با قرآن انیس بود و خواندن قرآن را بر همه دوستان تأکید و سفارش می کرد.

قبل از پیروزی انقلاب در تظاهرات ضد رژیم شرکت می کرد و در براندازی پایه های رژیم طاغوتی شاه نقش بسزایی داشت.

عشق و علاقه اش به اسلام و احساس مسؤولیت در مقابل مردم مسلمان باعث شد که بعد از مدرک دیپلم به عضویت سپاه پاسداران درآید. وی برای دفاع از مرزهای اسلامی و نابودی دشمن متجاوز یعنی به همراه دیگر رزمندگان اسلام عازم منطقه جنگی حاج عمران شد و بعد از دو ماه نبرد بی امان با خصم زبون، در مورخه ۱۳۶۵/۲/۳۱ در عملیات حاج عمران مفقود گردید.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: جواد امامعلی سبزی

تاریخ تولد: ۱۳۴۰

محل شهادت: فکه

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۰۲

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید شهید جواد امامعلی سبزی در سال ۱۳۴۰ در شهرستان ارومیه دیده به جهان گشود. در کودکی با توجه به سن کمش با معلومات و آگاه بود و علاقه وافری به کتابهای علمی و مذهبی داشت. در مجالس مذهبی و قرآنی حضوری مداوم داشت و از نماز جماعت مسجد غفلت نمی کرد. شهید جهت محو آثار فساد و فحشا بسیار تلاش می نمود و با تبلیغات و ارشاد جوانان را برای این منظور بسیج کرده بود تا در مسیری درست قدم بردارند. اعلامیه و نوارهای امام(ره) را که در دانشگاه از دوستان دانشجویش دریافت می کرد به مساجد برده و به اشخاص مورد اعتماد و فعال می رساند و خود از سازمان دهنده های حرکتهای انقلابی و تظاهرات در ارومیه بود. به آتش کشیدن سینما کریستال که مرکز فساد اخلاقی جوانان ارومیه شده بود با دستهای توانای این شهید صورت گرفت. وی پلاکاردهایی تهیه و شبانه بر روی درختان نصب می کرد و نیز کوکمل مولونف و بمب های دستی و سه راهی درست می نمود و در اختیار انقلابیون می گذاشت. بعد از شروع جنگ تحمیلی اولین مأموریتش به آبادان بود. سپس به اهواز و گیلانغرب و بعد به سومار و فکه رفت و سرانجام در تاریخ ۱۳۶۲/۲/۲ در منطقه عملیاتی جنوب کشور (فکه) در عملیات والفجر مقدماتی بر اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت رسید. شهید در زمینه های عکاسی و تهیه اسلاید و نویسندگی مهارت داشت و آثاری در این زمینه ها از ایشان باقی مانده است. وی مدتی را بخشداری صومای برادوست بود و زمانی نیز در سرو خدمت می کرد. کوهنوردی و ورزش مورد علاقه اش بود و در اوقات فراغت به این ورزش می پرداخت. روحش شاد و یادش گرامی باد.



فرازی از نوشته های شهید:

خدایا، ما را از عاشقان خمینی قرارده که بی عشق خمینی نتوان عاشق مهدی(عج) شد.

خدایا درخت ایمان ما را از آفت عجب و ریا مصون و در امان دار و میوه شیرین صبر را به ما بچشان.

ای صبور به ما صبری عنایت فرما که کوهها بر ما رشک برند و گاهایمان و دلهایمان در وقت مقابله با دشمن نلرزند. ای رحیم، ای مهربان، ای سرچشمه محبت و ای خدای رحمت بر ضعف و ناتوانی ما بنگر و کوله بار سنگین اثم و گناه را از دوش ما بگیر و آتش فروزان دوزخ را بر ما سرد کن. ای جبار، ای متکبر، ما بر تو رقیب نیستیم و گردنهای ما بر تو کشیده نیست. حلاوت خضوع و خشوع و ذلت را بر ما بچشان. ای خدا، ما را از کید دشمنان که همواره در کمین و تله گذاری و تور بافی اند، در امان دار و ما را در میدان رویارویی با جنود شیطان تنها مگذار. ای دوست ای عزیز قلب ما آماج تیرهای زهرآگین و عمودهای آهنین شیطان است که حساب شده و نشانه روی شده و با گزائی بسیار دقیق پرتاب می شوند آخرین رمقهای حیات را از قلب پاره پاره ما که پررو و سمج می تپد بگیر. ای خدا، ای عطاگر، ای دهنده، می دانی که به چه محتاجم به پایی که نلرزد و به قلبی که نایستد و به چشمی که ترسد به عقلی که نماند و به صبری که نبرد و در نهایت به ایمانی که بماند. خدایا نور بصیرت را در چشمانم منور گردان تا آنچه را عوام نمی بینند ببینم. خدایا، تو گریه و تضرع را به من عطا فرما و از رحمت خود چشمه های خشکیده چشمانم را پر از آب کن و قساوت و سنگدلی را از قلبم بردای و خمشمت و خضوع را چنان بر قلبم بیافکن که به یاد تو بلرزد و به نام تو بتپد. خدایا، ای خدا، گذشته از این قافیه ها و کلمات تا کی باید اسیر شیطان باشم تا کی باید آمده مردن نباشم. آخر دستهای خالی است. خدایا، شیطان آنچه را به زنجیرم کشیده است که تکان نمی توانم بخورم. عبادتهایم را نیز به نام خودش ثبت می کند. خدایا، تا کی باید این هیكل گنده بجنبم و وول بخورم و بلولد. خدایا، کی می خواهد آدم بشود. کی آدمش می کنی. خدایا، این چشمهایم پدرم را درآوردند. یا کورشان کن یا اشک و بصیرت به اینان ببخشی.

ساعت ۴:۱۵ صبح ۶۱/۱۱/۹

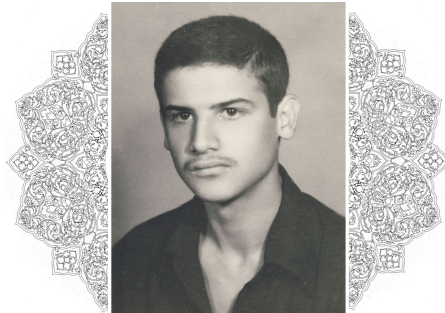


درددل جواد

دیروز با خودم نشستیم بودیم و دو تایی صحبت می کردیم. خدا هم می شنید. راستش اصلش می خواستیم با او حرف بزنیم، ولی رویمان نمی شد. وسط تپه ها بودیم. کمی دورتر از قرارگاه، عصر بود. باد هم می وزید. باران هم در دوردستها می بارید. اطراف را نگاه کردم. دیدم کسی غیر از خودم نیست. جرأتی به خود داده رویم را به طرف خدا گرفتم و یواش یواش سر صحبت را باز کردم. گفتم خدایا، زمین و زمان را تو خالق، هستی از توست نور از توست. سرچشمه تمامی خوبیها و ارزشها تویی وجود را تو (بودن) بخشیده ای و هستی داده ای. تو اینقدر مهربانی که اصلاً در درون جمجمه من نمی گنجد. اینقدر به من نعمت داده ای که اگر از اول عمرم تا حال برایت سجده شکر می کردم باز کم بود. منت گذاشته ای و انسانم خلق کرده ای. اصلاً منت گذاشته ای و خلقم کرده ای. منت گذاشته ای و مسلمانم کرده ای. از آن بالاتر منت شیعه بودن و محبت آل علی(ع) و ائمه معصومین را بر دلم نشانده ای عشق به حسین(ع) را در قلبم ریخته ای و توفیق بیعت با خیمینی برایم عطا فرموده ای. خدایا تو به من توفیق دادی تا به بیعتم تاکنون وفادار بمانم. خدایا با اینکه نتوانستم حتی ذره ای شکر این نعمتهایت را به جا آورم. خدایا، توفیق داده ای میثاقم را نشکسته ام. نعمت رزمنده بودن برایم مرحمت کرده ای. ولی خدایا، یک چیز بسیار اساسی کم دارم. خدایا، اگر این را ندهی ان یکپا را هم نمی خواهم. یعنی واقعاً به دردم نخواهند خورد و آن هم (اخلاص) ساکت شدم. سرخ شدم، خجالت کشیدم. آخه مگر خدا بخیل است (استغفر...) که به من ندهد. مگر ممکن است. امکان ندارد. از جود و بخشش خدا به دور است. فوری یادم افتاد آخر خدایا اخلاص را هم آفتی بزرگ هست. این را دیگر نمی توانم درمان کنم. شیطان ملعون آنچنان در قلبم جایش می دهد که خود نیز متوجه نمی شوم. عجب، این بلای خانمانسوز این اژدهای خطرناکی که «خلوص» را نجویده می بلعد. یکبار دیگر اطراف را پائیدم پشت سرم را هم نگاه کردم دیدم کسی نیست. داشت یادم می رفت که «خودم» پهلویم نشسته بود و لبانش را می جوید. به یادم انداخت راست می گفت. قرار گذاشته بود که این را هم نجوا بکنیم. راستی خدا، از ارسطو پرسیدند پیری چیست؟ گفت ابری که بیماری از آن می بارد. این نفس ما هم ابری است که گناه و کثافت و عیب و ایراد از آن می بارد. جلو گیر را می گیری حسد می آید، جلو آن را می گیری ریا، غرور، عجب، خودپسندی، از خود راضی بودن، غفلت از یاد تو، گناههای پی در پی و بزرگ.

این شیطان ملعون هم پیچیده ترین و پیشرفته ترین سیستم اطلاعاتی را دارد و بدترین ضربه ها را می زند. قسم خورده است که همه ما را اغوا کند مگر خالصان را آن چیزی هم که ما نداریم خلوص است و اگر ذره ای داریم «عجب» و «ریا» فوری می خشکاند. خدایا، آنت تعلم حاجتی. با این حساب به همه چیز نیاز داریم و غیر از تو هم از کسی چیزی نمی خواهیم.





شهید: رضا امجدی

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

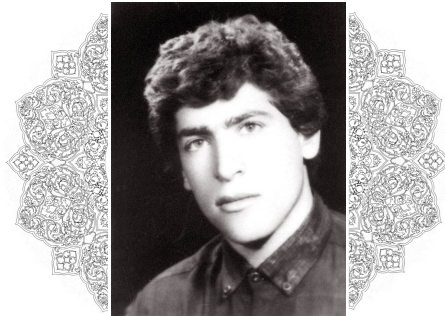
محل شهادت: جفیر

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۲۴

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید رضا امجدی در سال ۱۳۴۱ در یک خانواده متدین و کم‌درآمد در شهرستان ارومیه متولد شد و دوران کودکی را با مهر و محبت و بسیار گرم خانواده سپری کرد و مدرسه ابتدائی را در مدرسه ۱۶ آذر به اتمام برد و سپس در مدرسه راهنمایی امیری این دوره را تمام کرد و دوره دبیرستان را نیز در هنرستان توحید به اتمام رساند. سپس داوطلبانه به خدمت سربازی اعزام گردید و شهید دارای اخلاق نیک و والایی بود و به والدینش در کارهای خانه کمک می‌کرد و بسیار نمازخوان و متدین بود و در مساجد حاضر می‌شد و در اوایل انقلاب در مساجد نگهبانی می‌دادند و به خاطر علاقه‌ای که به کشور داشت و احساس خطری که به دین اسلام و ملت خویش می‌نمود خیلی زود عازم مناطق جنگی شد و به طور کلی بسیار مخالف با دشمنان اسلام و کشور بود.

همیشه توصیه می‌کرد که از مقام معظم رهبری اطاعت کنید و در راه اسلام و مملکت کوشا باشید. شهید در تاریخ ۶۱/۲/۲۴ در اثر ترکش توپ دشمنان اسلام و صدامیان در منطقه جفیر (هویزه) به فیض شهادت نایل آمدند. روحش شاد و راهش مستدام باد.



شهید: کریم امید باراندوزی

تاریخ تولد: ۱۳۴۵

محل شهادت: ترگور

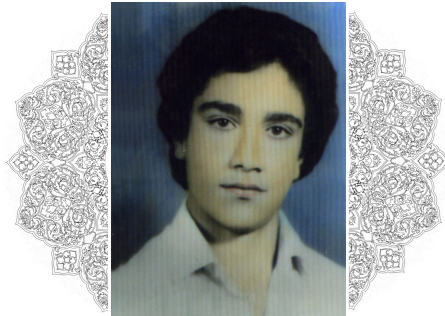
تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۱۸

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید کریم امید باراندوزی در سال ۱۳۴۵ در روستای باراندوز، از توابع شهرستان ارومیه متولد شد. او از خانواده ای متوسط و کشاورز بود. به علت گرفتاری زندگی نتوانست ادامه تحصیل دهد.

شهید باراندوزی قبل از انقلاب محصل بود و در مدرسه به نفع انقلاب فعالیت می کرد. در روزهای اوج پیروزی انقلاب، اعلامیه های حضرت امام (ره) را توزیع می کرد. علاقه به امام امت و انقلاب و ولایت فقیه او را به طرف گروه ضربت بسیج کشاند و همه خدمتش را در منطقه عملیات کردستان و در عملیات پاکسازی منطقه سپری نمود.

تا اینکه سرانجام در سال ۱۳۶۲/۲/۱۸ در عملیات کردستان در منطقه خانقاه سرخ، در اثر انفجار مین دشمن، به درجه رفیع شهادت نائل گردید. روانش شاد، یادش گرامی باد.



شهید: اسماعیل امیراحمدی

تاریخ تولد:

محل شهادت: فاو

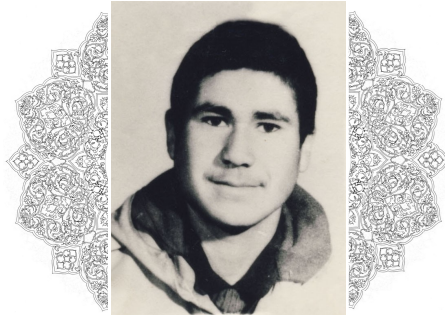
تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۱۹

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید اسماعیل امیراحمدی در سال ۱۳۴۷/۴/۲ در چهره گان شهرستان شبستر از شهرهای آذربایجان شرقی در یک خانواده شیعه مذهب و کارگر متولد شد. او در ۵ سالگی پدرش را از دست داد. بعد خانواده ایشان به شهرستان ارومیه منتقل می شوند. او در شهرستان ارومیه به تحصیلات خود تا پنجم ابتدایی ادامه داد. بعد از آن مدتی به شاگردی قنادی مشغول شد و بعد به تهران رفت. در آن جا نیز به مدت ۵/۱ سال به شاگردی خود ادامه داد و سپس به علت علاقه به اسلام و انقلاب به عضویت بسیج سپاه پاسداران درآمد و مشغول آموزش نظامی در یگان سپاه پاسداران شد و بعد از اتمام دوره مذکور در کردستان و به جبهه جنوب اعزام و در منطقه عملیاتی فاو وارد مبارزه با دشمن متجاوز گردید.

او قبل از انقلاب در تظاهرات و راهپیمایی ها شرکت می کرد و بعد از انقلاب عاشق خدمت در یگان مردمی بسیج گردید و به همین خاطر هم جذب یگان فوق شد. شهید به فرامین امام(ره) گوش فرا می داد. اعتقاد کامل به ولایت فقیه داشته و خدمت به این نظام را خدمت به خدا می دانست.

او در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۱۹ در عملیات والفجر ۸ که در منطقه فاو عاشقانه به مبارزه پرداخته بود. بر اثر اصابت ترکش جان به جان آفرین تسلیم کرده و به درجه رفیع شهادت نایل می گردد. مزار او در باغ رضوان شهرستان ارومیه قرار گرفته است. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: معراج امیری آق گنبد

تاریخ تولد: ۱۳۴۶

محل شهادت: مهران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۲۷

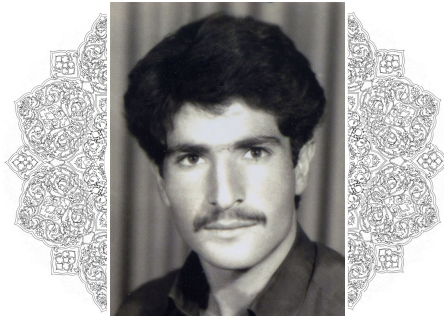
فرازی از زندگینامه شهید:

شهید معراج امیری در سال ۱۳۴۶ در یک خانواده مسلمان و مذهبی چشم به جهان گشود. پدر و مادری دلسوز و بی سواد به لطف و عنایت خداوند متعال طوری به تربیت و پرورش روحیه مذهبی و دینی این عزیز توجه کرده بودند که از همان دوران کودکی احساس مسئولیت و بزرگواری در ایشان به چشم می خورد. تا کلاس چهارم ابتدایی مشغول به تحصیل شد، ولی به علت مشکلات مالی ترک تحصیل نمود و به کارگری پرداخت. تا اینکه بتواند از این طریق کمکی به خانواده خود بکند و خدمتی به پدر و مادر بنماید. بالاخره وقت خدمت سربازی فرارسید و او با قلبی پاک و صداقتی بی پایان برای خدمت به مملکت و میهن اسلامی به سربازی اعزام شد و بعد از چهار ماه خدمت در منطقه مهران مفقودالاندر گردید.

از خصوصیات بارز شهید اعتقاد کامل به ولایت فقیه و نظام مقدس جمهوری اسلامی بود. شهید در خاطراتش این چنین بیان داشته: بعد از شهادت من برای عزاداری و گریه و زاری نکند و برای من لباس عزا نپوشید و بدانید که شهادت در راه خدا افتخار بزرگی است و نصیب هر کسی نمی شود.

ایشان در دوران حضور در جبهه نیز همیشه تأکید می کرد: شهید شدن در راه خدا مانند نوشیدن شربت است که هر کسی لذت آن را نمی تواند درک بکند. بلکه کسانی که در راه خداوند متعال قدم برمی دارند و جهاد می کنند ارزش این شربت را می فهمند.

ایشان از وفاداران به اسلام و انقلاب بود و سرانجام در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۲۷ به آرزوی دیرینه اش رسید و جان به جان آفرین تسلیم کرد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: محی الدین ابوبیان

تاریخ تولد: ۱۳۴۳

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۳۱

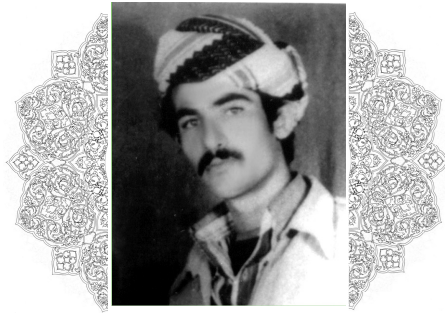
فرازی از زندگینامه شهید:

شهید محی الدین ابوبیان فرزند عسگر در سال ۱۳۴۳ در روستای کورانه (موانا) از محال ترگور از توابع شهرستان ارومیه متولد شد. دوره ابتدایی خود را در دبستان ابتدایی موانا به پایان رسانده بود.

شهید در پاییز سال ۶۳ ازدواج کرد و حاصل ازدواج یک دختر به نام خزال می باشد. شهید مردی خوش اخلاق و متدین و نسبت به خانواده و همسایگان و اقوام مهربان و رثوف بود. در ایام جوانی بیشتر به کارهای کشاورزی و دامداری مشغول بود. معتقد به ولایت فقیه و مرجع تقلید رهبر بوده است.

شهید در سال ۶۴ برای خدمت مقدس سربازی خود، ارگان سپاه را انتخاب کرده و مشغول خدمت شد. از عمده عوامل مؤثر برای اعزام ایشان به جبهه، دفاع از خاک و دین و جمهوری اسلامی ایران بود. در سال ۶۵ در منطقه حاج عمران مفقودالانر شد و در تاریخ ۱۳۶۷/۶/۱۲ جنازه وی در منطقه شناسایی شده و به روستای موانا انتقال یافت.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: بیجان آذری پور

تاریخ تولد: ۱۳۳۶

محل شهادت: سرو

تاریخ شهادت: ۶۳/۰۲/۲۳

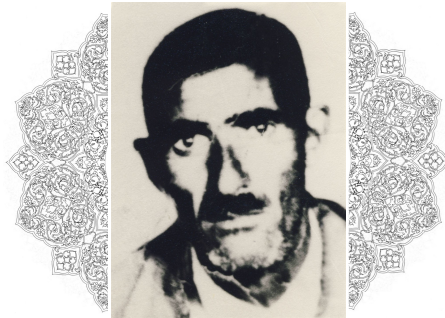
فرازی از زندگینامه شهید:

شهید بیجان آذری پور در سال ۱۳۳۶ در روستای تولی از محال ترگور، در شهرستان ارومیه دیده به جهان گشود. او در روستای محل سکونت خود تا کلاس سوم ابتدائی درس خواند. بعد به علت اینکه باید کمکی برای خانواده خود انجام میداد به کار کشاورزی پرداخت.

بعد از مدتی ازدواج نمود و عضو فعال بسیج عشایری منطقه سیلوانا شد. او همواره با نیروهای ژاندارمری و سپاه پاسداران در سرکوب عمال ضدانقلاب شرور همکاری داشت. سرانجام در تاریخ ۶۳/۲/۲۳ در حین پاکسازی منطقه، سهواً مورد اصابت گلوله نیروهای ژاندارمری قرار گرفت و در روستای خانیک به شهادت رسید. روحش شاد و یادش گرامی باد.

حضرت آیت ا... العظمی خامنه ای:

دشمن را باید شناخت، جبهه‌ی دشمن را باید شناخت، لبخند دشمن را نباید جدی گرفت، نباید فریفته‌ی آن شد، هدف را نباید فراموش کرد؛ هدف جمهوری اسلامی عبارت است از رسیدن به آرمانهای اسلام، یعنی سعادت مادی و معنوی بشر.



شهید: محمد آبکار

تاریخ تولد: ۱۳۰۵

محل شهادت: روستای حماملر

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۳۱

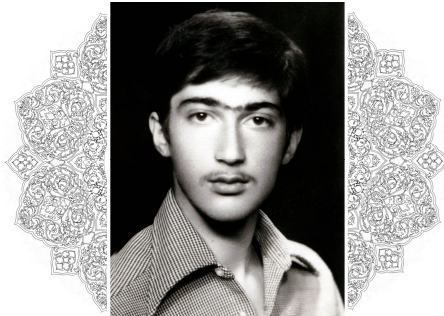
فرازی از زندگینامه شهید:

شهید محمد آبکار در سال ۱۳۰۵ در یک خانواده متوسط و کشاورز در روستای بچه جیک، در محال صومای برادوست از توابع شهرستان ارومیه به دنیا آمد .
به علت امکانات فرهنگی و آموزشی تحصیل ننمود و مشغول کارگری در روستا شد.
حدود شش سال قبل از شهادت از روستای هسپستان به روستای حماملر نقل مکان کرد و در تاریخ ۱۳۶۲/۲/۳۱ وقتی که با مینی بوس عازم روستا بود با مین برخورد کرد و به همراه چند نفر به شهادت رسید.
روحش شاد.

مَنْ مَاتَ وَ مِرَاثُهُ الدَّفَائِرُ وَ الْحَايِرُ،
وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ.

پیامبر اکرم (صل ا. علیه و آله و سلم):

**هر کس از جهان برود، و از او دفتر
(و نوشته های سودمند علمی و اخلاقی و دینی)،
و قلم و کاغذ باقی بماند، جای او
قطعا در بهشت است.**



شهید: یعقوب بانی فطین

تاریخ تولد: ۱۳۴۴

محل شهادت: مجنون

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۰۹

فرازی از زندگینامه شهید:

مفقودالانر یعقوب بانی فطینی در سال ۱۳۴۴ در شهرستان ارومیه، در خانواده‌ای متدین دیده به جهان گشود. تا کلاس سوم دبیرستان تحصیل نمود.

قبل از پیروزی انقلاب به علت کمی سن نتوانسته بود فعالیت داشته باشد، ولی بعد از پیروزی انقلاب در پایگاه مسجد محل ثبت نام نمود و مشغول فعالیت در جهت حفظ دستاوردهای انقلاب شد.

بارها از سوی بسیج، در جبهه‌های کردستان برای انجام ماموریت اعزام شده بود و همیشه در کلیه مراسم انقلاب، اعم از راهپیمایی‌ها و تظاهرات و تشییع جنازه‌ها شرکت می‌نمود.

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۱۷ در عملیات پیروزمندانه خیبر، در جزیره مجنون مفقودالانر شد.

شهید، فردی کاملاً معتقد و مکتبی بود و اعتقاد داشت که اسلام با نهضت حسینی زنده مانده است و در وصیت نامه خود نیز به این مسئله اشاره نموده است.
روحش شاد و راهش پر رهرو باد.



شهید: ایوب بایرامی قزل حاجین

تاریخ تولد: ۱۳۴۶

محل شهادت: پیرانشهر

تاریخ شهادت: ۶۸/۰۲/۲۰

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید ایوب بایرامی در سال ۱۳۴۶ در روستای یلقون آباد از توابع شهرستان ارومیه متولد شد و تا کلاس پنجم ابتدایی تحصیل نمود. سپس ترک تحصیل کرد و تا زمان اعزام به خدمت سربازی به مدت پنج سال در همان روستا به کار کشاورزی و کمک به پدر مشغول گردید.

در سال ۱۳۶۷ جهت انجام خدمت نظام وظیفه وارد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد و به مدت یک سال در مناطق مختلف به دفاع از میهن اسلامی مشغول بود.

او از نظر اعتقادی، فردی مؤمن و معتقد به اسلام بود. در روزهای عاشورای حسینی در مساجد و تکایا به نوحه خوانی و سینه زنی می پرداخت. علاقه زیادی به امام خمینی(ره) داشت، به طوری که اغلب سخنرانی های ایشان را از رادیو و تلویزیون با جان و دل گوش می داد.

در تاریخ ۱۳۶۸/۲/۲۰ در منطقه عملیاتی پیرانشهر در حین درگیری با دشمن بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: بهرام بختیاری

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: غرب کارون

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۰

فرازی از زندگینامه شهید:

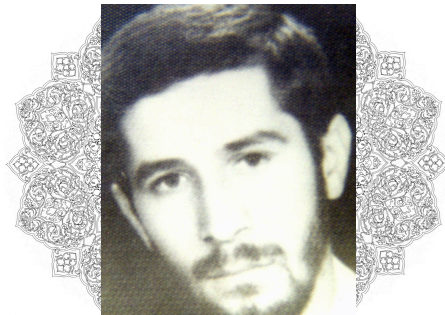
سرباز شهید بهرام بختیاری در سال ۱۳۴۱ در روستای خانقاه سرخ از توابع شهرستان ارومیه به دنیا آمد و بعد از طی دوره طفولیت، تحصیلات خود را تا اخذ مدرک دیپلم با موفقیت به پایان رسانید. در دوران تحصیلات اغلب روزها و اوقات خود را با کار و تلاش پر می کرد و بعد از اتمام تحصیلات به خدمت مقدس سربازی اعزام گردید و به مدت یک سال در جبهه ها مردانه جنگید.

او جوانی متدین و معتقد به دین و مذهب بود، به طوری که در محافل و مجالس مذهبی حضور می یافت و در ایام عزاداری ماه محرم در مراسم آن شرکت می نمود و انسانی باعاطفه و صمیمی بود. به افراد خانواده خود عشق و علاقه خاص نشان می داد. در بیشتر عملیات ها در خطوط مقدم جبهه با سخت ترین شرایط به دفاع از میهن اسلامی می پرداخت. در یکی از نامه های خود وضع جبهه را چنین توصیف کرده:

دیگر امکان سالم ماندن من به هیچ وجه مقدور نیست، چون که شب ها از ساعت ۸ پانزده نفری به گشتی می رفتیم که فاصله ما با عراقی ها در حدود ۳۰۰ متر بود و ما عراقی ها را کاملاً می دیدیم و آنها هم ما را مرتب می کوبیدند. تمام گلوله هایشان کالیبر ۵۰ یا ۷۵ یا خمپاره ۱۲۰ بود.

وی سرانجام در سال ۱۳۶۱ در عملیات افتخارآفرین فتح خرمشهر رخت از این جهان خاکی بریست و به فیض عظمای شهادت نائل آمد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: احد بختیاری سرور

تاریخ تولد: ۱۳۴۴

محل شهادت: الواتان

تاریخ شهادت: ۶۹/۰۲/۳۰

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید احد بختیاری در سال ۱۳۴۴ در ارومیه متولد شد. پس از طی دوره تحصیلات ابتدایی و راهنمایی به کسوت مقدس پاسداری درآمد و در عملیتهای مختلفی از آغاز جنگ تحمیلی و شرارت ایدای استکبار داخلی شرکت نمود.

شهید قبل از انقلاب در تظاهرات و راهپیمائیهایی علیه رژیم منفور پهلوی و همچنین در مجالس عزاداری شرکت فعال داشت و تا دم آخر عمر نیز در راه به ثمر رسیدن اهداف انقلاب و سربلندی میهن اسلامی می کوشید. شهید متأهل و دارای یک فرزند دختر بود.

شهید عضو پاسداران پایگاه توحید بود که داوطلبانه به جبهه سردشت عزیمت نمود و پس از هشت سال خدمت در جبهه ها، در عملیات بیت المقدس در منطقه آلباتان سردشت در تاریخ ۱۳۶۹/۲/۳۰ به دست عناصر خودفروخته، شربت شهادت نوشید و در جوار دیگر شهدای باغ رضوان ارومیه آرامید. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: مظفر بهبودی

تاریخ تولد: ۱۳۲۷

محل شهادت: خرمشهر

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۰

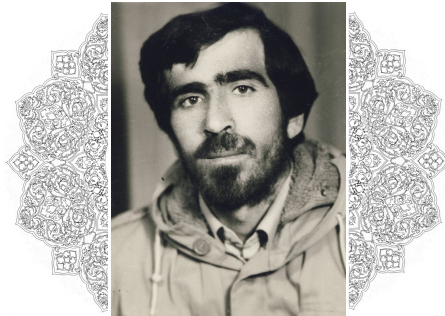
فرازی از زندگینامه شهید:

شهید مظفر بهبودی در سال ۱۳۲۷ در روستای کوت، از توابع شهرستان ماکو متولد شد.

تحصیلات خود را تا سطح دیپلم متوسطه ادامه داد و سپس وارد خدمت در ارتش شد. در راهپیمایی‌ها و تظاهرات دوران انقلاب، بر علیه رژیم طاغوت شرکت داشت و از همان اوان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، در کنار سایر رزمندگان جان بر کف، در جبهه‌های نبرد حضوری فعال داشت. عشق و علاقه او برای دفاع از خاک میهن اسلامی به حدی بود، که وقتی پایش به علت شکستگی، در گج بود، با همان وضع علی رغم ممانعت همسرش به جبهه رفت.

زمانی که از عملیات فتح‌المبین برمی‌گشت، بسیار خوشحال بود و می‌گفت: ما پیروز می‌شویم. در این نبرد هر سرباز ایرانی، چندین نفر از عراقی‌ها را کشت. وی در سال ۱۳۶۱/۲/۱۰ در عملیات بیت‌المقدس، در درگیری با نیروهای عراقی، به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

روحش شاد و راهش پر دوام باد.



شهید: قنبر یمال گوجاری

تاریخ تولد: ۱۳۴۹

محل شهادت: سیلوانا

تاریخ شهادت: ۶۴/۰۲/۰۸

فرازی از زندگینامه شهید:

بسجی شهید قنبر یمال گوجاری به سال ۱۳۴۹ در روستای کهریز از توابع بخش ارومیه دیده به جهان گشود. در همان روستا نشو و نما یافت و به علت عدم امکانات از نعمت سواد بی بهره ماند. او که با درد و رنج و فقر روستائیان منطقه آشنایی داشت، خیلی زود پیام انقلاب را دریافت و از همان ابتدا در تظاهرات شرکت فعال نمود. هر وقت فرصت می یافت، در صحنه های انقلابی و مراسم مذهبی حضور پیدا می کرد. از نظر اخلاقی و اعتقادی سرباز راستین انقلاب و مطیع و گوش به فرمان امام (ره) بود و به علت همین علاقه و اشتیاق به عضویت بسیج مردمی درآمد و مدت ۲ سال بی وقفه در راه تثبیت و تحقق اهداف انقلاب در مناطق مختلف به مجاهدت پرداخت. سرانجام در تاریخ ۱۳۶۴/۲/۸ در منطقه سیلوانا در عملیات پاکسازی به کمین ضدانقلاب افتاد و در روستای دوله به سان به فیض عظیم شهادت نایل آمد. شهید گرانقدر قبل از شهادت در منطقه عملیاتی نازلو بر اثر تیراندازی عوامل مشکوک از ناحیه پا معلول شده بود، ولی با این حال همچنان در خدمت انقلاب بود. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: رحیم بیناتی (نیری جوان)

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: ام الرصاص

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۰۳

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید رحیم بیناتی فرزند خانواده مؤمن و متدینی بود که در سال ۱۳۴۱ در ارومیه پا به دنیا نهاد. تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه خاقانی، مقطع راهنمایی تحصیلی را در مدرسه بهار و سال های متوسطه را در دبیرستان شهید مصطفی خمینی گذراند و موفق شد دیپلم خود را در رشته ریاضی - فیزیک با معدل خوبی اخذ نماید.

قبل از پیروزی انقلاب، در راهپیمایی ها و بخش اعلامیه فعالیت گسترده ای داشته است و چه شبها که به اتفاق دوستان خود بیدار می ماند و به فعالیت های مذهبی مشغول می شد. پس از پیروزی انقلاب در بخش پذیرش و ارزیابی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مدت ۴ سال خدمت کرد، ولی در طی همین اوقات در آزادی خرمشهر و سنجندج نیز در کنار رزمندگان می جنگید و در عملیات فتح المبین شرکت داشت.

ادامه تحصیل در حوزه، فکر او را شدیداً مشغول داشته بود، لذا رحیم تصمیم خود را گرفت، به حوزه علمیه قم رفت و در حوزه رسول اکرم(ص) به تحصیل علوم دینی پرداخت. سه سال در حوزه بود. لکن، در خلال این مدت از جبهه هم غافل نبود و حین تحصیل بارها در جمع رزمندگان جبهه ها حضور یافت.

رحیم در خانواده و در اجتماع جوانی مهربان و صمیمی بود و با برادران و خواهرانش به عطف و رفتار می کرد. او خاضع، فروتن و عابد بود. به طوری که نیمه های شب به نماز می ایستاد و از ائمه اطهار(ع) برای خود طلب شهادت می کرد و آرزو داشت که به این فیض عظمی نایل آید. زیرا می دانست که زندگی دنیا جز لهو و لعب چیزی نیست و عمر فانی و گذراست. لکن زندگی آخرت پایدار و جاوید می باشد و لهذا سعی داشت که در زندگی ناپایدار این جهان بهره ای برای آخرت خود تدارک

بیند و چه نعمتی بالاتر از فیض شهادت می توانست روح والایش را اقناع کند؟
دو برادر شهید نیز که با افکار و عقاید او همسو و موافق بودند و آنان نیز می خواستند به همان منزلی
بروند که برادر بزرگترشان عزم سفر به آنجا را داشت.
دعاهای رحیم مستجاب شد و نه تنها خودش مقفودالتر گردید، بلکه دو برادر دیگرش نیز یکی شهید
و دیگری مانند خودش مقفودالتر شد.
درود به خانواده های معظمی که چنین قربانی هائی تقدیم انقلاب کرده است. یاد شهید رحیم و
برادران غیرتمندش گرامی باد.

فرازی از نوشته های شهید:

امیدوارم روز به روز در جهت نزدیکی به خداوند موفق و مؤید باشید و هر روز بهتر از روز قبل بتوانید.
تکالیف الهی خود را بهتر انجام دهید، زیرا که حقیقت هست که هر کس که دو روزش باهم مساوی
باشد مؤمن نیست، پس ما باید هر روز سعی کنیم بهتر از روز قبل باشیم، چه از نظر اخلاق، چه از نظر
اطلاعت و عبادت و چه از نظر کارهای روزمره.
انشاء... که در کارهایتان موفق باشید. سلام بنده را از راه دور و از جبهه نبرد حق علیه باطل بپذیرید،
حال که توفیق یارمان شده و در جبهه حضور پیدا کرده ایم امیدوارم که دعاهای شما در پشت جبهه
ها یارمان باشد تا بتوانیم در نبرد بر علیه دشمن بعضی به پیروزی نهایی برسیم و راه بسته شده کربلای
حسینی را به روی چشمان در انتظار خانواده شهداء و مقفودین باز کنیم و همه باهم به سوی دیار
عاشقان سرازیر شویم.

والسلام علیکم و رحمت ا...
رحیم بینائی





شهید: علاءالدین باز

تاریخ تولد: ۱۳۴۴

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۰۳

فرازی از زندگینامه شهید:

نوشتن بیوگرافی و زندگینامه های چنین انسان هایی به طوری که بتواند کلیه زوایای وجودی و اخلاقی آنها را ترسیم نماید کاری دشوار و شاید غیر ممکن است، زیرا چگونه می توان انسانی را وصف نمود که به قیمت عزیزترین سرمایه اش یعنی جانش، بر بالنده ترین آرمان ها و آرزوهای انسانی گرامی می دهد و این است که با قلم ضعیف خویش بر، برجسته ترین خصوصیات اخلاقی و مهمترین حوادث زندگی این پیرو راستین مکتب محمدی(ص) اشاره ای گذرا و کوتاه می شود.

مفقود علاء الدین باز در سال ۱۳۴۴ در روستای دوبره چشم به جهان گشود. در ۷ سالگی وارد مدرسه گردید و توانست دوره ابتدایی را در همان روستا با موفقیت به پایان برساند. سپس ترک تحصیل نمود و به کارگری و کشاورزی در روستا مشغول شد. او برای امرار و معاش خانواده فقیرش زحمات طاقت فرسا می کشید.

ایشان قبل از پیروزی انقلاب در تظاهرات ضد رژیم شاهنشاهی شرکت می نمود، در مجالس مذهبی و انقلابی حضور فعال داشت. اعتقاد کامل به امام و انقلاب داشت و به آرمان های انقلاب ارزش زیادی قایل بود.

مفقودالاثر علاءالدین باز، بعد از ازدواج و تشکیل خانواده لباس مقدس سربازی را به تن نمود و برای مقابله با دشمن زخم خورده متجاوزان عراقی به همراه دیگر سربازان امام زمان(عج) به میدان های نبرد اعزام گردید و در یگان سپاه پاسداران مشغول انجام وظیفه شد.

او سرانجام بعد از هشت ماه نبرد بی امان در مورخه ۱۳۶۵/۲/۳ به هنگام درگیری با خصم زبون در منطقه عملیاتی حاج عمران مفقود گردید.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: حسین باشایی گمچی

تاریخ تولد: ۱۳۱۵

محل شهادت: دره قاسملو

تاریخ شهادت: ۵۹/۰۲/۱۷

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید حسین باشایی گمچی در سال ۱۳۱۵ در روستای گمچی متولد شده و در همان‌جا زندگی می‌کرد و حدود ۱۸ سال قبل به ارومیه مراجعت نموده بود و بعد از پیروزی انقلاب وارد کمیته مرکزی شده بود و در درگیری با حزب دمکرات در دره قاسملو زخمی و به گروگان برده می‌شود و بعداً توسط همان حزب به شهادت می‌رسد. قبل از انقلاب فعالیت چشمگیری نداشت و بعد از انقلاب در کمیته مرکزی بسیار فعالیت کرد و از جمله اینکه در تظاهرات و راهپیمایی و نمازهای جماعت شرکت داشت.

بسیار خوش اخلاق و مهربان بود و همیشه برای پیروزی انقلاب دعا می‌کرد و سلامتی امام راحل و به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی بسیار معتقد بود و همیشه در مراسمات اربعین حسینی و عاشورای حسینی شرکت داشت.

جهت مبارزه با دشمنان و ایجاد امنیت و آسایش مردم کشورمان و دفاع از خاک وطن اسلامی خود را فدای دین و کشور اسلامی نمود.

او که همیشه آرزوی شهادت داشت سرانجام در مورخ ۵۹/۲/۱۷ در دره قاسملو به شهادت رسید.

روحش شاهد و روانش آسوده.



شهید: محمدعلی تقی پور حصار

تاریخ تولد: ۱۳۱۶

محل شهادت: جنوب کشور

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۳۰

فرازی از زندگینامه شهید:

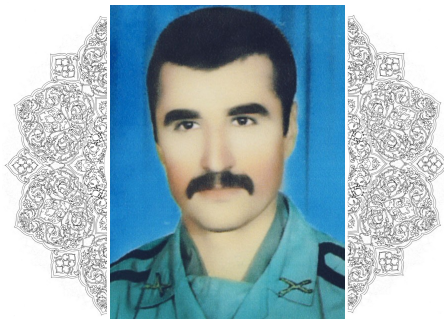
شهید گرانقدر محمدعلی تقی پور حصار در سال ۱۳۱۶ در روستای تپه ترکمان از توابع شهرستان ارومیه متولد شد. زندگی ساده روستایی تواضع خاصی به او بخشیده بود. به طوری که همیشه شکرگزار خدا بود و از اطاعت و عبادت پروردگار هیچ وقت غافل نمی شد و پایبند به اعتقادات بود و نماز و روزه اش ترک نمی شد.

در جریان انقلاب عشق و علاقه خاصی به انقلاب و امام خمینی پیدا کرد و با اشتیاق بعد از پیروزی انقلاب به خدمت سپاه پاسداران درآمد و از همان اوایل انقلاب به حفظ دستاوردهای انقلاب و مقابله با عناصر ضدانقلاب درآمد و بیشتر عمر خود را در جبهه های نبرد سپری نمود.

او از عاشقان راستین و پرورش یافتگان مکتب حسین(ع) بود. به طوری که در ایام عاشورای حسینی شور و حالی پیدا می کرد و پا برهنه و تشنه و گرسنه به سینه زنی می پرداخت و در بزرگداشت نهضت حسینی تلاش می نمود. همین عشق و ارادت به حماسه سازان کربلا شور و اشتیاق زیادی در رفتن به جبهه ها در او ایجاد می کرد و در پرخطرترین عملیات با روحیه بالا شرکت می کرد.

خاطرات زیادی از جبهه در سینه اش دارد که در هنگام مرخصی ها برای فرزندان خود تعریف می کرد.

سرانجام در جریان جنگ بر اثر ترکش توپ در منطقه خرم آباد به فیض شهادت نایل گشت. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: خانلار تیو

تاریخ تولد: ۱۳۴۸

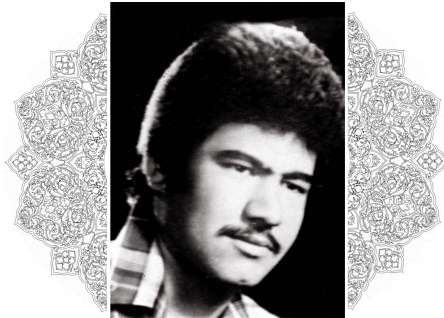
محل شهادت: قطور

تاریخ شهادت: ۶۹/۰۲/۰۴

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید خانلار تیو در سال ۱۳۴۸ در روستای مونه متولد شد. دوران تحصیلات ابتدایی را با موفقیت به اتمام رساند و سپس در کنار خانواده‌اش به شغل کشاورزی پرداخت تا از این راه در امرار معاش خانواده سهمی داشته باشد. او با همتی بالا سرگرم تلاش و فعالیت بود. هرگز از کار خستگی به دل راه نمی داد. از سحرگاهان تا غروب آفتاب در مزارع مشغول کار بود. شهید معتقد بود که کار جوهر مرد است و مرد نباید خود را از کار کردن و تولید کنار بکشد، زیرا که کار و تولید مملکت را بیمه می کند. در رعایت شئون اسلامی بسیار دقیق و نسبت به خانواده بسیار مهربان بود و برای تربیت کودکان اهمیت زیادی قائل می شد. شهید در سال ۱۳۶۵ ازدواج نمود که ثمره ازدواجش سه فرزند (یک دختر و دو پسر) می باشد. با وجود محبت خانواده و فرزند، به خاطر عشق به میهن اسلامی و دفاع از عزت و شرف انسانی و اعتقاد به نظام مقدس جمهوری اسلامی و حمایت از آرمانهای بلند رهبری سر به آستانه خدمت مقدس سربازی نهاد و به عنوان سرباز اسلام و ایران مشغول خدمت شد. با وجود اینکه می دانست فرزندانش در فراق پدر چه می کنند، ولی هرگز به وظیفه مقدس خود پشت نکرد. او مؤمنی وارسته بود. اعتقادی محکم و صبری کم نظیر داشت. فرزند اسلام و انقلاب بود. چنانکاران و میهن فروشان را به شدت مذمت می نمود و آرزو داشت میهن اسلامی از دست کفار و مشرکین رها شود.

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۹/۲/۴ در اثر درگیری با قاچاقچیان در منطقه قطور، هدف تیر خناسان و خفاشان خورشیدگریز قرار گرفت و از مرزبانی دین و میهن اسلامی محروم شد و روح بلندش به ملکوت اعلی پرواز کرد و به مقام بلند شهادت نائل گشت. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: رضا جارجلوی هاشمی

تاریخ تولد: ۱۳۳۹

محل شهادت: تپه های الله اکبر (پیرانشهر)

تاریخ شهادت: ۶۰/۰۲/۳۱

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید رضا جارجلوی هاشمی در سال ۱۳۳۹ در شهرستان ارومیه در یک خانواده مذهبی و زحمتکش چشم به جهان گشود. وی تا کلاس سوم راهنمایی درس خواند. ولی بعداً به علت عدم تمکن مالی نتوانسته به تحصیلات خود ادامه دهد، لذا به استخدام درجه داری ارتش درآمد و در شهرهای تهران، شیراز و سایر مناطق کشور خدمت کرد.

با شروع انقلاب اسلامی، وی فعالیت خود را علیه رژیم طاغوتی بیشتر کرده و به همراه سایر ارتشیان به صفوف سپاه اسلام درآمد و علناً مخالفت خود را از رژیم ستمشاهی ابراز می دارند.

از خصوصیات بارز شهید در ماه های محرم و رمضان تهجد در مساجد می باشد که با سینه زنی و زنجیرزنی یاد شهدای کربلا را زنده می کنند. مناتت خاصی که در چهره اش هویدا بود، مجذوبیت خاصی به وی می بخشید. هرگز نماز و روزه اش قضا نمی شد و برای دستگیری از محرومان همیشه پیشقدم بود. در آخرین دیداری که با خانواده داشتند ابراز می دارند که: (من هدف خود را یافته ام و با این هدفم به جبهه می روم) لذا به آرزوی خود که رسیدن به شهادت بود رسیده و به سوی جبهه ها می شتابد. ایشان بارها در مناطق جنگی شرکت فعالانه داشتند به طوری که موقعی در جبهه ۴۸ ساعت در محاصره دشمن قرار گرفته بودند. ولی با روحیه خدایستدانه و مبارزه طلبی که داشتند به صورت معجزه آسایی از تیررس دشمن یعنی به دور می مانند و شبانه خود را نجات می دهند. سرانجام در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۳۱ در حین پدافند، از منطقه عملیاتی ل.اکبر بر اثر ترکش توپخانه دشمن یعنی عراق، به شهادت می رسند. مزار شهید در باغ رضوان ارومیه می باشد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: جعفر جعفرپور

تاریخ تولد: ۱۳۴۲

محل شهادت: پایگاه ایوالان (سردشت)

تاریخ شهادت: ۶۳/۰۲/۲۳

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید جعفر جعفرپور به سال ۱۳۴۲ در شهرستان ارومیه، در یک خانواده متوسط دیده به جهان گشود. پس از طی دوران طفولیت، تحصیلات خود را تا کلاس سوم راهنمایی ادامه داده و به عنوان امدادگر به جبهه عزیمت نمود. بعد از آن به خدمت مقدس سربازی اعزام گردید.

شهید در طول مدتی که در جبهه به صورت امدادگر مشغول خدمت بود، دچار موج گرفتگی خمپاره شد. لذا جهت درمان ابتدا به ارومیه، سپس به تبریز انتقال یافت و بعد از بهبودی دوباره عازم جبهه شد.

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۳/۲/۱۷ در منطقه سردشت، پاسگاه دیوالان، در درگیری با ضدانقلابیون (کومله و دمکرات) زخمی شد و سپس به درجه رفیع شهادت نایل گردید.

روحش شاد.



شهید: اباذر جلال زاده

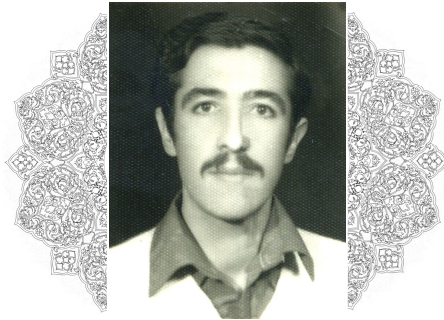
تاریخ تولد: ۱۳۲۹

محل شهادت: پیرانشهر

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۰۹

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید اباذر جلال زاده در سال ۱۳۲۹ در روستای علی ملک شهرستان نقده متولد شد و دوران کودکی خود را در آغوش گرم خانواده سپری نموده در سن ۷ سالگی پا به محیط مدرسه گذاشت. تا دوم ابتدائی در شهرستان نقده تحصیل نمود و سپس به لحاظ مشکلات مالی خانوادگی ناچار به شهرستان پیرانشهر مهاجرت و در آنجا تا کلاس ششم قدیم تحصیل و جهت کمک به اقتصاد خانواده به مدت پنج سال در عکاسی کار کرد و بعد به خدمت سربازی اعزام و بعد از دو سال خدمت را تمام و تشکیل خانواده نمود و بعد از ازدواج مشغول به کار بود که انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام(ره) به وقوع پیوست. شهید جلال زاده در تمامی صحنه های انقلاب و راهپیمائی ها و تظاهرات مردمی و انهدام مراکز فساد و فعالیت عناصر رژیم حضور فعال داشت و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم در اداره بهداری و بهزیستی (طرح شهید رجائی) شهرستان پیرانشهر مشغول به کار شد و در جهت کمک به مردم ستمدیده و محروم مناطق کردنشین و مبارزه با عناصر پلید ضدانقلاب تلاش و فعالیت صادقانه ای داشت به طوری که وقتی وضعیت شهر پیرانشهر جهت خدمت از طرف ضدانقلاب ناامن گردید، ایشان بلافاصله به نیروهای افتخاری مردمی در مبارزه با ضدانقلاب پیوست و در اکثر درگیری های منطقه و شهرستان نقده حضور فعال داشت و بعد از تأمین امنیت شهرستان پیرانشهر در محل کار خویش حاضر و در خدمت به مردم محروم منطقه و انقلاب از هیچ کوششی دریغ ننمود تا اینکه در مأموریتی که جهت رساندن خواروبار و مایحتاج روستاهای پاکسازی شده از لوث وجود ضدانقلاب به روستای لیگن شهرستان پیرانشهر داشتند به تاریخ ۶۲/۲/۹ در مسیر ده بر اثر برخورد با مین کار گذاشته شده توسط عناصر ملحد ضدانقلاب به اتفاق دو نفر از همزمانش به درجه رفیع شهادت نائل آمد و پیکر پاکش در جوار شهیدان گلگون کفن نقده به خاک آرامید. روحش شاد.



شهید: حسن حاجی زاده

تاریخ تولد: ۱۳۴۰

محل شهادت: فاو

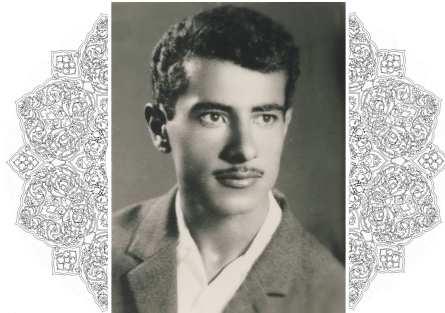
تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۰۹

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید حسن حاجی زاده به سال ۱۳۴۰ در قریه جبارلوی سیه چشمه از توابع شهرستان ماکو چشم به جهان گشود. تا کلاس اول راهنمایی ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۵۵ به اتفاق خانواده اش به شهرستان ارومیه مهاجرت نمود.

بعد از یک سال تحصیل در ارومیه ترک تحصیل کرد و در سن ۱۸ سالگی به خدمت مقدس سربازی اعزام شد. بعد از اتمام سربازی، در بسیج مشغول کار گشت. سپس به شیشه بری پرداخت. وی به صورت داوطلب به جبهه های جنگ حق علیه باطل رفت و همیشه آرزو می کرد که یکی از شهدای انقلاب اسلامی باشد.

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۹ در منطقه عملیاتی فاو، در والفجر ۸ به آرزوی دیرینه اش رسید و خونین بال به دیدار معبود شتافت. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: نادعلی حاجی نصیری

تاریخ تولد: ۱۳۲۱

محل شهادت: ارومیه

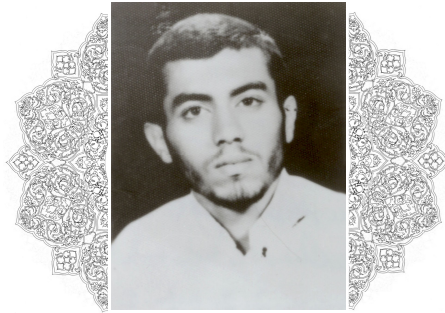
تاریخ شهادت: ۶۳/۰۲/۲۷

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید نادعلی حاجی نصیری در سال ۱۳۲۱ در شهرستان ارومیه متولد شد. بعد از طی دوران کودکی به تحصیل پرداخت و تا کلاس سوم دبیرستان ادامه تحصیل داد و سپس ترک تحصیل نمود و به خدمت مقدس سربازی اعزام گردید. از نظر اعتقادی معتقد به ولایت فقیه و جمهوری اسلامی بود و در حوادث و راهپیمایی های قبل از انقلاب پا به پای مردم در به ثمر رساندن آن تلاش نمود. بعدها به عنوان راننده با شهربانی همکاری نمود و سرانجام در تاریخ ۱۳۶۳/۲/۲۷ در محل روستای امام کندهی انزل به ضرب گلوله ضدانقلاب به شهادت رسید. یادش گرامی.

صفات منتظران

امام صادق علیه السلام فرمودند:
کسی که می خواهد جزء یاران حضرت مهدی (عج) قرار گیرد باید منتظر باشد و با ورع و تقوا عمل کند و اعمالش با اخلاق نیکو توأم گردد که همانا او منتظر است.
مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ، وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مُحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ.
بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۱۴۰



شهید: صمد حاجیلو

تاریخ تولد: ۱۳۴۶

محل شهادت: فاو

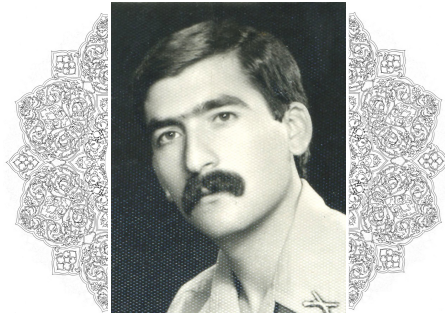
تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۰۹

فرازی از زندگینامه شهید:

بسیجی شهید صمد حاجیلو در سال ۱۳۴۶ در روستای گوگ تپه از توابع شهرستان ارومیه متولد گردید. بعد از گذراندن دوران کودکی به تحصیل پرداخت. دوره ابتدائی را در دبستان شهید حسن پور همان روستا و دوره راهنمایی را در مدرسه اسلامی به پایان برد و دوران متوسطه را در هنرستان توحید مشغول تحصیل شد. در سال آخر هنرستان داوطلبانه به جبهه های حق علیه باطل اعزام شد و به مدت ۴۵ روز صادقانه و جان بر کف در سختترین عملیات جنگی شرکت نمود. او نیز به مانند هزاران جوان غیرتمند ایرانی با شروع انقلاب پیام آن را دریافت و به صف پرجوش و خروش انقلاب پیوست و در برچیدن بساط ظلم و ستم شاهی تلاش نمود.

بعد از پیروزی انقلاب همچنان در خط حمایت از انقلاب باقی ماند و با شرکت در انجمن های اسلامی مدارس و پایگاه مسجد محل فعالیت های چشمگیری در راه انقلاب انجام داد.

سرانجام در تاریخ ۱۳۴۵/۲/۹ در منطقه فاو در عملیات والفجر ۸ در حین مقابله با دشمن یعنی به درجه رفیع شهادت نایل آمد و خونین بال به دیدار معبود شتافت. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: عوض حداد طلاطیه

تاریخ تولد: ۱۳۳۷

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۳۰

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید عوض حداد طلاطیه در سال ۱۳۳۷ در روستای طلاطیه از توابع ارومیه متولد شد. دوران ابتدائی و راهنمائی را در همان روستا طی کرد و برای ادامه تحصیل راهی شهر شد.

به لحاظ عدم تمکن مالی ترک تحصیل کرد و وارد ارتش گردید.

او فردی مؤمن به انقلاب با نگرشی آگاهانه بود و معتقد بود دشمنان اسلام و قرآن باید از بین بروند و همه باید در راه انقلاب بکوشند.

روحیه بسیار قوی او، عشق به اسلام و قرآن و شهادت او را به جبهه های جنگ کشانید و پس از خدمات ارزنده عاقبت در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۳۰ در منطقه حاج عمران به شهادت رسید.

از این شهید دو پسر و یک دختر به یادگار مانده است.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: امام علی حسن پور تپراق قلعه

تاریخ تولد: ۱۳۴۵

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۲۰

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید امامعلی حسن پور در سال ۱۳۴۵ در روستای توپراق قلعه ارومیه به دنیا آمد. دوران کودکی را سپری نمود و سپس در همان روستا به تحصیل مشغول شد، اما به علت عدم تمکن مالی خانواده و عدم توجه ایشان به وضع تحصیلی او، ترک تحصیل نمود و بعد از آن در کنار پدر و برادر بزرگش به کار مشغول گشت.

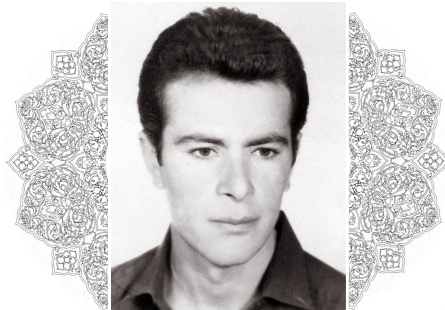
او در سن ۱۵ سالگی در بسیج ثبت نام و مشغول کار و خدمت به میهن اسلامی شد. وی قبل از انقلاب با وجود سن کم همراه با برادرش در راهپیمایی ها شرکت داشت. بعد از انقلاب نیز در صف بسیجیان قرار گرفت. ایشان نسبت به اسلام و انقلاب اسلامی و نسبت به امام خمینی (ره) عشق می ورزید و اغلب در کلاس های قرآن شرکت می نمود. او شهادت را مایه افتخار می دانست، به همین خاطر قصد عزیمت به جبهه جنگ را کرد.

قبل از رفتن به منطقه پیش مادرش آمد و گفت: «من نباید بیش از این درنگ کنم. در حالی که برادرانم در جبهه هستند و دشمن خانه ما را اشغال کرده، من باید هر چه زودتر به یاری برادرانم بشتابم که وقت تنگ است.» این جملات را گفت و از مادرش خداحافظی کرد.

وی مدت دو سال در جبهه های اهواز، هورسین، مهاباد، سیلوانا، زیوه و حاج عمران با دشمنان جنگید. از خاطرات این عزیز در جبهه یکی این بود که پیوسته پرچم ا. اکبر را به دست می گرفت و تکبیرگویان به سوی دشمن حمله ور می شد. به طوری که همزمان او به شجاعت و دلیری او غبطه می خوردند.

جنگ کردن در جبهه را بر ماندن در خانه ترجیح می داد و به دوستان و آشنایان توصیه می کرد که مبادا از جنگیدن با دشمنان غافل باشید و آنان را در اعزام شدن به جبهه تشویق می نمود. هر لحظه در عملیات برای رسیدن به هدف خود که همان شهادت بود لحظه شماری می کرد.

سرانجام پس از دو سال جنگ با دشمنان در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۲۰ در منطقه حاج عمران در یک عملیات برون مرزی مفقودالثر شد. هزاران سلام و درود خدا بر روح پاک امامعلی و دیگر شهدای انقلاب اسلامی باد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: بایرامعلی حسن زاده

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: حسینیہ ترازه

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۰۹

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید بایرامعلی حسن زاده در سال ۱۳۴۱ در شهرستان ماکو در خانواده ای مستضعف متولد شد. تا کلاس سوم راهنمائی به تحصیل پرداخت و به سبب عدم تکمیل مالی پدر ترک تحصیل نموده و به کار و فعالیت پرداخت تا در امورات معیشت زندگی یاور پدر باشد. فردی زرنگ و سبکبال بود و در بین دوستان و اهل محل به چابکی مشهور بود. به کوهنوردی علاقه خاصی داشت. با وجود اینکه هیچ گونه آموزشی هم ندیده بود در صعود به قله های مرتفع و صعب العبور از نمونه ها بود که نمونه ای از دست نوشته های ایشان در کوه قیه ماکو به یادگار مانده است.

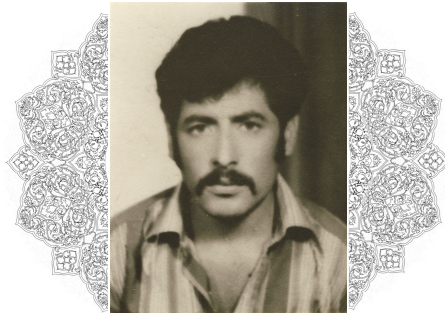
قبل از انقلاب محصل و در سنگر مدرسه فعال و در پخش اعلامیه های امام در اوج گیری انقلاب نقش مهمی داشت و نیز در شعار نویسی دیوارها علیه رژیم سفاک پهلوی مهارت خاصی داشت. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی فعالیت خود را در پایگاه های بسیج در صفوف محکم بسیجیان آغاز نموده و با شروع جنگ تحمیلی سه بار هر بار سه ماه در عملیات های مختلف شرکت نمود.

ایشان به جهت علاقه خاص به امام امت و مسائل دینی و مذهبی دفاع از خاک پاک میهن اسلامی را یک وظیفه شرعی و قانونی می دانست و آن وظیفه هر فرد ایرانی به شمار می آورد و می گفت جبهه برای من مدرسه عشق است.

شهید بنا به قول برادر بزرگوارشان یک بار از جبهه به مرخصی آمده بودند که از رادیو شروع عملیات جدید را شنیدند. بلافاصله پدر و اهل خانواده را توجیه نموده و بدون استفاده کامل از مرخصی به یاری برادران خود در جبهه شتافت.

به اظهار همزمانش آن شهید دلاور و رشید اکثر اوقات بعد از غروب آفتاب ناپدید می شد و پس از مدتی با همراه خود اسیر عراقی می آورد یا قسمتی از مهمات آنان را به غنیمت می آورد.

شهید بایرامعلی را هم چنان که دوستان و همزمان به سبکبالی و گرّه گشایی و چابکی یاد می کنند همچنان سبکبال و بی ادعا در تاریخ ۶۱/۲/۹ در عملیات بیت المقدس در شلمچه بر اثر اصابت ترکش به سوی معشوق خود پر کشید و جان بر سر پیمان نهاد. روحش شاد.



شهید: زلفعلی حسنی توبوز آبادی

تاریخ تولد: ۱۳۳۶

محل شهادت: پل قویون

تاریخ شهادت: ۵۹/۰۲/۱۳

فرازی از زندگینامه شهید:

پاسدار شهید زلفعلی حسنی در سال ۱۳۳۶ در روستای بالانج از توابع شهرستان ارومیه در یک خانواده مستضعف ولی معتقد به اسلام دیده به جهان گشود. بعد از طی دوران کودکی به تحصیل پرداخت ولی به علت مشکلات مالی و محرومیت نتوانست بعد از دوره ابتدائی به تحصیل ادامه دهد و بعد از ترک تحصیل در همان روستا و همراه خانواده به کار مشغول گردید تا به خدمت سربازی فرا خوانده شد که بعد از ترخیص از خدمت در اوایل انقلاب ازدواج نمود ولی صاحب فرزند نشد.

در جریان انقلاب با مردم همگام شد و بعد از پیروزی انقلاب جزو کسانی بودند که پاسگاه ژاندارمری بالانج را تحویل گرفتند و شبانه روز به حفظ و حراست از آن مشغول شدند و به فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر تشکیل سپاه پاسداران لیبک گفته و در اولین روزهای تشکیل آن به خدمت این ارگان درآمد. شهید عاشقانه به انقلاب خدمت می کرد و مرتباً این جمله را که من عاشقانه به میدان آمده ام زیر لب زمزمه می کرد. سرانجام در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۱۳ در محل پاسگاه پل قویون ارومیه در حین درگیری با عناصر حزب منحله دمکرات به مقام رفیع شهادت دست یافت. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: بهرام حسنی داتقرالو

تاریخ تولد: ۱۳۴۶

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۳۱

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید مفقودالانر بهرام حسنی در سال ۱۳۴۶ در ارومیه متولد شد و تحصیلات خود را تا کلاس سوم راهنمایی ادامه داد. در اوایل پیروزی انقلاب از نعمت وجود پدر محروم گردید و تحت سرپرستی مادرش بزرگ شد.

او دارای سه خواهر و دو برادر بود که همگی آنها ازدواج کرده بودند. شهید حسنی از همان دوران پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی عشق و علاقه خود را به امام راحل و انقلاب اسلامی به عینه نشان داد و در تمام راهپیمائی ها و تظاهرات بر علیه رژیم طاغوت شرکت نمود.

پس از پیروزی انقلاب و نیز بر حسب وظیفه اسلامی و انقلابی خود، به دفاع از کشور اسلامی خود در برابر تهاجمات دشمن یعنی برخاست تا اینکه در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۳۱ در منطقه عملیاتی حاج عمران بر اثر درگیری با دشمن یعنی عراق مفقودالانر گردید. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: داود حسین پور

تاریخ تولد: ۱۳۴۳

محل شهادت: مجنون

تاریخ شهادت: ۶۳/۰۲/۰۷

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید داود حسین پور در سال ۱۳۴۳ در شهرستان مرنند، در یک خانواده متوسط دیده به جهان گشود. حدود یک سال بعد از تولد به شهرستان ارومیه عزیمت نمود. تحصیلات خود را تا کلاس سوم متوسطه ادامه داد و چند سالی به شغل کارگری مشغول شد.

شهید داود حسین پور در راهپیماییهای باشکوهی که توسط مردم مسلمان و انقلابی صورت می گرفت، شرکت می نمود و فردی مؤمن و انقلابی بود و به تمام احکام و فرائض دینی عمل می نمود. اخلاقش در میان اعضای خانواده و دوستان الگو و نمونه بود. از طرفی علاقه شدیدی به رهبر انقلاب داشت.

با آغاز جنگ تحمیلی عراق، برای انجام خدمت سربازی عازم جبهه های حق علیه باطل گشت تا مرزهای کشورمان را از دست متجاوزان عراقی رها ساخته و امنیت و آسایش را به مملکت اسلامیمان بازگرداند.

سرانجام پس از رشادتهای فراوان در جبهه ها در تاریخ ۱۳۶۳/۲/۷ در منطقه عملیاتی جزایر مجنون، در اثر اصابت ترکش دشمن بعثی عراق به درجه رفیع شهادت نایل گشت.

یادش گرامی باد.



شهید: غلامرضا حسین پور

تاریخ تولد: ۱۳۴۴

محل شهادت: شرفانی

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۲۱

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید غلامرضا حسین پور در سال ۱۳۴۴ در شهرستان ارومیه در یک خانواده متوسط به دنیا آمد.

تا سوم راهنمایی تحصیل نمود و سپس جهت کمک به خانواده مشغول کار شد. تا اینکه در سال ۱۳۶۴ به خدمت سربازی اعزام گردید و در لشکر ۵۸ رزمی بروجرد گروه ۴۱۱ مشغول خدمت شد. هر بار داوطلبانه به خط مقدم می رفت و در مین گذاری و مین جمع کنی فعالیت می نمود تا اینکه در عملیات عین خوش شرفانی به شهادت رسید.

او فردی معتقد به اسلام و ولایت فقیه و دوستدار امام راحل بود و از اعمال ضدانقلاب سخت ناراحت بود و همواره آنان را نفرین می کرد و شهادت را افتخار و باعث پیروزی اسلام می دانست و خود در این راه بسیار تلاش کرد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: فخرالدین حسین پور

تاریخ تولد: ۱۳۴۴

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۳۱

فرازی از زندگینامه شهید:

برادر مفقودالانتر فخرالدین حسین پور در سال ۱۳۴۴ در روستای ماوانه از محال ترگور از توابع شهرستان ارومیه در یک خانواده روستایی متولد شد. او دارای مذهب تسنن و همراه با پدرش به کارگری مشغول بود. ایشان تحصیل نکرده و به علت عیالوار بودن خانواده مجبور بود در تأمین معاش خانواده کمکی برای پدرش باشد.

او در تظاهرات ضد طاغوتی شرکت می نمود و از اخلاق بسیار خوبی برخوردار بود و به فرمایشات امام راحل توجه خاصی داشتند.

او وقتی که به سن سربازی رسید عاشقانه به خدمت اعزام گردید به طوری که پدر و مادر مفقود از اعزام او به سربازی و به جبهه های حق علیه باطل اظهار بی اطلاعی می کنند. چرا که عقیده داشت اکنون همه باید بدون مشورت و بدون تأخیر در جبهه ها حضور داشته باشند، چون کشور عزیزمان مورد تهاجم قرار گرفته. او در مناطق عملیاتی حاج عمران رشادت های بسیار از خود نشان داده بود. او از طرف یگان خدمتی خود یعنی سپاه پاسداران به منطقه عملیاتی مجدداً اعزام شده بود و در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۳۱ مفقود می گردد.

از خداوند بزرگ عاجزانه درخواست می نمائیم هر چه روتر خودش یا پیکر مطهرش را به خانواده اش برگرداند. انشاء...
روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: درویشعلی حسینی

تاریخ تولد: ۱۳۳۶

محل شهادت: سرو

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۲۶

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید درویشعلی حسینی در سال ۱۳۳۶ در روستای گجین از توابع شهرستان ارومیه در یک خانواده سنی مذهب دیده به جهان گشود. تحصیلات خود را تا دیپلم در ارومیه به پایان رسانید. سپس وارد دانشکده افسری شد و بعد از اخذ مدرک لیسانس در ژاندارمری مشغول خدمت گردید. او در مناطق عملیاتی مختلف خدمت کرد و به عنوان فرمانده انجام وظیفه نمود.

ایشان می گفت در دره قطور خوی با سربازان خود که ۱۲ نفر بودند به خدمت مشغول بودیم که به محاصره حزب دمکرات درآمدیم و حزب دمکرات هم می دانست فرمانده پایگاه چه کسی است. بعد او را به نام صدا می کردند و می گفتند پایگاهت را تحویل بده و افرادت را تسلیم کن. ولی او به افراد خود می گفت درست است که عده آنها بیشتر از ماست ولی پیامبر اکرم (ص) وقتی در جنگ اُحد و بدر با کفار در ستیز بود عده آنها نیز کم بود ولی ایمان راسخ آنها سبب پیروزی مسلمانان گردید.

او این حرف ها را به سربازان خود می گفت و به آنها قوت قلب می داد. در نتیجه گفتار او موجب پیروزی آنها گردید. او در تاریخ ۶۱/۲/۲۶ در حین احداث جاده سرو و ارتباطی پرسنل به مأموریت رفته بود که در زیر وسیله نقلیه جاده سازی ماند و به درجه رفیع شهادت نائل آمد. روحش شاد، یادش گرامی.



شهید: میرحسن حسینی

تاریخ تولد: ۱۳۵۲

محل شهادت: چنانه

تاریخ شهادت: ۷۲/۰۲/۰۲

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید میرحسن حسینی در سال ۱۳۵۲ در شهر ارومیه متولد شد. دوره ابتدایی را در مدرسه وحدت طی کرد و دوره راهنمایی را در مدرسه شهید جواد قنبری در سال ۶۶-۱۳۶۵ تحصیل نمود. از خصوصیات شخصی می توان به دینداری، سربزیری، مسؤولیت پذیری وی اشاره کرد و در تأمین معاش خانواده به پدرش کمک می کرد. همچنین یکی از طرفداران ورزش بود و در زمینه های فوتبال، تکواندو و کاراته فعالیت داشت. در رشته تکواندو، کمر بند سیاه اخذ کرده بود. با دوستان، آشنایان و اعضای خانواده خوش برخورد و مهربان بود و در مهربانی و دلسوزی به حد کمال رسیده بود و چندین بار خون اهدا کرده بود.

از آنجایی که دوستدار وطن و خدمت به هموطنان بود در اولین فرصت به خدمت سربازی اعزام شد.



البته با رغبت فراوان به خدمت رفت. دوره خدمت وی در منطقه فکه و سومار اهواز بود و شروع خدمت از تاریخ ۷۱/۱/۱۸ بود. سرانجام در تاریخ ۷۲/۲/۲ در محل چنانه - نواحی سه راه دشت عباس در حین انجام مأموریت در منطقه عملیاتی به درجه والای شهادت نائل شد. روحش شاد.



شهید: براتعلی حقیقی

تاریخ تولد: ۱۳۴۲

محل شهادت: جزایر مجنون

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۱۷

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید براتعلی حقیقی در نیمه شعبان سال ۱۳۴۲ در یک خانواده مذهبی در ارومیه دیده به جهان گشود. ایشان از اوایل کودکی خیلی تیزهوش و فعال بود و دوره ابتدایی و راهنمایی را با نمرات عالی پشت سر گذاشت و از آنجائی که علاقه شدید به کارهای عملی و الکترونیکی داشت در رشته برق در هنرستان شهید علیزاده ارومیه ادامه تحصیل داد و در جوار تحصیل به فعالیت های مذهبی و سیاسی در انجمن اسلامی مدرسه و انجمن اسلامی مسجد و پایگاه ولیعصر و ستاد ناحیه چهار بسیج مشغول فعالیت بود.

ایشان همیشه پدر و مادر و اطرافیان خود را به پیروی از فرامین رهبری دعوت می کرد و نیز هر کسی را که غیبت دیگران را می کرد، ایشان را امر به معروف و نهی از منکر می کرد.

شهید براتعلی حقیقی قبل از انقلاب نیز از همان اول، حضور خود را در تمام راهپیمائی ها و تظاهرات و اجتماعات نمایان کرد و بعد از انقلاب ایشان در سال ۵۸ - ۱۳۵۷ با تشکیل هسته های آموزش و مقاومتی در مسجد ولیعصر جهت مقاومت و مبارزه با اشراک کوردل حضور فعال داشت و نیز ایشان با ایجاد رابطه با یکی از عناصر مهم منافقین در داخل شهر و طی مذاکرات و مباحث طولانی توانسته بود که ایشان راه به خط امام (ره) هدایت نماید و به کمک ایشان به پی گیری فعالیت های منافقین کوردل در شهر پرداخت که پس از مدتها فعالیت موفق به شناسائی تعداد زیادی از منافقین شهر شده بودند. و در این خصوص چندین مرتبه از طرف منافقین کوردل تهدید شده بود که در انتها به کشف ۲ خانه تیمی منافقین در شهرستان ارومیه شد.

شهید براتعلی شناختی که از اسلام و ولایت فقیه داشت. احساس مسؤولیت می کرد و همیشه وضعیت جبهه ها را مدنظر داشت و هر موقع که به شروع عملیات نزدیک می شد، ایشان همان روز بلافاصله به منطقه اعزام می شد. از خاطرات این شهید والا مقام یکی این بود که قبل از اعزام در یک جلسه بدرقه که در مسجد ولیعصر برگزار شد، ایشان اعضای پایگاه را به اطاعت از فرمایشات رهبری دعوت کرد و توصیه



کرد که به نسل آینده انقلاب ارزش و بهای بیشتری بدهند و از آنجایی که خیلی مهربان بود، دوستان زیادی نیز دور او جمع شده بود.

از خاطرات او در جبهه یک مورد به خاطر داریم که یکی از همزمانش نقل کرده بود که علی در شب عملیات خیر به من گفت که اگر خدایم مرا به سوی خود فراخواند و از جام شیرین شهادت به من قسمت کند، می‌خواهم جنازه من به عنوان سنگر برای همزمان من باشد و پیکرم مفقودالثر گردد.

عاقبت شهید براتعلی حقیقی بعد از دو سال خدمت در سپاه ارومیه با سمت پاسدار وظیفه، در عملیات پیروزمندانه خیر در منطقه جزایر مجنون مفقودالثر شدند و دیگر بازنگشتند و به آرزوی دیرینه خود که همان پیوستن به حق و پیوستن به شهیدان راه خدا بود، رسید.

روحش شاد و یادش گرامی باد.

فرازی از وصیتنامه شهید:

هم اکنون که پس از چند ساعت به سوی جبهه نبرد حق علیه باطل رهسپار می‌شوم، می‌خواهم درددلی چند با ملت بکنم. برادران و خواهران عزیزم تنها خواست شهدا از شما این است که امام و یاران امام را تنها نگذارید و همه دست به دست هم دهید و به دستورات خدا عمل کنید و برای ماها نیز دعا کنید چون تنها دعای شما ملت رنجیده است که در پیش خدا مقبول می‌باشد. از شما استدعا دارم که در تشییع جنازه من از خدا بخواهید که گناهانم را ببخشد، چون با روی سیاه خجالت می‌کشم پیش خدا روم و از برادران متعهد و مسؤول روحانیم تقاضا دارم مواظب جوانان و نوجوانانمان باشند. مخصوصاً نوجوانان که از شماها انتظارات بیشتری دارند. بعد راجع به جوانان و برادران و نوجوانان مسجدمان. برادر حسین، خواهش می‌کنم سعی کنید کلاسهایمان تعطیل نشود و پایگاه هر چه بیشتر متشکل تر و مرتب تر گردد. از تمام برادرانی که از ما ناراحتی دارند، از عوض من عذر خواهی کنید. وسایل نظامی بنده را از قبیل اسلحه و مهمات توسط پدرم به سپاه تحویل دهید. لباسهای نظامی را به بچه های پایگاه مسجد تحویل دهید و کتابها و نوارهایم را وقف مسجدمان بکنید. و موتور و وسایل اضافی را بفروشید. پس از پرداخت خمس موجودی را به مستندان بپردازید. از برادران مسؤول در شهرمان تقاضایم این است شما را به خون پاک شهدا این قدر اختلاف نداشته باشید. سعی کنید افرادی را که اشتباهاتی داشته اند طرد نکنید. از نیروهای جوان مسلمان استفاده بیشتری کنید. با آرزوی پیروزی برای مستضعفان جهان و سلامتی رهبر پدر و مادرم. از هر دوی شما تقاضای بخشش دارم که شما را خیلی اذیت کردم و برادران و خواهرانم. این بزرگترین مسؤولیتی است که بر دوش شما مادران است و خداوند اجر زیادی در برابر آن خواهد داد و



در پایان تشکر می‌کنم از پدر و مادر عزیزم که زحمات زیادی برای این عبد کوچک خدا کرده اند و از تمامی دوستان و آشنایان و ملت می‌خواهم که همیشه یاور امام باشند و امام را تنهاگذارند. خدا یارشان باد. براتعلی حقیقی



شهید: ابراهیم حمزه نژاد

تاریخ تولد: ۱۳۳۲

محل شهادت: ماکو کندی

تاریخ شهادت: ۶۳/۰۲/۲۷

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید ابراهیم حمزه نژاد در سال ۱۳۳۲ در یک خانواده فقیر در ارومیه به دنیا آمد. وی زمانی که در کلاس پنجم ابتدایی مشغول به تحصیل بود، مادر عزیزش را از دست داد و در نتیجه بی توجهی پدر، مجبور به ترک خانه پدری شد.

شهید حمزه نژاد، بعد از مدتی به استخدام ارتش درآمد و ازدواج نمود.

وی فردی مؤمن و معتقد به جمهوری اسلامی و ولایت فقیه بود و علاقه خاصی به امام راحل داشت. شهید ابراهیم حمزه نژاد برای برقراری نظم و امنیت در جمهوری اسلامی ایران به مبارزه با قاچاقچیان که قصد ایجاد هرج و مرج و گمراه کردن جوانان این مرز و بوم را داشتند، پرداخت و در این راه حتی از جان خویش نیز دریغ نکرد. تا اینکه در مورخه ۱۳۶۳/۲/۲۷ منطقه امام کندی، درگیری با قاچاقچیان از خدا بی خبر، به درجه رفیع شهادت نایل آمد. از شهید گرانقدر چهار فرزند (دو دختر و دو پسر) باقی مانده است.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: اروجعلی حنیفی وقاصلو

تاریخ تولد: ۱۳۴۳

محل شهادت: قلاویزان

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۲۷

فرازی از زندگینامه شهید:

مفقودالثر اروجعلی حنیفی وقاصلو به سال ۱۳۴۳ در میان خانواده ای فقیر متولد شد. علی رغم مشکلات مالی خانواده اش، توانست تا کلاس دوم راهنمایی ادامه تحصیل دهد و بعد از آن جهت کمک به خانواده خود مشغول کارگری شد. در این زمان که مصادف با تظاهرات و راهپیمائی های علیه رژیم ستمشاهی بود، با وجود سن کمش در تظاهرات شرکت می کرد و دائماً در مساجد حضور فعال داشت. همزمان با تشکیل بسیج، به فرمان امام (ره) لیبیک گفت و در این نهاد فعالیت مستمر نمود. ایشان از لحاظ اخلاقی، الگو و نمونه دوستان و آشنایان خویش و فردی متدین و مؤمن و عاشق امام حسین(ع) بود. چون احساس مسؤولیت نسبت به مملکت و امام راحل می نمود، بر خلاف خواهش های مادرش که از او می خواست از رفتن به جبهه خودداری کند، ایشان در جواب مادر گفت: مگر خون من رنگین تر از سایر شهیدان است. تا اینکه در پی این عقیده مقدس داوطلبانه به خدمت سربازی اعزام شد و از طریق لشکر ۲۱ حمزه تهران راهی منطقه عملیاتی مهران گردید و پس از یازده ماه خدمت رشیدانه در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۲۷ مفقودالثر گردید. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: محمود حیرانی

تاریخ تولد: ۱۳۲۱

محل شهادت: فکه

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۱۲

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید محمود حیرانی در سال ۱۳۲۱ در روستای گویند از توابع تبریز به دنیا آمد. دوران طفولیت را در کنار خانواده اش سپری کرد. تحصیلات خود را در ارومیه به پایان رساند. بعد از اخذ دیپلم وارد دانشکده افسری شد و سپس در تهران اقدام به ازدواج نمود و صاحب چهار فرزند شد.

شهید انسانی بسیار نیکوکار و با سخاوت متدین و با گذشت بود. فرائض دینی را در حد کمال به جا می آورد و نسبت به امام (ره) علاقه زیادی ابراز می کرد. اعتقاد شدیدی به اسلام و جمهوری اسلامی داشت.

شهید برای دفاع از آرمان های بلند انقلاب و ارزشهای انسانی، حضوری سرخ و حماسی در مناطق جنگی داشت. در میدان رزم به صلابت کوه استوار بود. استقامت و پایداری او همه را به تعجب می انداخت. حماسه ساز بلند جهاد و شهادت بود. آری، رسالت به دوشی بود که با ایثار جان و اهدای خون، پیام قرآن و ندای رهائی بخش اسلام را صلا داد.

شهید در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۱۲ در منطقه عملیاتی شمال فکه در اثر اصابت ترکش رنگ جاودانگی گرفت و به لقاءا... پیوست. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: مجید خاتمی مرنند

تاریخ تولد: ۱۳۴۶

محل شهادت: سرو

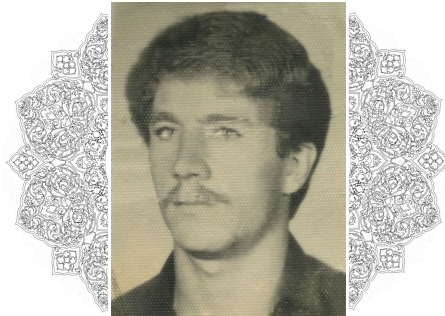
تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۱۵

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید مجید خاتمی وند در سال ۱۳۴۶ در یک خانواده تقریباً متوسط در شهر شهید پرور ارومیه، دیده به جهان گشود. دوران طفولیت خود را همراه با بیماری سپری نمود. ولی بعدها، به لطف خداوند رحمان سلامتی خود را باز یافت و قدم در عرصه تحصیلات نهاد تا اول نظری به تحصیل ادامه داد. جهت اینکه دارای اخلاق پسندیده ای بود در آخر هر سال تشویق یا تقدیر نامه ای دریافت می نمود.

با شروع انقلاب در مسیر انقلاب افتاد و در تظاهرات و راهپیمائیهها شرکت کرد. فعالیت رسمی خود را با شرکت در اردوهای تابستانی جهاد سازندگی در مورد برداشت محصول آغاز نمود. و در سال (۶۱ - ۱۳۶۰) مدت ۳ ماه تابستان با تمامی وجود و با حسی ایثار گرانه، به خدمت برادران مستضعف روستایی خود شتافت. با دهانی روزه به ایثارگری خود ادامه می داد. در اوقات بیکاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی، به پخش اعلامیه و پوستر و نشریه می پرداخت.

در اوایل آذر ماه سال ۱۳۶۱ به اردوی آمادگی بسیج مستضعفان پیوست و بعد از گذراندن دوره های آموزش لازم، به جبهه کردستان (اشنویه) اعزام شد و ۳ ماه خدمت قانونی خودش را در این منطقه به اتمام رساند و بعد از انقضای خدمتش در کردستان، به جنوب عزیمت نمود. ولی در اثر حق تقدم منطقه جنگی خودشان، به ارومیه بازگشت و از طریق بسیج به منطقه سرو - مکان، اعزام شد که هنگام مراجعت به قصد مرخصی، در راه به شهادت رسید و به لقاء ا... شتافت. ایشان در این سن کم دست به جایی برده که زاهدان در طول عمر خویش نتوانسته اند به چنین مرتبه عظیمی راه یابند. (تاریخ شهادت ۱۳۶۲/۲/۱۵ محل شهادت جاده سرو) روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: اسماعیل خاقان

تاریخ تولد: ۱۳۴۲

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۳۱

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید مفقودالثر اسماعیل خاقان قره باغ به سال ۱۳۴۲ در روستای قره باغ از توابع شهرستان ارومیه متولد شد. بعد از طی دوران طفولیت، شروع به تحصیل کرد و تا کلاس اول راهنمایی در همان قریه تحصیل نمود. سپس به اتفاق برادر بزرگش شاگرد راننده شد و بعدها رانندگی را پیشه خود ساخت.

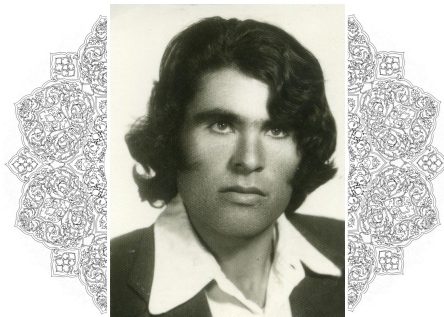
او از نظر اخلاقی، زبانزد عام و خاص بود.

قبل از انقلاب به شغل رانندگی تریلی مشغول بود و بعد از انقلاب به خاطر عشق فراوان نسبت به امام (ره) و انقلاب وارد سپاه پاسداران شد.

در تمام مراسم عزاداری حسینی حضوری فعال داشت. عشق و علاقه فراوان به شهادت داشت و همیشه در قبال مملکت و مردمش احساس مسؤولیت می نمود.

وی در سال ۱۳۶۴ ازدواج کرد که ثمره این ازدواج یک دختر می باشد. او به مدت ۶ ماه در سپاه خدمت کرد و سرانجام در تاریخ ۶۵/۲/۳۱ در منطقه حاج عمران مفقودالثر شد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: عباس خدایاری

تاریخ تولد: ۱۳۳۹

محل شهادت: جنوب کشور

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۲۰

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید عباس خدایاری در سال ۱۳۳۹ در شهرستان خوی چشم به جهان گشود. او دوران کودکی خود را با ارشادات پدر و مادرش سپری کرد و از همان دوران با دین و مکتب اسلام آشنا شد. تقریباً در آغاز نوجوانی بود که از خوی به ارومیه آمدند و در اینجا به علت عدم تمکن مالی نتوانست به مدرسه برود. ناچاراً راه کار و کارگری را انتخاب کرده و هزینه زندگی خانواده را تأمین می نمود که انقلاب اسلامی شروع شد. ایشان با زمینه اعتقادی که داشت خیلی زود مجذوب امام (ره) و انقلاب شد. و فعالیت های انقلابی را شروع کرد. از جمله مردم روستای خود را به شرکت در تظاهرات و حضور در صف های پر شکوه نماز جمعه تشویق می کرد.

شهید خدایاری تا این زمان در محیط روستا به تبلیغ و تشویق می پرداخت. اما دلش با این تلاش ها آرام نگرفت و احساس قلبی خود را با خانواده اش در میان گذاشت و گفت که دفاع از دین و میهن تکلیف شرعی است. من می خواهم به جبهه بروم. آنگاه با موافقت خانواده اش همچون دیگر هموطنان متعهد خود، داوطلبانه خود را برای خدمت نظام وظیفه معرفی کرد و لباس پرافتخار سربازی بر تن نمود و عاشقانه عازم جبهه های جنگ شد.

شهید خدایاری در زمان اعزام به جبهه جنوب سفارش کرد که ما می رویم تا با خون خود درخت اسلام را آبیاری کنیم. شما برادران که در پشت جبهه هستید صف های نماز جمعه را با حضور خود زینت ببخشید و خواهران هم، حضرت زینب کبری (س) را اسوه خویش کنند و در مشکلات و مصائب و شهادت عزیزانشان چون زینب کبری (س) صبور و شکیبا باشند. شهید خدایاری پس از یک سال حضور در جبهه های جنوب در مورخه ۱۳۶۱/۲/۲۰ در منطقه اهواز بر اثر اصابت گلوله مزدوران عراقی به درجه رفیع شهادت نائل آمد. روحش شاد، یادش گرامی.



شهید: نامدار خدایی

تاریخ تولد: ۱۳۱۷

محل شهادت: سنندج

تاریخ شهادت: ۵۹/۰۲/۱۶

فرازی از زندگینامه شهید:

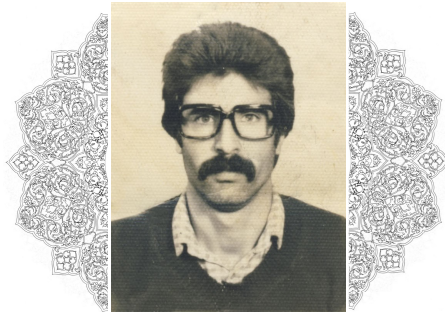
شهید نامدار خدائی در سال ۱۳۱۷ هجری شمسی در یکی از روستاهای شهرستان اهر به نام شرف آباد ارسباران چشم به جهان گشود. روستای موطن این شهید بزرگوار نیز همچون اکثر روستاهای زمان شاهنشاهی در اثر سیاست های استعماری رژیم طاغوت در مشکلات مالی غوطه ور بود و خانواده وی نیز از این عدم تمکن مالی و ظلم بی بهره نبود و این بود که توان تحصیل علم نیز از وی سلب گردید و جهت امرار معاش به شغل کارگری پرداخت.

شهید خدائی خدمت سربازی خود را در ارومیه سپری کرد و در همین شهر نیز ازدواج نموده و ساکن شد. شهید خدائی در مساجد و تکایا حضوری فعال داشت و به اجر معنوی ارزش زیادی قائل بود. این بود که پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی جهت حفظ و حراست از ارزش های اسلام و انقلاب به عضویت سپاه پاسداران درآمد و به مقابله با دشمنان داخلی پرداخت.

نامدار در عملیاتهای گوناگون سپاه در کردستان شرکت داشت و با توجه به لیاقت ها و شجاعت هایی که از خود نشان داده بود به فرماندهی گروه منصوب شد.

از ایمان و شجاعت وی همان بس که در یکی از درگیری ها با احزاب منحل که به علت کمبود تسلیحات مورد اعتراض همزمانش قرار گرفته بود اظهار می دارد که از این سلاح های سبک و کم هم نبود. با دست خالی و با مشت به نبرد با ضد انقلابیون می پرداختم و سرانجام نیز در یکی از عملیاتهای پاکسازی در سنندج در سال ۱۳۵۹ به فیض عظمای شهادت نائل آمد.

از این شهید بزرگوار ۶ فرزند باقیست که یادآور نامش و ادامه دهنده راهش می باشند. پیکر مطهر این شهید بزرگوار در قطعه شهدای باغ رضوان ارومیه به منزل ابدی سپرده شده است. یادش گرامی.



شهید: هوشنگ خردپور

تاریخ تولد: ۱۳۳۳

محل شهادت: جاده سلماس

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۰۸

فرازی از زندگینامه شهید:

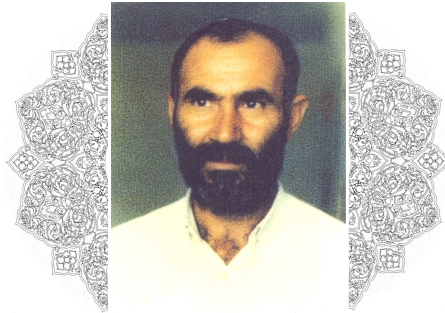
شهید هوشنگ خرد پور در سال ۱۳۳۳ در خراجوی مراغه، از پدر و مادری متدین تولد یافت و با تربیتی اسلامی بزرگ شد. تا کلاس ششم ابتدایی درس خواند و سپس به کار مکانیکی پرداخت.

او فردی بسیار مؤدب و خوش اخلاق بود و مهمان نوازی از صفات برجسته وی بود. با شروع انقلاب، در کنار دیگر برادران و خواهران مسلمان به راهپیمایی و تظاهرات علیه رژیم شاه پرداخت.

در اوایل پیروزی انقلاب ازدواج کرد، که یک پسر و یک دختر ثمره ازدواج بود. پس از سپری کردن خدمت سربازی به شغل رانندگی کامیون مشغول شد. با وجود اینکه رانندگی می کرد، هرگز از اوضاع و احوال سیاسی کشور غافل نبود و زمانی که وجودش و یا کامیونش احتیاج بود، با میل و رغبت داوطلب می شد تا در خدمت جبهه و جنگ باشد و از این طریق دین خود را به انقلاب ادا نماید. و اکثر شبها به مسجد می رفت، تا از سخنرانیهای و رهنمودهای روحانیون استفاده نماید.

آخرین بار که به اهواز آذوقه برده بود، شهر اهواز توسط رژیم بعثی بمباران شد و او توانست جان سالم به در برد و بارش را خالی کند. وی موقع برگشتن در جاده خوی - سلماس به دست منافقان کوردل منطقه، کامیونش به آتش کشیده شد و خود او نیز در تاریخ ۱۳۶۲/۲/۸ به شهادت رسید.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: قربانعلی خلیلی علی آبادی

تاریخ تولد: ۱۳۲۴

محل شهادت: حاج عمران

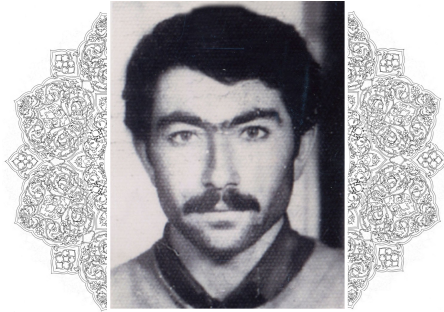
تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۳۱

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید قربانعلی خلیلی در سال ۱۳۲۴ در منطقه باراندوز از توابع شهرستان ارومیه متولد شد. بعد از طی دوران طفولیت و کودکی به تحصیل پرداخت، ولی قبل از اتمام تحصیلات بعنوان کارمند در شرکت آب و برق مشغول به کار شد. علاقه و پشتکار ایشان سبب گردید که با حضور در کلاس های شبانه موفق به دریافت مدرک دیپلم گردد.

او فردی مؤمن و معتقد به اسلام بود. در تظاهرات ضد رژیم قبل از انقلاب شرکت می نمود و در مساجد و محافل دینی شرکت می کرد و برای پیروزی انقلاب، همگام با مردم تلاش گسترده ای داشت. اخلاق پسندیده و رفتار خوب ایشان مورد توجه و علاقه آشنایان قرار داشت. عشق و علاقه به انقلاب سبب گردید که داوطلبانه پیام امام (ره) را لیک گوید و چهار بار در جبهه های حق علیه باطل در دفاع مقدس شرکت نماید.

سرانجام در تاریخ ۶۵/۲/۳۱ در منطقه حاج عمران در رویارویی با دشمن بعثی مفقود الاثر گردید. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: مامش خوشین

تاریخ تولد: ۱۳۴۴

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۳۱

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید مفقود الاثر مامش خوشین در سال ۱۳۴۴ در روستای ربط واقع در منطقه برادوست از توابع ارومیه به دنیا آمد. وی بعد از دوران نوجوانی در زادگاهش به کار کشاورزی و دامداری مشغول شد. پس از ازدواج در سال ۱۳۶۵ به خدمت مقدس سربازی اعزام شد و بعد از چند ماه خدمت سربازی به جبهه های نبرد حق علیه باطل اعزام گشت.

ایشان از نظر اخلاق فردی مهربان و دلسوز بود و به جمهوری اسلامی و امام راحل علاقه خاصی داشت.

عاقبت در مورخه ۱۳۶۵/۲/۳۱ در منطقه عملیاتی حاج عمران در مبارزه با دشمنان یعنی مفقود الاثر شد و تاکنون نیز اطلاعی از ایشان به دست نیامده است. روحش شاد و یادش گرامی باد.





شهید: حسن داداشی نژاد حیدرلو

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: سردشت

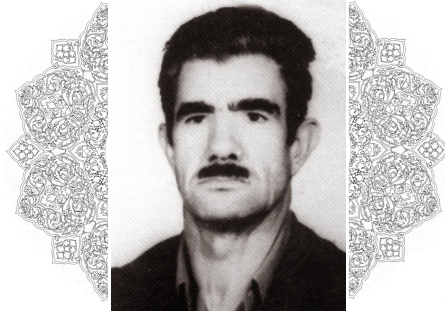
تاریخ شهادت: ۷۲/۰۲/۱۶

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید حسن داداش نژاد حیدرلو در سال ۱۳۴۱ در شهر ارومیه، در یک خانواده متدین و مذهبی ولی کم بضاعت دیده به جهان گشود، بعد از تحصیلات با سمت درجه داری و همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی به خدمت ارتش در آمد و به اتفاق برادرش که نظامی بود، در سنگر دفاع از اسلام و میهن قرار گرفتند و بعد از شهادت برادرش که بر اثر سقوط هواپیما به وقوع پیوست عزم او را در دفاع از نوامیس کشور و میهن اسلامی راسختر ساخت و چندین بار در جبهه های نبرد حق علیه باطل حضور یافت.

او فرزند راستین انقلاب و سرباز جان بر کف امام خمینی (ره) بود که مدت ۸ سال خالصانه در نبرد بی امان با خصم پلید جنگید. او مقلد و دوستدار امام (ره) بود و در راه آرمان های انقلاب جان خود را در طبق اخلاص نهاده بود، مخصوصاً بعد از شهادت برادر، آرام و قرار نداشت و لحظه ای از وظایف خود در مقابل دشمن غافل نمی شد و سرانجام در منطقه سردشت بر اثر انفجار مین دشمن در تاریخ ۱۳۷۲/۲/۱۶ به شهادت رسید.

«روحش شاد، یادش گرامی»



شهید: ناصر دادپرنیان

تاریخ تولد: ۱۳۰۷

محل شهادت: نقده

تاریخ شهادت: ۵۸/۰۲/۰۲

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید ناصر دادپرنیان در سال ۱۳۰۷ در بغداد متولد شده و در حدود چهار سالگی به ایران بازگشته و بعد از طی دوران طفولیت تحصیلات خود را تا ششم ابتدائی ادامه می دهد. سپس به استخدام ارتش درآمد و در شهرستان های سلماس، مریوان، جلدیان، نقده، سنندج و ارومیه خدمت کرد تا اینکه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بازنشسته گردید.

شهید از نظر اخلاقی فردی مؤمن و متدین بود و در انجام دادن احکام و فرایض دینی کوتاهی نمی کرد. با آغاز جنگ تحمیلی عراق و تجاوز به مرزهای اسلامی در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۲ در درگیری شهرستان نقده توسط عناصر حزب دمکرات به درجه رفیع شهادت نائل می گردد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: امیرعلی داننده قره باغ

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

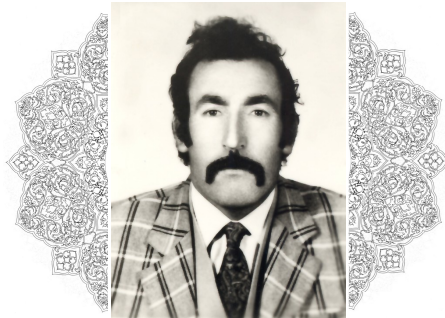
محل شهادت: سیدجابر

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۰

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید امیرعلی داننده قره باغ در سال ۱۳۴۱ در روستای قره باغ از توابع شهرستان ارومیه متولد شد. او تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در همان روستا به پایان رسانید و در سن ۹ سالگی از وجود پر نعمت پدرش محروم می شود. سپس سرپرستی او را مادر و برادر بزرگش به نام یحیی به عهده می گیرند. شهید بر اثر مشکلات ناشی از فقدان پدر ناگزیر از ترک تحصیل شده و به عنوان درجه دار ارتش استخدام می گردد.

شهید داننده انسانی باایمان و معتقد به اسلام و انقلاب بوده و در دوران مبارزات حق طلبانه ملت قهرمان ایران در کنار سایر هموطنان خود در راهپیمایی ها و تظاهرات بر علیه رژیم طاغوت شرکت می کرد تا اینکه در اثنای تهاجمات دشمن بعثی عراق به خاک کشور عزیزمان ایران او نیز به وظیفه شرعی و انقلابی خود عمل نموده و برای دفاع از خاک عزیز کشورمان در جبهه های نبرد حق علیه باطل حضوری فعال می یابد و سرانجام در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ در منطقه عملیاتی «سیدجابر» بر اثر درگیری با ارتش متجاوز بعثی عراق به درجه رفیع شهادت نایل می گردد. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.



شهید: قایچاق داوتیان

تاریخ تولد: ۱۳۱۸

محل شهادت: محور ارومیه سلماس

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۰۷

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید قایچاق داوتیان در سال ۱۳۱۸ در تقی آباد میاندوآب به دنیا آمد. بعد از دوران طفولیت پا به مدرسه نهاد تا گوهر علم را کسب کند. وی تا کلاس پنجم ابتدایی در دبستان روستای خود درس خواند. سپس به علت مشکلات موجودی در خانواده نتوانست ادامه تحصیل بدهد. او برای اینکه بتواند کمکی به خانواده اش کرده باشد، شغل رانندگی را برای خود برگزید و به این طریق امرار معاش می کرد. بعد از انقلاب و در زمان جنگ، برای بردن خواربار برای رزمندگان به جبهه ها داوطلب شد و به این طریق دین خود را مملکت و مردم خود ادا نمود. همیشه سفارشش نسبت به اطرافیان و خانواده، تربیت صحیح فرزندان بود و مواظبت و مراقبت از آنها را سفارش می کرد. وی به دلیل شغل رانندگی نمی توانست در تربیت فرزندان نقش بسزایی داشته باشد ولی در آن دیدار محدود که بین او و خانواده اش بود با اخلاق خوب و رفتار مهربانانه خود همه را از محبت خود سیراب می کرد. سرانجام در پی انجام وظیفه و حمل خواربار برای رزمندگان اسلام، در جاده سلماس - ارومیه در تاریخ ۱۳۶۲/۲/۷ بر اثر اصابت آرمی جی به خودرو حامل ایشان به خیل شهداء پیوست و به درجه رفیع شهادت نایل شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: رحیم دل شکست (جانبا ۷۰٪)

تاریخ تولد: ۱۳۳۸

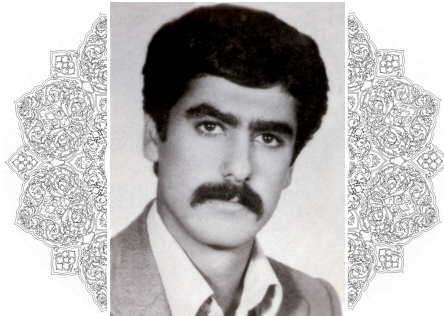
محل مجروحیت: محور بوکان - سقز

تاریخ شهادت: ۷۶/۰۲/۲۵

خاطرات خانم زهرا عبادی همسر شهید رحیم دل شکست

زندگی من سراسر خاطره است و یاد شهید بزرگوار ولی تنها چیزی که خاطرم می آید، این است که من و او با هم زندگی مشترک و خوبی داشتیم و بیان آن خاطرات از گنجایش کتابها خارج است و تنها به گوشه ای از خاطرات با او می پردازم.

در سال ۱۳۶۰ شهید وارد یگان هلال احمر شد تا اینکه در سال ۶۶ هنگامی که تعدادی از خواهران بسیجی هلال احمر را به مأموریت می بردند، در جاده بوکان توسط گروهکهای حزبی مجروح می گردند. وی که جان خود و دیگران را در خطر می بیند به آنها می گوید که به خواهران و سایرین کاری نداشته باشید. تا اینکه با التماس بسیار آنها را نجات می دهد، ولی او را با رگبار گلوله زخمی می کنند و سر آخر از بالای کوه به پایین پرتاب می کنند و فکر می کنند که او مرده است و بعد یک دستگاه آمبولانس او را پیدا می کند و او را برای مداوا به شهرستان تبریز می برند، او از خیلی از جاهای بدنش مجروح شده بود و هیچ تحرکی از خود نشان نمی داد و فقط یک دستش سالم بود. او ۶ ماه در بیمارستان ماند و بعد از بهبودی نسبی به ارومیه آمد و آن موقع ما یک پسر و یک دختر داشتیم و من همیشه از او پرستاری می کردم و بچه ها نیز روز به روز بزرگتر می شوند. و ما با کمک بچه ها آن چنان روحیه ای به او میدادیم که ایشان حتی توانستند بعضی از کارها را خودشان انجام بدهند و بالاخره در ۲۵ اردیبهشت سال ۱۳۷۶ دچار حمله قلبی شدند و به شهادت رسیدند. او همیشه توصیه می کرد که راه راست را انتخاب کنید و ایمان قوی داشته باشید و او همیشه دلسوز و مهربان بود.



شهید: حسن دهقان دخت

تاریخ تولد: ۱۳۴۰

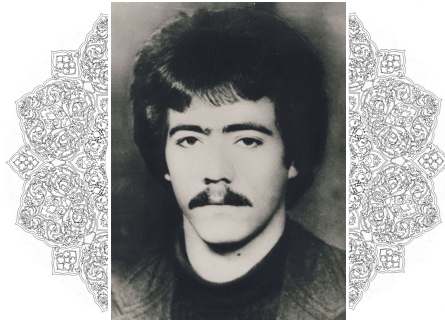
محل شهادت: اهواز

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۲۰

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید بزرگوار حسن دهقان دخت در سال ۱۳۴۰ در یک خانواده مذهبی شیعه در شهرستان ارومیه متولد شد و تا پنجم ابتدایی در دبستان بزرگمهر و بقیه تحصیلات خودش را در دبیرستان امیرکبیر ارومیه به پایان رسانید و موفق به دریافت مدرک تحصیلی دیپلم شد. او در سال ۱۳۶۰ به خدمت سربازی اعزام و در تیپ ۵۵ هواورد شیراز و در مناطق عملیاتی خونین شهر و سایر مناطق به نبرد پرداخت. شهید قبل از اعزام به خدمت در راهپیمائی ها و تظاهرات و مساجد نقش گسترده داشت و هیچ موقع نماز و روزه اش را فراموش نمی کرد. ضمناً می گفت من اگر در خدمت حسین زمان شهید شدم به هدف خواهم رسید و در غیر این صورت دفاع از مملکت امری مقدس و یک وظیفه شرعی است.

او در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۲۰ در جبهه خرمشهر در عملیات بیت المقدس از ناحیه سر مورد اصابت گلوله دشمن قرار می گیرد و به درجه رفیع شهادت نائل می شود. روحش شاد.



شهید: رحمت دیباورجوی

تاریخ تولد: ۱۳۳۹

محل شهادت: دهلران

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۰۲

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید رحمت دیباورجوی، پاک طینتی از تبار روستائیان بالیمان بود که به سال ۱۳۳۹ در دهکده چونقرالوی یکان از توابع ارومیه به دنیا آمد. وی در کنار خانواده کم بضاعت، تحت تعلیم مکتب انسان ساز اسلام رشد کرد. رحمت تحصیلات ابتدایی را در همان روستا گذراند، ولی عدم تکمیل مالی وی را مجبور به ترک تحصیل نمود تا در روستا به کمک پدر و مادرش بشتابد. در پی اجرای سیاستهای آمریکائی رژیم شاه و نبود کار در روستا مجبور به مهاجرت به شهر گردید و به کارگری مشغول شد. با پیروزی انقلاب اسلامی، روح ناآرامش سکون و قرار را از وی سلب کرده بود و هوای طائران سرخ جبهه را در سر داشت و دلش می خواست در کنار رزمندگان اسلام قرار گرفته و از حریم مقدس قرآن و اسلام و میهن رسول... دفاع نماید. از این رو عاشقانه به خدمت مقدس سربازی روی آورد و پس از کسب آموزشهای لازم به منطقه دهلران اعزام گردید و با کوردلان بعثی به نبرد پرداخت، تا اینکه در مورخه ۱۳۶۲/۲/۲ در منطقه عملیاتی والفجر بر اثر اصابت ترکش خمپاره



روحش در جوار
رحمت حق مأوا
گرفت و به فیض
عظمای شهادت نایل
آمد. روحش شاد و
یادش گرامی باد.



شهید: محمد دیلمقانی زاده

تاریخ تولد: ۱۳۳۷

محل شهادت: سیلوانا

تاریخ شهادت: ۶۴/۰۲/۰۸

فرازی از زندگینامه شهید:

پاسدار شهید محمد دیلمقانی زاده به سال ۱۳۳۷ در شهرستان سلماس دیده به جهان گشود. بعد از طی دوران کودکی به تحصیل پرداخت. دوران ابتدایی را در زادگاهش به پایان برد. سپس به همراه خانواده به شهرستان ارومیه مهاجرت نمود و به مدت ۱۴ سال است که خانواده وی در این شهر سکونت دارند.

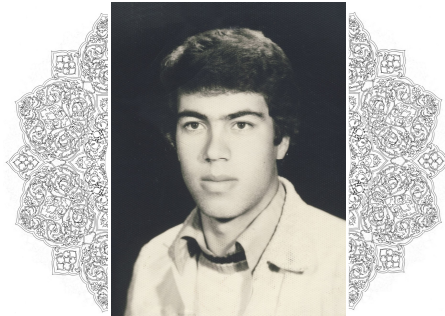
او تحصیلات راهنمایی و دبیرستان را در ارومیه ادامه داد و در سال چهارم دبیرستان به علت شدت علاقه به انقلاب تحصیل را رها نمود و به سپاه پاسداران پیوست.

با شروع مبارزات مردم علیه رژیم طاغوت در صحنه های انقلاب شرکت می نمود و در یکی از روزها به شدت مجروح و مورد ضرب و شتم قرار گرفت.

مدتی را در کمیته جوانان پیرو خط امام(ره) به طور افتخاری فعالیت می نمود. او از دوران کودکی علاقه زیادی به مسائل مذهبی داشت و تحت تربیت و تعلیم خانوادگی به سیل خروشان مردم پیوست و به فرمان امام(ره) لبیک گفت و در راه تحقق اهداف عالیه آن با جان و دل مجاهدت نمود.

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۴/۲/۸ در منطقه سیلوانا، در اثر کمین ضدانقلاب و اصابت گلوله عوامل ضدانقلاب به درجه رفیع شهادت نایل گردید.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: جواد ذبیحی ماکوئی

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: شلمچه

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۹

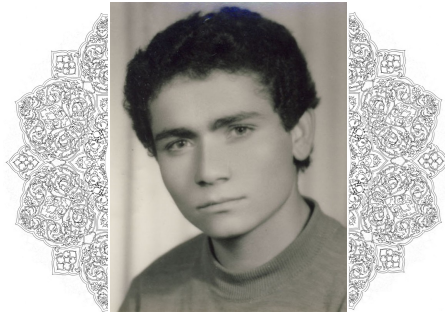
فرازی از زندگینامه شهید:

شهید جواد ذبیحی ماکوئی در سال ۱۳۴۱ در یک خانواده مذهبی شیعه در شهرستان ارومیه چشم به جهان گشود. او دروان کودکی را در کنار خانواده خود گذراند و سپس وارد مدرسه شد.

پس از اخذ دیپلم به صورت داوطلبانه به خدمت سربازی اعزام گردید. او عاشق جبهه و شهید و شهادت بود. به لباس رزم علاقه فراوان داشت و در هوابرد ۵۵ شیراز مشغول نبرد با صدامیان کافر گردید. او دوران خدمتی خود را اکثراً در مناطق عملیاتی جنوب گذراند.

از نظر اعتقادی فردی قرآن خوان بود و هیچ وقت نمازش را ترک نمی کرد و به نظام جمهوری اسلامی وفادار بود و در عاشورای حسینی در دستجات سینه زنی و زنجیرزنی نقش فعال داشته و در عزای امام حسین (ع) لباس سیاه بر تن می کرد.

شهید در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۹ در جنوب کشور در منطقه شلمچه در اثر اصابت تیر به شهادت رسید. مزار شریف او در باغ رضوان شهرستان ارومیه واقع شده است. راهش مستدام و روحش شاد باشد.



شهید: علیرضا راد

تاریخ تولد: ۱۳۴۴

محل شهادت: پایگاه کالان ۲

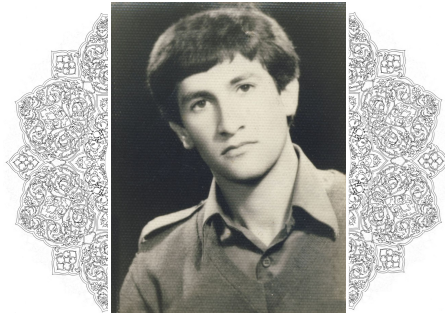
تاریخ شهادت: ۶۴/۰۲/۲۴

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید علیرضا راد به سال ۱۳۴۴ در روستای چوبتراش از توابع شهرستان ارومیه دیده به جهان گشود. پس از طی دوران طفولیت، در کنار خانواده به شغل کشاورزی مشغول شد و از این طریق به اقتصاد خانواده کمک می کرد. سپس به مدت دو سال به عنوان شاگرد جوشکار در شهر مشغول به کار بود و مدتی نیز به شغل آشپزی پرداخت. از نظر خصوصیات اخلاقی، فردی مؤمن و متدین بود و نماز و روزه اش ترک نمی شد. همچنین علاقه شدیدی به رهبر انقلاب داشت.

با آغاز جنگ تحمیلی عراق شهید علیرضا راد برای انجام خدمت سربازی عازم مناطق جنگی شد و سرانجام پس از رشادتها و مبارزات فراوان در منطقه کردستان، در تاریخ ۱۳۶۴/۲/۲۴ در منطقه کاولان واقع در مهاباد بر اثر انفجار مین به درجه رفیع شهادت نایل آمد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: سیف اله رحمت الهی چوبله جه

تاریخ تولد: ۱۳۳۹

محل شهادت: دزفول

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۲

فرازی از زندگینامه شهید:

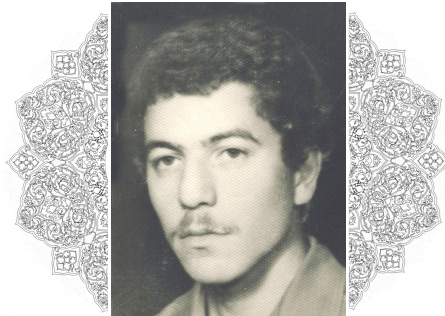
شهید سیف ا... رحمت الهی در مورخه ۱۳۳۹ چشم به جهان گشود و تحصیلات خود را تا پایان راهنمایی ادامه داد.

او جوانی بود، بسیار مؤمن و درستکار و هیچگاه دنبال کارهای بیهوده و باطل نمی رفت. به خواندن نماز و قرآن علاقه بسیار داشت و جوانان دیگر را نیز برای انجام این کار دعوت می کرد.

وقتی که ترک تحصیل کرد، جهت تأمین مایحتاج زندگی به جوشکاری پرداخت. تا اینکه به سن قانونی رسید و به خدمت سربازی اعزام گردید. در جبهه های جنگ شجاعت و دلیری خود را نشان داد و حماسه ها آفرید. به طوری که، بعد از شهادتش به خاطر همان فداکاری ها نامه ای از طرف فرمانده پادگان دشت آزادگان به خانواده اش ارسال گردید.

شهید علاوه بر مبارزه با صدامیان کافر، در مجالس مذهبی و کلاس های قرآن شرکت فعال داشت. او با اعتقاد راسخی که به دین مقدس اسلام داشت، یکی از دوستانش را در چابهار که مذهب ضالّه بهائیت داشت به دین مقدس اسلام دعوت کرد و مدت چهار ماه در خانه خویش از وی مراقبت نمود.

او پس از یک سال و نیم نبرد در جبهه ها و شرکت در عملیات نفوذی که منجر به دستگیری وی شد و پس از بستری شدن در بیمارستان عراقی ها، به علت تکلم روان زبان عربی ضمن شناسایی محل مورد نظر، به طرف نیروهای عراقی بازگشت. او همچنان برای دفاع از اسلام و قرآن مشغول جانفشانی بود که سرانجام در مورخه ۱۳۶۱/۲/۱۲ در منطقه عملیاتی جنوب کشور در عملیات آزادسازی خرمشهر، به درجه رفیع شهادت نائل آمد و همانطور که وصیت کرده بود پیکر پاکش در باغ رضوان ارومیه به خاک سپرده شد. روحش شاد.



شهید: ایرج رحیم زاده بالانج

تاریخ تولد: ۱۳۲۵

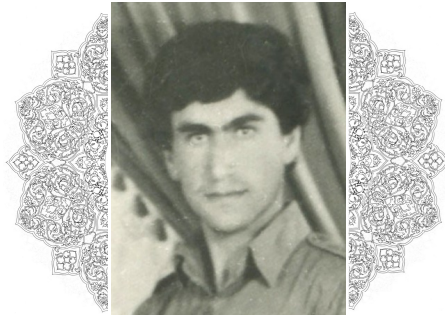
محل شهادت: سلمچه

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۲۳

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید ایرج رحیم زاده به سال ۱۳۲۵ در شهرستان ارومیه در یک خانواده نسبتاً متوسط دیده به جهان گشود. تحصیلات خود را با موفقیت به پایان رسانید. با وجود مشکلات فراوانی که در راه زندگی در پیش پای داشت موفق شد که وارد دانشگاه شود و در رشته مهندسی آبیاری تحصیلات خود را به پایان رساند. با تمام مشکلاتی که در زندگی داشت در طول تحصیل، بسیار کوشا و موفق بود. شهید ایرج رحیم زاده بعد از مدتی تشکیل خانواده داد و دارای دو فرزند شد. همیشه سعی داشت که زندگی راحتی برای همسر و فرزنداناش فراهم سازد و همیشه در تلاش و کوشش بود.

در راهپیمایی های باشکوهی که توسط مردم مسلمان و انقلابی برپا می شد، همراه با ارتشیان دلار و غیور بر علیه رژیم ستمشاهی شرکت می کرد و علاقه شدیدی به امام راحل داشت. به طوری که با آغاز جنگ تحمیلی عراق، به فرمان رهبر کبیر لبیک گفته و از طریق لشکر ۶۴ زرهی ارومیه عازم جبهه های حق علیه باطل گشت و در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۲۳ بعد از رشادت های فراوان در جبهه، در عملیات صاحب الزمان، در منطقه سلمچه، بر اثر اصابت ترکش خمپاره بعضی دشمن به درجه رفیع شهادت نائل آمد. یادش گرامی.



شهید: مجید رحیمی تیوک

تاریخ تولد: ۱۳۴۴

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۳۱

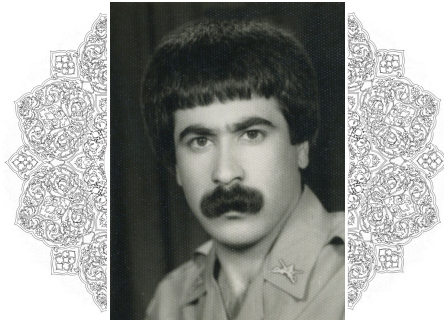
فرازی از زندگینامه شهید:

شهید مجید رحیمی به سال ۱۳۴۴ در روستای ترگور ارومیه در یک خانواده مستضعف متولد شد. تحصیلات ابتدائی را در همان روستا گذراند، ولی به علت عدم تمکن مالی نتوانست به تحصیلاتش ادامه دهد و به کار کشاورزی مشغول شد.

اخلاق شهید بسیار نیکو بود. او در انجام فرایض دینی بسیار کوشا بود و هرگز سستی نمی کرد و به حفاظت از دین و وطن معتقد بود.

در دوران انقلاب فعالیت چندانی نداشت، ولی پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در پایگاه های مقاومت فعالیت می کرد. شهید در سن ۱۹ سالگی جهت لیبک گوئی به فرمان امام (ره) و ادای دین خود نسبت به اسلام و میهن، به خدمت مقدس سربازی اعزام شد. به هنگام اعزام به علت داشتن پدر و مادر پیر و سالخورده، آنها را در جریان گذاشت و فقط به آنان گفت که برای انجام مراسم رژه به تبریز می روند و پس از ۹ ماه انجام وظیفه در سپاه، در منطقه عملیاتی حاج عمران، در پاتک دشمن یعنی صهیونیستی عراق در حین انجام عملیات والفجر ۲ در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۳۱ مفقودالاندر شد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: حسین رزمی انویق

تاریخ تولد: ۱۳۴۰

محل شهادت: پنجوین

تاریخ شهادت: ۶۷/۰۲/۲۵

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید حسین رزمی انویق در سال ۱۳۴۰ در روستای انویق پا به عرصه وجود نهاد و تا کلاس پنجم ابتدائی را در زادگاهش سپری نمود. سپس تا دوم راهنمایی را در شهرستان ارومیه درس خواند و پس از ترک تحصیل همزمان با پیروزی انقلاب به استخدام ارتش درآمد و ازدواج نمود. ضدانقلاب منطقه، افراد فرصت طلب و کسانی که از پیروزی انقلاب اسلامی خشنود نبودند در منطقه کردستان دست به شرارت و یاغیگری زده و تشنج ایجاد کرده بودند و شهید رزمی هم که بر علیه آنان وارد عمل شده بود در مبارزات با ضدانقلابیون خدمات شایان توجهی داشت و با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران چندین بار در جبهه های حاج عمران و عملیات والفجر ۲ منشأ خدماتی قابل توجه شد و با آن که در پیکارها جراحات سختی برداشته بود پس از به دست آوردن سلامتی و بهبودی نسبی راهی عملیات پنجوین شد و دوشادوش دیگر رزمندگان اسلام با رشادت تمام با دشمنان اسلام و قرآن جنگید تا اینکه در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۲۵ بر اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت رسید و به دیار باقی شتافت. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: اسماعیل رستمی نامیه

تاریخ تولد: ۱۳۱۷

محل شهادت: جاده رازان

تاریخ شهادت: ۵۹/۰۲/۰۴

فرازی از زندگینامه شهید:

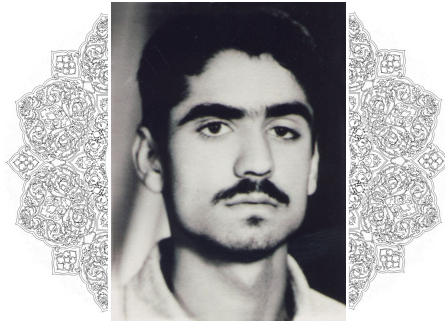
شهید اسماعیل رستمی در سال ۱۳۱۷ در شهرستان ملایر به دنیا آمد، تا پایان تحصیلات ابتدایی تحصیل نمود و در سال ۱۳۳۸ وارد ارتش شد.

او در سال ۱۳۳۶ ازدواج نمود و صاحب دو فرزند شد. او فردی مؤمن، متقی و عاشق امام و وطن بود. قبل از انقلاب علی رغم خفقان موجود در ارتش فعالیت هایی داشت، تا اینکه انقلاب به پیروزی رسید و شهید وجود خود را وقف انقلاب و اسلام نمود و کمتر شبی را در خانه اش می خوابید. تا نام امام (ره) را می شنید و یا تصویر آن را می دید بی اراده خاضع می شد. وقتی نام امام حسین (ع) بر زبان رانده می شد، بی اراده اشک می ریخت. او همیشه به مسجد پناه می برد و در آنجا آرام می گرفت.

دوست داشت در سخت ترین شرایط خدمت کند. هیچگاه از رشادت های خود حرفی به میان نمی آورد و فقط دوستانش بودند که از شجاعت ها و دلاوری های وی سخن می گفتند. زاهدی عاشق، عاشق شهادت بود. او همه چیز را فدای قرآن، اسلام و امام می نمود.

او در تاریخ ۵۹/۲/۴ در جاده رازان بر اثر درگیری با ضد انقلاب به درجه رفیع شهادت نایل آمد. شهادت او در بین دوستان و آشنایان دگرگونی آفرید. فرزند بزرگ این شهید نیز به شهادت رسید و فرزند دیگرش جانباز انقلاب است. برادر همسرش نیز جزو شهیدان انقلاب می باشد و در نهایت او قافله سالار شهدا شد.

او از روز پیروزی انقلاب تا آخرین نفس خود در خدمت انقلاب بود. روحش شاد و راهش پر رهرو باد. پیکر پاکش در باغ رضوان ارومیه به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: علی رضائی

تاریخ تولد: ۱۳۴۰

محل شهادت: خرمشهر

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۹

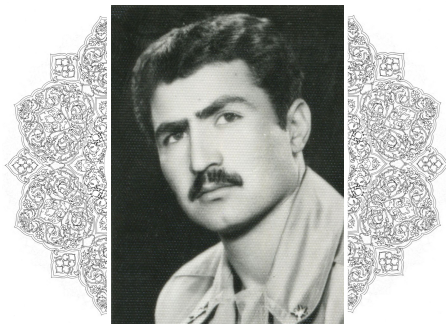
فرازی از زندگینامه شهید:

شهید علی رضائی به سال ۱۳۴۰ در یک خانواده مذهبی و متوسط چشم به جهان گشود. بعد از طی دوران طفولیت، به ادامه تحصیل پرداخت و تحصیلات خود را با اخذ مدرک دیپلم به پایان رسانید و با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری امام (ره) ایشان نیز به جمع تظاهرکنندگان پیوست. علی در بین خانواده اولین کسی بود که به انقلاب اسلامی رأی مثبت داد و سپس داوطلبانه به خدمت سربازی اعزام شد.

شهید، فردی مؤمن و خوش خلق و بسیار ملایم بود.

ایشان، در کلیه تشییع جنازه ها و عزاداری و احیاء، عاشورا و تاسوعا شرکت می کرد. علی به شهادت عشق می ورزید و خانواده را به خواندن کتاب های مذهبی و اسلامی توصیه می نمود. به همین خاطر جهت دفاع از خانه و میهن اسلامی، در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۹ در منطقه عملیاتی خونین شهر، یگان خدمتی تیپ هواپرد شیراز در حین جنگ با دشمن یعنی به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

روحش شاد و راهش مستدام باد.



شهید: اکبر رضاپور

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: پنجوین

تاریخ شهادت: ۶۶/۰۲/۲۲

فرازی از زندگینامه شهید:

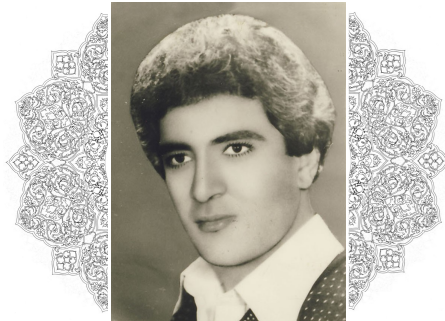
شهید اکبر رضاپور در اول مرداد ماه سال ۱۳۴۱ در یک خانواده متوسط در روستای چیچکلوی حاجی آقا از توابع شهرستان ارومیه چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدائی خود را در روستای محل سکونت و تحصیلات راهنمایی و دبیرستان را در شهر به پایان برد تا اینکه در سال ۱۳۵۶ به استخدام ارتش درآمد. پس از سه سال ازدواج نمود که حاصل آن یک دختر و یک پسر می باشد.

ایشان علاقه و عشق خاصی به خاندان نبوت و ائمه اطهار(ع) داشت و در مراسم عاشورای حسینی نیز اکثراً نوحه سرایی و مداحی می کرد.

علاقه فراوانی به امام(ره) و انقلاب اسلامی داشت و عکس امام(ره) و شهید بهشتی همیشه در جیبش بود و اعتقاد داشت که اینها در جبهه به انسان قدرت می بخشد. فردی بسیار عاطفی و دل رحم بود. اگر دوستانش کاری داشتند به او محول می کردند، به طوری که بعد از شهادت معلوم شد که بیش از صد هزار تومان به چند نفر از آنان مساعده داده بود.

تنها عامل مؤثر رفتن به جبهه، عشق و علاقه ایشان به وطن و پاسداری از ارزشهای اسلام بود. اگر دیگران از او می خواستند که از خطر برگردد بسیار ناراحت می شد و داوطلبانه در حمله ها شرکت می کرد.

شهید بزرگوار اکبر رضاپور که در یگان خدمتی لشکر ۶۴ ارومیه به عنوان گروهیان یک مشغول وظیفه مقدس دفاع از میهن و اسلام بود، در تاریخ ۱۳۶۶/۲/۲۲ در منطقه عملیاتی پنجوین در اثر بمباران دچار موج گرفتگی شد و در بیمارستان تهران به درجه رفیع شهادت نائل آمد و پیکر پاکش در باغ رضوان ارومیه به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: ابراهیم رضایی

تاریخ تولد: ۱۳۳۲

محل شهادت: فرودگاه سنندج

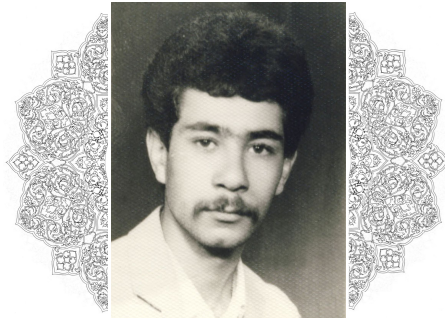
تاریخ شهادت: ۵۹/۰۲/۲۵

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید ابراهیم رضایی در سال ۱۳۳۲ در شهرستان ارومیه به دنیا آمد. دوران تحصیل را که گذراند برای خدمت در ارتش داوطلب شد و راهی آموزشگاه گروهبانی شد. بعد از آموزش نظامی در تهران به عنوان گروهبان یکم به سنندج اعزام شد. در آنجا شروع به کار نمود ولی پس از مدتی این کار را به خاطر جو موجود در آنجا مطابق میل خود ندید و درصدد استعفا برآمد و می خواست از خدمت در ارتش سرباز زند ولی با واکنش شدید مسؤولین وقت مواجه شد و او را به خاطر بی میلی به خدمت چندین بار دستگیر کردند.

او تا زمان پیروزی انقلاب از رژیم ستم شاهی بیزار بود و نفرت داشت تا اینکه پس از پیروزی انقلاب او خدمت واقعی خود را در ارتش بعد از انقلاب در لشکر ۲۸ سنندج شروع کرد و فعالیتش در راه اسلام و انقلاب ادامه داشت.

محل خدمت او از بدو انقلاب در شهر سنندج بود، تا اینکه درگیریهایی که در آن شهر رخ داد و آنها با افراد اغتشاش طلب مقابله کردند و در آن زمانی که دامنه درگیری کل شهر را فرا گرفته بود، در ۲۵ اردیبهشت سال ۵۹ در درگیری با حزب در فرودگاه سنندج به درجه رفیع شهادت نایل آمد. پیکر او را به ارومیه منتقل کرده و در قطعه شهدای باغ رضوان ارومیه به خاک سپردند. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: علی النقی رضایی

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: مهاباد

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۱۲

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید علی النقی رضایی در تاریخ ۱۳۴۱ در قریه رشکان، از توابع ارومیه چشم به جهان گشود. در این روستا تا کلاس سوم راهنمایی ادامه تحصیل داد.

او در جوانی بسیار مذهبی و مؤمن بود. همیشه آرزوی حکومت اسلامی را در سر می پروراند و از وضعیت موجود ناراحت بود. بنابراین جهت تحقق بخشیدن به خواسته های خود، پس از اخذ مدرک سوم راهنمایی با عشق و علاقه ای که نسبت به قرآن و اسلام داشت تصمیم گرفت به استخدام یکی از ارگان ها درآید و در این راه به اسلام و ایران خدمت کند. لذا در زاندارمری ثبت نام نمود و با درجه گروهیان دومی به خدمت مشغول شد.

در راه استقرار احکام الهی و فرامین ائمه اطهار (ع) فعالیتهای بسیاری کرد و تنها هدفش این بود که در راه قرآن و اسلام قدم بردارد و در این راه جانفشانی کند. با شروع انقلاب شکوهمند اسلامی امت مسلمان ایران او توانست به خواسته هایش جامه عمل بپوشاند و به آرزوهای دیرینه اش برسد.

بنابراین، برای برقراری حکومت ... در عملیات و پاکسازی ها شرکت می کرد و هیچ گاه خستگی در او راه نداشت به طوری که در قسمتی از وصیت نامه اش آمده: «همه روزی متولد می شوند و روزی هم به ایزد منان نزدیک می گردند، ولی چه زیباست که انسان با بزرگواری و با سرافرازی در راه قرآن دفاع از شرف و ناموس خویش جان بسپارد».

به امام امت (ره) بنیانگذار حکومت اسلامی بسیار علاقمند بود. تا اینکه در تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۲ در منطقه کردستان، بر اثر اصابت تیر حزب منحله دمکرات و ضدانقلابیون داخلی، به آرزوی قلبی خود که شهادت در راه اسلام و قرآن بود نائل آمد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: حمید رفیعی

تاریخ تولد: ۱۳۳۷

محل شهادت: پایگاه کلتی سرد

تاریخ شهادت: ۵۹/۰۲/۱۶

فرازی از زندگینامه شهید:

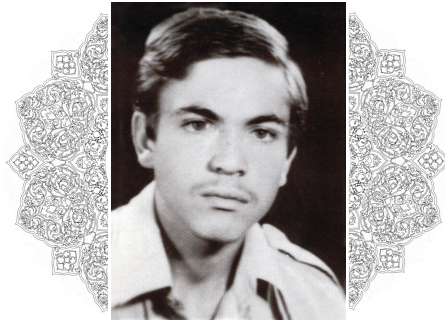
شهید حمید رفیعی در سال ۱۳۳۷ در روستای الیاس آباد از توابع شهرستان ارومیه دیده به جهان گشود. از همان اوان بچگی پاکدامنی را سرلوحه کارهای خود قرار داده و در ۷ سالگی راهی مدرسه شد. نمرات او همیشه خوب بود و بعد از درس و مشق به همراه مادرش در کارهای کشاورزی کمک خانواده بود و در این مدت هیچ وقت از وظایف دینی خود از قبیل نماز و روزه و تلاوت قرآن کوتاهی نمی کرد. نماز را سر وقت می خواند.

تحصیلات راهنمایی را در یک مدرسه قدیمی به نام آذربادگان گذراند و بعد از اتمام دوره راهنمایی ترک تحصیل کرده و چون علاقه زیادی به خدمت نظام داشت برای درجه داری ثبت نام کرده و در این سمت به انجام وظیفه و جنگ با گروهکها و ضدانقلاب داخلی پرداخت.

ایشان یک بار به اسارت گروهکها درآمد و با همکاری دوستانش از جنگ آنان گریخت و وقتی برای بار دوم به دست آنان افتادند، آن از خدا بی خبران دیگر مجال نداده و در همانجا این گل سرسبز را پرپر نمودند و درجه شامخ شهادت را نصیب این یار دیرین خدا و امام کردند.

از صفات بارز حمید، حسن خلق و دوستی امام راحل و جمهوری اسلامی و احساس مسؤولیت بود. در مراسم عاشورای حسینی شرکت فعالانه داشتند.

تاریخ شهادت ایشان به قبل از شروع جنگ بر می گردد. ایشان در ۱۳۵۹/۲/۱۶ در پاسگاه مکتی سردشت به وسیله عناصر ضدانقلاب به درجه شهادت نائل آمد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهبید: علیرضا روستان

تاریخ تولد: ۱۳۴۴

محل شهادت: سلمچه

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۲۳

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید علیرضا روستان در سال ۱۳۴۴ در آبادان به دنیا آمد. در همان جا تحصیلات ابتدایی را شروع کرد و در دوره راهنمایی بود که مجذوب انقلاب و اهداف اسلامی آن شد و فعالیت‌های خود را در زمینه پخش اعلامیه و شرکت در تظاهرات آغاز کرد. رفته رفته چنان دل‌باخته و شیفته امام (ره) و خط ولایت فقیه شد که اطرافیان را نیز به پیروی از ولایت فقیه و انجام فرائض دینی تشویق می نمود.

شهید علیرضا، حضور در جبهه را وظیفه شرعی می دانست و خودش این وظیفه را به نحو احسن انجام می داد. از طریق بسیج دانش آموزی اصفهان عازم جبهه های جنوب شد و در آنجا نیز مرتب به هم‌زمانش یادآوری می کرد که باید فرامین امام (ره) را به گوش جان بشنویم و با تمام وجود در انجام فرمان امام (ره) کوشا باشیم.

شهید علیرضا روستان، در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۲۳ بعد از مدتی رویارویی با بعثیون کافر، در منطقه سلمچه، در اثر اصابت ترکش به لقاء... پیوست. روحش شاد و روانش گرمی باد.



شهید: احمد زبان برقفا

تاریخ تولد: ۱۳۲۷

محل شهادت: پیرانشهر

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۰۲

فرازی از زندگینامه شهید:

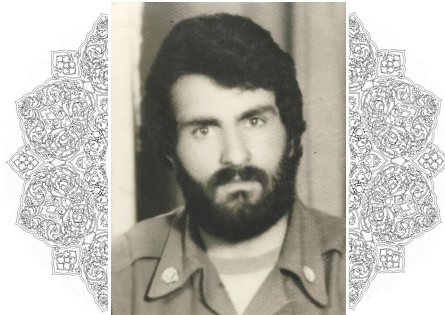
شهید احمد زبان برقفا در سال ۱۳۲۷ در روستای دوستی از توابع شهرستان مهاباد در خانواده ای بایمان و مستضعف به دنیا آمد. در همان ابتدای نوجوانی شروع به کار و فعالیت کرد و مشکلات زندگی باعث محرومیت تحصیل ایشان گردید.

در سال ۱۳۲۷ به روستای میرآباد نقده مهاجرت و در اوائل انقلاب همراه خانواده به شهرستان نقده نقل مکان نمود. در سال ۱۳۴۷ تشکیل بنای زندگی نمود و به سال ۱۳۴۸ به خدمت مقدس سربازی مشغول و پس از اتمام دوره به آغوش گرم خانواده بازگشت.

از آنجایی که فرزند فقر و محرومیت بود، به محرومان جامعه احترام می گذاشت و از آنها عیادت و حمایت می کرد. پاکدلی، عشق و اینار از صفات بارز و برجسته وی بود. نماز و روزه و دیگر فرائض دینی را به نحو احسن انجام می داد. به ولایت فقیه و به انقلاب اسلامی که ثمره خون هزاران شهید گلگون گفن است عشق می ورزید.

به علت علاقه ای که به سپاه داشت در سال ۱۳۵۹ به این نهاد مقدس پیوست و در مناطق مختلف آذربایجان به پاسداری مشغول شد. مردی مؤمن و بالاراده بود. هر مأموریتی که از طرف فرماندهان صادر می شد، با صمیمیت قبول می کرد. هنگامی که جنوب گرم و سرسبز میهن اسلامی در کف آتش ستیز متجاوزان کافر گداخت و خرمشهر به خونین شهر بدل گشت، او همچون هزاران هزار متعهد انقلاب به معرکه جنگ شتافت و جان خویش را سپر بلای دشمن نمود. ایشان بعد از مدتی به آغوش خانواده بازگشت و سرانجام در مورخه ۶۱/۲/۲ پس از عمری پرتنمر در منطقه کهنه خانه پیرانشهر در نبرد با ضدانقلاب و منافقین به آستان مقدس قدسات آفرین راه یافت. به وعده الست خویش وفا و جان شیدا را به پاکان درگاه الهی پیوند زد و پیکرش را در شهرستان نقده با شکوه خاصی تشییع و در گلزار شهیدان این شهرستان به خاک نهند.

جاودانه باد شادمانیش در جوار رحمت حق.



شهید: حسن زینال بیگ زاده

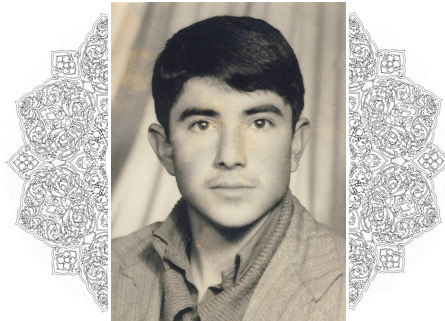
تاریخ تولد: ۱۳۲۷

محل شهادت: سیلوانا

تاریخ شهادت: ۶۴/۰۲/۰۸

فرازی از زندگینامه شهید:

پاسدار شهید حسن زینال بیگ زاده در سال ۱۳۲۷ در روستای طلایه از شهرستان ارومیه متولد شد. بعد از طی دوران کودکی راهی مدرسه گشت و تا کلاس هفتم درس خواند. سپس ترک تحصیل نموده و به کار کشاورزی و کمک به پدر مشغول گردید. قبل از انقلاب مدتی در یک شرکت دولتی به رانندگی پرداخت و سپس ازدواج نمود و بعد از مدت یک سال به استخدام سپاه پاسداران انقلاب درآمد. او اعتقاد راسخی به انقلاب اسلامی داشت و مخصوصاً به رهبر انقلاب، امام خمینی (ره) ارادت و علاقه خاصی از خود نشان می داد. او بارها در جریان یک عملیات جنگی تا مرز شهادت پیش رفت. ولی به طور معجزه آسایی نجات یافت. به طوری که با ماشین روی مین رفت و ماشین منهدم گشت، ولی به او آسیبی نرسید. سرانجام در تاریخ ۱۳۶۴/۲/۸ در جریان پاکسازی منطقه سیلوانا از وجود ضدانقلاب بر اثر اصابت گلوله به درجه رفیع شهادت نایل گشت. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: تقی زینالی جم

تاریخ تولد: ۱۳۳۷

محل شهادت: جم و تومتر

تاریخ شهادت: ۵۹/۰۲/۲۱

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید والامقام، تقی زینالی در سال ۱۳۳۷ در روستای بزرگ آباد از توابع شهرستان ارومیه در یک خانواده فقیر و شیعی مذهب به دنیا آمد. او به کار کشاورزی علاقه خاصی داشت.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به عضویت کمیته انقلاب اسلامی درآمد. شهید همراه با پدرش در تظاهرات روستای بزرگ آباد و روستاهای همجوار شرکت می نمود.

شهید زینالی به علت کار کشاورزی به مدرسه نرفت. ایشان فردی متعهد و با تقوا و با ایمان بود و در عاشورای حسینی در دستجات سینه زنی شرکت می نمود.

او همیشه با اسلحه کالیبر ۵۰ خودش به اتفاق پدرش با حزب دمکرات درگیر بود و مبارزه می کرد.

به مادرش توصیه می نمود: که بعد از شهید شدن من صبر پیشه سازید و ناراحت نشوید زیرا من در راه حق و حقیقت قدم بر می دارم. شهید دارای فکری روشن و همیشه دوستانش از او راهنمایی می خواستند.

عاقبت ایشان در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۲۱ در پایگاه جم جم، بین روستای تومتر و بالانج شهرستان ارومیه، در اثر برخورد با مین کاشته شده توسط ایادی مزدور حزب منحلۀ دمکرات، به آرزوی دیرینه خود یعنی شهادت در راه خدا نائل گشت.

روحش شاد، یادش گرامی.



شهید: قربانعلی ستاری اصل

تاریخ تولد: ۱۳۴۴

محل شهادت: مریوان

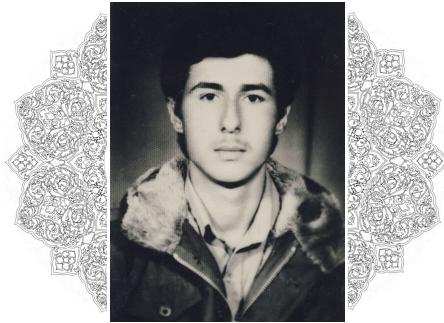
تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۰۳

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید قربانعلی ستاری اصل به تاریخ ۱۳۴۴/۳/۱۴ در شهرستان ارومیه تولد یافت و در دامن خانواده ای باغیرت و مؤمن پرورش یافت و از همان آغاز کودکی دلی پاک و روحی عاشق داشت. تحصیلات خود را آغاز می کند و بعد در ارتش به عنوان درجه دار استخدام می شود. شهید در قیل و بعد از انقلاب فعالیتهای چشمگیری داشته و پیوسته در همین راستا قدم برمی داشت و در تظاهرات شرکت می کرد. ساده زیستی را پیشه خود کرده بود و خدا را پیوسته در اندیشه داشت و سعی می کرد همچون مولایش امام حسین(ع) باشد و به فکر فقرا و بیچارگان بود و یاریشان می کرد.

شهید در تاریخ ۱۳۶۴/۹/۷ اقدام به ازدواج نمود که ثمره آن یک دختر می باشد. شهید قربانعلی پیوسته در میدان نبرد بود و خدمت صادقانه می کرد. تا اینکه در منطقه عملیاتی والفجر ۴ در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۳ بر اثر بمباران هوایی در عملیات والفجر ۴ در شهرستان مریوان به درجه رفیع شهادت نائل آمد و در باغ رضوان ارومیه به خاک سپرده شد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: علی سخندان هریس

تاریخ تولد: ۱۳۴۰

محل شهادت: شوش

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۲

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید علی سخندان به سال ۱۳۴۰ در شهرستان ارومیه در یک خانواده متوسط دیده به جهان گشود. پس از طی دوران طفولیت، تحصیلات خود را تا اخذ مدرک دیپلم ادامه داد و سپس به خدمت مقدس سربازی اعزام گردید. از نظر اخلاقی فردی مومن و دلسوز و مهربان بود و همیشه در راهبیمایی‌هایی که توسط مردم انقلابی صورت می گرفت شرکت می کرد. با آغاز جنگ تحمیلی عراق و تجاوز به مرزهای اسلامی، شهید در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۲ در جبهه جنوب (شوش) در اثر درگیری با دشمن در عملیات فتح‌المبین مفقودالاثار شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: محرم سلامتی

تاریخ تولد: ۱۳۴۵

محل شهادت: مجنون

تاریخ شهادت: ۶/۲/۶۵

فرازی از زندگینامه شهید:

سرباز شهید محرم سلامتی در سال ۱۳۴۵ در روستای یولقون آباد از توابع شهرستان ارومیه در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود. بعد از دوران کودکی راهی مدرسه شد و دوره ابتدایی را در همان روستا سپری کرد، ولی به علت عدم تمکن مالی ترک تحصیل نموده و به کار کشاورزی در روستا مشغول شد. شهید در سن ۱۷ سالگی به خدمت مقدس سربازی اعزام شد و بعد از ۱۴ ماه مقاومت و حضور در جبهه های نبرد، عاقبت در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۶ در جزایر مجنون، در رویارویی با دشمن بعثی عراق به شهادت رسید. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: حاجی سلیمان زاده

تاریخ تولد: ۱۳۴۴

محل شهادت: سلمچه

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۳۱

فرازی از زندگینامه شهید:

سرباز شهید حاجی سلیمان زاده در سال ۱۳۴۴ در روستای تولی محال ترگور از توابع شهرستان ارومیه در خانواده ای متدین و سنی مذهب ولی کم بضاعت دیده به جهان گشود.

فقر و محرومیت های موجود در روستاهای مناطق عشایری بر اثر تسلط خوانین، سبب گردید که وی از نعمت سواد بی بهره گردد. از دوران کودکی و نوجوانی به کارگری مشغول شد و تا زمان اعزام به خدمت همچنان آن را ادامه داد.

دوران سربازی خود را به عنوان پاسدار مشمول در سپاه پاسداران شروع کرد و بارها در مناطق جنگی حضور یافت. هنگام اعزام به جبهه ها به خانواده خود گفت اگر سالم برگشتم که هیچ و اگر شهید شدم چه افتخاری بزرگتر از این که نصیبم می شود.

سرانجام بعد از هشت ماه دفاع مقدس در راه وطن و انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۳۱ در منطقه شمال غرب حاج عمران، به درجه رفیع شهادت نائل گردید.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: اردشیر سلیمانی بالدرلو

تاریخ تولد: ۱۳۳۵

محل شهادت: سرپل ذهاب

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۴

فرای از زندگینامه شهید:

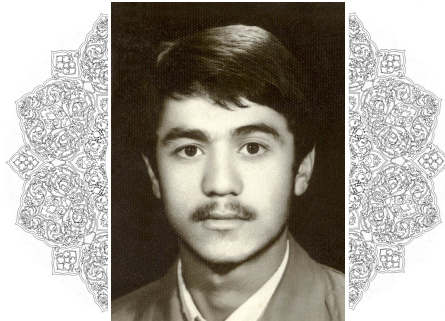
شهید اردشیر سلیمانی به سال ۱۳۳۵ در خانواده ای متدین و مذهبی در شهر ارومیه دیده به جهان گشود. پدرش بازنشسته ارتش و مادرش خانه دار بود. با توجه به کهولت سن پدر، او در دوران کودکی به کار و تلاش در کنار درس و تحصیل پرداخت و موفق به اخذ مدرک دیپلم گردید. بعد از وارد شدن به دانشکده افسری و اخذ مدرک کارشناسی نظامی، در نیروی هوایی تبریز به انجام خدمت پرداخت. سپس به همدان منتقل گردید.

او از نخستین روزهای رشد و اوج گیری انقلاب به صف انقلاب پیوست و هنگام ورود حضرت امام خمینی (ره) به میهن جزو افسران اعتصابی نیروی هوایی بود که مدتی هم بازداشت و مورد آزار و شکنجه قرار گرفت و در جریان انقلاب، به همت مردم آزاد گردید و بعد از مدتی به تبریز منتقل شد.

در جریان جنگ به جبهه های مختلف از جمله جبهه خرمشهر اعزام و فعالیت های پرثمری در این راه انجام داد.

مشاهده جنایت های عوامل رژیم عراق در منطقه خرمشهر او را سخت می آزد و همیشه به افراد خانواده لزوم شرکت در جبهه و دفاع مقدس را گوشزد می نمود. به مادرش می گفت: در صورتی که من در جبهه شهید شوم برادرم و سایر افراد فامیل را بفرستید. عاقبت به تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۴ در عملیات افتخارآفرین آزادسازی خرمشهر، در راه عقیده و آرمان بلندش وجود پرارزش خود را هدیه نمود و به برکت این رشادت ها خرمشهر قهرمان به آغوش میهن بازگشت.

راهش پررهرو باد، یادش گرامی باد.



شهید: یحیی سلیمی

تاریخ تولد: ۱۳۴۴

محل شهادت: فکه

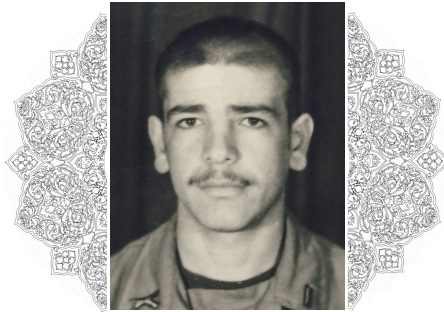
تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۱۰

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید یحیی سلیمی دوران ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهش به پایان رسانیده، جهت ادامه تحصیل به شهرستان میاندوآب آمد و مدرک دیپلم بازرگانی را از دبیرستان مطهری اخذ کرد.

این شهید عزیز دارای اخلاق و رفتار پسندیده بود و مردم به خاطر رفتار نیکش به او احترام خاصی قائل بودند. شهید در اوقات بیکاری در کنار پدر به کار کشاورزی می پرداخت و در مدرسه عضو انجمن اسلامی بود و در روستا نیز با انجمن اسلامی روستا همکاری نزدیک داشت.

شهید سلیمی بعد از گرفتن دیپلم به خدمت سربازی فرا خوانده شد و در مصاف با دشمن تجاوزگر همه گونه تلاش خود را میذول داشته و در منطقه فکه به همراه سایر همزمان گردان ۱۷۶ تیپ ۱ لشکر ۱۶ زرهی قزوین مشغول نبرد با دشمن بود که در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۱۰ به شهادت رسید و پیکر پاکش در گلزار شهدای شهرستان میاندوآب به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.

**شهید: بهمن سیدکفاشی****تاریخ تولد: ۱۳۴۰****محل شهادت: بازی دراز (کرمانشاه)****تاریخ شهادت: ۶۰/۰۲/۰۴****فرازی از زندگینامه شهید:**

سرباز شهید بهمن سیدکفاشی در سال ۱۳۴۰ در شهر ارومیه متولد شد. تحصیلات خود را در این شهر، با معدلی خوب، عالی به پایان رساند و عازم خدمت سربازی گردید.

شهید همزمان با رشد انقلاب اسلامی، به صف مبارزان پیوست و در به ثمر رساندن نهال انقلاب فعالیت های چشمگیری انجام داد.

بعد از پیروزی انقلاب، همچنان به فعالیت خود در حفظ و حراست از انقلاب نوبا ادامه داد. در این مدت بیشتر در پایگاه محله حضور می یافت. بعد از شروع جنگ تحمیلی، به میدان های نبرد حق علیه باطل رهسپار شد و در دفع تجاوز دشمن صادقانه جنگید. او از نظر اعتقادی، جوانی مؤمن و با اخلاص بود و خالصانه نسبت به امام خمینی (ره) ارادت می ورزید.

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۴ در منطقه بازی دراز، در حین مقابله با دشمن، به کاروان شهیدان انقلاب پیوست و خونین بال به دیدار حق شتافت. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شہید: ولی شاد قوشچی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷

محل شہادت: نورالدین آباد

تاریخ شہادت: ۶۳/۰۲/۰۶

فرازی از زندگینامہ شہید:

بسپچی شہید ولی شادقوشچی در سال ۱۳۴۷ در بخش قوشچی از محال انزل متولد شد و تا کلاس پنجم ابتدایی تحصیل نمود. قبل از پیروزی انقلاب به علت صغر سن فعالیت چندانی نداشت. وی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در بسیج قوشچی مشغول خدمت بوده است. او عاشق اسلام و امام راحل بوده و در راه به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی تلاش می کرد. شہید ولی شاد هنوز پنج ماه بود کہ در بسیج سپاہ فعالیت می نمود کہ در تاریخ ۱۳۶۳/۲/۶ در نورالدین آباد ارومیه در عملیات پاکسازی منطقه بر اثر سرمای زیاد بہ درجہ رفیع شہادت نایل آمد.

یادش گرامی باد.



شهید: ابراهیم شجاع جمال آباد

تاریخ تولد: ۱۳۱۸

محل شهادت: کانی بلاغ

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۰۹

فرازی از زندگینامه شهید:

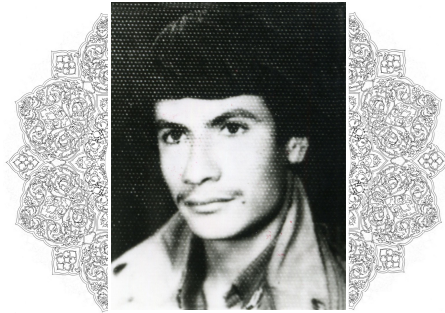
شهید ابراهیم شجاع جمال آباد به تاریخ ۱۳۱۸ در خانواده‌ای فقیر، در روستای جمال آباد از توابع شهرستان ارومیه دیده به جهان هستی گشود. اوان کودکی شهید سراسر درد و رنج و محرومیت بود. در ۶ سالگی پدرش را از دست داد و تحت سرپرستی مادر و ناپدری خود مشغول به تحصیل شد. ولی به علت عدم تمکن مالی از ادامه تحصیل دست کشید و به خدمت زاندارمری درآمد.

شهید متاهل بود و ۷ فرزند داشت. به گفته فرزند ارشد شهید، وی فردی متدین و عامل به واجبات دین بود. همواره فرزندان خود را به نماز خواندن تشویق می‌نمود و در مورد حجاب رعایت کامل آن توصیه‌های فراوان می‌کرد.

شهید ابراهیم در زمان پیروزی انقلاب اسلامی، در پل قطور مشغول انجام وظیفه بود و خودش داوطلبانه برای مأموریت به سردشت و پسوه می‌رفت.

سرانجام برای سرکوبی اشرار ضدانقلاب داخلی و احزاب غیرقانونی راهی کردستان شد و به شهرهای مهاباد، پیرانشهر، ترمچین مأموریت یافت. تا اینکه در مورخه ۱۳۶۲/۲/۹ به هنگام غذارسانی به رزمندگان اسلام، در منطقه کانی بلاغ پسوه، بر اثر انفجار مین دشمن غدار، به درجه رفیع شهادت نائل شد.

روانش شاد و راهش پر دوام باد.



شهیید: نادهلی شریفی

تاریخ تولد: ۱۳۴۸

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۸/۰۲/۱۷

فرازی از زندگینامه شهید:

سرباز شهید نادهلی شریفی در سال ۱۳۴۸ در روستای توپراق قلعه از توابع شهرستان ارومیه متولد شد. بعد از گذراندن دوران کودکی به تحصیل پرداخت و تا کلاس دوم راهنمایی تحصیل نمود. سپس ترک تحصیل نمود و تا زمان اعزام به خدمت مقدس سربازی، در روستا به کشاورزی و کمک به پدر مشغول شد. در سال ۱۳۶۴ ازدواج نمود که نمره آن دو فرزند (یک دختر و یک پسر) می باشد. در سال ۱۳۶۷ به خدمت مقدس سربازی ملبس گشت و به عنوان پاسدار مشمول به انجام خدمت پرداخت.

در جریان خدمت سربازی خود، به مناطق مختلف اعزام گردید و سرانجام در تاریخ ۱۳۶۸/۲/۱۷ در منطقه عملیاتی پیرانشهر و در خط مقدم جبهه در حین درگیری با دشمن متجاوز به علت اصابت گلوله به ناحیه سر به شهادت رسید. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: غلامحسین شعاعی گمچی

تاریخ تولد: ۱۳۵۰

محل شهادت: الواتان

تاریخ شهادت: ۶۹/۰۲/۳۰

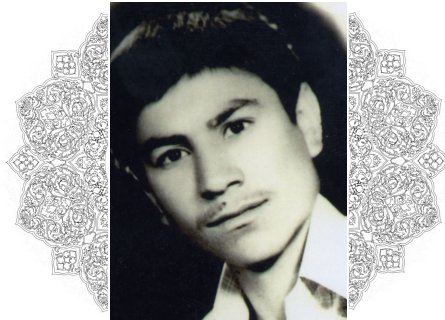
فرازی از زندگینامه شهید:

سرباز شهید غلامحسین شعاعی گمچی در سال ۱۳۵۰ در شهرستان ارومیه متولد شد. بعد از طی دوران کودکی تا کلاس دوم ابتدایی تحصیل نمود. سپس ترک تحصیل کرد و تا زمان اعزام به خدمت سربازی به مدت ۸ سال در ترمینال شهرستانها مشغول کار شد و در این مدت بارها جهت انتقال سربازان اسلام به همراه رزمندگان به میدانهای نبرد سفر کرد که در جریان این مسافرتها چندین بار مورد اصابت ترکش قرار گرفته بود.

فعالیتهای انقلابی او به زمان جنگ مربوط می شود. او در این سالها داوطلبانه عازم مناطق جنگی می شد و علت آن علاقمندی و دلسوزی نسبت به انقلاب بود و می خواست از این طریق در جنگ سهمی داشته باشد. از نظر عقیدتی، از علاقمندان انقلاب و امام خمینی(ره) بود و در انجام فرایض دینی جدی و کوشا بود.

سرانجام با رسیدن سن سربازی به خدمت اعزام شد و به عنوان پاسدار مشمول مشغول انجام وظیفه شد. او در عملیات مقابله با ضدانقلاب به مناطق عملیاتی کردستان اعزام گردید و سرانجام در تاریخ ۱۳۶۹/۲/۳۰ در منطقه عملیاتی آلباتان در حین درگیری با عناصر ضدانقلاب بر اثر اصابت تیر به شهادت رسید و به کاروان خونین شهیدان ملحق گردید. پیکر پاکش در باغ رضوان ارومیه به خاک سپرده شد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: وحید شیخی

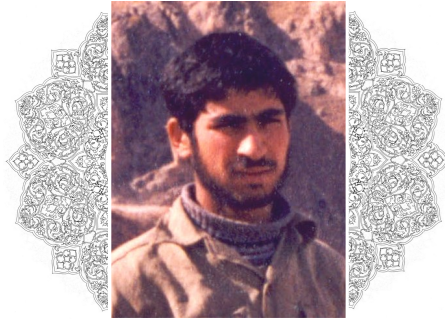
تاریخ تولد: ۱۳۴۷

محل شهادت: پیرانشهر

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۲۹

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید وحید شیخی در سال ۱۳۴۷ در روستای بزرگ آباد از توابع شهرستان ارومیه به دنیا آمد. دوران تحصیل خود را از ابتدائی تا پایان دبیرستان در ارومیه گذراند. نامبرده از خصوصیات اخلاقی خوبی برخوردار بود و بسیار مهربان بود. به افراد بزرگتر از خود و همسایگان احترام قائل بود. ایشان در راهپیمائیهای انقلابی که بر علیه رژیم شاهنشاهی برگزار می شد شرکت می نمود. عاشق امام (ره) و انقلاب بود که داوطلبانه به عضویت بسیج درآمد و مشغول فعالیت شد تا اینکه به سن مشمولیت رسید و جهت خدمت رسمی سربازی وارد سپاه پاسداران گردید و در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۲۹ در منطقه عملیاتی حاج عمران - پیرانشهر در جنگ با کفار بعثی به فیض شهادت نائل آمد و پیکر پاکش در باغ رضوان ارومیه به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: ایوب شیرزاد ییکی

تاریخ تولد: ۱۳۴۲

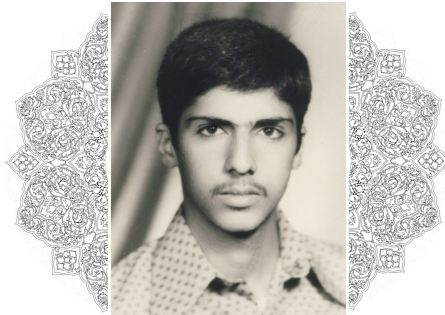
محل شهادت: عین خوش

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۷

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید ایوب شیرزاد به سال ۱۳۴۲ در نیکی آباد میاندوآب در یک خانواده متوسط دیده به جهان گشود. پس از طی دوران طفولیت، تحصیلات خود را به همراه کمک کردن به خانواده از لحاظ مالی تا اخذ مدرک دیپلم ادامه داد. سپس به استخدام سپاه پاسداران درآمد و با توجه به شایستگی اش، فرماندهی سپاه آشنویه را بر عهده گرفت. شهید به هنگام اوج گیری انقلاب اسلامی، فعالانه در راهپیمایی ها و مجالس و محافل و سخنرانی ها شرکت می کرد.

از نظر اخلاقی، فردی مؤمن و متعهد نسبت به موازین اسلامی بود. با آغاز جنگ تحمیلی عراق و تجاوز به مرزهای اسلامی، در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۷ درگیری با دشمن بعثی عراق، در منطقه شلمچه، عملیات بیت المقدس بر اثر اصابت ترکش خمپاره به درجه رفیع شهادت نائل گردید. راهش پررهرو باد.



شهید: خسرو صادق خلیلی

تاریخ تولد: ۱۳۳۸

محل شهادت: جنوب کشور

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۲۲

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید خسرو صادق خلیلی به سال ۱۳۳۸ در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد. پدرش دبیر دبیرستان های شهرستان ارومیه بود. پس از گذراندن دوران دبستان و متوسطه وارد هنرستان شد و در رشته برق مشغول تحصیل شد.

در دوران تحصیل، ضمن تماس با برادران مذهبی با توجه به علاقه ای که به اسلام داشت، کم کم شوق اسلام و نور ایمان در وجودش منور شد. به طوری که در قیافه نورانی او آشکار بود و ایمان به خدا و سعی و کوشش برای تحقق آرمان های الهی بود. با شروع انقلاب، وی نیز در این مسیر تا آنجا که توانست، قدم به قدم در جهت اشاعه فرهنگ انقلاب مجاهدت های فراوانی نمود. پس از اخذ مدرک دیپلم، وارد انستیتو تکنولوژی شد و پس از دو سال در رشته برق موفق به اخذ مدرک فوق دیپلم گشت.

ولی اخذ مدرک فوق، روح بلند و نورانی او را سیراب نمی کرد. او باید قله های انسانیت و اینار واز خودگذشتگی را فتح می نمود او باید ایمان را در نهایت زیبایی در ضمیر خویش متبلور می ساخت.

این چنین بود، که با اشتیاق و علاقه وافر وارد نهاد مقدس سپاه پاسداران شد و تا سال ۶۰ در واحد عملیات فعالیت کرد. از نظر خصوصیات اخلاقی، فردی متدین و دیندار بود. رفتار و اخلاق بسیار خوب او در میان دوستان و آشنایان و خانواده الگو و نمونه بود.

با شروع جنگ تحمیلی و تصرف سرزمین عزیزمان به دست مزدوران عراقی، شهید خسرو صادق خلیلی در آبان ماه سال ۵۹ به جبهه اعزام شد و در جبهه آبادان به مدت دو ماه مشغول خدمت شد.

شوق شهادت، شوق پیوستن به خدا، شوق لبیک به ندای «هل من ناصر» امام حسین(ع) تمام وجود وی را فرا گرفته بود و اجازه نمی داد که آرام بماند. انگار خسرو می خواست در جبهه ایمان و ایثار به مقام شهادت برسد و این بود که در خرداد ماه سال ۱۳۶۰ بار دیگر به جبهه رفت و این بار نیز به جبهه آبادان اعزام شد و از ناحیه سینه مجروح گردید.

پس از بازگشت از جبهه، همکاری خود را با بنیاد مستضعفان ادامه داد و در آذر ماه سال ۱۳۶۰ جهت کمک به اقتصاد کشور و بالا بردن تولید، وارد شرکت تعاونی ۵۳ معادن وابسته به دولت شد و در قسمت تدارکات مشغول فعالیت گردید. ولی باز هم در سال ۱۳۶۱ جهت شرکت در جبهه های حق علیه باطل برای سومین بار و آخرین بار به سوی جبهه های جنوب روانه شد و به تیپ عاشورا ملحق گشت.

دو شب بعد از رسیدن به جبهه، با شروع مرحله دوم عملیات شلمچه، (بیت المقدس) و در هنگام فتح خاکریز دشمن، در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۲۲ در اثر اصابت ترکش از ناحیه سینه، به درجه رفیع شهادت نائل گردید. یادش گرامی باد.





شهید: دوستعلی صادقی ارنساء

تاریخ تولد: ۱۳۳۴

محل شهادت: خرمشهر

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۲۳

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید دوستعلی صادقی در سال ۱۳۳۴ در یکی از روستاهای شهرستان ارومیه، در یک خانواده متوسط دیده به جهان گشود. تحصیلات خود را تا اخذ مدرک فوق دیپلم ادامه داد و سپس به خدمت مقدس سربازی اعزام گشت و در جهاد سازندگی مشغول خدمت شد.

از نظر اخلاقی، فردی مؤمن و متدین بود. در انجام احکام و فرایض دینی کوتاهی نمی کرد و همواره در راهپیمائی های باشکوهی که توسط مردم انقلابی صورت می گرفت شرکت می کرد.

با آغاز جنگ تحمیلی عراق و تجاوز به مرزهای اسلامی، در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۲۳ درگیری با دشمن بعثی عراق، در منطقه خرمشهر بر اثر اصابت خمپاره به درجه رفیع شهادت نائل گردید. راهش مستدام باد.

همواره سعی مان این باشد که خاطره شهدا را در ذهنمان زنده نگه داریم و شهدا را به عنوان یک الگو در نظر داشته باشیم که شهدا راهشان راه انبیاست و پاسداران واقعی هستند که در این راه شهید شدند.
(شهید خراسانی)



شهید: مصطفی صادقیار

تاریخ تولد: ۱۳۲۷

محل شهادت: منزل فامیل

تاریخ شهادت: ۵۸/۰۲/۰۲

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید مصطفی صادقیار در سال ۱۳۲۷ در بخش محمدیار در خانواده ای متدین چشم به عالم هستی گشود. پس از طی مراحل مختلف تحصیل دیپلم خود را اخذ نمود و به استخدام اداره کشاورزی نقده درآمد. در انقلاب مردم خداجوی ایران علیه نظام منحط پهلوی شرکت جست و در دوم اردیبهشت سال ۵۸ در یورش ضدانقلاب به شهرستان نقده در منزل پدر زن خویش همراه با ۱۰ تن از اقوام و آشنایان توسط ضدانقلاب به طرز دلخراشی به شهادت رسید.

شهید شیفته اسلام و انقلاب بود و در اوجگیری انقلاب اسلامی همپای مردم خداجو به پا خاست و در لحظه لحظه انقلاب حضوری چشمگیر داشت. با پیروزی انقلاب اسلامی دشمنان انقلاب و ضدانقلاب داخلی به فکر انتقام از ملت شهید پرور نمودند و در یک همایش طراحی شده چندین هزار مسلح از ملیت های گوناگون در نقده گرد آمدند تا ضمن قدرت نمایی و ارباب مردم دلیر و شجاع نقده ثبات پلید خویش را عملی سازند. اما مردم شریف و دلاور نقده پیدی نبود از اینگونه بادهای بلرز. بلافاصله مردم نقشه شوم و استکباری احزاب منحل دموکرات و کومله را دریافتند و خود را جهت مقابله و دفاع از شرف و حیثیت منطقه آماده نمودند. در همان آغاز درگیری ضدانقلاب دریافت که نقشه شومش عملی نخواهد شد. بنابراین با هجوم به خانه مردم و قتل عام مردم عادی و غیر مسلح اعم از زن و مرد، کودک و برنا و پیر و سالخورده ماهیت اهریمنی خود را آشکار نمود.

شهید مصطفی صادقیار که در خانه پدرزن همراه با ۲۰ تن از فامیل و اقوام و آشنایان میهمان بودند مورد هجوم ناجوانمردانه ضدانقلاب به اصطلاح مدعی حقوق مردم قرار گرفتند و با نهایت بی رحمی و سنگدلی و قساوت دشمن زیون با غیرت و شرف جان باختند.

این عمل وحشیانه ضدانقلاب ثقت عمومی را برانگیخت به طوری که مردم خداجو و شهید پرور سلدوز تا آخرین نفس با دشمن مکار و خصم پلید مبارزه نموده و شهر را از لوٹ وجود دشمن پاک کردند و در این راه شهدای قابل توجهی تقدیم امام و انقلاب نمودند که تا ظهور حضرت مهدی(عج) بر تارک تاریخ انقلاب خواهند درخشید.

بیکر مظهرش را به همراه اقوام و دوستانش در گلزار شهدای شهرستان نقده به خاک نهادند. روحش شاد.



شهید: سیروس صمدی

تاریخ تولد: ۱۳۴۵

محل شهادت: حماملر

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۰۳

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید سیروس صمدی در تاریخ ۱۳۴۵ در شهرستان ارومیه چشم به جهان گشود. او در سن هفت سالگی درس خواندن را شروع کرد و تا سوم ابتدایی در این شهر تحصیل نمود و از ممتازترین دانش آموزان محسوب می شد. از کلاس سوم به تهران منتقل شدند و تحصیلات خود را تا کلاس سوم اقتصاد، در تهران ادامه داد و باز در مدت تحصیل از دانش آموزان فعال و ممتاز مدرسه بود.

او همراه با درس های کلاس، برنامه های مذهبی و ورزش را نیز دنبال می نمود و به قرائت و تلاوت قرآن کریم علاقه وافری داشت. او با خانواده خویش بسیار مهربان بود و به زندگی قرآنی می اندیشید و به زندگی با دید معنوی نگاه می کرد. او از آنجائی که یک دانش آموز ۱۶ ساله بود. ولی در مورد مکتب و مذهب، شاید بتوان گفت که به اندازه بزرگترها می اندیشید.

با شروع انقلاب، مرتباً از امام و اطاعت از فرامین او صحبت می کرد و در راهپیمائیه و تظاهرات شرکت فعال داشت. در مراسم عزاداری سیدالشهداء حسین بن علی (ع) شرکت می نمود. او در بجوبه انقلاب، به علت اصابت تیر مدت ۱۲ روز در بیمارستان هلال احمر ارومیه بستری شد. (البته خانواده ایشان در سال ۱۳۶۱ دوباره به شهرستان ارومیه نقل مکان کردند و او در این شهر به اخذ دیپلم نائل آمد).

در حین تحصیل، در بسیج نیز فعالیت داشت و در پایگاه انجام وظیفه می نمود. سپس خدمت در تیپ جندا... را انتخاب کرد و سرانجام در مورخه ۱۳۶۲/۲/۳ در کردستان بر اثر اصابت گلوله، به فیض شهادت نائل آمد.
روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: اسفندیار صیاح کوکیائی

تاریخ تولد: ۱۳۳۵

محل شهادت: سرو

تاریخ شهادت: ۶۳/۰۲/۲۳

فرازی از زندگینامه شهید:

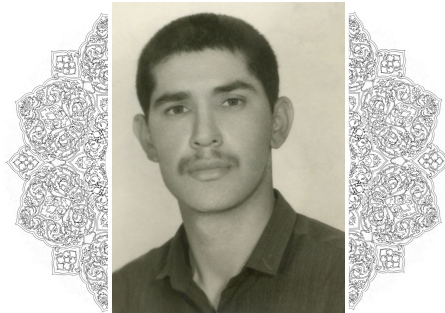
بسجی شهید اسفندیار صیاح در سال ۱۳۳۵ در روستای ناناس از توابع شهرستان ارومیه در یک خانواده متدین و سنی مذهب متولد شد. بعد از گذران دوران کودکی راهی مدرسه شد. ولی در کلاس اول راهنمایی تحصیل را رها نمود و به کار کشاورزی مشغول گردید.

بعد از گذشت چند سال، جهت خدمت به انقلاب اسلامی و پشتیبانی از رهبر کبیر انقلاب، داوطلبانه به خدمت سپاه پاسداران درآمد.

از نظر اعتقادی، فردی مؤمن و معتقد به انقلاب و اسلام بود و هرگز در انجام فرایض دینی کوتاهی نمی کرد.

شهید به مدت ۳ سال در خدمت بسیج و سپاه بود و به طوری نفوذی وارد حزب منحلہ دمکرات شده بود.

سرانجام در پاکسازی منطقه سرو در روستای گل شیخان بر اثر اصابت گلوله عوامل ضدانقلاب، در تاریخ ۱۳۶۳/۲/۲۳ به شهادت رسید و پیکر پاکش توسط همان عوامل به آتش کشیده شد.
نام و یادش گرامی باد.



شهید: رحمان طالبی دستجردی ده

تاریخ تولد: ۱۳۴۷

محل شهادت: کیلومتری غرب

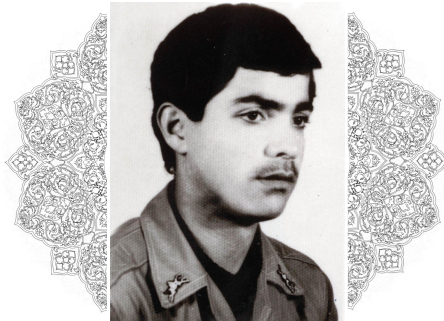
تاریخ شهادت: ۶۸/۰۲/۲۸

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید رحمان طالبی در سال ۱۳۴۷ در روستای دستجرد از توابع شهرستان ارومیه در یک خانواده مذهبی چشم به جهان گشود. تحصیلات خود را تا پایان دوره راهنمایی ادامه داد و به لحاظ فقر مالی دوشادوش پدر مشغول کشاورزی در روستا شد.

شهید از اعتقاد بسیار قوی برخوردار بود و همواره در صحنه های انقلاب فعال بود. پدر شهید عزیز نیز همواره در جبهه های حق علیه باطل حضور فعال داشت. شهید در سال ۱۳۶۶ به خدمت سربازی اعزام شد و پس از دو سال حضور فعال در صحنه های نبرد با خفاشان شب پرست که چشم دیدن خورشید انقلاب را نداشتند، در تاریخ ۱۳۶۸/۲/۲۸ در منطقه سندانج به خیل شهیدان انقلاب اسلامی پیوست و در روستای زادگاهش به خاک سپرده شد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: قادر ظهرابی

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: خرمشهر

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۰

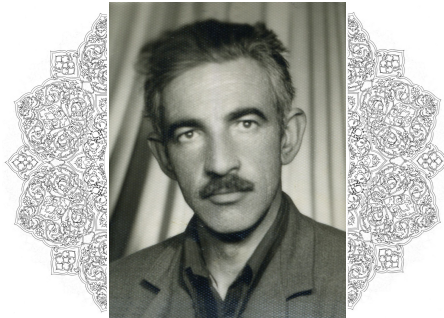
فرازی از زندگینامه شهید:

شهید قادر ظهرابی به سال ۱۳۴۱ در شهرستان ارومیه، در خانواده متوسط دیده به جهان گشود. پس از طی دوران طفولیت تحصیلات خود را تا کلاس پنجم ابتدائی ادامه داد. سپس وارد ارتش شد.

شهید فردی خوش اخلاق بود و نسبت به انجام فرائض دینی ارزش و اهمیت زیادی قائل می شد. وی در تظاهراتی که قبل از پیروزی انقلاب برگزار می شد حضور فعال داشت.

پس از آغاز جنگ تحمیلی عراق و تجاوز به مرزهای اسلامی، در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ بعد از سه سال خدمت صادقانه، در شهرهای خونین شهر، مهاباد و قوشچی، در پی درگیری با رژیم بعثی، در عملیات بیت المقدس، در منطقه خونین شهر بر اثر اصابت ترکش خمپاره به درجه رفیع شهادت نائل آمد و پیکر پاکش در باغ رضوان ارومیه به خاک سپرده شد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: گرگین عباس پورانبی

تاریخ تولد: ۱۳۲۴

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۳۱

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید گرگین عباس پور در سال ۱۳۲۴/۱۱/۲۶ در روستای انبی از توابع ارومیه به دنیا آمد. ایشان تحت نظر خانواده اش به خوبی تربیت یافت. از کودکی در کار کشاورزی فعالیت می کرد و به این طریق خود و خانواده اش را اداره می نمود. بعدها در تاریخ ۱۳۴۰/۱۲/۲۰ ازدواج نمود و صاحب ۱۰ فرزند (دو دختر و هشت پسر) شد. شهید برای تربیت فرزندانش بسیار اهمیت می داد.

شهید خیلی به ولایت فقیه معتقد بود و امام امت (ره) را بسیار دوست داشت. نمازش را مرتب و سر وقت ادا می کرد. انقلاب را می ستود و برای عظمت آن تلاش می نمود. قبل از پیروزی انقلاب، در صحنه های راهپیمایی و تظاهرات فعالانه شرکت می جست و اعلامیه و تصاویر امام (ره) را بین مردم پخش می کرد. بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، همچنان به دفاع از آرمان های شهیدان و امام (ره) همت گماشت.

برای دفاع از اسلام و میهن اسلامی از طریق بسیج به جبهه های حق علیه باطل شتافت و با صدامیان کافر به نبرد پرداخت.

شهید در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۳۱ در منطقه عملیاتی حاج عمران به درجه رفیع شهادت نائل گشت و با خون خود پیروزی اسلام را در تاریخ ثبت کرد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: خیراله عباس زادگان

تاریخ تولد: ۱۳۴۰

محل شهادت: خرمشهر

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۰

فرای از زندگینامه شهید:

شهید خیرا... عباس زادگان به سال ۱۳۴۰ در روستای ساعتلوی بیگلر از توابع شهرستان ارومیه، در یک خانواده روستایی دیده به جهان گشود. دوران طفولیت خویش را همراه چهار خواهر و دو برادر سپری نمود و تحصیلات خود را تا سوم راهنمایی ادامه داد. سپس ترک تحصیل نمود و به استخدام ارتش درآمد.

با شروع انقلاب، همگام با مردم مسلمان و انقلابی در راهپیمائی‌هایی که بر علیه رژیم ستمشاهی برپا می‌شد، شرکت می‌کرد و در براندازی مجسمه شاه و پاره کردن عکس‌های او بر در و دیوار، نقش مهمی داشت. وی علاقه شدیدی به امام راحل داشت.

از نظر خصوصیات اخلاقی، فردی دلسوز و فروتن و متواضع بود. با شروع جنگ تحمیلی عراق، برای دفاع از خاک میهن اعلام آمادگی نمود و به جبهه‌های حق علیه باطل اعزام شد تا با صدامیان کافر، به مبارزه بپردازد. هنگام خداحافظی از خانواده، عکس‌های شهیدان رجائی و باهنر را درمی‌آورد و به مادرش می‌دهد و می‌گوید: «اگر شهید شدم برایم گریه نکن. زیرا دشمن سوءاستفاده می‌کند و من از شهید رجائی و باهنر برتر و افضل تر نیستم و شما هیچ تفاوتی با دیگر مادران شهید نداری.»

در بیشتر جبهه‌ها از قبیل مریوان، آلباتان، سوسنگرد، تمرچین و اهواز حضور داشت و سرانجام بعد از رشادت‌های فراوان، در جبهه‌های حق علیه باطل، در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ که از لشکر ۲۱ حمزه تهران عازم جبهه شده بود، در منطقه خونین‌شهر (خرمشهر) در عملیات جنگی به درجه رفیع شهادت نایل گردید. راهش مستدام باد.



شهید: اسفندیار عباسی

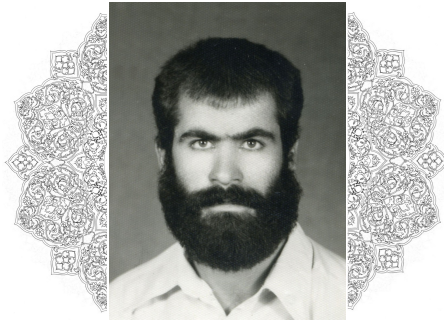
تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: اهواز

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۰

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید اسفندیار عباسی در سال ۱۳۴۱ در روستای گورچین قلعه از محال انزل، از توابع شهرستان ارومیه، در یک خانواده متوسط دیده به جهان گشود. پس از طی دوران طفولیت، تحصیلات خود را تا اخذ مدرک دیپلم ادامه داد و سپس به خدمت مقدس سربازی اعزام شد. بعد از مدتی به استخدام نزاآ درآمد و تشکیل خانواده داد. شهید اسفندیار از نظر اخلاقی و فردی مؤمن و متدین بود و همواره در راهپیمائی‌های باشکوهی که توسط مردم انقلابی صورت می‌گرفت، شرکت می‌کرد. با آغاز جنگ تحمیلی عراق و تجاوز به مرزهای اسلامی، در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ در درگیری با دشمن یعنی، در منطقه عملیاتی جنوب کشور (اهواز)، بر اثر اصابت ترکش خمپاره به درجه رفیع شهادت نائل گشت. راهش پررهرو باد.



شهید: غلامحسین عباسی امام کندی

تاریخ تولد: ۱۳۳۸

محل شهادت: زاهدان

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۲۳

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید غلامحسین عباسی امام کندی به سال ۱۳۳۸/۳/۵ در روستای شوراکنده ارومیه به دنیا آمد. تا کلاس چهارم ابتدائی در آنجا تحصیل نمود و بعد به شهر رفت. تا اینکه بعد از طی مقطع متوسطه موفق به اخذ گواهی دیپلم شد. بعد از تمام شدن تحصیلات، دوباره به روستا بازگشت و در آنجا به کار کشاورزی مشغول شد. بعد از دو سال وارد کمیته مرکزی شهرستان ارومیه شد و مدتی بعد جهت مقابله با سوداگران مرگ به استان سیستان و بلوچستان اعزام شد. سرانجام بعد از ۶ سال خدمت صادقانه در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۲۳ در درگیری با سوداگران مرگ به فیض شهادت نائل آمد و در باغ رضوان ارومیه به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: محمدرضا عبدالله حبیبی

تاریخ تولد: ۱۳۴۶

محل شهادت: فاو

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۰۵

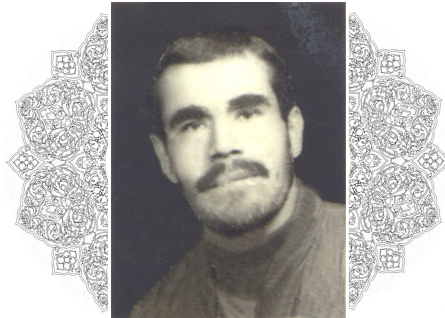
فرازی از زندگینامه شهید:

شهید محمدرضا عبدا... حبیبی در سال ۱۳۴۶ در خانواده ای متوسط و متدین و مذهبی دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را با موفقیت به پایان برد. در دوره دبیرستان به عضویت بسیج درآمد. او در حین درس و تحصیل آموزش های نظامی را فرا گرفته و عازم جبهه های نبرد گردید.

تربیت دینی خانواده و آشنائی با مکتب ایثار حسین بن علی(ع) و همچنین علاقه و اشتیاق به امام(ره) باعث شد که عاشقانه خود را در خدمت جبهه و جنگ قرار دهد. برای تحقق آرمان ها و ارزش های انقلاب از هیچ کوششی دریغ ننمود.

او فرزند لایق و دلسوز برای خانواده خود بود. در کمک به افراد خانواده هیچ وقت سستی به خود راه نمی داد.

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۵ در جبهه جنوب، منطقه فاو، بر اثر اصابت ترکش در عملیات والفجر ۸ به کاروان شهیدان انقلاب ملحق گشت و خونین بال به دیدار حق شتافت و پیکر پاکش در باغ رضوان ارومیه به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.

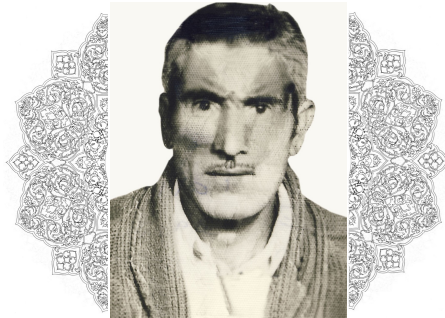
**شهید: عیداله عزیزی آورسی****تاریخ تولد: ۱۳۴۶****محل شهادت: جنوب****تاریخ شهادت: ۶۷/۰۲/۰۱****فرازی از زندگینامه شهید:**

شهید عیداله... عزیزی آورسی در سال ۱۳۴۶ در روستای آورسی متولد شد و تا کلاس سوم راهنمایی درس خواند. او روزها کار می کرد و عصرها شبانه به تحصیل ادامه می داد.

شهید فردی بالیمان و نمازخوان و عاشق امام(ره) بود. در مراسم عزاداری عاشورای حسینی شرکت می کرد و آرزویش دفاع از خاک وطن بود و برای دفاع از حیثیت و وطن، داوطلبانه عازم خدمت سربازی شد و به جبهه رفت. زمانی که به خدمت سربازی رفته بود خانواده اش تا یک ماه از او اطلاعی نداشتند تا اینکه پس از یک ماه از او نامه ای دریافت کردند.

او در نامه هایش از پیروزیهای دلاوران تعریف می کرد و زمانی که به مرخصی می آمد، روحیه بسیار خوبی داشت و در موقعی که در خط مقدم جبهه بود به خانواده اش جهت اطلاع نامه می نوشت و می گفت جای من بسیار خوب است و من در پشت جبهه هستم تا افراد خانواده اش برای او نگران نباشند.

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۱ به مشیت الهی در منطقه عملیاتی شهیدیه(جنوب)، در اثر بمباران شیمیایی دشمن یعنی و در راه دفاع از وطن به آرزوی خویش رسید و به درجه رفیع شهادت نائل گشت. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: عبدالعلی عطاردی

تاریخ تولد: ۱۳۱۱

محل شهادت: قو متر

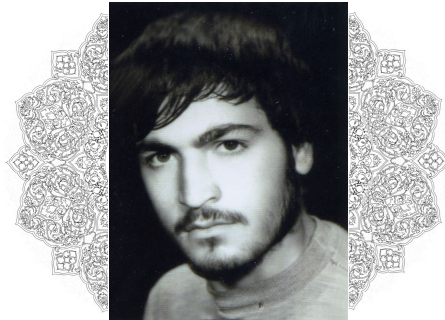
تاریخ شهادت: ۵۹/۰۲/۲۱

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید عبدالعلی عطاردی در سال ۱۳۱۱ در روستای تپه ماکو از توابع شهرستان ارومیه به دنیا آمد. وی از تبار مستضعفان روستائی بود که شلاق ستم فئودال ها و سیاست های استعماری ستم شاهی را با جان و دل لمس کرده بود، علی رغم فقر و مشکلات مالی، روحی غنی و سرشار از عشق به اسلام و امام داشت و عاشق مبارزه و جهاد بود. شهید در سال ۱۳۳۴ ازدواج نمود و از خود هفت فرزند به یادگار گذاشت که ادامه دهنده راهش باشند. (انشاء...)

وی با ایمان و اعتقادی که به اسلام داشت با آمادگی بیشتر و با روحیه قوی و اراده محکم به همراه ملت بزرگ ایران، پیروزی انقلاب را جشن گرفت و برای دفاع از دستاوردهای آن وارد کمیته انقلاب اسلامی گردید و فعالانه در چندین عملیات پاکسازی در مناطق مختلف کردستان بر علیه کوردلان کومله و دمکرات و منافقین شرکت نمود و نهایتاً روح بزرگش در تاریخ ۵۹/۲/۲۱ به خیل شهیدان راه حق پیوست.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: صابر عظمت اسلام طلب

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: فاو

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۰۹

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید صابر عظمت اسلام در سال ۱۳۴۱ در تبریز در خانواده ای متوسط دیده به جهان گشود. پس از مدتی روانه مدرسه شد. تحصیلاتش را تا چهارم دبیرستان ادامه داد و موفق به اخذ دیپلم گردید. شهید صابر در روزهای قبل از انقلاب در فعالیت های سیاسی و مذهبی حضوری فعال داشت. در اکثر راهپیمائی ها به همراه برادرش شرکت می نمود. با پیروزی انقلاب اسلامی، شور و شوق عجیبی برای خدمت در خط امام(ره) داشت. به طور جدی در راه انقلاب فعالیت می نمود. با شروع جنگ تحمیلی در بسیج سپاه مرنند نام نویسی کرد و به عنوان بسیجی، چهار سال در این گردان خدمت نمود. از عواملی که باعث شد ایشان در جبهه حضور یابد، علاقه شدید او به امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی بود و همیشه شهادت را مایه افتخار می دانست. خاطره او قبل از اعزام به جبهه این بود که او همیشه با خوشروئی با دیگران برخورد می کرد و به دوستان و فامیل خود سفارش می نمود، که مبدا سنگر او را خالی گذارند. در جبهه نیز همیشه سعی می کرد که به همسنگران روحیه بدهد و در شبهای عملیات، آنان را دلداری می داد و می گفت: ای دوستان من، پیروزی از آن ماست و خداوند ما را در این عملیات یاری خواهد کرد. ما اگر کشته شویم به دیدار حق می شتاییم و اگر هم زنده ماندیم، پیروز و سرافراز خواهیم بود. شهید صابر، سرانجام به هدف خود یعنی شهادت دست یافت و در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۹ در منطقه الفاء عراق در عملیات پیروزمند والفجر ۸ به لقاء... پیوست و برای همیشه چشم از جهان فرو بست. او نیز به صف عظیم کاروان شهدان پیوست. پیکر پاک و به زادگاهش تبریز منتقل شد و روح پاکش به ملکوت اعلی پیوست. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: حسین عظیم زاده اخورلو

تاریخ تولد: ۱۳۴۷

محل شهادت: نورآباد

تاریخ شهادت: ۶۳/۰۲/۰۶

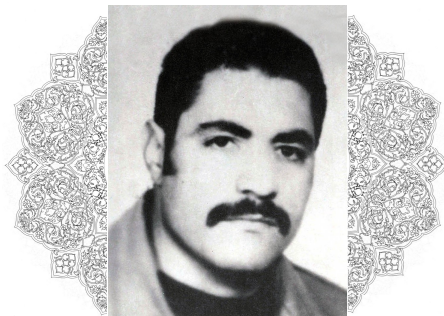
فرای از زندگینامه شهید:

شهید حسین عظیم زاده به سال ۱۳۴۷ در خانواده مذهبی و دوستدار امام و انقلاب چشم به جهان گشود. وارد مدرسه گردید و به دانش اندوزی پرداخت. روحیه شهادت طلبی از همان اوان کودکی در وی نمایان بود. با وجود سن اندک، شیردل بود و از مرگ هراسی نداشت. مدرسه را رها کرد و با شوق و اشتیاق وصف ناپذیر برای دفاع از مرزهای اسلام و انقلاب عازم جبهه های نبرد شد. کودکی که با الهام از علی اکبر، شجاعانه جان خویش را فدای هدفش کرد.

شهید عظیم زاده سرانجام بعد از دو سال جنگ با متجاوزین بعث در جبهه های نبرد به منطقه کردستان اعزام گردید و در سال ۱۳۶۳ بر اثر اصابت گلوله مزدوران ضدانقلاب در جریان درگیری



شریت شهادت نوشید و روح مبارکش به سوی ملکوت اعلی پر کشید و با خون سرخش درخت اسلام را آبیاری نمود. شهادت شهید سبب بیداری دیگر جوانان خصوصاً جوانان فامیل گردید و آنها جهت ادامه راه شهید عازم میدان های جنگ شدند. روحش شاد.



شهید: عبدالله علی پور

تاریخ تولد: ۱۳۳۰

محل شهادت: نقده

تاریخ شهادت: ۶۰/۰۲/۲۶

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید عبدالله... علیپور به سال ۱۳۳۰ در شهرستان نقده چشم به جهان گشود و دوران کودکی خود را در یک خانواده مذهبی و متوسط تحت سرپرستی پدرش که به شغل نظامی گری مشغول بود سپری کرد. ایشان پس از مهاجرت به شهرهای مختلف سرانجام در تهران سکنی گزیده و با سواد خواند و نوشتن تا پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در یک کارخانه سرنیزه سازی مشغول به کار بود اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به زادگاهش برگشت و در ژاندارمری به عنوان جوانمرد در دفاع از ارزش ها و اهداف حکومت اسلامی برخاست.

وی که به میهن و انقلابش علاقه سختی داشت در پاکسازی مناطق آذربایجان خالصانه قدم در میدان عشق نهاد و در نابودی ضدانقلاب و گروهک های ملحد تا پای جان مبارزه کرد. شهید معظم ایمانی محکم و اراده های آهنین داشت و در مقابل مشکلات و دشواری های جنگ ایوب وار به مقاومت برخاسته و به انقلاب و امامش عشق می ورزید و روی همین اعتقاد بود که شغل خود را در تهران رها کرده و جهت مبارزه در میدان عشق و شهادت قدم در خاک پاک آذربایجان گذاشت.

شهید در آخرین دیدار خود خانواده تمام آشنایان را به حفظ شئون اسلامی و رعایت حجاب دعوت کرد چرا که حجاب را مصونیت می دانست نه محدودیت.

ایشان بعد از مدت ها مبارزه علیه سرسپردگان اجانب سرانجام در مورخه ۶۰/۲/۲۶ در جاده پیرانشهر - نقده در درگیری با گروهک های فرصت طلب بر اثر اصابت گلوله خصم زبون با پیکری غرق در خون اما روپسید به دیدار پروردگار شتافت و روسیاهی به زندگی طالمان تاریخ ماند و پیکر عزیزش در شهرستان نقده تشییع و در گلزار شهدای شهرستان نقده به خاک آرامید. روحش شاد.



شهید: صیاد علی نژاد

تاریخ تولد: ۱۳۵۲

محل شهادت: بوشهر

تاریخ شهادت: ۷۲/۰۲/۱۲

فرازی از زندگینامه شهید:

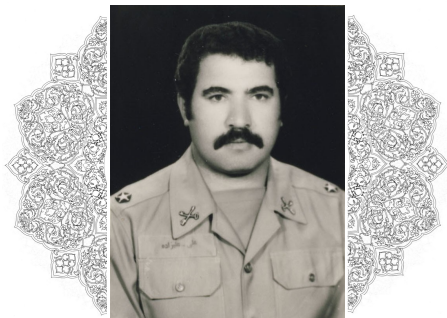
شهید صیاد علی نژاد در سال ۱۳۵۲ در شهر مرند چشم به جهان گشود. او در محیط گرم خانواده دوران کودکی را پشت سر نهاد و راهی دبستان شد. بعد از اتمام دوره دبستان در کنار برادرانش به یادگیری حرفه جوشکاری پرداخت و به علت علاقه زیادی که به این کار داشت، به زودی مهارت لازم را کسب کرد و در کنار آنها به کار مشغول شد. علاوه بر علاقه زیاد به کار فردی مؤمن و متعهد بود.

ایشان دستورات و احکام دینی را انجام می داد و همیشه همراه بزرگترها و دوستان در مراسم های مذهبی محرم و سایر برنامه های مسجد شرکت می نمود. همیشه به گفته های امام (ره) عمل می کرد و اطاعت از ولایت فقیه را بر خود امر دینی می دانست. از پیروان راستین اسلام و فرزند رشید انقلاب بود.

در دوره جوانی خود را برای خدمت به ملت و کشور آماده نمود و به خدمت مقدس سربازی پرداخت. او پس از اتمام دوره آموزش نظام وظیفه در تیپ ۵۵ هواپرد شیراز مشغول خدمت شد. هنگام خدمت با دوستان و همزمان خود رفتار خوبی داشت و پایبند آرمان مقدس جمهوری اسلامی بود و در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و بازسازی کشور تلاش زیادی می کرد.

هنوز چند صبحی از عمر پر بارش نگذشته بود که در روز دوازدهم اردیبهشت ماه سال ۷۲ در مانور پیروزی ۴ در منطقه کبکان بوشهر هنگام پرش از هواپیما به علت درگیری چتر او با چتر یکی دیگر از همزمانش دچار سانحه شده و گل وجودش پر پر شد.

«یاد و خاطره اش گرامی باد»



شهید: علی علیزاده

تاریخ تولد: ۱۳۲۶

محل شهادت: پیرانشهر

تاریخ شهادت: ۶۳/۰۲/۱۲

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید علی علیزاده در سال ۱۳۲۶ در روستای کردلر از توابع شهرستان ارومیه متولد شد. تا کلاس سوم متوسطه به تحصیل اشتغال داشت و سپس به استخدام ارتش درآمد.

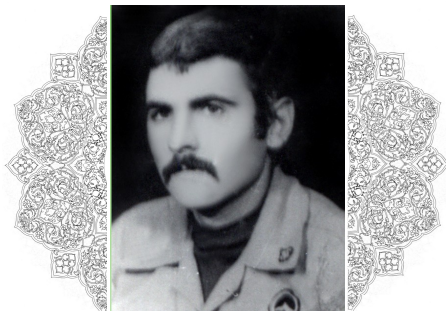
او در حین خدمت در ارتش ادامه تحصیل داد و به درجه ستوان یکمی رسید. شهید متأهل و دارای سه فرزند بود.

در دوران اوجگیری مبارزات ملت قهرمان ایران علیه رژیم ستمشاهی او دانشجو بود و به تحصیل اشتغال داشت. وقتی که حضرت امام (ره) اولین پیام خود را در رابطه با فرار ارتشیان از پادگانها را صادر فرمود، او اولین نفری بود که پادگان را ترک کرد و به ندای امام (ره) لبیک گفت.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز او تمام وقت در خدمت جبهه و جنگ بود و در راه انقلاب و امام (ره) ایثارگری های فراوانی از خود نشان داد.

از نظر اعتقادی، مؤمن به انقلاب و رهبری حضرت امام (ره) بود و پیوسته این علاقمندی خود را در صحنه های مختلف به عینه از خود نشان داده بود تا اینکه سرانجام در تاریخ ۱۳۶۳/۲/۱۲ در منطقه پیرانشهر، بر اثر درگیری با گلوله ضدانقلاب به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: بهروز عمرانی قره قشلاق

تاریخ تولد: ۱۳۳۴

محل شهادت: سردشت

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۳۰

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید بهروز عراقی قره قشلاقی در سال ۱۳۳۴ در روستای قره قشلاق سلماس متولد شد. بعد از چند سال تحصیل، به علت مشکلات خانوادگی، دست از تحصیل کشید و بالاجبار با سمت درجه داری به استخدام ارتش درآمد.

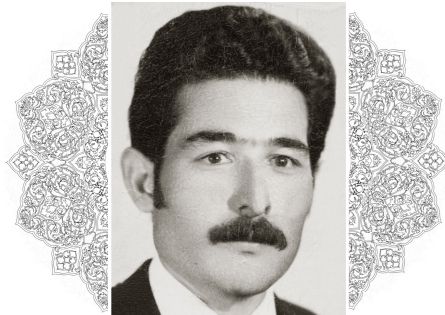
هرچه از خدمت او در ارتش می گذشت، بیشتر به روابط ناسالم و حاکمیت بیگانگان در ارتش ایران قبل از انقلاب آگاه می شد. همین آگاهی ها و نفرت از خاندان پهلوی سبب گردید، که در اوج گیری انقلاب اسلامی بسیار زودتر پیام انقلاب را دریابد و عده ای از دوستان و هم رزمان در تنویر افکار ارتشیان، نسبت به اهداف عالیه انقلاب و امام (ره) تلاش نماید.

او از علاقمندان و خدمتگزاران اهل بیت بود و در اکثر مجالس و محافل مذهبی شرکت فعالانه داشت.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در اکثر جبهه ها و مناطق جنگی حضور یافت. مدتی در سردشت، بوکان به حفظ و حراست از انقلاب نوپا مشغول گردید. حتی وقتی در تولد اولین فرزندش با اینکه امکان مرخصی داشت، همچنان سنگر دفاع از میهن را ترک نکرد و خبر ولادت فرزندش را در سنگر شنید.

سرانجام، بعد از چندین سال خدمت صادقانه در راه اعتلای جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ ۱۳۶۲/۲/۳۰ در حین درگیری با عناصر ضدانقلاب به شهادت رسید.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: عزیز عیدی

تاریخ تولد: ۱۳۱۹

محل شهادت: نقده

تاریخ شهادت: ۵۸/۰۲/۰۲

فرازی از زندگینامه شهید:

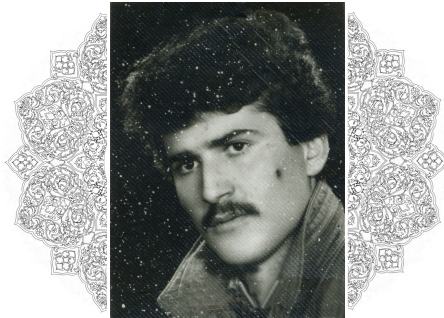
شهید عزیز عیدی در سال ۱۳۱۹ در خانواده ای رنج‌دیده و زحمتکش در یکی از روستاهای توابع هشترود به نام روستای باداملو چشم به جهان هستی گشود. به دلیل مشکلات مالی تحصیل نکرد و برای گذران زندگی به یاری پدر خویش شتافت و به کشاورزی و دامپروری پرداخت. بعد از ازدواج به شهرستان ارومیه نقل مکان کرد و به کارگری روزمزد و سپس به میوه فروشی پرداخت. حاصل ازدواج ایشان سه فرزند (دو دختر و یک پسر) می باشد.

ایشان از نظر اعتقادی فردی مؤمن و متعهد بود و پشتیبانی از ولایت فقیه را سرلوحه زندگی خویش قرار می داد. شهید عزیز عیدی در زندگی مری اخلاق بود. برای همه اقوام و دوستانش، ایشان با الهام از رهنمودهای پیامبران در مقابل ایرادگیری کسی از رفتار و کردارش تشکر و قدردانی می کرد.

از آنجا که از اعمال و اهداف رژیم منحوس پهلوی آگاهی داشت و به خیانت‌های شاه خائن و عمالش پی برده بود خود را برای مبارزه همه جانبه با مزدوران حکومتی طاغوت و پیوستن به نیروهای مردمی آماده کرد تا اینکه در سال ۵۶ در جریان اوج گیری نهضت حیات بخش اسلامی، با مراجعه به مساجد و غیره و شرکت در تظاهرات ضد شاهنشاهی، مسلح شده و به جمع نیروهای مسلح پیوست و در روستای امام کندی به صورت مسلحانه جهت مقابله با چماق به دستان که از طرف رژیم فاسد پهلوی اجیر شده بودند با دیگر هم‌زمان مستقر شدند. هنگام ورود امام امت به میهن خویش نیز بسیار خوشحال به نظر می آمد. گویی می خواست پرواز نماید و مشغول فعالیت شبانه روزی بود.

از آنجا که حفظ و پاسداری از انقلاب و ارزشهای آن را هدف اصلی خود قرار داده بود در این راه از ایثار جان خویش دریغ نورزید و به نام مجاهد انقلاب اسلامی به پاسگاه امام کندی اعزام شد.

شهید عیدی پس از شنیدن خبر درگیری در شهرستان نقده که میان حزب محله دمکرات و نیروهای رزمنده مردمی اتفاق افتاده بود با میل و اشتیاق فراوان عازم منطقه درگیری شد و پس از یک مبارزه افتخارآفرین در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۲ به ندای حق لبیک گفته به درجه رفیع شهادت نائل آمد و پیکر مطهرش در مزار شهدان در باغ رضوان ارومیه به خاک سپرده شد روحش شاد و یادش گرامی.



شهید: عصمت عیسی بیگلر

تاریخ تولد: ۱۳۴۴

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۳۱

فرازی از زندگینامه شهید:

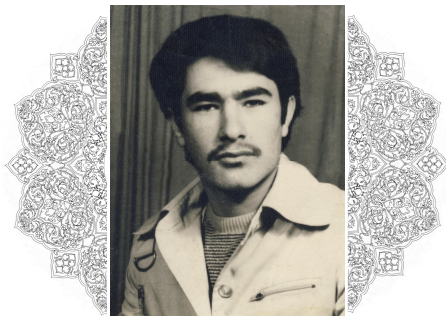
شهید مفقودالامر عصمت عیسی بیگلر در سال ۱۳۴۴ در یکی از روستاهای تابع ارومیه چشم به جهان گشود. دوران تحصیلات را تا سوم راهنمائی با موفقیت به اتمام رساند و سپس در زادگاهش مشغول کشاورزی و دامداری شد.

انسانی سخت کوش و صبور بود. تنبلی و سستی را مایه ذلت و خواری می دانست. از سپیده صبح تا غروب آفتاب در تلاش و فعالیت بود. هرگز از خدای خود غافل نمی شد. واجبات را به موقع ادا می کرد. شجاعت و اسلام خواهی او زبانزد دوستان و آشنایان بود. همیشه در صحنه های گوناگون انقلاب شرکت داشت و دین خود را به اسلام ادا می کرد. شدت علاقه و میهن دوستی او باعث شد تا به دفاع از آرمان های بلند انقلاب اسلامی و میهن عزیز در مقابل کفار بعثی اسلحه بر دوش گیرد و همگام با برادران رزمنده بسیجی در صف مقدم جبهه حضور یابد.

او ماه ها شاهد اینار و فداکاری جان بر کفان بسیجی و سپاهی و ارتشی بود و هرگز راضی نمی شد که جبهه ها را ترک کند. تا اینکه در آخرین اعزام، در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۳۱ در منطقه عملیاتی حاج عمران، در اثر درگیری شدید و نبردی بی امان با بعثیان عراقی، مفقودالامر شد.

ایشان فردی مؤمن، متعهد به اسلام، دلسوز انقلاب و مدافع سرسخت میهن اسلامی بود. در شجاعت و دلیری کم نظیر بود.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: منصور غلام نژاد

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: سومار

تاریخ شهادت: ۶۳/۰۲/۱۴

فرازی از زندگینامه شهید:

سرباز شهید منصور غلام نژاد به سال ۱۳۴۱ در شهرستان ارومیه متولد گردید و از همان دوران کودکی تحت تأثیر خانواده جوانی صادق و پاکدل و باصفا بار آمد. او خیلی کمتر به مادیات توجه می نمود. همیشه به دنبال کسب روزی حلال بود و از درآمد ناچیزی که به دست می آورد، بیشتر به مستمندان کمک می کرد.

او در دوران قبل از انقلاب به علت کمی سن فعالیتی نداشت، ولی در سالهای بعد از پیروزی انقلاب، با حضور فعال در مراسم مذهبی و راهپیمایها و دعاهای کمیل به انقلاب گرایش پیدا کرد و در هسته مقاومت محل به فعالیت پرداخت و به عنوان یک سرباز انقلاب همیشه گوش به فرمان امام خمینی(ره) بود و فرامین و رهنمودهای ایشان را با جان و دل گوش می داد.

از نظر اخلاقی و عقیدتی، جوانی مؤمن و پایبند دین و اخلاق بود. او به مدت ۱۲ ماه در کسوت سربازی خالصانه و جان بر کف در راه حفظ میهن اسلامی و حدود و نفوذ اسلامی تلاش و مجاهدت نمود. و سرانجام در تاریخ ۱۳۶۳/۲/۱۴ در منطقه سومار در حال دیده بانی، بر اثر اصابت ترکش تیر دشمن، عاشقانه به شهادت رسید و خونین بال به دیدار معبود شتافت. روانش شاد و راهش مستدام.



شهید: سلطانعلی فتاحی دیزج

تاریخ تولد: ۱۳۳۷

محل شهادت: باراندوز

تاریخ شهادت: ۵۹/۰۲/۲۱

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید سلطانعلی فتاحی دیزجی در سال ۱۳۳۷ در روستای خرم آباد محال باراندوز واقع در شهرستان ارومیه چشم به جهان گشود. او بعد از گذراندن دوران کودکی و موقعی که قدم به سن ۷ سالگی گذاشت، اقدام به درس خواندن نمود. و در روستای باراندوز نزدیک روستای محل سکونت به تحصیلات ابتدائی ادامه داد. ولی چون شهید از یک خانواده بسیار مستمند بود از ادامه تحصیلات منصرف شد و به شغل کشاورزی پرداخت و در سال ۱۳۵۷ از یک خانواده دختری را به همسری برگزید و حتی روز عروسی مأموران ساواک دائی شهید را به جرم خیانت به رژیم شاهنشاهی و به اتهام براندازی رژیم دستگیر نمودند و عروسی شهید را به ناراحتی تبدیل کردند. بالاخره شهید بعد از یک سال و اندی صاحب فرزند دختر شد و در سال ۱۳۵۹ در جهت حفظ و نگهداری ناموس و شرف مملکت در جبهه روستا که مقر حزب دمکرات بود هر روز اسلحه به دست گرفته و دوشادوش روستائیان با حزب دمکرات مقابله به مثل می کرد و در ۵۹/۲/۲۱ سپاه قصد عزیمت به منطقه را داشت و عوامل حزب دمکرات در جاده ارتباطی روستا مین به کار گذاشته بودند که به اتفاق چندین نفر و پسرخاله اش شهید لطفعلی رضوی که در این جریان شهید شد و به لقاء ا... پیوست.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: نورعلی فتح اله زاده

تاریخ تولد: ۱۳۲۰

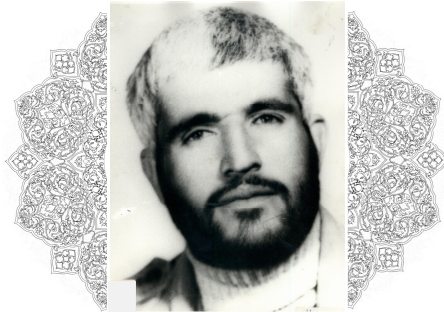
محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۲۸

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید نورعلی فتح اله. زاده در سال ۱۳۲۰ در روستای بارون دیده به جهان گشود. در دوران کودکی به همراه خانواده به شهرستان ارومیه مهاجرت نمود و تا کلاس پنجم ابتدایی به تحصیل پرداخت. به سبب از دست دادن پدر از ادامه تحصیل محروم ماند و به منظور تأمین معاش خانواده به کار و تلاش پرداخت و سرپرستی خانواده را بر عهده گرفت. وی به علت مسئولیت سرپرستی خانواده از خدمت مقدس سربازی معاف گردید و به عنوان راننده به استخدام شهرداری ارومیه درآمد. پس از آن تشکیل خانواده داد که حاصل آن هفت فرزند بود. شهید فتح اله. زاده قبل از پیروزی انقلاب علیه رژیم پهلوی فعالیت داشت و در این رابطه چندین بار از طرف ساواک دستگیر شد و مورد بازجویی و شکنجه قرار گرفت و پس از پیروزی نیز همگام با مردم در تظاهرات و راهپیمایی ها شرکت می نمود و بعد از شروع جنگ تحمیلی در تدارکات جبهه به جهاد و تلاش پرداخت. وی به عنوان یک بسیجی چندین بار به جبهه های حق علیه باطل اعزام شد که چند بار نیز مجروح شده بود و جراحاتش بهبود نیافته باز اعزام به جبهه می شد. وقتی برای چهارمین مرتبه به سوی جبهه برای مبارزه با متجاوزین رهسپار می شد تمام اعضای خانواده و اقوام را دعوت کرده و از همه حلیات خواسته بود و پیوسته از مادرش درخواست می کرد در سر نماز برایش آرزوی شهادت کنند. بنا بر اظهار دوستان همزمش در آخرین اعزامش بعد از تقسیم غذای اندکی که داشتند برای اقامه نماز ظهر به داخل سنگر می رود و وقتی همزمانش از وی می خواهند که بعد از صرف غذا نمازش را اقامه کند وی قبول نکرده و به معراج خود با خدایش می پردازد. در این هنگام گلوله باران دشمن بعضی آغاز شده و هر کسی برای خود پناهی می گیرد. شهید فتح اله. زاده به نمازش ادامه می دهد و مانند مولایش (علی ع) در هنگام نماز بر اثر اصابت ترکش در تاریخ ۶۵/۲/۲۸ در منطقه عملیاتی حاج عمران به درجه رفیع شهادت نائل می شود و روح بیکارش در جوار حق آرام می گیرد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: رحمان فتحی طرزم

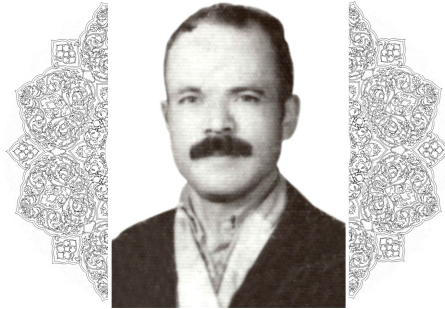
تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: سرو

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۱۹

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید رحمان فتحی در سال ۱۳۴۱ در روستای قلیلو از توابع شهرستان ارومیه دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی خود را در روستای دارغلو به اتمام رساند و سپس در مدرسه محمدیه ارومیه مدت ۵ سال به تحصیل دروس مقدماتی طلبگی پرداخت. شهید فتحی، همزمان با اوجگیری مبارزات قهرمانانه ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) در اوایل انقلاب تحصیلات طلبگی خود را رها و به جهت احساس وظیفه شرعی و انقلابی، برای تبلیغات به اطراف ارومیه اعزام شد. شهید فتحی یکی از اعضای تشکیل دهنده سپاه پاسداران ارومیه بود و تا آخرین لحظات حیات خود همچنان در سپاه خدمت کرد. قبل از انقلاب او به همراه برادر شهیدش سیاوش فتحی و پسرعموی شهیدش جهانگیر فتحی، مخفیانه با جوانان منطقه در مساجد بر علیه رژیم شاه در دفاع از انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) مبارزه می کردند. به طوری که در سال ۱۳۵۶ چندین بار توسط مزدوران رژیم مورد تعقیب و تهدید قرار گرفته بودند. از بدو ورود به سپاه پاسداران، با بازماندگان رژیم طاغوت برخورد جدی داشت. به محض اینکه شرارت‌های ضدانقلاب در کردستان شروع شد، شهید فتحی حضور فعال خود را در صحنه نشان داد تا جایی که دوستان و آشنایان او را قهرمان کردستان لقب دادند. شهید فتحی، از آغاز روزهای شروع جنگ تحمیلی به همراه دوستان و پسرعموی شهیدش، جهانگیر فتحی برای دفاع از کیان اسلامی خود، راهی جبهه های آبادان و ماهشهر شد. او در جریان جنگ پاره همراه سرهنگ صیاد شیرازی و شهید چمران به دفاع از میهن و انقلاب پرداخت و همچنین در جریانات نطقه و مهاباد رشادهای بسیار از خود نشان داد. سرانجام، پس از عمری جهاد، در یک مأموریت به تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۹ منطقه سرو که فرماندهی آن را به عهده داشت، در محاصره اشترار مسلح قرار گرفت و با رگبار گلوله ضدانقلاب به درجه رفیع شهادت نائل آمد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: ابراهیم فرج فائد

تاریخ تولد: ۱۳۱۳

محل شهادت: قطور

تاریخ شهادت: ۶۰/۰۲/۱۳

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید ابراهیم فرج فائد به سال ۱۳۱۳ در شهرستان ارومیه در یک خانواده متوسط دیده به جهان گشود. پس از طی دوران طفولیت، به استخدام ارتش درآمد. اقدام به تشکیل خانواده داد که ثمره آن ۷ فرزند می باشد.

از نظر اخلاقی، شهید فردی مؤمن و متعهد نسبت به اسلام بود. با آغاز جنگ تحمیلی عراق و تجاوز به مرزهای اسلامی در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۱۳ به هنگام عزیمت به منطقه قطور بر اثر تصادف خودرو به درجه رفیع شهادت نائل گردید.

روحش شاد و یادش گرامی باد.

شهادت برای یک آرمان وسیله است اما برای یک
انسان چیزی است شبیه هدف؛ اگر نگوییم هدف است.
(شهید مظلوم بهشتی)



شهید: مختار فرفر قره باغ

تاریخ تولد: ۱۳۴۲

محل شهادت: فاو

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۲۸

فرازی از زندگینامه شهید:

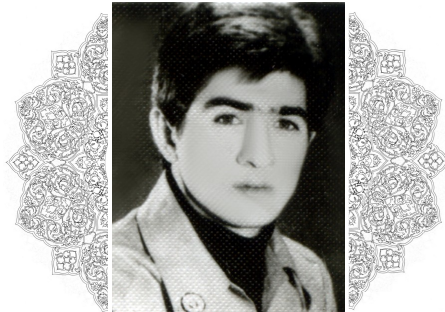
شهید مختار فرفر قره باغ در سال ۱۳۴۲ در روستای قره باغ به دنیا آمد. بعد از اتمام دوران کودکی توانست دوره ابتدایی و راهنمایی را در همان شهر زادگاهش، سپری کند. وی برای ادامه تحصیل به شهر ارومیه آمد و در یکی از دبیرستان های این شهر مشغول تحصیل شد و موفق به اخذ مدرک دیپلم گردید.

شهید سپس از تربیت معلم ارومیه قبول شد و بعد از طی دوره آموزشی در تربیت معلم شهید رجایی ارومیه، جهت تبلیغ و تربیت به شهرستان اشنویه منتقل گردید و بعد از مدتی خدمت در سنگر علم و دانش، به نیروهای بسیجی پیوست و عازم میادین نبرد گردید. وی بعد از مدتها خدمت در جبهه های دزفول و کردستان به جبهه فاو اعزام گردید و در مورخه ۱۳۶۵/۲/۲۸ به هنگام درگیری با متجاوزین بعثی در عملیات والفجر ۸ بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید.

شهید گراندقدر قبل از پیروزی انقلاب با تشکیل جلساتی، ماهیت رژیم فاسد پهلوی را برای دیگر دوستان و همکلاسان خود فاش می کرد و آنها را برای مبارزه با حکومت طاغوتی تشویق می نمود.

وصیتنامه شهید شخصیت والایش را بیشتر نمایان می کند.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: سیروس فریابی

تاریخ تولد: ۱۳۳۴

محل شهادت: سنندج

تاریخ شهادت: ۵۹/۰۲/۰۵

فرازی از زندگینامه شهید:

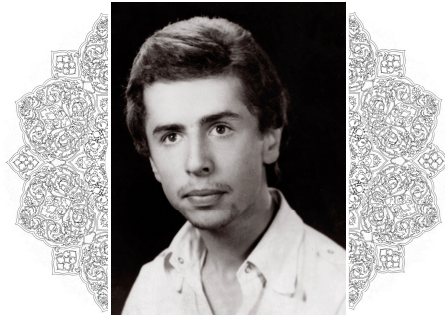
شهید سیروس فریابی به سال ۱۳۳۴ در شهرستان ارومیه، در یک خانواده متوسط و مذهبی دیده به جهان گشود. تحصیلات خود را تا کلاس دوم متوسطه در شهرستان ارومیه به پایان رسانید.

او در کودکی ابتدا پدر و سپس مادرش را از دست داد. وی علاقه بسیار به نماز و روزه داشت و در مراسم عزاداری حسینی شرکت می کرد. پیرو خط امام(ره) بود. در زندگی خانوادگی خود بسیار متین و خوش اخلاق بود.

از ایشان فرزند پسری به نام مسعود به یادگار مانده است و شهید علاقه زیادی به ارتش داشت، به همین جهت وارد ارتش شد و مأموریت هایی که به ایشان محول می شد با علاقه زیادی می پذیرفت.

در یکی از مأموریت ها، در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۵ زمانی که ستون ارتش وارد شهر سنندج می شد، در درگیری با ضدانقلابیون دمکرات، در اثر اصابت گلوله به درجه رفیع شهادت نائل گشت.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: علیرضا فصیح نژاد

تاریخ تولد: ۱۳۴۲

محل شهادت: درگیری نقده

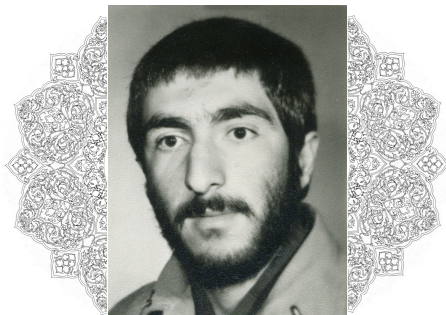
تاریخ شهادت: ۵۸/۰۲/۰۲

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید علیرضا فصیح نژاد در مرداد ماه ۱۳۴۲ در یک خانواده متدین و متعهد به اسلام به دنیا آمد. اولین فرزند خانواده بود، دوران ابتدائی را با نمرات خوب و عالی پشت سر گذاشت و وارد دبیرستان شد. شهید قبل از دوران کودکی در خانه ای مملو از عشق به یاران رسول اکرم (ص) پرورش یافت و از همان زمان آموخت که در خط خدا بودن یعنی چه و چه لذتی دارد. قلب صاف و درخشان ایشان مانع از دخالت در امور شخصی دیگران می شد. قبل از انقلاب کلیه شب ها را در مسجد اعظم می گذراند و صبح روزها به مدرسه می رفت و به ادامه تحصیل می پرداخت.

از سخنانش این بود که در زمانی که کشور احتیاج به وجود او و امثالش دارد نباید آرام بنشیند. چنانکه در اولین روز پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۷ از طرف روحانیت مبارز ارومیه برای کسب اطلاع به قریه قره آغاج ارومیه رفته بود تا چماق به دستان طاغوتی را از اعمال ننگینشان آگاه کند و مانع از حمله مزدوران چماق به دست به شهر شوند که در این درگیری یکی از دوستان وی شهید و دیگری دست چپ خود را از دست می دهد ولی این برادرمان به هر سختی که بود فرار می کند.

شهید علیرضا فصیح نژاد پس از مبارزات چشمگیر همراه سایر دلاوران در تاریخ ۵۸/۲/۲ به هنگام دفاع از شهرستان نقده از شهرهای استان آذربایجان غربی پس از ساعتها مبارزه و نبرد شکوهمند با حزب منحلہ دمکرات دعوت حق را پذیرفت و به لقایش پیوست. و بیکر پاکش در مزار شهیدان در باغ رضوان ارومیه به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: امیر فلاح

تاریخ تولد: ۱۳۴۳

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۶/۰۲/۱۱

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید امیر فلاح در تاریخ ۱۳۴۳ در یک خانواده مذهبی در شهرستان ارومیه دیده به جهان خاکی گشود و تا دوم راهنمایی به تحصیل پرداخت. او در دوران تحصیل فردی مؤدب و متین و مذهبی بود. ساده می زیست و بسیاری از کارهایش را خود انجام می داد و از کوچکی حاضر نبود سربرار خانواده اش باشد. در انجام فرائض دینی سرسخت بود و نماز و روزه اش را به جا می آورد و همیشه به دستورات ائمه اطهار(ع) عمل می نمود.

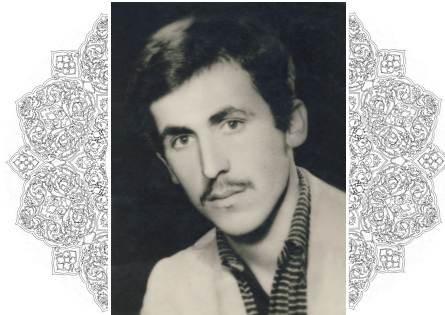
با شروع انقلاب، در راهپیمائیا و تظاهرات و تشییع جنازه شهیدان شرکت فعال داشت و دائماً با منافقین درگیر بود. عقاید آنان را رد می کرد و سعی می نمود آنها را با دستورات اسلام آشنا سازد. علاقه زیادی به امام امت داشت و به فرامین او از جان و دل گوش فرا می داد.

از فرط علاقه به جمهوری اسلامی، دست از تحصیل کشید و در بسیج ثبت نام نمود و شروع به فعالیت کرد. همان طور که مشغول خدمت در کردستان بود، از طرف ارتش به خدمت سربازی اعزام شد و دو سال خدمت سربازی را با رشادت به پایان برد و بعد از خدمت سربازی ۶ ماه دوره احتیاط را در محوره‌های مریوان و کوههای اطراف آن به پایان رساند. بعد از خدمت سربازی مجدداً وارد بسیج گردید و ۶ ماه در منطقه کردستان در سخت ترین شرایط انجام وظیفه نمود و پس از آن در هلال احمر ثبت نام کرد و به یاری رزمندگان پرداخت.

در مورخه ۱۳۶۶/۱/۲۰ که در مرخصی بود، موقع خداحافظی از خانواده و دوستان حلایت طلبید و از همه خداحافظی کرد، که انگار می دانست که هرگز برنخواهد گشت و سفارش نمود هر کار را با نام خدا آغاز نماید و در کارهایتان مخلص باشید و صحنه انقلاب را خالی نگذارید.

سپس به منطقه عملیاتی کربلای ۱۰ سردهشت اعزام شد که هنگام یاری رساندن به رزمندگان اسلام و کمک به آنها در اثر برخورد ترکش خمپاره از ناحیه دست و باسن و شکم مجروح گردید و پس از انتقال به بیمارستان در شهر تبریز در تاریخ ۱۳۶۶/۲/۱۱ به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: حسین فیضی بند

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: کوشک

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۳۰

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید حسین فیضی بند به سال ۱۳۴۱ در یک خانواده مذهبی در روستای بند، از توابع شهرستان ارومیه دیده به جهان گشود.

بعد از گذراندن دوران کودکی در همان روستا، به تحصیل مشغول شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران، حسین در انجمن اسلامی مدارس فعالیت چشمگیری داشت و در کلاسهای آموزش قرآن شرکت می نمود. رفتار و اخلاقش در میان روستائیان الگو شده بود. ایشان عاشق امام خمینی (ره) و رهرو امام حسین (ع) و فردی متواضع و متدین بود.

با پایان یافتن تحصیلات، به خدمت مقدس سربازی اعزام گردید و جهت دفاع از میهن اسلامی و اسلام عزیز، به جبهه های نبرد حق علیه باطل رفت. در موقع عزیمت به مناطق جنگی مثل اینکه به جشن عروسی می رفت، بسیار خوشحال بود. گویا، به وی الهام شده بود که به فیض شهادت نایل خواهد گشت. لذا، خانواده را برای پذیرش چنین روزی آماده می کرد.

سرانجام، بعد از شرکت فعال در چند عملیات جنگی، در منطقه جنوب، در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۳۰ در منطقه عملیاتی کوشک، در حین جنگ رودر رو با دشمن زبون، بر اثر اصابت ترکش به درجه رفیع شهادت نایل آمد و به خیل شهیدان کربلا پیوست. خداوند با حسینیان محشورش گرداند.



شهید: جواد قاسم نژاد

تاریخ تولد: ۱۳۲۵

محل شهادت: سریل ذهاب

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۴

فرای از زندگینامه شهید:

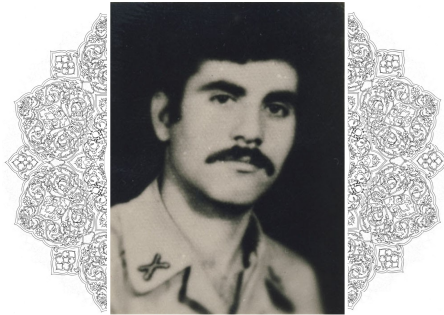
شهید جواد قاسم نژاد به سال ۱۳۲۵ در شهرستان خوی در یک خانواده فقیر و مذهبی و متدین از توابع آذربایجان غربی چشم به جهان گشود. بعد از طی دوران طفولیت وارد مدرسه گشت و تحصیلات خود را تا دوره راهنمایی ادامه داد. هر موقع که امتحاناتش به پایان می‌رسید در بیرون از خانه کار می‌کرد و کمک خرجی خانواده را تأمین می‌نمود.

شهید از همان دورانی کودکی شخص بسیار رتوف و متواضع نسبت به آشنایان و اهل خانواده بود. شهید بعد از پایان دوران راهنمایی ترک تحصیل نمود و به عنوان همافر وارد نیروی هوایی جمهوری اسلامی شد. و مشغول انجام وظیفه گردید.

قبل از انقلاب، وی فردی مومن و دیندار و با تقوا بود و بعد از انقلاب نیز، بر اثر همین عقاید خود، تجاوز عراق به ایران را امر غیر انسانی تلقی می‌کرد و همیشه این جمله را تکرار می‌نمود: «که ما حاضر نیستیم یک مشت از خاک میهنمان را به بیگانه بدهیم، بنابر این همیشه با دشمنان اسلام در جنگ خواهیم بود.» هیچگاه از خدمت کردن به جمهوری اسلامی خسته نمی‌شد، عشق و علاقه‌ای که به اسلام و امام راحل و همچنین دفاع از میهن اسلامی داشت او را راهی جبهه‌ها نمود.

در آخرین نامه‌ای که به خانواده‌اش نوشته بود کلیه اعضای خانواده را به صبر و بردباری دعوت کرده بود و عقیده داشت که شهید قلب تاریخ است.

سرانجام، شهید جواد قاسم نژاد در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۴ در منطقه عملیاتی سریل ذهاب تپه‌های بازی دراز، در عملیات بیت المقدس یگان خدمتی نیروی هوایی تبریز، در حین جنگ با دشمن یعنی بر اثر اصابت خمپاره و ترکش به درجه رفیع شهادت نایل آمد. راهش مستدام باد.



شهید: کریم قاسمی

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: مهاباد

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۱۲

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید کریم قاسمی، همیشه خود را از سربازان گمنام امام زمان (عج) می دانست و ثواب نبرد در جبهه های جنگ تحمیلی را معادل ثواب جنگ در رکاب ولی عصر (عجل ا... تعالی فرجه الشریف) تلقی می کرد. او از منتظران حضرت بود و همواره جامعه را در نظر مجسم می کرد، که با ظهور حضرت عاری از هر گونه ظلم و ستم خواهد بود و انسانها در آن با عزت و رعایت احترام به ارزش های اسلامی زندگی خواهند کرد.

او در سال ۱۳۴۱ در نازلو جای ارومیه متولد شد. از آن جایی که خانواده ای مذهبی عهده دار پرورش و رشد شهید بود، خیلی زود مراعات مبانی دینی را شیوه زندگی خود قرار داد.

شهید هنگامی که دوره راهنمایی تحصیلی را به اتمام رسانید، به خدمت ارتش درآمد و نیت او از پیوستن به برادران ارتشی خود این بود، که در کسوت نظامی، پاسدار خون شهیدان و تداوم بخش اهداف جمهوری اسلامی ایران باشد.

شهید اعتقادی عمیق به ولایت فقیه و رهبری کشور از طریق فقاقت داشت. حکومت اسلام را تنها اهرمی می دانست، که ملت مسلمان ایران با اتکا به آن می تواند در برابر بیگانگان و چپاولگران بین المللی، که سالیان درازی خون ملت های مسلمان و مستضعف را مکیده اند، مقاومت کند. او افتخار می کرد، که سربازی از مدافعین ایران اسلامی است. لذا هر جا که ضدانقلاب داخلی معرکه ای برپا می کرد، شهید با ارده ای استوار آمادگی شرکت در دفع غائله را داشت. پس از مشارکت در درگیری های زیاد در منطقه کردستان بالاخره روز ۱۳۶۲/۲/۱۲ در آخرین جنگ خود با ضدانقلاب، در اثر اصابت گلوله در شهرستان مهاباد، شهادت را پذیرا شد و روح پاکش رهسپار آسمان ها گردید. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: بهمن قاسمی

تاریخ تولد: ۱۳۴۲

محل شهادت: پایگاه دیوالان

تاریخ شهادت: ۶۳/۰۲/۱۸

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید بهمن قاسمی در سال ۱۳۴۲ در شهرستان ارومیه در یک خانواده متوسط دیده به جهان گشود. پس از طی دوران طفولیت، تحصیلات خود را تا مدرک دیپلم ادامه داد. از نظر اخلاقی، فردی مؤمن و متعهد نسبت به موازین اسلامی و پیرو خط امام بود. با آغاز جنگ تحمیلی عراق و تجاوز به مرزهای اسلامی، در تاریخ ۱۳۶۳/۲/۱۸ درگیری با ضدانقلاب (دمکرات و کومله) در منطقه سردشت، پایگاه (یوالان) بر اثر اصابت گلوله به درجه رفیع شهادت نایل آمد. راهش پر رهرو باد.

شهید علی گونه زیستن و حسین وار به سوی یار رفتن را بارها
تمرین کرده است. شهید نخست، دیو پلیدیها و سیاهیها را در زیر
پای عقل و طاعت مثله کرده، سپس گردن خود را تسلیم تیغ
شهادت ساخته است...
(شهید حاج ابراهیم همت)



شهید: بهر علی قربانی خضر آباد

تاریخ تولد: ۱۳۴۳

محل شهادت: حاج عمران

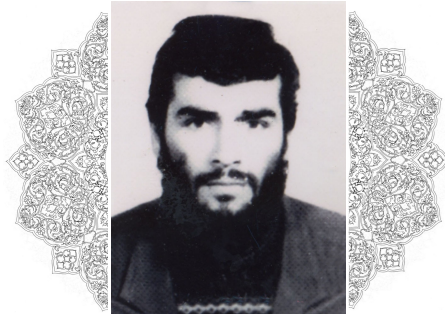
تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۲۴

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید بهر علی قربانی در سال ۱۳۴۳ ر روستای خضرآباد از توابع شهرستان ارومیه متولد شد و بعد از طی دوران کودکی به تحصیل پرداخت. دوره ابتدائی و راهنمایی را در روستای تپه ماکوی دیزج تکیه و دوره دبیرستان را در شهر ارومیه در دبیرستان گمنام با موفقیت به پایان برد و موفق به اخذ دیپلم گردید.

سپس وارد دانشکده افسری در تهران شد و بعد از اتمام دوره به شهر اصفهان و پس از آن به پادگان قوشچی منتقل و جزء جمعی لشکر ۶۴ ارومیه گردید و به شهر بیرانشهر اعزام شد.

سرانجام وی در مورخه ۱۳۶۵/۲/۲۴ در منطقه عملیاتی حاج عمران در راه دفاع از استقلال و آزادی و حفظ تمامیت کشور اسلامی از تجاوز بیگانگان به شهادت رسید و پیکر پاکش در باغ رضوان ارومیه با خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: سیدحسین قریشی

تاریخ تولد: ۱۳۳۶

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۳۱

فرازی از زندگینامه شهید:

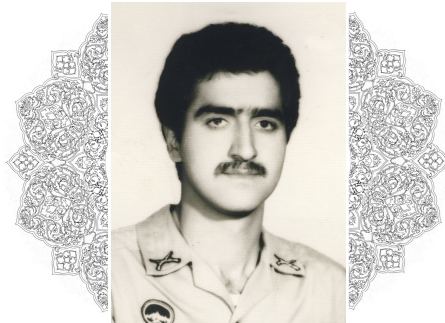
شهید سید حسین قریشی به سال ۱۳۳۶ در شهرستان بناب، در یک خانواده متوسط دیده به جهان گشود. پس از طی دوران طفولیت تحصیلات خود را تا مقطع متوسطه ادامه داد و سپس ترک تحصیل نمود. پس از مدتی به اتفاق برادرش به شهرستان ارومیه آمد و تشکیل خانواده داد.

از نظر اخلاقی، فردی مؤمن و متعهد نسبت به موازین اسلامی بود و همواره در راهپیمائی هایی که توسط مردم انقلابی صورت می گرفت شرکت می کرد.

با آغاز جنگ تحمیلی عراق و تجاوز به مرزهای اسلامی، به جبهه های حق علیه باطل رفت و در سه حمله رمضان، خیبر و حاج عمران شرکت کرد.

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۳۱ در درگیری با دشمن بعثی عراق در منطقه حاج عمران به درجه رفیع شهادت نائل گردید.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: اکبر قنبرزاده محبوب

تاریخ تولد: ۱۳۴۰

محل شهادت: دزفول

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۲۳

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید اکبر قنبرزاده به سال ۱۳۴۰ در شهرستان ارومیه، در یکی از محلات فقیر نشین در یک منزل استیجاری چشم به جهان گشود. دوران ابتدایی را به اتمام رسانید و سپس دوران راهنمائی و دبیرستان را تا سال سوم دبیرستان ادامه داد. بعد از آن ترک تحصیل نمود و برای لیبک گفتن به فرمایش امام بس(ره) داوطلبانه جهت خدمت مقدس سربازی وارد ارتش شد.

از ویژگیهای اخلاقی شهید، خوش برخورد بودن و همچنین شفقت نسبت به دیگران و اعضای خانواده بود. او جوانی متین بود و غیرتش اجازه نمی داد که دشمن به حریم جمهوری اسلامی و همچنین نوامیس آن تجاوز نماید به همین خاطر به هنگام دفاع از میهن در جبهه ها دوبار زخمی شد. ولی با این حال هیچ وقت از مبارزه بر علیه کفار و مزدوران بعثی غافل نبود.

عید نوروز سال ۱۳۶۱ که به مرخصی به ارومیه آمده بود، همین که از اخبار شنید که رزمندگان اسلام به مواضع دشمن یورش برده اند، بدون معطلی مرخصیش را ناتمام گذاشت و به یاری رزمندگان اسلام شتافت.

شهید، بارها در جبهه های گیلانغرب، دزفول، اهواز، مردانه با بعثیون کافر جنگید و سرانجام در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۲ در منطقه عملیاتی جنوب کوشک، توسط خمپاره زخمی شد و سپس در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۲۳ در بیمارستان شهرستان اصفهان به درجه رفیع شهادت نایل گردید. روحش شاد.



شهید: محمد قنبرلو

تاریخ تولد: ۱۳۴۴

محل شهادت: بهلول آباد

تاریخ شهادت: ۶۹/۰۲/۲۷

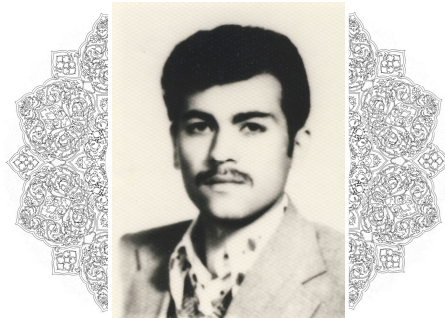
فرازی از زندگینامه شهید:

بسیجی شهید محمد قنبرلو در سال ۱۳۴۴ در روستای شیطان آباد ارومیه متولد شد. تحصیلات خود را تا کلاس سوم ابتدایی ادامه داد و سپس ترک تحصیل نمود و به کارگری مشغول گشت.

با رسیدن به سن مشمولیت، به خدمت مقدس سربازی اعزام شد و پس از پایان خدمت در بسیج سپاه پاسداران مشغول خدمت گردید.

در دوران پیروزی انقلاب اسلامی همچون دیگر هموطنان در راهپیمایی ها و تظاهرات ضد رژیم شاه شرکت فعال داشت و بعد از پیروزی انقلاب هم در صحنه های مختلف از جمله در مسجد محله به دفاع از انقلاب و اسلام می پرداخت.

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۹/۲/۲۷ در منطقه کردستان (بهلول آباد) در پی درگیری با ضدانقلاب مورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفت و به درجه رفیع شهادت نائل گشت. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: حسن قهرمان

تاریخ تولد: ۱۳۳۸

محل شهادت: شلمچه

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۷

فرازی از زندگینامه شهید:

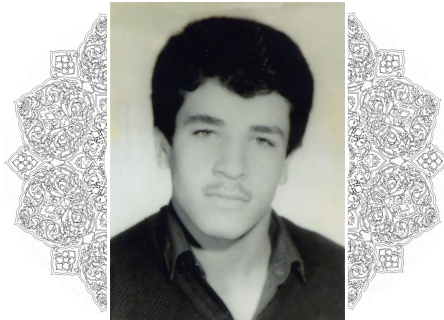
شهید حسن قهرمانی در سال ۱۳۳۸ در شهرستان ارومیه دیده به جهان گشود و دوران طفولیت را در کنار پدر و مادرش سپری کرد.

تحصیلات را تا اخذ دیپلم با موفقیت به پایان برده و سپس تا رسیدن خدمت زیر پرچم برای امرار معاش و اداره زندگیش در کوره پزخانه‌های سقایی به کار مشغول بود.

شهید با اقامه نماز و روزه علیه بی بند و باری‌ها مبارزه می‌کرد و با خلوت در دل شبها به راز و نیاز با خدا مشغول بود. به حضرت امام(ره) علاقه زیادی داشت و او را مرشد و ولی خود قبول کرده و تا پای جان به فرمان او می‌جنگید و یک بار نیز در جماران به حضور امام(ره) رسیده بود. شهید همیشه مهربان، خوش رو، خون گرم و فردی خیر بود و در آشتی‌ها و دوستی‌ها پیش قدم بود.

شهید در جریان پیروزی باشکوه انقلاب اسلامی در تمام صحنه‌های حساس و خطرناک مشتاقانه شرکت می‌کرد. از راهپیمایی‌ها گرفته تا درگیری‌های مسلحانه در خیابان امام و مسجد اعظم که ایشان مدافع مسجد بودند و بعد از پیروزی انقلاب عضو پایگاه بسیج بود و با عزیمت به خدمت مقدس سربازی در بعد وسیع‌تری به مصاف با دشمن شتافت و در سنگرهای نبرد حق علیه باطل دلیرانه دشمن را سرکوب کرد و با یاری رزمندگان جان به کف پیشروی دشمن را سد نموده و آنها را با خواری و ذلت به عقب راندند.

شهید با تمام حماسه سازی‌ها و فداکاری‌های خالصانه‌ای که داشت به دیدار معشوق شتافت و در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۷ در عملیات بیت‌المقدس در منطقه شلمچه در اثر اصابت ترکش به درجه رفیع شهادت نائل گشت. روحش شاد، یادش گرامی.



شهید: صادق کاظمی

تاریخ تولد: ۱۳۴۶

محل شهادت: شلمچه

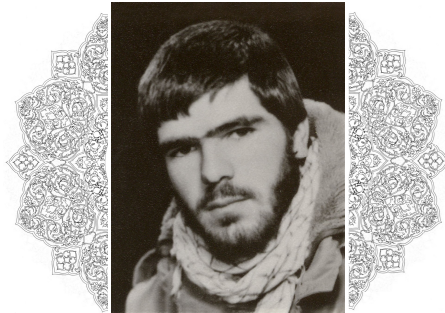
تاریخ شهادت: ۶۶/۰۲/۱۹

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید صادق کاظمی در سال ۱۳۴۶ در خانواده ای متدین از اهالی ارومیه چشم به جهان هستی گشود. با وجود مشکلات زندگی در روستا محل زادگاهش (قطلو) تحصیلات ابتدائی اش را به پایان رسانید و سال اول راهنمائی بود که مجبور شد مدرسه را رها کرده و به کار مشغول شود تا در مخارج سنگین و کمرشکن زندگی والدینش کمک کار آنها باشد.

شهید به سبب عشق و علاقه ای که به انقلاب اسلامی داشت به زودی جهت دفاع از آرمانهای انقلاب جذب خدمت در بسیج شد و پس از پوشیدن لباس بسیجی، برای سربلندی و عظمت انقلاب و تداوم نظام جمهوری اسلامی تلاش بسیار کرد.

از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، خود را برای جانبازی در راه دفاع از سرزمین اسلامی ایران آماده ساخته بود تا اینکه روز موعود فرا رسید و با لباس مقدس سربازی رهسپار جبهه شلمچه شد و پس از چندی مبارزه علیه دشمن، سرانجام در مورخه ۱۳۶۶/۲/۱۹ در مصاف با دشمن بعثی صهیونیستی عراق به دیدار معبود شتافت و شهد شیرین شهادت را به کام کشید و در زادگاهش به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: احمد علی کاظمی کردلر

تاریخ تولد: ۱۳۴۲

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۲۶

فرازی از زندگینامه شهید:

طلبه، دانشجو و بسیجی شهید احمد علی کاظمی در سال ۱۳۴۲ در قریه گل پاشین از توابع شهرستان ارومیه متولد شد. بعد از طی دوران کودکی به تحصیل پرداخت و تا اخذ مدرک دیپلم با موفقیت به آن ادامه داد و بعد از مدت یک سال وارد حوزه علمیه تبریز شد و از آنجا به دانشگاه مشهد اعزام گردید.

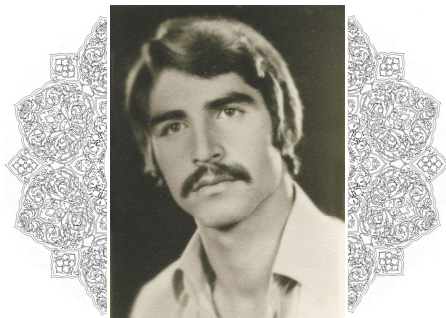
او از نظر اعتقادی پایبند احکام دینی بود و در انجام فرایض دینی کوتاهی نمی کرد.

در راهپیمایی های قبل از انقلاب با مردم انقلابی همگام و همصدا بود و بعد از پیروزی انقلاب در تشکیل کتابخانه در روستا از طریق جهاد سازندگی همکاری داشت و تابستانها بعد از امتحانات خود با سپاه پاسداران در بخش تبلیغات احکام و قرآن همکاری می نمود و نقش مؤثری داشت. ایشان علاقه زیادی به امام خمینی (ره) داشت، به طوری که اغلب سخنرانیهای ایشان را جمع آوری نموده بود.

شهید در طول مدت تحصیل هفت بار به جبهه های نبرد از طریق جهاد دانشگاهی اعزام گردید و در اغلب جبهه های جنوب از جمله گیلان غرب، اسلام آباد، سومار، حاجی عمران و ایلام شرکت فعالانه داشت. ایشان از تجاویزات رژیم صدام به حریم جمهوری اسلامی ایران سخت ناراحت بود و همیشه آرزو می کرد که کاش مدرسه ها را تعطیل می کردند تا با نیروی انسانی بیشتری کار صدام را یکسره می کردیم.

سرانجام بعد از مدت زمان طولانی حضور در جبهه ها، در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۲۶ در منطقه حاج عمران در رویارویی با دشمن به شهادت رسید و پیکر پاکشان مفقودالاثر گردید.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: حسین کرامت

تاریخ تولد: ۱۳۴۰

محل شهادت: خرمشهر

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۴

فرای از زندگینامه شهید:

شهید حسین کرامت در سال ۱۳۴۰ در روستای آلمان آباد، از توابع ارومیه دیده به جهان گشود. تا کلاس چهارم ابتدائی در همان روستا و سپس تا سوم راهنمائی در ارومیه به تحصیل پرداخت. بعد از ترک تحصیل، برای امرار معاش و اداره زندگی سرگرم کار شد و با تشکیل خانواده صاحب یک فرزند گشت.

شهید، انسانی پاکدل و متین بود و به اسلام علاقه خاصی داشت. از دوران کودکی با مکتب انسان ساز اسلام انس گرفت و در کنار خانواده اش با مسائل و اصول اسلام بیشتر و بیشتر آشنا گشت و روز به روز، برایمان و اعتقاد خود افزود.

شهید در جریان پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، در راهپیمائی ها و مجالس سخنرانی حضور می یافت و در تبلیغ اهداف انقلاب اسلامی تلاش گسترده ای داشت. برای پیروزی انقلاب با جان و دل فالت می کرد.

شهید که جنگ تحمیلی را توطئه استعماری می دانست، عقیده داشت که باید با فداکاری و ایثار، جلو تجاوز دشمن را گرفت و جواب دندان شکنی به او داد. لذا از طریق بسیج عازم جبهه های نبرد حق علیه باطل شد و با استواری و مقاومت و با شهادت و شجاعت، قهرمانانه در سنگر ایمان، به جنگ و ستیز پرداخت و حماسه های بسیار آفرید و سرانجام در تاریخ ۶۱/۲/۱۴ در منطقه عملیاتی سومار به درجه رفیع شهادت نائل گشت.

روحش شاد، یادش گرامی.



شهید: فریدون کشتگر

تاریخ تولد: ۱۳۳۷

محل شهادت: سلمچه

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۲۰

فرازی از زندگینامه شهید:

جهادگر شهید، مهندس فریدون کشتگر در سال ۱۳۳۷ در شهر ارومیه دیده به جهان گشود. بعد از طی دوران کودکی و طفولیت به تحصیل پرداخت. تحصیلات خود را با موفقیت و شایستگی و نمرات عالی به پایان برد و در سال ۱۳۵۴ موفق به دریافت مدرک دیپلم شد. در کنکور سراسری شرکت نمود و پیروزمندانه در رشته مهندسی راه و ساختمان دانشگاه تبریز قبول و مشغول تحصیل گردید.

با استعداد خاصی که داشت، در دانشگاه یکی از دانشجویان نمونه شناخته شد. و در سال دوم دانشگاه، به فعالیت های سیاسی و انقلابی پرداخت. او نقش مؤثری در حرکت های سیاسی دانشجویی ایفا نمود و در جریان به ثمر رسانیدن انقلاب خدمات ارزنده ای انجام داد.

بعد از پیروزی انقلاب و تشکیل جهاد سازندگی، به یاری محرومین روستایی شتافت. بعد از انقلاب فرهنگی و بسته شدن دانشگاه ها، رهسپار جبهه های نبرد گردید، و در جبهه ها رشادت ها و شجاعت های زیادی از خود نشان داد. در جبهه خوزستان فرمانده عملیات بود و در عملیات بیت المقدس در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۲۱ در منطقه سلمچه، پس از مدت ها تلاش خستگی ناپذیر و ایثار، بر اثر اصابت ترکش دشمن به کاروان شهیدان ملحق شد و خونین بال به دیدار حق شتافت و خاطره ای فراموش نشدنی، از ایثار و گذشت و خدمت به محرومین، صداقت در عمل، غیرت و مردانگی از خود به یادگار گذاشت. روانش شاد، راهش پر رهرو باد.



فرازهایی از وصیتنامه شهید:

آری باید انسان در راه ... رنج ببرد تا او را ملاقات کند. این سرنوشت انسان است. بزرگی هر روح به اندازه رنجی است که در راه ... می برد. روح های بزرگ همواره به رنج های بزرگی مبتلایند. مگر نه اینکه حسین این روح بزرگ آفرینش باید بزرگترین رنجهار را ببرد و در بزرگترین امتحانات شرکت جوید. ما که شیعه هستیم، باید از او پیروی کنیم. باید همچون او توشه ای ساخت و از اینجا کوچید زیرا که دنیا نه جای ماندن است و نه ارزش ماندن را دارد. آن هم زمانی که اسلام عزیز مورد هجوم جهانخواران و ایادی آنها قرار گرفته چگونه می توان به دور از صحنه درگیری حق و باطل به زندگی روزمره تن در داد. باید شهادت و مرگ سرخ را برگزید تا برای همیشه از مرگ سیاه رهایی یافت. تازه ما که با ریختن خون خود در راه خدا که کاری نکرده ایم، تنها امانت را به صاحبش برگردانده ایم. من که در طول زندگی کاری برای اسلام نکرده ام شاید با خواست خدا ریخته شدن خونم موجب آموزش گناهان و پیشرفت اسلام عزیز شود. اگر در دنیای شما می ماندم چه می کردم؟ آیا زندگی در جوار رحمت خداوندی که مزده اش را داده است با مرگ تدریجی که زندگیش نام نهاده اند مساوی است.

پدر و مادر مهربانم شما مرا از دست نداده اید به خدا هدیه کرده اید. مرا به خدا قرض داده اید. «و من یقرض ... قرضاً حسناً فیضاعقه له».

مادر مهربانم مرا خدا به تو داده بود و تو نیز به او برگرداندی. پس آیا خدا برایت کافی نیست؟ باید با متانت بسیار بر این مصیبت صبر کنی. صبری نیکو، صبری که در آن شکایتی نباشد تا خداوند پاداشت را بدهد. وقتی این شهادت را برای خدا و به خواست خدا و در راه خدا دانستی این مصیبت بر تو آسان خواهد شد.

«ما اصاب من مصیبه فی الارض و لا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبراهن ان ذلک عی ... پسیر لکیلا تاسوا علی ما فاتکم و لا تفرجوا بما اتیکم و... لا یحب کل مختل فخور»

از پدر و مادر و برادران و خواهرانم می خواهم که بعد از شهادت من صبر و تقوی را پیشه خود کنند و محور تمام کارهایشان را خدا قرار دهند و برادران تنها قرآن و خط امام خمینی است که می تواند ما را از انحرافات فکری رهایی داده و به سوی ... رهنمون گردد. باید هر چه بیشتر به قرآن روی آورد و آن را همان گونه که هست دریافت و به آن عمل کرد. باید با تمام قوا برای خدا و انقلاب اسلامی کار کرد و در این راه هیچ سستی به خود راه نداد.

نباید نقضهای خود و احیاناً دیگران را نقص انقلاب دانست. نقص های افراد و جهت گیری های غلطی که منشأ آنها هوای نفسانی است همچون کفی بر روی رود خروشان انقلاب هستند. کفها از بین رفتنی هستند و رود به راه خود ادامه خواهد داد. مطرح کردن کفها نباید وجود جریان این رود خروشان را مورد تردید قرار دهد. تازه اگر هم احیاناً بعضی افراد برای غیر خدا کار می کنند نباید روی ما تأثیر منفی بگذارد. هر قدر عقیده ما در راه حرکت به سوی ... تحت تأثیر شرایط تغییر کند همان قدر بی بنیاد است.

بچه ها بیایید یکدیگر را دوست بداریم و برای خدا کار کنیم و در ضمن کار به جای مشغولیت با دیگران با خدا مشغول باشیم. آیا هنوز به این نتیجه نرسیده ایم که کار برای



غیر خدا موجب تفرقه و بیهوده است. پس باید برای خدا زندگی کرد و برای او مرد و این کشتن مرگ سیاهی است که همواره در انتظارمان به سر می برد.

خدایا اینک به سوی تو آمده ام و از همه به سوی تو گریخته ام. با تمام گناهانم دعایم را پذیرا باش و مرا به آرزویم برسان. خدایا چون غمها هجوم آورند تو خود توشه من باش. خدایا من دیگر طاقت دوری تو را ندارم. مرا از نظر به کرامت محروم نفرما و خدای من فردای قیامت مرا به دیدار خود شاد گردان. خداوندا مرا به قسمت خود راضی و قانع گردان و از سر تقصیراتم بگذر.

اللهم أنت عدتی إن حزنّت و أنت منتجعی إن حرمت و بک استغاثتی ان کرهت و عندک مما فات خلف.

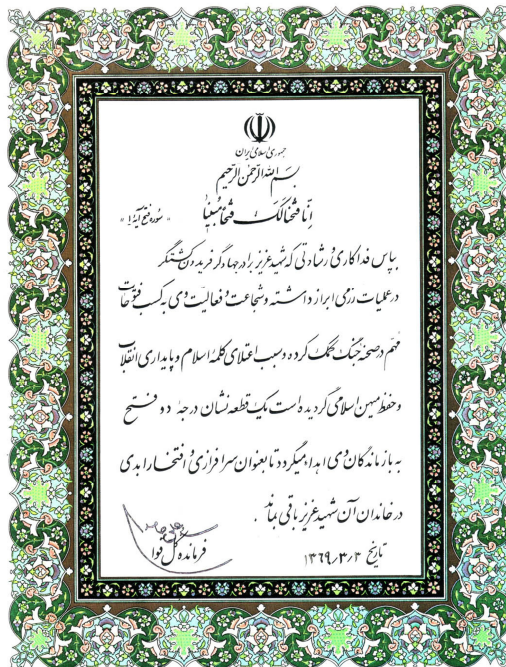
آری خدای من تو آخرین و تنها گریزگاهی هستی که یافته ام. خدایا مرا از زمین گیری و تمام وابستگی ها نجات ده و به سوی خودت بخوان.

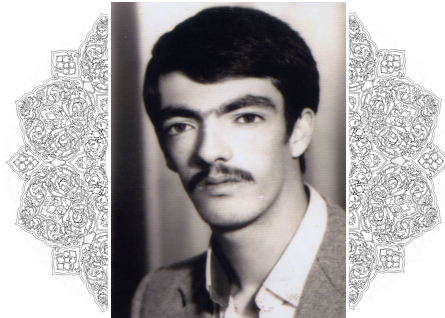
الهی هب لی کمال الانقطاع الیک و [نور] ابصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک»

خدایا قلبم را از عشق خودت لبریز کن تا جسمم را توانایی تحمل آن نباشد و خونم در راه تو ریخته شود و روحم به سوی تو به پرواز درآید. آمین یا رب العالمین.

با آرزوی پیروزی هر چه سریعتر حق بر باطل

فریدون ۶۱/۱/۲۲





شهید: عشقعلی کشوری صالح

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۲۵

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید عشقعلی کشوری در سال ۱۳۴۱ در شهرستان ارومیه دیده به جهان گشود. پس از طی دوران طفولیت، دوره ابتدایی را در مدرسه فردوسی و راهنمایی را در مدرسه راهنمایی معلم (دارپوش سابق) به پایان رساند و سال دوم نظری را به پایان نرسانده بود که ترک تحصیل نمود و به استخدام ارتش درآمد و وی در قرارگاه ۵۱۲ صحرایی مراغه مشغول به خدمت گشت. سپس تشکیل خانواده داد و دارای دو فرزند شد. از نظر خصوصیات اخلاقی، فردی مؤمن و متدین بود و اخلاقی در میان اعضای خانواده و دوستان الگو و نمونه بود. نسبت به افراد تنگدست و مستمند دلسوز و مهربان بود و از آنان دستگیری می نمود.

شهید عشقعلی، قبل از انقلاب فعالیت بخصوصی نداشت و در دوران انقلاب همگام با مردم حزب ... در راهپیمایی ها شرکت می کرد و شب ها به پخش اعلامیه می پرداخت. علاقه شدیدی به امام راحل داشت.

با آغاز جنگ تحمیلی عراق، شهید عشقعلی بیشتر در مناطق مختلف عملیاتی غرب و شمال غرب خدمت می نمود.

سرانجام شهید عشقعلی کشوری پس از رشادت ها و مبارزات وصف ناپذیر، در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۲۵ در منطقه حاج عمران، در اثر اصابت ترکش خمپاره بعثی عراق، به درجه رفیع شهادت نائل آمد و پیکر پاکش در باغ رضوان ارومیه با خاک سپرده شد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: عوض کفشیاری

تاریخ تولد: ۱۳۴۹

محل شهادت: سیلوانا

تاریخ شهادت: ۶۴/۰۲/۰۸

فرازی از زندگینامه شهید:

سرباز شهید عوض کفشیاری در سال ۱۳۴۹ در روستای بالانج، از توابع شهرستان ارومیه دیده به جهان گشود. بعد از طی دوران کودکی به تحصیل پرداخت و تا کلاس دوم راهنمایی در همان روستا درس خواند.

خانواده او بضاعت چندانی نداشت و او با فقر و کار و تلاش به زندگی ادامه داد تا به خدمت واحد بسیج سپاه پاسداران ارومیه درآمد.

او جوانی با صداقت و متدین و پایبند دین و مذهب بود. در زمان اقامت در روستا در پایگاه روستا و مسجد در حفظ و حراست از انقلاب همکاری می نمود.

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۴/۲/۸ در منطقه کردستان، در مبارزه با اشراک به شهادت رسید.

شهید قدردان محبت های مادر خود بود و همیشه سعی می کرد او را به آینده امیدوار سازد. همیشه این جمله را که گویای صداقت و اخلاص او بود، به مادرش می گفت: من وظیفه دارم در قبال زحماتی که برای من کشیده اید، شما را پای پیاده بر دوش خود به پابوس امام رضا(ع) ببرم.

شهادت او تأثیر زیادی بر روحیه افراد فامیل گذاشت.

روحش شاد و یادش گرامی باد.

**شهید: حسین کوه کمری****تاریخ تولد: ۱۳۴۲****محل شهادت: حاج عمران****تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۳۱****فرازی از زندگینامه شهید:**

شهید مفقودالاثر حسین کوه کمری در سال ۱۳۴۲ در شهرستان ارومیه، در یک خانواده متوسط دیده به جهان گشود. در ۶ سالگی از داشتن مهر پدر محروم شد و سرپرستی او و برادر کوچکش را عمویشان بر عهده گرفت.

در سال ۱۳۵۷ در کمیته انقلاب اسلامی مشغول به خدمت شد و در سال ۱۳۶۲ تشکیل خانواده داد و دارای یک فرزند دختر شد.

شهید حسین از نظر خصوصیات اخلاقی، فردی مؤمن و متدین بود. در انجام دادن احکام و فرایض دینی کوتاهی نمی کرد و نیز در راهپیمایی های باشکوهی که توسط مردم مسلمان و انقلابی صورت می گرفت شرکت می کرد. علاقه شدیدی به امام راحل داشت.

با آغاز جنگ تحمیلی عراق، برای دفاع از مرزهای کشورمان و همچنین دفاع از ناموس و حیثیت مردم مسلمان، به جبهه های حق علیه باطل شتافت.

شهید حسین کوه کمری پس از رشادت ها و مبارزات فراوان سرانجام در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۳ در عملیات جنگی حاج عمران، در درگیری با بعثیون کافر به درجه رفیع شهادت نائل گردید و خونین بال به دیدار معبود شتافت.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: امیر کوهی مقدم

تاریخ تولد: ۱۳۲۱

محل شهادت: جنوب کشور

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۲۳

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید امیر کوهی مقدم در سال ۱۳۲۱ در سرو، یکی از روستاهای مرزی از توابع ارومیه متولد شد. بعد از پشت سر گذاشتن دوره کودکی به تحصیل پرداخت. تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در روستای لوربالاجوق به پایان برد و سپس برای ادامه تحصیل به شهر ارومیه عزیمت نمود، ولی قبل از اتمام تحصیلات ترک تحصیل نمود و با سمت درجه دارای به استخدام ارتش در آمد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در خدمت انقلاب قرار گرفت. با شروع جنگ تحمیلی، داوطلبانه در جبهه های نبرد حضور یافت و به مقابله دشمن متجاوز پرداخت. سرانجام در تاریخ ۱۳۶۱/۳/۲ در منطقه عملیاتی جنوب، برای حفظ تمامیت ارضی کشور و جلوگیری از توطئه تجزیه خوزستان، پس از انجام رشادتهای زیاد در خرمشهر قهرمان، لباس سرخ شهادت بر تن نمود و خونین بال به دیدار حق شتافت. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: احد گرامی فرد

تاریخ تولد: ۱۳۴۰

محل شهادت: سد دز

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۲۹

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید احد گرامی فرد به سال ۱۳۴۰ در شهرستان ارومیه در یک خانواده متوسط دیده به جهان گشود. پس از طی دوران تحصیلات خود را تا اخذ مدرک دیپلم ادامه داد و سپس وارد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد و بعد از چهار سال خدمت، جهت ادامه تحصیل وارد دانشگاه شد. شهید ضمن تحصیل، در سپاه نیز فعالیت داشت.

از نظر اخلاقی، فردی مؤمن و متعهد نسبت به موازین اسلامی و انقلاب بود. همواره در راهپیمایی هایی که توسط مردم انقلابی صورت می گرفت شرکت می کرد.

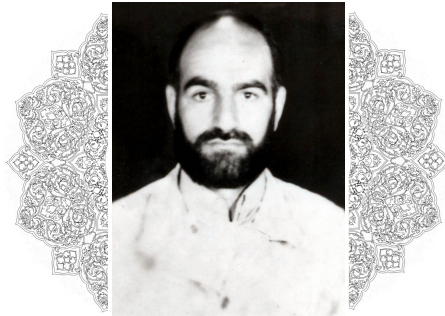
با آغاز جنگ تحمیلی و تجاوز به مرزهای اسلامی، شهید در عملیات های مختلفی از جمله، فتح المبین، والفجر و در منطقه عملیاتی کردستان شرکت داشت.

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۲۹ در منطقه جنوب کشور، بر اثر خفگی در رودخانه دز به درجه رفیع شهادت نائل گردید و پیکر پاکش در باغ رضوان ارومیه به خاک سپرده شد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.

فرازی از وصیتنامه شهید:

خدایا، تو خود آگاهی که دلم در پرده است. ای بهترین یادآور، ای مونس تنهایان، بشنو فریادم را وقتی فریادت کم و به من رو کن وقتی مناجات کنم. من به درگاهت گریختم و برابرت ایستادم و بیچارگیم را به تو عرضه داشتم و به تو زاری کردم. معبودا اگر من شایسته رحمت نیستم تو شایسته ای که خود کنی بر من به فضل وسیعت. پروردگارا مقام ایمان مرا به حد اکمل برسان و مقام یقینم را برترین مقام یقین قرار ده که از مقام علم الیقین به مقام حق الیقین که کاملترین مقام یقین است برسم.



شهید: احمد گندمی

تاریخ تولد: ۱۳۲۶

محل شهادت: محمدیار

تاریخ شهادت: ۵۸/۰۲/۰۲

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید احمد گندمی در سال ۱۳۲۶ در یک خانواده فقیر و تنگدست و زحمتکش در روستای از توابع تسوج دیده به جهان گشود. از همان دوران کودکی طعم تلخ تنگدستی را چشید و به خاطر عدم امکانات مالی به مدرسه راه نیافت و تنها به یادگیری خواندن و نوشتن در اکابر اکتفا نمود.

عشق به معبود ازل و او را از مادیات جدا می ساخت. از زشتیها می گریخت و در راه خیر قدم می نهاد و به زندگی جاویدان می اندیشید. تمامی واجبات را به خوبی بجا می آورد و در اکثر تظاهرات قبل از پیروزی انقلاب شرکت داشت. خود را از دین و قرآن جدا نمی دانست. با شروع انقلاب فعالیت رسمی خود را آغاز نمود.

او با جمع کردن گروهی از جوانان متدین در براندازی رژیم فاسد سلطنتی و ثبات حکومت اسلامی تلاش بسیار نمود. شهید پس از خدمت سربازی در ارومیه مشغول دست فروشی شد تا شاید از بار سنگین مخارج خانواده بکاهد. پس از ازدواج به خدمت ارتش درآمد. با پیروزی انقلاب و استقرار حکومت عدل و توحید در ایران بر حسب وظیفه به پاسداری از ارزشها و آرمانهای انقلاب برخاست.

شهید گرانقدر در سال ۱۳۵۸ به همراه دیگر رزمندگان اسلام برای نجات مردم بیگناه و روستانشین منطقه کردستان که توسط احزاب منحلّه دموکرات و کومله مورد حمله قرار می گرفتند، عازم منطقه نرده شدند. و در سه راهی محمدیار - نرده پس از یک درگیری شدید در تاریخ ۵۸/۲/۲ به درجه رفیع شهادت نایل آمد. روحش شاد.



شهید: سیفعلی لاهوت قره باغ

تاریخ تولد: ۱۳۴۳

محل شهادت: گردنه قوشچی

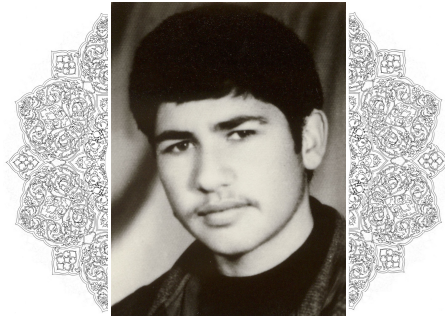
تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۰۷

فرای از زندگینامه شهید:

شهید سیفعلی لاهوت قره باغ در سال ۱۳۴۳ در قریه قره باغ (ارومیه) متولد شد و پس از تحصیل تا مقطع کلاس دوم راهنمایی شغل آبا و اجدادی خود را انتخاب کرد و به کار کشاورزی پرداخت. در زمان پیروزی انقلاب ۱۴ سال بیشتر نداشت، ولی هم دوش سایر دوستان در کوچه و بازار به مخالفت با رژیم راهپیمائی می کرد، اعلامیه پخش می نمود و شعارهای انقلابی را بر در و دیوار خیابان ها نقش می کرد. احساس می کرد یک باره بزرگ شده است زیرا دیدن حرکت های مردمی گوش دادن به سخنرانی ها و مشاهده از جان گذشتگی های همگانی ذهن و فکر او را یکباره از عالم کودکی دور کرده و اطلاعاتی بیشتر از ظرفیت سنی معمول به او بخشیده بود. جسم و جاننش همپای انقلاب رشد کرد و پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۶۱ به استخدام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه درآمد و در گردان جندا... به خدمت پرداخت.

او برای انجام هر مأموریت خطرناکی آماده بود و در عملیات جنگی شرکت می نمود. دشمن نتوانست در جبهه آسیبی به او برساند، ولی به هنگام بازگشت از عملیات در محل گردنه قوشچی - بین سلماس و ارومیه در اثر تصادف به لقاء ا... پیوست و شرف شهادت نائل شد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: ستار لطفی

تاریخ تولد: ۱۳۴۴

محل شهادت: پایگاه آودی

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۱۸

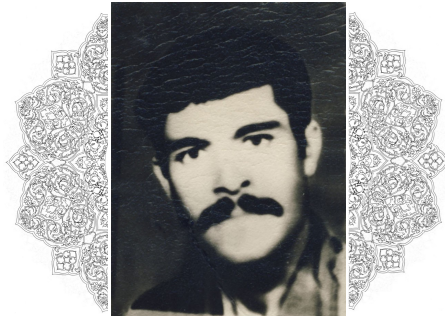
فرازی از زندگینامه شهید:

بسیجی شهید ستار لطفی به سال ۱۳۴۴ در منطقه هشتگرد متولد گردید. در خانواده ای متدین و شیعی مذهب نشو و نما یافت و بعد از طی سنین کودکی، تا کلاس سوم راهنمایی تحصیل نمود. سپس ترک تحصیل کرد و به عضویت بسیج مردمی درآمد.

خانواده او ابتدا ساکن شهرستان نقده بودند، سپس در جریان درگیری های نقده به شهرستان ارومیه مهاجرت نمودند و شهید قسمتی از تحصیلات خود را در این شهر به پایان برد. او از دوستان و علاقه مندان انقلاب اسلامی بود. به امام خمینی (ره) ارادت و علاقه خاصی داشت. با شرکت در کلاس های قرآن و حضور در مساجد و مخصوصاً شرکت در دسته جات عزاداری به راز نیاز با خدای خویش می پرداخت.

سرانجام بعد از یک سال و نیم تلاش و مجاهدت در راه تحقق اهداف انقلاب، در تاریخ ۶۲/۲/۱۸ در منطقه سرو، پایگاه آودی، در حین درگیری با عناصر ضدانقلاب به درجه رفیع شهادت نائل گردید. روحش شاد و یادش گرامی باد.





شهید: تاج الدین مجرد اشکه سو

تاریخ تولد: ۱۳۴۷

محل شهادت: اشکه سو

تاریخ شهادت: ۶۴/۰۲/۰۱

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید تاج الدین مجرد به تاریخ ۱۳۴۷ در روستای اشکی سو، از توابع شهرستان ارومیه به دنیا آمد. او در یک خانواده سنی مذهب و فقیر بزرگ شد. بعد وارد مدرسه راهنمایی خود گردید و مدرک پنجم ابتدایی را از همان آموزشگاه اخذ نمود. ولی به علت عدم تمکن مالی نتوانست دیگر ادامه تحصیل نماید. سپس به کار کشاورزی مشغول شد و بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، ازدواج نمود که حاصل این ازدواج یک پسر بود.

شهید فوق، در پایگاه های بسیج مقاومت مشغول انجام وظیفه بود. او با این عمل خود دوستان و آشنایان خود را جذب این یگان مردمی کرد و شب و روز از دستاوردهای انقلاب و کشور اسلامی دفاع می نمود. او یار مخلص برای انقلاب و امام(ره) بود. شخصی معتقد به اسلام و احکام آن بود. نماز می خواند و روزه می گرفت و در کارهایش مصمم بود و اراده قوی داشت.

او در سال ۱۳۶۴/۲/۱ در درگیری با حزب دمکرات و زیر شکنجه عوامل دمکرات شهید شد.

مزار او در روستای خودش یعنی اشکی سو قرار دارد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: قربانعلی محبی

تاریخ تولد: ۱۳۳۰

محل شهادت: خرمشهر

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۴

فرازی از زندگینامه شهید:

جهادگر شهید، قربانعلی محبی به سال ۱۳۳۰ در شهر ارومیه دیده به جهان گشود. از همان کودکی علاقه وافری به قرآن نشان داد و در کلاسهای درس همواره در دروس عربی و قرآن جزو شاگردان ممتاز بود. به خواست پدرش بعد از ششم ابتدائی ترک تحصیل نمود و در مغازه پدرش مشغول کار شد. ولی به خاطر علاقه زیاد به علم و دانش بقیه تحصیلاتش را به صورت شبانه تا اخذ دیپلم ادامه داد. قبل از انقلاب، با ترتیب دادن مجالس و کلاسهای قرآن و نهج البلاغه حضور فعالی در صحنه سیاسی و مذهبی شهر داشت. در جلسات شورای شهر که به ابتکار تنی چند از برادران روحانی و جوانان متعدد تشکیل شده بود شرکت می کرد. او یکی از فعالترین عناصر سازمان دهنده تظاهرات و راهپیمائیها بود. به خصوص، با توسعه و گسترش انقلاب به صورت پخش اعلامیه و شناساندن اهداف به مردم نقش مؤثری ایفا نمود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به رهبری امام امت (ره) به عنوان یکی از اعضای شورای شهر انتخاب شد و بعداً به کار در جهاد سازندگی مشغول گردید.

شهید، به صورت رایگان در زمینه تدارکات و تبلیغات با جهاد همکاری می نمود. خدمات ارزنده او در کمیته ارزاق مبارزه با گرافروشی، کوپنی کردن ارزاق عمومی، نگهبانی و پاسداری از انقلاب هرگز فراموش نخواهد شد.

با شروع جنگ تحمیلی و فرمان امام (ره) مبنی بر شرکت جوانان در جبههها، مدتی به عنوان امدادگر صادفانه تلاش نمود و بالاخره، در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۴ در آزادسازی خرمشهر عزیز، عاشقانه به شهادت رسید و خاطرههای فراموش نشدنی از ایثار، وفای به عهد، راستگویی، سعه صدر، عمل به احکام، خدمت به مردم از خود به یادگار گذاشت. روانش شاد، یادش گرامی.

فرازی از وصیتنامه شهید:

قسمتی از این وصیتنامه را در روز عید قربان نوشتم و به علت گرفتاریهای فراوان ناقص مانده بود که در روز عاشورا تماشای نمودم و این تصادف را به فال نیک می گیرم که انشاءا... از اهل قربان و عاشورا باشم. (محبی)

بسم الله الرحمن الرحيم - «الحمد لله رب العالمین و صل الله علی محمد و آله الطاهیرین. أعوذ بالله من الشیطان الرجیم الذین جاهدوا فیتا لنهذبهم سبلنا»

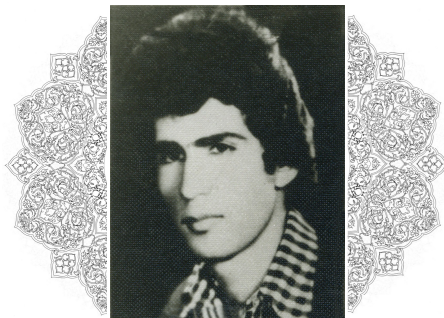
سلام بر امام روح الله که راه الله را همانند ابراهیم خلیل الله و محمد بن عبدالله (ص) پرایمان نشانگر شد و جهاد و شهادت را که در اذهان غالب مسلمانان به دوران ائمه طاهیرین اختصاص یافته بود در زمین و زمانمان زنده کرد و در عمل نشان داد که (کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا) و درود بر همه برادران دینی ام که مرا از بیراهه ها به راه کشاندند که اکنون در راهم راهی که اگر راحت روم، به خون سرخی منتهی می شود و آن گاه تولدی دیگر آغاز. بارها و بارها در تشییع برادران شهیدم شرکت داشتم و شعارهای فراوان در عظمت شهیدی دادم و حال که این وصیتنامه را می نویسم از سرور شهیدان خواهانم که شعور رسیدن به شهادت را نیز برایم عطا فرماید. تو ای برادر و خواهر هم مکتب و همسنگرم اگر شهادت نصیبم شد به خاطر محبتی که برایم داشتی عید بگیر، شادی کن و در نهایت اشک شوق بریز و اشک عزا مریز. ولی اگر دیدی مرگ سرخ نصیبم نشد و در بستر بیماری جان به جان آفرین تسلیم نمودم، آن گاه گریه کن و اشک بریز و عزا بگیر که من خود نیز عزادارم.

دعا کن و طلب مغفرت برایم بنما. از همه آنهایی که با من رابطه ای داشتند حلیت بخواه تا بار سنگین گناهم را سبک کند. برای بنده روسیاه که می رود در دادگاه عدل الهی حاضر شود هر چه می توانی کمک کن. و اما آخرین سخنم با توست، پیوسته تقوا پیشه کن، از دنیا بیر و به آخرت بپیوند. از مرگ مردگان عبرت گیر و فرصت را غنیمت شمار. کار امروز به فردا مگذار که امروز هستی و فردا خدا می داند. پیرو ولی فقیه باش. اما نه در سخن، که در عمل، امر به معروف و نهی از منکر بنما و اما دقت کن. نکند به عیوب دیگران پردازی و از خودغافل بمانی. پیرو نفس ات مباح و نفس ات را اسیر خویشتن ساز. خلاصه آنچنان مسلمانی باش که خدا می خواهد.

والسلام علی عباد الله الصالحین
ساعت ۱۳ ظهر عاشورای ۱۴۰۱ قمری
قربانعلی محبی ۱۳۵۹/۸/۲۸

توضیح: با اینکه احتمال شهادت به علت عدم لیاقت ضعیف است، ولی اگر این شایستگی حاصل شد همان حرف سعید شهید (شهید طلیسچی) را در مورد من نیز عمل کنید و مادامی که والدینم را از من راضی نکرده اید به حاکم نسپارید.





شهید: تیمور محمدشاه

تاریخ تولد: ۱۳۳۱

محل شهادت: خرمشهر

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۰

فرای از زندگینامه شهید:

بسیجی شهید، تیمور محمد شاه به سال ۱۳۳۱ در شهرستان تهران در یک خانواده متوسط دیده به جهان گشود. شش ماهه بود که والدینش بر اثر ناسازگاری متارکه نمودند و سرپرستی او را مادرش بر عهده گرفت و دوران طفولیت خود را در کنار پدر بزرگ و مادر بزرگ و دایی سپری نمود. شهید تیمور، تحصیلات خود را تا اول نظری در مدرسه اسلامی ارومیه ادامه داد. سپس به نزد مادرش که در تهران زندگی می کرد رفت و سوم و چهارم نظری را در تهران تحصیل نمود و موفق به اخذ مدرک دیپلم گردید.

بعد از پایان خدمت سربازی در کارخانه گکش وین تهران استخدام شد. بعد از چند مدتی با رضایت چند تن از دوستان و همکارانش با مدیریت کارخانه درآمد. روزها در کارخانه کار می کرد و شب ها در دانشگاه نگاهیانی می داد.

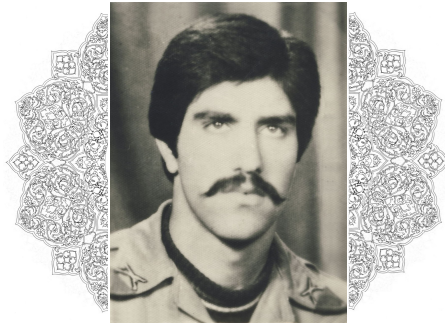
و در واقعه روز ۱۷ شهریور، در میدان ژاله، شهیدان غرق به خون را می شست و یخ و پنبه و داروچات را به محل حادثه می رساند. همچنین کمونیستها که در تهران در خیابان های شهر به فروختن کتابهای کمونیستی می پرداختند، با آنها مبارزه می کرد.

شهید تیمور محمد شاه فردی مؤمن و انقلابی بود. او از خود کتابهای مذهبی و نوارهای مذهبی بسیاری را به یادگار گذاشته است که آنها را در میان خانواده و مساجد تقسیم نمایند.

شهید تیمور محمد شاه بیشتر اوقات خود را به کمک کردن به مستمندان و افراد مستضعف سپری می کرد و با پولهای پس اندازش وسایل خانه و مواد غذایی تهیه می نمود و آنها را در میان آنان تقسیم می کرد.

سرانجام، در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ در عملیات بیت المقدس در منطقه جنوب کشور به دست دشمنان بعثی به درجه رفیع شهادت نایل گردید.

خداوند با حسینیان محشورش فرماید.



شهید: نورالدین محمدعلی مقدم

تاریخ تولد: ۱۳۳۸

محل شهادت: کتله

تاریخ شهادت: ۵۹/۰۲/۱۹

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید نورالدین محمدعلی مقدم به سال ۱۳۳۸ در شهرستان ارومیه به دنیا آمد. وی تنها فرزند خانواده بود. او پدرش را در سن ۶ ماهگی از دست داد و مادرش مجبور به کارگری در منزل دیگران شد. سپس مادرش با فرد دیگری ازدواج نمود و شهید تحت سرپرستی آن شخص بزرگ شد.

شهید فردی مؤمن و باتقوا بود. در جلسات قرآن شرکت می کرد و کتاب های دینی و مذهبی را بسیار دوست می داشت و مطالعات زیادی در خصوص کتابهای اسلامی داشت.

او در دوران انقلاب نیز فعالیت داشت و در پایگاه ها و مساجد نگهبانی می داد. علاقه او به کسب علم و رسیدن به معرفت بسیار بود. به محض اخذ دیپلم، عازم خدمت مقدس سربازی شد.

او به مدت ۲۳ ماه در جبهه حضور داشت و به مدت ۱۰ روز از خدمت سربازیش مانده بود، که در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۱۹ در منطقه سردشت در اثر محاصره ضدانقلابیون و اصابت گلوله به درجه رفیع شهادت نائل گشت. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: میرزا آقا محمدنیا

تاریخ تولد: ۱۳۱۰

محل شهادت: دارلک

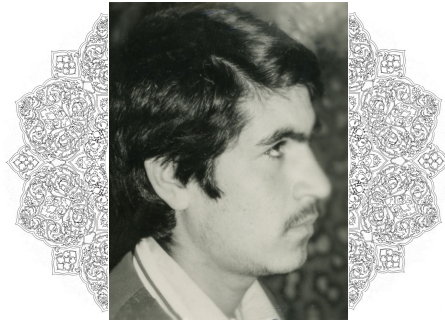
تاریخ شهادت: ۶۰/۰۲/۱۸

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید میرزا آقا محمدنیا در سال ۱۳۱۰ در خانواده ای فقیر در شهر ارومیه دیده به جهان گشود و دوران کودکی پر درد و رنجی را سپری نمود. از همان اوان کودکی از مهر و محبت پدری محروم گردید و بار سنگین نگهداری از دو خواهر و مادر پیرش را بر عهده گرفت. بعد از مدتی مادر نیز فوت نمود و او با کوله باری از مشکلات به زندگی ادامه داد. کارهای مختلفی انجام داد، کارگری و میوه فروشی می کرد تا به عضویت نیروی مقاومت کمیته ارومیه درآمد.

وی در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۱۸ در منطقه مهاباد در درگیری با ضدانقلابیون منطقه در قریه دارلک به درجه رفیع شهادت نائل گردید. روحش شاد و یادش گرامی باد.





شهید: امام علی محمدی کریم آباد

تاریخ تولد: ۱۳۴۶

محل شهادت: زید

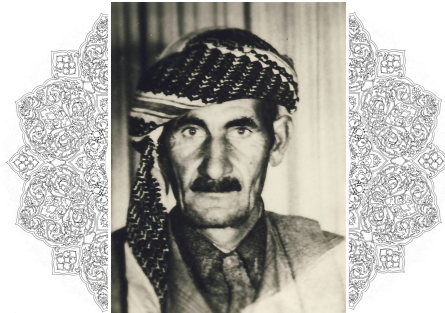
تاریخ شهادت: ۶۶/۰۲/۱۰

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید امامعلی محمدی کریم آباد در تاریخ ۱۳۴۶/۱۱/۲۱ در روستای کریم آباد از توابع شهرستان ارومیه پا به جهان هستی گذاشت. تا کلاس اول راهنمائی به تحصیل ادامه داد و سپس به کارگری و کشاورزی پرداخت و به پدرش در کارها کمک می کرد.

با توجه به اینکه وی از نعمت مادر بی بهره بود همچنان به فعالیت می پرداخت. همراه با کار کردن چه در موقع تحصیل و چه بعد از آن در تظاهرات شرکت داشت. پیروزی انقلاب ایشان را بسیار خوشحال کرد و در انجام فرایض دینی فعالیتش شد و به نماز و روزه احترام خاصی قائل بود و در عزاداری سرور شهیدان حسین بن علی(ع) به سینه زنی و زنجیرزنی می پرداخت تا اینکه به خدمت مقدس سربازی جهت حفظ و حراست از ثمرات انقلاب اعزام گشت.

در مدت سربازی رشادتهای زیادی از خود نشان داد و در جبهه های حق علیه باطل شرکت فعال داشت. هیچگاه از شهادت هراسی نداشت. به دشمن می تازید و کمتر از مرخصی استفاده می کرد. در آخرین مرخصی، موقع خداحافظی به گونه ای از خانواده اش جدا شد که آثار شهادت در وی مشهود بود. عاقبت در تاریخ ۱۳۶۶/۲/۱۰ بر اثر ترکش خمپاره دشمن یعنی به خاک و خون غلتید و به شهادت رسید. مزار این شهید گلگون کفن در باغ رضوان شهرستان ارومیه می باشد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: تمر محمودپور نیچلان

تاریخ تولد: ۱۳۱۳

محل شهادت: کورانه

تاریخ شهادت: ۶۰/۰۲/۰۲

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید تمر محمودپور نیچلانی در سال ۱۳۱۳ در روستای ترگور از توابع ارومیه به دنیا آمد. به علت نبودن امکانات آموزشی، از تحصیل محروم شد. از همان دوران کودکی تحت توجه خانواده اش تربیت یافت.

از دوره نوجوانی با شغل کشاورزی و دامداری آشنا شد و مدت های طولانی از همین طریق امرار معاش می کرد. در جوانی ازدواج کرد. ثمره ازدواجش دو پسر و دو دختر بود. او با صبر و تلاش زیاد خانواده اش را به خوبی اداره می نمود. ایشان همگی بلند داشت و در جوانمردی سرمشق دوستان و آشنایان بود.

با پیروزی انقلاب اسلامی، در صف دوستان و مشتاقان اسلام و قرآن قرار گرفت و به عضویت جوانمردان درآمد.

مدت های طولانی در جمع جوانمردان گروهان پاکسازی کورانه، فعالیت داشت. به خاطر عشق به اسلام و دفاع از آرمان های انقلاب اسلامی مورد تنفر احزاب مزدور دمکرات و اشرار منطقه بود.

عاقبت، در راه عزت و عظمت اسلام، در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۲ در پی درگیری با اشرار مسلح و حزب دمکرات، در پایگاه حاجی حسین در نقده، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به ملکوت اعلی پیوست.

و به این ترتیب روح بلندش در جوار حق آرام گرفت و به درجه رفیع شهادت نائل گشت. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: رشید مددی

تاریخ تولد: ۱۳۴۰

محل شهادت: دارخوین

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۰

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید رشید مددی، در سال ۱۳۴۰ در روستای کوشا بلاغ، از توابع شهرستان ماکو در یک خانواده مذهبی و روستایی دیده به جهان گشود. تحصیلاتش را تا پنجم ابتدایی ادامه داد. سپس ترک تحصیل نمود و به کار کشاورزی مشغول شد.

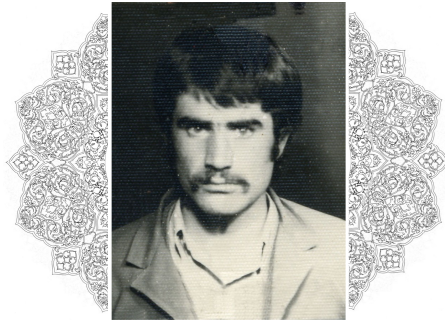
بعد از مدتی از کار کشاورزی دست کشید و به تهران رفت و در آنجا در یک مغازه ساندویچ فروشی مشغول کار شد.

از نظر اعتقادی، فردی مؤمن و متدین بود و به کلیه احکام و شؤونات اسلامی عمل می نمود. از طرفی فرد متواضع و فروتنی بود. در مقابل شرایط سخت زندگی بردباری و صبوری قابل توجهی داشت. در راهپیمائی‌هایی که بر علیه رژیم طاغوت صورت می گرفت شرکت می کرد.

شهید رشید مددی برای اینکه خدمت سربازی خود را به انجام برساند، از طریق یگان خدمتی لشکر ۲۱ حمزه سیدالشهدا(ع) عازم جبهه‌های حق علیه باطل گشت و در بیشتر عملیاتها شرکت نمود.

در یکی از این عملیات‌ها که ترکش به او اصابت کرده بود به خانواده‌اش اطلاعی نداد. شهید رشید مددی، پس از رشادتهای فراوان در جبهه‌ها، در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ در عملیات آزادسازی خرمشهر در منطقه دارخوین خرمشهر، در درگیری با دشمن بعثی عراق شربت شهادت نوشید.

روحش شاد، یادش گرامی.



شهید: علاءالدین مرادزاده

تاریخ تولد: ۱۳۴۵

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۳۱

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید اگر به زندگی شهدای راه حق و حقیقت نظری بیفکنیم مشاهده می کنیم که از نظر مادی اکثراً دارای زندگی پر زرق و برقی نیستند و همه زندگیشان ساده و سراسر عشق به خدا می باشد. مفقود علاءالدین مرادزاده نیز چون هزاران مفقود دیگر راه اسلام از یک زندگی ساده ولی پرمعنا بر خوردار بود.

وی در سال ۱۳۴۵ در روستای دوله پسان از توابع ارومیه در خانواده فقیرانه ای چشم به جهان گشود. دوران کودکی را با شور و شوق گذرانید و از سن ۷ سالگی وارد دبستان دوله پسان شد و تا کلاس چهارم درس خواند. سپس به دلایل مادی مجبور به ترک تحصیل شد و برای امرار معاش با کمک پدرش که به کار کشاورزی مشغول بود شتافت و با وجود سن کم به کارهای سنگین کشت و زرع پرداخت. در سال ۱۳۶۳ ازدواج نمود و تشکیل خانواده داد.

مفقود مرادزاده برای خدمت به اسلام و انقلاب و دفاع از میهن اسلامی در مقابل تجاوزگران به سپاه پاسداران پیوست و به منطقه عملیاتی حاج عمران اعزام گردید.

او فردی بالیمان و متعهد بود و از انجام فرایض غافل نمی شد. به امام و انقلاب عشق می ورزید و برای خدمت به این نهاد مقدس از جان خویش مایه می گذاشت.

او سر انجام بعد از ۴ ماه نبرد دلاورانه و شجاعانه در میدان نبرد حق علیه باطل در مورخه ۱۳۶۵/۲/۳۱ در منطقه عملیاتی حاج عمران مفقود گردید و به جمع مفقودین اسلام پیوست. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: علی اکبر مردانه خامنه

تاریخ تولد: ۱۳۳۲

محل شهادت: سایت نصر

تاریخ شهادت: ۶۴/۰۲/۰۴

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید سروان خلبان اکبر مردانه خامنه متولد ۱۳۳۲ در ارومیه دوازده ساله بود که مادرش را از دست داد و از نعمت وجود او محروم شد. گرچه از محبت و توجهات مادر بی بهره ماند، ولی تحت سرپرستی و راهنمایی های پدر توانست مراحل مختلف تحصیلی را با موفقیت در مدارس ورهرام، ۶ بهمن، فردوسی، فروغی طی کرده و پس از دریافت دیپلم وارد دانشکده افسری نیروی هوایی گردید و این گونه بود که لباس مقدس افسری خلبانی زیب پیکرش شد. با خانواده نجیبی وصلت نمود و صاحب یک پسر و دختر گردید.

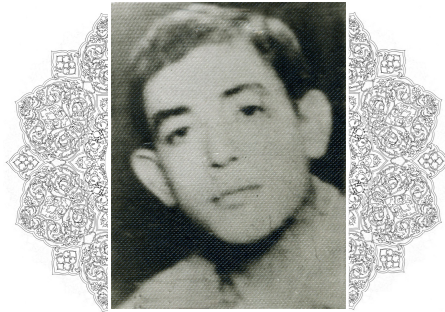
اراده های استوار و ایمان خلل ناپذیر داشت. احساسات مذهبی او از او ان کودکي شکوفا شده بود و مانند چراغی روشنگر راه زندگیش بود. در محیط کار جز افسرانی بود که دل خوشی از رژیم شاه نداشتند و پیش آمدن انقلاب را مغتنم می شمردند. انقلاب او را متحول کرد. به طوری که با پیروزی انقلاب احساس می کرد که به حصول آرزوها و آرمان های مقدس خود نزدیک تر می شود، لذا با قلی سرشار از عشق به امام خمینی(ره) آماده ایثار و جانبازی شد و داوطلب خدمت در مناطق جنگی گردید و در سال ۱۳۶۰ به پایگاه هوایی دزفول منتقل شد.

اکبر در برابر گروهکها و افراد ضدانقلاب موضعی قاطعانه داشت و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را بهانه ای برای دخالت پیگانگان و ابرقدرتها در سرنوشت مسلمانان ایران می دانست و صدام را آلت دست آمریکا می پنداشت.

امام (ره) را رهبر مقتدر انقلاب اسلامی و موجد جمهوری اسلامی ایران و ایران را پیشرو کشورهای اسلامی در ایستادگی در مقابل آمریکا و شوروی جهانخواه به حساب می آورد. خود را موظف می دانست که با تمام وجود در برابر تهاجم نظامی وحشیانه صدام، از میهن و دین خود دفاع کند.

این افسر غیور نیروی هوایی از کار و مأموریت های پیاپی خود احساس خستگی نمی کرد و از ضرباتی که با راکت و موشک به هواپیماهای دشمن وارد می کرد، احساس غرور و شادی می نمود. او شهادت را تولدی دوباره و نقطه آغاز عروج و قرب به خدا می دانست و طبعاً وصول به چنین فیضی را از صمیم دل طالب بود.

سروان شهید اکبر مردانه که به راستی مردانه در برابر دشمن متجاوز پای فشرد و توانست چند هواپیمای دشمن را سرنگون کند، بالاخره در تاریخ ۱۳۶۴/۲/۴ در شهر دزفول و در جریان بمباران سایت فجر(۲) در درک سعادت شهادت نایل شد و روح پرتوحش به سوی خدا شتافت. روحش شاد و پادش گرامی باد.



شهید: احمد مصطفایی

تاریخ تولد: ۱۳۴۳

محل شهادت: خرمشهر

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۲۹

فرازی از زندگینامه شهید:

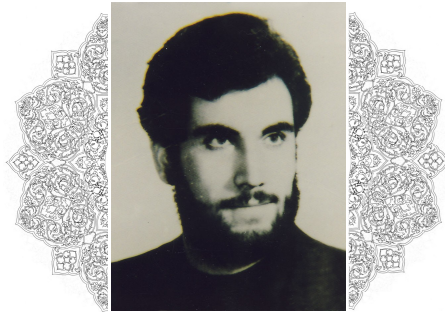
شهید احمد مصطفائی در سال ۱۳۴۳ در روستای حصار از توابع ارومیه دیده به جهان گشود و دوران طفولیت را در کنار خانواده‌اش سپری کرد. تحصیلات ابتدائی را تا کلاس پنجم در همان روستا به پایان برده و بعداً به علت عدم تمکن مالی ترک تحصیل می‌نماید. ایشان برای امرار معاش و اداره زندگی به شغل مکانیکی روی می‌آورد و تا رسیدن زمان خدمت زیر پرچم در همین شغل به فعالیت می‌پردازد.

شهید، فردی با ایمان و راستگو بود و اعتقاد شدید به امام(ره) و ولایت فقیه و پابندی به اصول و دستورات قرآن داشت. نماز و روزه‌اش را با عشق و علاقه به جا می‌آورد و برای کسب روزی حلال بسیار تلاش می‌کرد. زندگی ساده را برانزده یک مسلمان می‌دانست و عزت و افتخار و شرف را قربانی ریا و تظاهر نمی‌کرد.

شهید در جریان پیروزی باشکوه انقلاب اسلامی و در راهپیمائی‌ها و توزیع اعلامیه‌های حضرت امام(ره) شرکت فعال داشت و بعد از پیروزی انقلاب ابتدا با شرکت در پایگاه بسیج و سپس با عزیمت به خدمت مقدس سربازی ابعاد گسترده‌ای به مبارزات خود بخشید.

شهید با حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل به دفاع از وطن و ارزشهای اصیل اسلامی پرداخت و با ایثار و فداکاری و شجاعت و شهامت سد محکمی در مقابل متجاوزین به وجود آورد و در نهایت با ایثار جان و نثار خون، نیروهای بعنی را با ذلت و خواری به عقب راندند.

شهید در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۲۹ در منطقه عملیاتی خرمشهر در اثر بمباران هوائی صدامیان کافر به درجه رفیع شهادت نائل گشت و به لقاءا... پیوست. روحش شاد.



شهید: معصوم مصطفی زاده

تاریخ تولد: ۱۳۲۹

محل شهادت: پل قویون

تاریخ شهادت: ۵۹/۰۲/۱۵

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید معصوم مصطفی زاده فرزند رجب در بهمن ماه سال ۱۳۲۹ در روستای دایلاق مرنگلو از توابع شهرستان ارومیه، در دورانی که روستاهای ایران در آتش ستمکاران طاغوت می سوخت و فقر و ستم مردم روستا را از پای درآورده بود، دیده به جهان گشود.

در سن ۱۲ سالگی با تأسیس اولین مدرسه در روستایشان، تحصیلات خود را شروع نمود. تا کلاس ششم ابتدایی در زادگاه خود و ۶ سال مابقی را تا اخذ دیپلم در شهر با هزاران رنج و مشقت تحصیل کرد و در سال ۱۳۵۴ به خدمت سربازی اعزام گردید و در سال ۱۳۵۶ خدمت نظام وظیفه را به اتمام رسانید.

قبل از پیروزی انقلاب با همکاری معلم روستایشان به فعالیت های انقلابی پرداخت. با پیروزی انقلاب سلاح به دست گرفت و به همراه گروهی انقلابی مسلح که انتظامات شهر را به عهده داشت مسلحانه در خدمت انقلاب قرار گرفت و در دستگیری جنایتکاران رژیم ستمشاهی و مفسدان و تحویل آنها به دادگاه انقلاب، نقش بسزائی ایفا نمود.

پس از تشکیل سپاه پاسداران انقلاب با شناختی که فرماندهان از مراتب تقوی، ایثار و شهامت وی داشتند او در سازماندهی آن روز سپاه، به عنوان سرگروه دسته خود تعیین گردید.



شهید مصطفی زاده پاسداری بلند قامت، چهارشانه، پرجرات با غیرت و همیت مردانه و قدرتمند و در عین حال بسیار پرهیزکار و متواضع بود. هم ظاهری پرشکوه داشت و هم باطنی پاک و بی آلاش و تا لحظه شهادتش در راه انقلاب و دوستانش بدون هیچ چشمداشتی تا حد جانفشانی خدمت نمود.

موقعی که سپاه پاسداران به عنوان اولین تجربه نظامی خود، قصد دایر نمودن گروهان «سرو» در مرز ایران و ترکیه را داشت. از سوی کلیه گروهک های ضد انقلاب که در آن برهه به اشاره دشمنان خارجی انقلاب متحد شده بودند، افراد سپاه را در محاصره خود گرفتند و وقتی در ادامه آن، آذوقه و جیره جنگی به پایان رسید و تهدید دشمنان از بیرون و آتش جوع از درون، عرصه زندگی را بر آن رادمردان تنگ نمود، جوهره مردان عیان شد. عجا از نهرا سید نشان از مرگ و یقینشان به آخرت! چه سهل انتظار مرگ را می کشیدند و چه شجاعانه ایستاده بودند؟ به راستی که هر عصر و هر نسل برای ادامه حیات جامعه محتاج چنان مردان پاک، صادق و فداکار است.

به هنگامی که در ساعت ۲ نیمه شب فرماندهان به ترفندهای نظامی قصد خارج کردن نیروها را از محاصره و نجات آنها را داشتند، شهید مصطفی زاده با دیگر همزمش بر روی جاده، رو به دشمن سنگر گرفتند تا در صورت حمله دشمن، حداقل تا دور شدن دوستان از تیررس خصم، آنها را مشغول نمایند و خود را فدا سازند و دوستان را رها. او همیشه سیر بلای دوستان بود.

آخرین درگیری او در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۱۵ در منطقه پل قویون ارومیه بود. افراد حزب منحله دمکرات قبلاً در انجا مستقر شده بودند.

نیروهای سپاه در نیمه های شب، جهت دفع آنها وارد عمل شدند و چند ساعت درگیری دوام یافت. در این بین، زادگان و وارثان هند جگرخوار و وحشی، از کمین برون جسته هیکل تنومند شهید مصطفی زاده را مورد هدف آرمی جی هفت قرار دادند. فردای آن روز وقتی خبر شهادت معصوم مصطفی زاده در شهر پیچید، آه از نهاد همه کسانی برآمد که او را می شناختند و بی استثناء بر این فرزند کم نظیر این سرزمین زار گریستند. روحش شاد و یادش گرامی باد.





شهید: عباس مظفری

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: مجنون

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۱۷

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید عباس مظفری جوان پاک نهادی که در پیرانشهر در سال ۱۳۴۱ به دنیا آمد. خانواده اش از نظر مالی در حد متوسط بود. پس از چند سال پدرش به اقتضای ضرورت شغلی به مهاباد آمد و خانواده را به همراه آورد و شهید مظفری دوره تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در این شهر گذراند.

در آغاز انقلاب، چون جو حاکم بر شهر چندان مناسب نبود؛ ناچار، خانواده اش به ارومیه عزیمت کرده اند و در این شهر ساکن شدند و شهید نیز با استفاده از فرصت در بسیج ثبت نام کرد و در ردیف سربازان انقلاب پذیرفته شد.

عباس، از نظر اعتقادی فردی مخلص و دین باور بود و چهره اش به قدری معصوم بود که از سر درونش خبر می داد. عاشق امام خمینی (ره) بود. نظام جمهوری اسلامی را مقدس می دانست و نسبت به ائمه اطهار (ع) علاقه ای توأم با احترام داشت و در ایام ماه محرم مرتباً در عزاداریهای حسینی شرکت می نمود. مانند هزاران بسیجی جان بر کف دیگر و به همراه جوانانی که تعلیمات امام (ره) آنها را بیدار کرده بود، همیشه آماده ایثار و فداکاری بود. برادر این مفقودالتر عزیز تعریف می کند: عباس در زمان اعزام به جبهه هنگام ربوبوسی مرا در آغوش کشید و گفت به همه دوستان و آشنایان سلام مرا برسان و بگو مرا حلال کنند. گویی، به دلش الهام شده بود که این رفتن بازگشتی در پی ندارد.

خاطره جالبی که از جبهه تعریف می کرد آن است که در یکی از مأموریت های خطرناک شهید مهدی باکری که سمت فرماندهی لشکر را داشته، طی سخنانی به طور ضمنی اعلام می کند که بازگشت از این مأموریت نامحتمل است و می افزاید هر کس می خواهد نرود ولی در این هنگام عباس، دفعهٔ با تکبیر به ندای فرمانده خود پاسخ می دهد و سایر رزمندگان نیز که چون او آماده شهادت بودند، او را تأیید می کنند. روز ۱۳۴۲/۲/۱۷ پس از دو سال حضور مداوم در جبهه ها برادر گرمای عباس مظفری در عملیات خیبر شرکت می کند و در جزایر مجنون مفقودالتر می گردد. زبان حال این مفقودالتر عزیز چنین بود:

چون کار به جان رسید، جان باید باخت

مال و زر و چیز رایگان باید باخت

روحش شاد و پادش گرمی باد.



شهید: خلیل مظهري اشكه سو

تاریخ تولد:

محل شهادت: اشكه سر

تاریخ شهادت: ۵۹/۰۲/۱۶

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید خلیل مظهري ايشكه سو در روستای ايشكه سو به دنيا آمد و در خردسالی مادر و پدرش را از دست داد. دایي ایشان به نام جاسم مظهري او را نزد خود برد و به نگهداری و تربيتش همت گماشت. اين خويش مهربان با محبت های خود جای خالی پدر و مادر را برای خلیل کوچک پر می کرد و وقتی خواهرزاده اش به سن ازدواج رسید دختر خود را به همسری او درآورد. سالها گذشت و زمان تحولات انقلابی در کشور فرا رسید و از کسانی که خیلی زود جذب انقلاب شدند، شهید خلیل بود.

او از حکومت شاهان نفرت داشت و در هر فرصتی این احساس خود را بروز می داد و بدین جهت که بلافاصله پس از شکست طاغوتیان، اسلحه برگرفت و تمام هم خود را مصروف حفاظت و حراست نظام نوپای جمهوری اسلامی کرد. او امام(ره) را حامی مستضعفان می دانست و یقین داشت که پس از استقرار نظام اسلامی ریشه فقر و تضاد طبقاتی از مملکت برکنده خواهد شد و چون ضد انقلاب را مانع حصول به این اهداف می دانست همیشه با آنان سر ستیز داشت.

او دوستان و آشنایان خود را نیز به پیروزی از راه انقلاب اسلامی دعوت می کرد و در مسجد همواره مشغول بحث و گفتگو در این باره بود.

شهید برای نشان دادن صداقت خود در دفاع از انقلاب همیشه آماده بود و در مأموریت های رزمی مشارکت می کرد. در یکی از همین مأموریت ها بود که کار به درگیری با ضد انقلاب کشید و او به تاریخ ۱۳۵۹/۲/۱۶ در پایگاه ايشكه سو سعادت شهادت در راه خدا را یافت. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: نعمان معنوی کندک ملا

تاریخ تولد: ۱۳۲۴

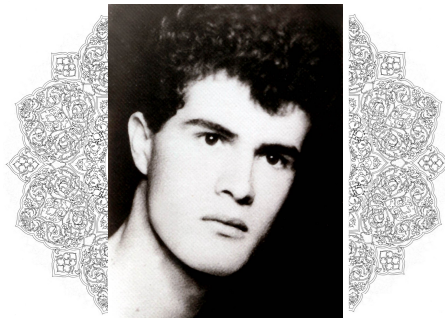
محل شهادت: اشکه سو

تاریخ شهادت: ۶۴/۰۲/۰۱

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید نعمان معنوی به سال ۱۳۲۴ در روستای ایشکه سو از توابع شهرستان ارومیه به دنیا آمد. وی جهت امرار معاش زندگی به کارگری اشتغال داشت. ایشان مقلد امام و ولایت فقیه بود. علاقه خاصی به جمهوری اسلامی داشت و همیشه در تظاهرات علیه رژیم ستمشاهی شرکت می کرد. از فضایل اخلاقی شهید این بود که با همه به مهربانی و خوشی رفتار می کرد. فردی زحمتکش بود و در جهت پیروزی انقلاب اسلامی بسیار کوشش می کرد. تا اینکه به خاطر دفاع از مقدسات جمهوری اسلامی و ولایت فقیه به خدمت بسیج درآمد و پس از سه سال خدمت صادقانه در این ارگان، بالاخره در تاریخ ۱۳۶۴/۲/۱ در منطقه سرو در درگیری با ضدانقلابیون بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید. روحش شاد و یادش گرامی باد.

... شهادت زیباترین و بالنده ترین و نغزترین کلام در تاریخ بشریت است.
شهادت بهترین و روشن ترین معنی حقیقت توحید است و تاریخ تشیع
خونین ترین و گویاترین تابلوی نمایانگر شکوه و عظمت شهید است
و تاریخ خود گواه این ادعاست.
(شهید حاج ابراهیم همت)



شهید: نصیر منافی

تاریخ تولد: ۱۳۴۰

محل شهادت: خرمشهر

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۶

فرای از زندگینامه شهید:

شهید نصیر منافی در سال ۱۳۴۰ در شهرستان ارومیه چشم به جهان گشود. تحصیلات خود را با موفقیت سپری کرد و موفق به اخذ دیپلم گردید. با رسیدن به سن مشمولیت، با اشتیاق تمام عازم خدمت مقدس سربازی شد و بعد از طی دوره آموزشی در پادگان عجب شیر، در تیپ ۵۵ هواپرد شیراز مشغول خدمتگردید.

شهید از نظر اخلاقی، شجاع و باشعانت و در عین حال بسیار متواضع و فروتن بود. ایشان از نظر اعتقادی فردی باایمان و معتقد به اصول و دستورات قرآن بود. خیلی به حضرت امام(ره) علاقه داشت و تابع فرامینش بود.

در جریان پیروزی انقلاب اسلامی، در راهپیمایی‌ها و تظاهرات مردمی بر علیه رژیم شاه شرکت می‌کرد و اکثراً به پخش اعلامیه‌های حضرت امام (ره) می‌پرداخت. با پیروزی انقلاب همچنان به فعالیت‌های خود ادامه داد و با منحرفین و منافقین به مبارزه برخاست. با شروع جنگ تحمیلی برای دفع تجاوز دشمن، عاشقانه به خدمت عزیزت نمود و با شجاعت و دلیری و ایثار و گذشت، دشمن اسلام را با خواری و ذلت از سرزمین اسلامی بیرون راند. با همه فداکاری‌ها و رشادت‌ها و حماسه سازی‌ها، عاقبت در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۶ در منطقه عملیات جنوب به درجه رفیع شهادت نائل گشت و به لقاء... پیوست.

روحش شاد، یادش گرامی.



شهید: خلیل مهردل

تاریخ تولد: ۱۳۳۶

محل شهادت: سلمچه

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۲۶

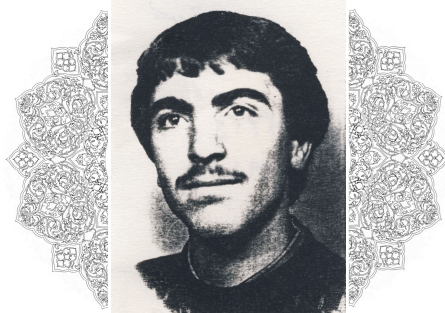
فرازی از زندگینامه شهید:

شهید خلیل مهردل در سال ۱۳۳۶ در روستای اوصالو، از توابع ارومیه در میان خانواده‌ای متدین و با ایمان و خدانشناس دیده به جهان گشود و در همان روستا نشو و نما یافت و بعد از سپری نمودن دوران کودکی به تحصیل پرداخت. دوره ابتدائی را در همان روستا و دوره راهنمائی را در روستای طلاطیه به پایان برد و سپس ترک تحصیل کرد و با سمت درجه دار، به استخدام ارتش درآمد. با اوج گیری انقلاب شکوهمند اسلامی، به حقانیت قیام پی برد و با اهداف و آرمان‌های آن آشنا گردید و با اطلاع از مفاسد ارتش شاهنشاهی با عزمی راسخ و ایمانی قوی در تظاهرات شرکت نمود.

او در ابعادی گسترده به تبلیغات پرداخت و با تشکیل جلسات و گردهم آئی با دوستان و همزمان در خدمت انقلاب قرار گرفت و به سربازان در مورد ترک پادگان‌ها کمک نمود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اقدام به ازدواج نمود، که ثمره آن دو فرزند می‌باشد که از وی به یادگار مانده است.

در جریان خدمت، بارها به مناطق مختلف اعزام گشت و در راه تحقق اهداف انقلاب تلاش و مجاهدت نمود. سرانجام در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۲۶ در منطقه سلمچه، در حین مقابله با دشمن بعثی بر اثر اصابت ترکش خمپاره به کاروان شهیدان ملحق شد و خونین بال به دیدار حق شتافت. روانش شاد، راهش پر رهرو باد.



شهید: حمید میرزایی تکالو

تاریخ تولد: ۱۳۵۱

محل شهادت: شلمچه

تاریخ شهادت: ۶۷/۰۲/۱۲

فرازی از زندگینامه شهید:

بسیجی شهید حمید میرزایی در سال ۱۳۵۱ در روستای تکالو از توابع شهرستان ارومیه دیده به جهان گشود. بعد از طی دوران کودکی تا کلاس پنجم ابتدایی تحصیل نمود. سپس ترک تحصیل کرد و به شغل مکانیکی پرداخت.

او از کودکی فرد مؤمن و درستکار و نیکوکاری بود و نسبت به اطرافیان، مخصوصاً به والدینش خیلی مهربان و دلسوز بود. در مجالس و محافل دینی شرکت می نمود و ایام عاشورای حسینی را با شور و شوق تمام به عزاداری می پرداخت.

شهید نسبت به انقلاب و امام خمینی(ره) علاقه زیادی از خود نشان می داد و همین انگیزه های دفاع از میهن و غیرت و مردانگی و عزت نفس او سبب گردید که داوطلبانه به خدمت اعزام شود.

در مدت حضور در جبهه ها با رشادت و جسارت تمام در خطوط مقدم حاضر می شد و همزمان را روحیه می داد و سخت ترین و خطرناک ترین عملیات ها را با گشاده روئی به انجام می رسانید.

همیشه به پدر و مادرش می گفت از دوری من بی تابی نکنید تا من بهتر بتوانم در جبهه خدمت نمایم.

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۱۲ در منطقه شلمچه در حالی که قصد داشت با آرپی جی به تانک دشمن مهاجم حمله نماید، بر اثر اصابت ترکش به شهادت رسید و خونین بال به دیدار حق تعالی شتافت. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: احیا علی میکائیلی قرابقلو

تاریخ تولد: ۱۳۳۲

محل شهادت: سطح شهر مهاباد

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۱۲

فرای از زندگینامه شهید:

شهید احیاءلی میکائیلی در سال ۱۳۳۲ در روستای قریقلو، از توابع شهرستان ارومیه دیده به جهان گشود. او نیز مثل اکثر شهدای انقلاب اسلامی، روستازاده ای بود که در محیط خانوادگی سرشار از صفا و سادگی رشد کرد و بزرگ شد. دلی مملو از صداقت و صمیمیت داشت. رفتار او با پدر و مادر و سایر اعضای خانواده و دوستان و آشنایان، متأثر از دل پاکش بود. احترام به بزرگترها و دستگیری از افراد سالخورده و از کار افتاده روستا را وظیفه انسانی و اسلامی خود می دانست. فضای معنوی و روحانی حاکم بر جو خانواده او را به موقع با انجام وظایف دینی آشنا کرد.

شهید ضمن پرداختن به امور کشاورزی و همکاری با پدر در این کار، از تحصیل نیز غافل نبود و توانست تا کلاس سوم راهنمایی درس بخواند، در عین حال هر گاه شرایط اقتضا می نمود، تن به کارگری می داد تا کمک خرجی هم برای پدر باشد.

قبل از انقلاب، به خدمت سربازی رفت و اواخر خدمت مقارن با شروع انقلاب اسلامی بود. او از اولین نفراتی بود، که در اجرای فرمان امام (ره) مبنی بر ترک سربازخانه ها، از پادگان متواری شد و به خانه بازگشت. لیکن چون تعلیمات نظامی دیده بود و علاقه ای به امور نظامی پیدا کرده بود، پس از انقلاب به ارتش جمهوری اسلامی ایران پیوست و مأمور خدمت در ژاندارمری شد.

شهید از فرصت به دست آمده استفاده کرد و با آمادگی برای دفاع از کیان انقلاب اسلامی داشت. داوطلبانه به مناطق درگیری بین ضدانقلابیون و دولت جمهوری اسلامی اعزام گردید. پس از یک سال مبارزه و جنگ با عوامل ضدانقلاب در منطقه کردستان به تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۲ در اثر اصابت گلوله، به فیض شهادت نائل گشت.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: حسین ناصر نعیمی اول

تاریخ تولد: ۱۳۳۵

محل شهادت: سردشت

تاریخ شهادت: ۶۴/۰۲/۳۱

فرازی از زندگینامه شهید:

جهادگر شهید حسین ناصر نعیمی اول در سال ۱۳۳۵ در شهر ارومیه دیده به جهان گشود و پس از طی دوران کودکی به تحصیل پرداخت و تا اخذ مدرک دیپلم آن را با موفقیت ادامه داد. سپس به خدمت جهاد سازندگی درآمد. بعد ازدواج نمود که ثمره آن سه فرزند می باشد.

وی از طریق شرکت در مساجد و محافل دینی و عقیدتی و کلاس های قرآن به انقلاب علاقمند گردید و همین آگاهی به مسایل مذهبی و اجتماعی سبب گردید که جهت خدمت به انقلاب و اهداف آن به جهاد سازندگی بپیوندد.

او چندین بار از طریق جهاد به جبهه های نبرد اعزام شد و در خطوط مقدم جبهه ها مردانه جنگید. هنگامی که در جزایر مجنون در سنگر دفاع از میهن حضور داشت، در یکی از نامه های خود اوضاع جبهه و روحیه قوی خود را چنین توصیف کرده بود:

گلوله توپ دشمن، مانند تگرگ و باران، شبانه روز بر سرمان می بارد. با این حال ما بیشتر احساس وظیفه می کنیم و به دشمن فرصت تجاوز ندهیم.

سرانجام بعد از چندین سال تلاش صادقانه در تاریخ ۱۳۶۴/۲/۳۱ در منطقه سردشت به شهادت رسید.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: مجید نرگسی

تاریخ تولد: ۱۳۲۵

محل شهادت: قلاویزان

تاریخ شهادت: ۶۹/۰۲/۱۷

فرای از زندگینامه شهید:

سر تیپ شهید مجید نرگسی در سال ۱۳۲۵ در شهرستان کرمانشاه دیده به جهان گشود. پس از طی دوران طفولیت، تحصیلاتش را ادامه داد و وارد دانشکده افسری شد و در زیر پرچم نظام جمهوری اسلامی مشغول انجام وظیفه گردید. سپس تشکیل خانواده داد که حاصل آن دو فرزند پسر است. شهید مجید نرگسی در ایام انقلاب مبارزات زیادی داشت. پیرو خط امام(ره) بود. در مبارزات علیه رژیم شرکت می کرد. بعد از انقلاب نیز از بدو شروع جنگ تحمیلی علیه ایران حضور مستمر و مداوم داشت و تا آخرین لحظه حیات پربارش یار و یاور امام امت(ره) و ملت و میهن اسلامی خود بود. از نظر خصوصیات اخلاقی، فردی مؤمن و متدین بود. در مراسم عزاداری عاشورای حسینی و مجالس سوگواری سالار شهیدان حضور مستمر داشت و از نظر اعتقادی به نظام جمهوری اسلامی و امام راحل بسیار معتقد بود. شهید تنها راه رشد و پیشرفت ایران اسلامی و عدم وابستگی به اجانب را روی آوردن به مکتب هستی بخش اسلام و اندیشه های پربار امام راحل می دانست. با شروع جنگ تحمیلی عراق و با توجه به اینکه به تخصص شهید در جبهه نیاز مبرمی بود و با توجه به این امر که شهید در پشت جبهه نیز می توانست فعالیت کند، داوطلبانه و مدام در خط مقدم جبهه و در کنار سربازان و رزمندگان بود و آنان را لحظه ای تنها نگذاشت. حتی تا لحظه شهادت که در سنگر اسلام و در کنار سربازان خودش بود. سرانجام سر تیپ شهید مجید نرگسی در تاریخ ۱۳۶۹/۲/۱۷ در منطقه ایلام، بر اثر فشار روانی در منطقه عملیاتی که ناشی از فداکاریها و جانپزیهایی وی در جبهه های حق علیه باطل بود، سکنه قلبی نمود و درجه رفیع شهادت نائل گردید. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: علی نریمانی

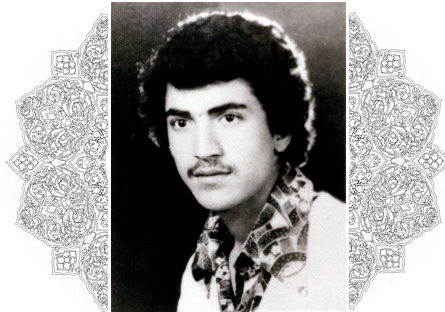
تاریخ تولد: ۱۳۳۷

محل شهادت: مهاباد

تاریخ شهادت: ۷۲/۰۲/۲۸

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید علی نریمانی به سال ۱۳۳۷ در شهرستان نقده چشم به جهان گشود. خانواده ایشان از نظر اعتقادی، مذهبی و از نظر مالی فقیر بودند. نامبرده از نظر اعتقادی فردی مؤمن و معتقد بود. همیشه در مراسم متشکله در مساجد و تظاهرات ضد رژیم شاهنشاهی شرکت فعال داشت و نسبت به امام راحل و نظام جمهوری اسلامی علاقه فراوانی داشت. عاشق امام حسین (ع) و در مراسم سینه زنی و زنجیر زنی ماه محرم شرکت می نمود و در انجام فرایض دینی علی الخصوص، نماز به موقع و روزه داری بسیار مصمم بود. شهید نریمانی که درجه دار و جنگ با کفار و دفاع از نوامیس مردم و مسلمانان پیشه اش بود، همیشه به اطرافیان سفارش می کرد که اگر من شهید شدم گریه و زاری نکنید و راه شهدا را ادامه دهید. وی در تاریخ ۱۳۷۲/۲/۲۸ در منطقه مهاباد، در اثر اصابت گلوله اشعار به درجه رفیع شهادت نایل آمد. «روحش شاد»



شهید: شریف نژاد تقوی

تاریخ تولد: ۱۳۴۰

محل شهادت: فکه

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۲۱

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید شریف نژاد تقوی در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در تهران چشم به جهان گشود. خانواده شهید علیرغم آذربایجانی بودن به علت شغل پدر شهید (ارتشی) در تهران و کرج ساکن بودند. شریف از همان اوان کودکی در دامان مادر بزرگوارش با نغمه دلنشین اسلام و قرآن آشنا شد و روح و جانش با معارف عالیه اسلام عجین گشت. این بود که در انجام فرایض دینی جدیت قابل تحسینی از خود نشان می داد. در عزاداری های سالار شهیدان امام حسین (ع) فعالانه شرکت می جست. بدین سبب مساجد محل دائمی رفت و آمد وی بود.

شهید تقوی، تا سال سوم نظری در شهرهای تهران و کرج تحصیل نمود و در دوران تحصیل خود که مقارن با قیام خونین مردم مسلمان ایران بر علیه رژیم ستمشاهی بود، در راهپیمایی ها و مبارزات حضوری چشمگیر داشت. جایی که بعضی مواقع، چندین روز موفق به مراجعت به منزل نمی شد. در امر تدارکات راهپیمایی ها و کمک به مجروحین فعالیت می کرد.

وی پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، در پایگاه های مساجد تهران و کرج فعالیتی گسترده داشت و اندکی پس از شروع جنگ تحمیلی، تحصیل را رها نمود و داوطلبانه به خدمت مقدس سربازی اعزام شد تا از اسلام و مملکت خویش دفاع نماید و دشمنان اسلام را به خاک مذلت نشاند. شهید بزرگوار، پس از طی دوره آموزش نظامی به مناطق جنگی اعزام گردید و بعد از حدود ۱۰ روز مبارزه با دشمن یعنی، در منطقه فکه، در عملیات افتخارآفرین بیت المقدس، در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۲۱ همچون گلی نشکفته پرپر شد و به فیض عظمای شهادت نائل آمد و در جوار حق ماوا گرفت. روحش شاد و راهش مستدام باد.



شهید: علی نصیرزاده

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۲۴

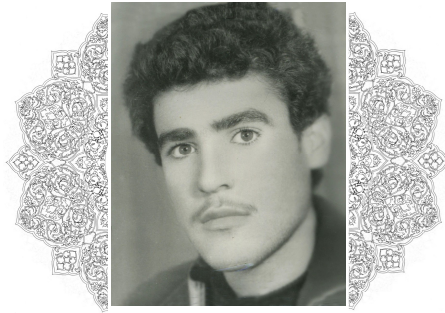
فرازی از زندگینامه شهید:

شهید علی نصیرزاده در سال ۱۳۴۱ در شهرستان سلماس به دنیا آمد و بعد از گذراندن دوران کودکی به تحصیل پرداخت و تا اخذ مدرک دیپلم در همین شهر با موفقیت به آن ادامه داد و سپس به استخدام ارتش درآمد. در زمان تحصیل که مقارن با انقلاب شکوهمند اسلامی بود در محیط مدرسه و بیرون، با دوستان خود در تظاهرات شرکت می کرد و در حفظ دستاوردهای انقلاب نهایت سعی خود را به کار می گرفت. ایشان از دوازده سالگی به خواندن قرآن روی آورد و در پیش یکی از روحانیون شهرستان سلماس موفق شد که یک دوره قرآن را تمام کند.

او فردی بسیار متدین و معتقد بود و همواره به خاطر امام خمینی (ره) و دفاع از انقلاب اسلامی، به میدان جنگ اعزام می شد. در جریان جنگ تحمیلی بارها به جبهه اعزام گردید و رشادتها و ایثارگریهای زیادی از خود نشان داد. او عشق و علاقه وافری به انقلاب و پیروزی رزمندگان اسلام نشان می داد و رشادتها و جانبازیهای همزمان، او را مصمم تر می ساخت. عشق و علاقه وی به میهن و امام امت (ره) به حدی بود که با وجود مطلع بودن از بیماری پدر، به نبرد در جبهه های حق علیه باطل مشغول بود و زمانی به منزل مراجعه کرد که پدرش آخرین روزهای زندگی خود را سپری می نمود.

خاطرات بسیار از جبهه ها داشت، به علت ناراحتی مادر از بیان آنها خودداری می کرد و اظهار می نمود: خاطرات حضور در جبهه چیزی نیست که بتوان وصف کرد. باید آمد و دید و گرنه زبان از گفتن آن خاطرات عاجز است.

او در خاطراتش همیشه از مظلومیت پاسداران و بسیجیان در جبهه ها نقل می کرد و اعتقاد این عزیزان را می ستود. او افراد خانواده خود را به پشتیبانی از امام و انقلاب دعوت می کرد و سعی داشت روحیه شهادت طلبی را در آنها ایجاد نماید و به افراد خانواده خود توصیه می کرد که هنگام شهادت وی گریه و زاری نکنند. سرانجام در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۲۴ در منطقه پیرانشهر حاج عمران در مقابله با دشمن بعثی عراق در اثر اصابت ترکش خمپاره به درجه رفیع شهادت نائل گردید. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: قادر نصیرزاده

تاریخ تولد: ۱۳۴۵

محل شهادت: میمک

تاریخ شهادت: ۶۶/۰۲/۱۴

فرازی از زندگینامه شهید:

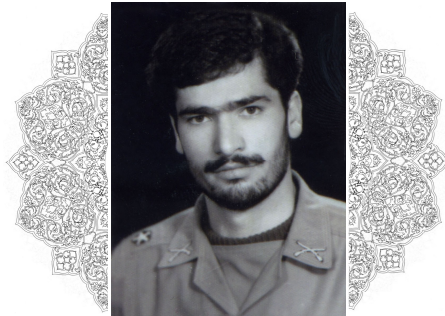
شهید قادر نصیرزاده در سال ۱۳۴۵ در روستای قره داغ از توابع شهرستان اهر به دنیا آمد. تا کلاس چهارم ابتدائی در همان روستا تحصیل نمود. سپس به اتفاق خانواده اش به شهرستان ارومیه مراجعت نمود و در این شهرستان مشغول کارگری شد. او علاقه زیادی به امام (ره) و سخنان وی داشت و همیشه از بسیج شدن و شرکت در جبهه های حق علیه باطل صحبت می کرد.

او فردی معتقد و باایمان بود. همواره به پیامبر و ائمه اطهار (ع) عشق می ورزید. سخنان آنان را سرمشق زندگی خود قرار داده بود.

همیشه از فداکاری های امام حسین (ع) سخن می گفت و از اسلام و دستاوردهای انقلاب محافظت می نمود.

شهید داوطلبانه به خدمت مقدس سربازی رفت و بعد از طی دوره آموزشی، به جبهه های جنگ اعزام گشت. در جبهه چندین بار بر اثر اصابت ترکش زخمی شد، ولی همچنان به نبرد با کافران بعثی مشغول بود که مجدداً بر اثر اصابت ترکش زخمی عمیق برداشت و بالاخره خانواده اش نیز از این امر مطلع شدند؛ ولی او کوچکترین اهمیتی نمی داد.

آمانده نبرد در جبهه ها بود. این احساس او به خانواده اش نیز منتقل شده بود و بردارانش نیز آرزوی رفتن راه وی را داشتند که در نهایت در منطقه عملیاتی میمک، بر اثر اصابت ترکش در تاریخ ۱۳۶۶/۲/۱۴ به شهادت رسید. یادش گرامی باد.



شہید: اسلام نعمت الہی

تاریخ تولد: ۱۳۴۳

محل شہادت: فاو

تاریخ شہادت: ۶۵/۰۲/۰۳

فرازی از زندگینامہ شہید:

شہید اسلام نعمت الہی بہ سال ۱۳۴۳ در روستای قلعه جوق از توابع شهرستان ارومیه دیدہ بہ جہان گشود. وی پس از طی دوران کودکی بہ دنبال یادگیری علم و دانش بہ مدرسہ رفت . بعد از پایان دورہ ہای ابتدائی و راهنمایی در ارومیه، بہ دبیرستان رفت و پس از اخذ مدرک تحصیلی دیپلم تصمیم گرفت بہ استخدام ارتش جمہوری اسلامی ایران درآید.

وی بہ ولایت فقیہ و جمہوری اسلامی و امام راحل(ره) علاقہ خاصی داشت و ہمیشہ صحبتہای امام را گوش می داد و نمازش را سر وقت ادا می نمود.

شہید در اوقات فراغت بہ کار کشاورزی می پرداخت.

وی پس از استخدام در ارتش جمہوری اسلامی، با درجہ ستوان سومی بہ جیبہ ہای نبرد اعزام و بہ مبارزہ بی امان با دشمنان دین و میهن اسلامی پرداخت.

شہید اسلام نعمت الہی بعد از چندی مبارزہ با کافران بعثی صہیونیستی، سرانجام در مورخہ ۱۳۶۵/۲/۳ در منطقہ عملیاتی [فاو] در درگیری با دشمنان، تا آخرین فشنگ

جنگید و عاقبت بر اثر گلولہ دشمن بہ درجہ رفیع شہادت نائل گشت.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: پرویز نعمتی

تاریخ تولد: ۱۳۴۰

محل شهادت: جنوب

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۳

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید سرباز شهید پرویز نعمتی به سال ۱۳۴۰ در شهرستان ارومیه متولد شد. بعد از سپری نمودن دوران کودکی، تا کلاس اول راهنمایی تحصیل نمود. او در خانواده‌ای متدین و مذهبی تربیت یافت و بعد از ترک تحصیل، تا زمان اعزام به خدمت سربازی نزد پدرش در مغازه خواروبار فروشی به کار پرداخت.

با شروع انقلاب اسلامی به سیل خروشان مردم پیوست و پا به پای مردم انقلابی در شکستن طاغوت و برچیدن بساط ظلم ستمشاهی تلاش و کوشش نمود.

از نظر اعتقادی، پایبند دین و اعتقادات بود و در مجالس دینی و مناسبت‌های مذهبی شرکت می‌کرد. از همان سنین کودکی تحت هدایت و تربیت خانوادگی نماز می‌خواند و فرایض دینی را به انجام می‌رساند و در اطاعت پدر و مادر بود.

با رسیدن به سن خدمت مقدس سرباز، رهسپار جبهه‌های نبرد گردید. در این زمان پدرش سعی می‌کرد که محل خدمت او را تغییر دهد، ولی او هیچگاه زیر بار نرفت و خدمت در جبهه‌های جنگ را بر خود یک وظیفه می‌دانست.

سرانجام، بعد از طی دوره سربازی افتخارآمیز، در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۳ در عملیات بیت‌المقدس، در منطقه خونین شهر در راه دفاع از میهن اسلامی و حفظ حدود و ثغور کشور و حیثیت و شرف ملت ایران عاشقانه به شهادت رسید و خونین‌بال به دیدار معبود شتافت.

روانش شاد، راهش پر رهرو باد.



شهید: میر پرویز نعمتی

تاریخ تولد: ۱۳۳۶

محل شهادت: سلمچه

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۱۸

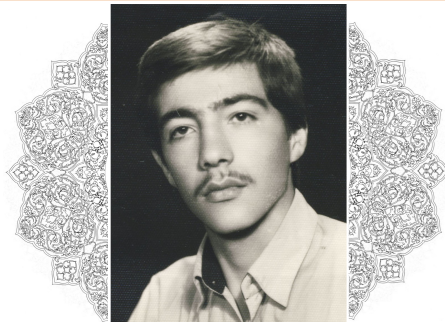
فرازی از زندگینامه شهید:

سرباز شهید، میر پرویز نعمتی به سال ۱۳۳۶ در خانواده‌ای کثیرالاولاد (۱۱ نفری) و مسلمان در شهرستان مرنده به دنیا آمد. از ۷ سالگی روانه مدرسه شد. تا کلاس سوم راهنمایی در این شهر درس خواند. سپس به همراه والدینش به شهر ارومیه هجرت نمود و در هنرستان در رشته فلزکاری ثبت نام کرد و دیپلم گرفت. بعد از اخذ دیپلم راهی خدمت سربازی شد. همزمان با پیروزی انقلاب خدمتشان پایان یافت. مدتی را در یک کارگاه فلزکاری به کار اشتغال یافت و سپس به استخدام جهاد درآمد. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ برای آزاد

سازی خرمشهر
عزیز به سوی
جبهه‌های جنوب
شتافت.

در تاریخ
۱۳۶۱/۲/۱۸ میل
به بازگشت را
عبث دانست و به
شوق دیدار معبود،
پروازی عاشقانه
کرد و به خیل
عاشقان شاهد
پیوست.
روانش شاد.





شهید: محمد نوروزی

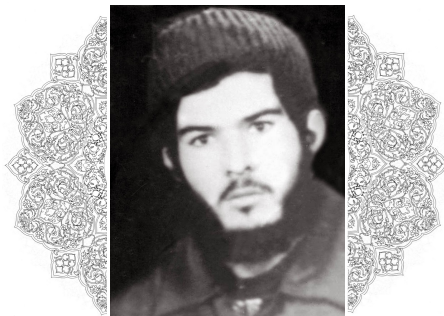
تاریخ تولد: ۱۳۴۳

محل شهادت: لولان

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۰۳

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید محمد نوروزی در سال ۱۳۴۳ در شهرستان ارومیه متولد شد. دوران تحصیلات ابتدائی خود را در مدرسه شهید نجف دیزجی، دوره راهنمایی را در مدرسه امیری و دوره متوسطه را در دبیرستان محمدجعفر معنوی تحصیل نمود. پس از اخذ مدرک دیپلم، در ارتش استخدام شد و دوره تحصیلی را در اصفهان به اتمام رساند. شهید نوروزی در روزهای پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، همچون دیگر هموطنانمان در تظاهرات و راهپیمایی ها بر علیه رژیم شاهی فعالیت داشت. او فردی مؤمن و مقید به انجام واجبات نماز و روزه بود. به امام(ره) عشق می ورزید. در اوج تهاجمات دشمن یعنی به خاک کشور عزیزمان ایران، او سر از پا نشناخته و عاشقانه در راه دفاع از انقلاب و کیان اسلامی در جبهه های نبرد حق علیه باطل فعالانه شرکت کرد. تا اینکه سرانجام بعد از ۸ ماه خدمت در جبهه شمالغرب در منطقه لولان، به تاریخ ۱۳۶۵/۲/۳ در پی درگیری با دشمن یعنی عراق شهید شد. پیکر پاک شهید مدتها بعد به آغوش خانواده بازگشت و در باغ رضوان ارومیه به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: معصوم نوری

تاریخ تولد: ۱۳۴۲

محل شهادت: ارومیه

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۱۸

فرازی از زندگینامه شهید:

مؤمن جان و مال خود را به رایگان در راه خدا می دهد. زیرا می داند که در این معامله سود با اوست و آیا اصولاً مگر جان و مال را خدا به انسان عطا نکرده است؟ پس در واقع این متاع را به صاحب اصلی اش می فروشد. شهید معصوم نوری نیز با خدا معامله کرده و در راه انقلاب و به خاطر خدا جان داد. او که متولد سال ۱۳۴۲ بود، در قریه قره حسنلو از روستاهای ارومیه چشم به جهان گشود. پس از تحصیلات مقدماتی تا اول راهنمایی در نزد دایی اش به آموختن حرفه دوچرخه سازی پرداخت. آن گاه پدرش دکانی برایش خرید و شهید مستقلاً مشغول به کار شد.

پس از شروع انقلاب اسلامی، شوق شرکت در راهپیمایی ها و تظاهرات به قدری در او قوت گرفت که دیگر در مغازه پیدا نمی شد و در همین مرحله اول کسب و کار از نظرش افتاد.

وقتی انقلاب موفق شد، طاعوت را شکست دهد و در مملکت استقرار یابد با عشقی وافر در جهاد سازندگی به کار پرداخت و در قسمت راهسازی مشغول خدمت شد. سپس به سپاه پیوست و در اکثر پاکسازی های کردستان شرکت می نمود. به جبهه رفت و در عملیات والفجر یک شرکت نمود و بعد از هجده ماه به سنّ مشمولیت رسید و تصمیم گرفت خدمت سربازی را نیز در سپاه انجام دهد و لذا برای طی دوره نظامی رهسپار پایگاه مالک اشتر شد. فرمانده از شهید که بی سیم چی بود می خواهد که در همان پایگاه بماند و شهید این پیشنهاد را به شرط خدمت در قسمت تخریب می پذیرد. چندی که از خدمت شهید معصوم در قسمت تخریب می گذرد، صبح روز ۱۳۶۲/۲/۱۸، نارنجکی که در کنار خیابان ساحل برای آموزش تله گذاشته بودند، منفجر می شود و میله آهنی کوچکی به سمت او پرتاب شده و از ناحیه چشم او را دچار آسیب مغزی می کند تا این که پس از هشت ساعت بستری شدن در بیمارستان مطهری به آرزوی خود که شهادت بود، نایل می گردد.

شهید جوانی پر کار و غیرتمند بود و در برخورد با همگان اخلاق اسلامی را رعایت می کرد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: قربان ولیزاده شونقاری

تاریخ تولد: ۱۳۲۶

محل شهادت: نقده

تاریخ شهادت: ۵۸/۰۲/۰۱

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید قربان ولی زاده در سال ۱۳۲۶ در روستای «شونقار» از توابع شهرستان نقده دیده حقیقت بین به جهان هستی گشود. از نوجوانی مسائل مذهبی و احکام دینی پایبند بود.

شهید ولی زاده انسانی نمونه و فداکار بود و رفتار پسندیده اش زبانزد همه دوستان و آشنایان بود. شهید به احکام و قوانین اسلامی بسیار پایبند بود. به فقرا و مسکینان کمک می کرد و با همسایه ها رثوف و مهربان بود. تمام سعی و تلاش ایشان بر این بود که مردم را از خود راضی نماید. فردی مذهبی بود و برای نماز و روزه اهمیت خاصی قائل بود. هر هفته روز پنج شنبه به تلاوت قرآن می پرداخت. رفتار و کردار او الگوی اعضای خانواده بود و همه را به انساندوستی و کمک به همنوع تشویق و ترغیب می نمود. شهید روستازاده ای بود که صفا و صمیمیت در وجودش موج می زد.

شهید در انقلاب شکوهمند اسلامی حضوری شایسته و فعال داشت و پیروزی انقلاب نقشه های شوم استکبار را نقش بر آب کرده بود و تنها راه آمریکای جهانخوار ایجاد نفاق و اختلاف در بین مردم بود. برای عملی ساختن این اندیشه پلید کردستان و آذربایجان و سیستان و بلوچستان مدنظر قرار گرفت و گروهک ها و احزاب متعددی در مناطق یاد شده سازماندهی شدند.

تا اینکه بین مسلمین نفاق و تفرقه پیکند شهر نقده که پایداری و صلابت خود را در پیروزی انقلاب به اثبات رسانده بود همچون خاری در چشم ضد انقلاب و مزدوران وطن فروش جلوه می کرد عاقبت ضد انقلابیون در ظاهر اقدام به برپائی میتینگ عمومی اعضای مسلح ضد انقلاب در شهر نقده نمود که در پس پرده واقعیت امر چیز دیگری جز تسخیر نقده و شکست دلاورمردان سلدوز نبود. واقعیت امر چیز دیگری بود و اندیشه پلیدشان زمانی تحقق یافت که اعضای یک خانواده نه نفره را قتل عام نمودند. شهید قربان ولیزاده از آتش پیداد خصم که مدعیان حقوق بشر برافروخته بودند در امان نماند و در تاریخ ۵۸/۲/۱ قامت برافراشته اش آماج گلوله های دشمن زبون قرار گرفت و در نخستین روز جنگ خونین نقده همراه پدرزن، دو جانباقی، دو برادرزن و یک فرزند و و خواهر همسرش و سایر اقوام دسته جمعی توسط ضدانقلابیون به شهادت رسیدند. شهید جان خویش را عاشقانه در طبق اخلاص نهاد و به محبوب و معبود ازل و ابدی تقدیم نمود.

پیکر مطهرش با حضور امت باوفا و غیرتمند سلدوز پس از تشییع در مزار شهدای نقده به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: ناجی هنرمند

تاریخ تولد: ۱۳۴۰

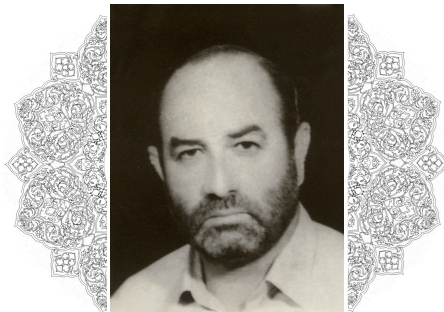
محل شهادت: سریل ذهاب

تاریخ شهادت: ۶۹/۰۲/۲۲

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید ناجی هنرمند در سال ۱۳۴۰ در روستای انزل قوجوق از توابع شهرستان ارومیه در یک خانواده سنی مذهب دیده به جهان گشود. پس از طی دوران طفولیت، تحصیلات خود را تا کلاس دوم ابتدایی ادامه داد. سپس ترک تحصیل نمود و به شغل کارگری و کشاورزی مشغول شد تا از این طریق در امرار معاش خانواده کمک کند. او فردی فعال و پرکار بود و احترام بزرگتر از خود بخصوص پدر و مادرش را نگه می داشت.

در راهپیماییهایی که توسط مردم مسلمان و انقلابی صورت می گرفت شرکت می کرد و علاقه شدیدی به رهبر انقلاب داشت. شهید بعد از مدتی تشکیل خانواده داد که حاصل آن دو فرزند (یک دختر و یک پسر) است. شهید برای انجام خدمت سربازی و برای لیبیک گفتن به فرامین رهبر انقلاب، راهی جبهه های حق علیه باطل شد و پس از رشادت و مبارزات فراوان در جبهه های جنگ، در تاریخ ۱۳۶۹/۲/۲۲ در منطقه سریل ذهاب در درگیری با ضدانقلاب به درجه رفیع شهادت نائل گردید. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: محمدحسین یعقوبی سوره

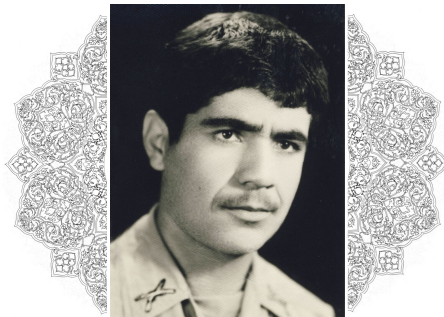
تاریخ تولد: ۱۳۲۲

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۲۷

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید محمدحسین یعقوبی فرزند صادق در سال ۱۳۲۲ در یک خانواده مرفه ولی مؤمن و متدین در روستای سوره از توابع شهرستان سلماس دیده به جهان گشود. وی پس از سپری کردن دوران طفولیت با به محیط تعلیم و تربیت نهاد. تحصیلات ابتدائی را در روستای محل تولد با موفقیت به پایان رسانید. جهت ادامه در مقطع راهنمایی و متوسطه با تلاش و مشقت زیاد از روستا به سلماس ایاب و ذهاب می کرد تا اینکه توانست دیپلم خود را در رشته طبیعی اخذ نماید. و بعد از دیپلم به خدمت سربازی فرا خوانده شد و پس از به اتمام رسانیدن به خدمت ارتش درآمد و در شهربانی استخدام گردید. سپس ازدواج نمود و نتیجه این زندگی مشترک سه فرزند به یادگار مانده از شهید است. بعد از مدتی محل خدمت وی به ارومیه منتقل گردید و در آنجا به دلیل علاقه زیاد به درس و مشق ادامه تحصیل داد و وارد دانشگاه ارومیه شد. بعد از پیروزی انقلاب از شهربانی استعفا داد و سپس به عضویت بسیج دانشگاه درآمد و با حضور خود در مناطق کردستان دین خود را به انقلاب ادا کرد. یک مرتبه در منطقه سرو به دست عوامل حزب دمکرات اسیر گردید و پس از چند روز که او را بی آب و غذا به آخور حیوانات بسته بودند فرار کرده و از دست آنها رهایی یافت و به علت رشادت و آفریدن حماسه ها در مناطق به عنوان معاون تدارکاتی دانشگاه ارومیه منصوب گردید. در عین حال با جهاد سازندگی نیز همکاری نزدیکی داشت. وی فردی تلاشگر، چابک، زرنگ و کجکاو بود. پس از مدتی به عنوان راننده آمبولانس به منطقه عملیات حاج عمران اعزام گردید و مجروحین جنگی را به بیمارستانها و مراکز درمانی منتقل می کرد. وی به علت علاقه زیادی که داشت هر سال در مراسم عزاداری حسینی از ارومیه به روستای سوره می آمد و در صفوف زنجیر زنی و سینه زنی شرکت فعال داشت. سرانجام شهید بزرگوار در تاریخ ۶۵/۲/۲۷ در ماه مبارک رمضان پس از بیش از ۷ سال دفاع مقدس در حین انتقال مجروحین از منطقه حاج عمران با آمبولانس در کمین حزب متحله دمکرات می افتد و به فیض شهادت ناقل می گردد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



شهید: علی یوسفی

تاریخ تولد: ۱۳۳۷

محل شهادت: گیلانغرب

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۲۳

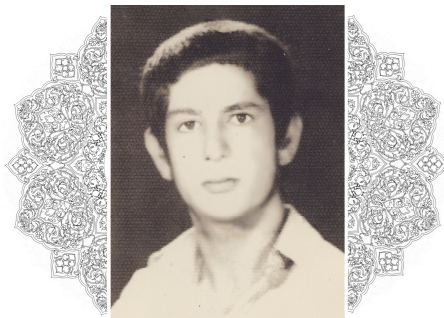
فرازی از زندگینامه شهید:

شهید سرباز شهید علی یوسفی در سال ۱۳۳۷ در محله آغداش یکی از محلات فقیرنشین شهر ارومیه دیده به جهان گشود. خانواده او بضاعت مالی خوبی نداشتند و تابستان به یکی از روستاهای حومه ارومیه به نام دوبره به کشاورزی می برداختند و زمستان به شهر بازمی گشتند. علی دوران کودکی خود را با کمک به خانواده و کار کشاورزی می گذراند و از همان دوران با فقر و رنج آشنا شد. او تحصیلات خود را در همان محله یاد شده شروع نمود، ولی تا کلاس دوم نظری بیشتر درس نخواند و علاقه زیاد او به ورزش مانع تحصیل او شد. بعد از ترک تحصیل به کار نقاشی ساختمان پرداخت تا به سن خدمت نظام وظیفه رسید و عازم سربازی گردید.

هفت ماه از خدمت او گذشته بود که به فرمان امام خمینی ره متولدین سال ۱۳۳۷ معاف شدند ولی او به صورت افتخاری به ادامه سربازی پرداخت.

اودر هنگام خدمت در پادگان عجب شیر که منطقه آرامی بود علاقه به خدمت نداشت و طی سه نامه از فرمانده خود خواسته بود که به جبهه اعزام شود که بالاخره به اصرار خود به منطقه گیلانغرب اعزام گردید و در خط مقدم جبهه به نبرد پرداخت و سرانجام در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۲۳ بر اثر اصابت ترکش به سینه، به درجه رفیع شهادت نایل گردید.

او مبارزی شجاع و الگوی یک سرباز جانباز بود. فرمانده او در صفات و اخلاق وی می گوید: او گل مجلس ما بود. او به ما خیلی امیدواری می داد. وقتی که صدامیان ما را به خمپاره بسته بودند، به ما گفت که مگر ما آمدیم جبهه که داخل سنگر بمانیم. باید برویم بیرون و در همین موقع در بیرون سنگرش مورد اصابت واقع شد. راهش مستدام و روحش شاد.



شبهید: غلامرضا یوسفی

تاریخ تولد: ۱۳۴۵

محل شهادت: پاسگاه آودی

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۱۸

فرازی از زندگینامه شهید:

شهید غلامرضا یوسفی، از گروه جوانان انقلابی بود، که جان شیرین را در راه تحقق هدف های والای خود فدا کرد.

او متولد ۱۳۴۵ در ارومیه بود. با شور فراوان به انقلاب پیوست و در اولین قدم، درس و مدرسه را در این راه ترک کرد، زیرا تحصیل را نسبت به فعالیت های انقلابی خود در درجه دوم اهمیت می دانست.

به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و خود را از دل و جان در اختیار این نهاد اسلامی قرار داد.

او سالهای قبل پدر خود را از دست داده بود و تکفل مادر و خواهر و برادر کوچکترش را به عهده داشت. ولی هر چند عهده دار مسؤولیتی سنگین بود، لکن خدمت به انقلاب در نظرش مقدم بر هر تعهد دیگری در زندگی بود، به همین علت بدون هیچ گونه تردید، برای کمک به برادران رزمنده خود و شرکت در دفاع مقدس عازم جبهه های جنگ شد. مدت ها وظیفه ای را که برای خود مفروض می دانست با رشادت و از خود گذشتگی انجام داد.

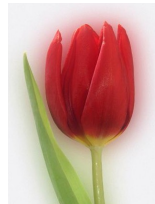
از نظر خصوصیات فردی، همواره اخلاق اسلامی را ملاک رفتارهای اجتماعی خود قرار می داد و با افراد خانواده خود و سایر دوستان، همسنگران با محبت و صفای بسیار برخورد می نمود.

بدیهی است، این خصوصیات اخلاقی والا را در جبهه های نبرد حق علیه باطل که در حکم یک دانشگاه انسان ساز است، فرا گرفته بود.

بالاخره روز لقای حق فرا رسید و در تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۸ در منطقه ترگور، خودرو حامل شهید، در اثر انفجار مین که در مسیر آن کار گذاشته شده بود، متلاشی و سرشینیان آن، من جمله غلامرضا یوسفی شهید راهی شدند که آگاهانه آن را پیش گرفته بودند. روانش شاد باد.



شهید: علی احمدیان
تاریخ تولد: ۱۳۵۷
محل شهادت: سراوان
تاریخ شهادت: ۸۴/۰۲/۱۹



شهید: عبدالوهاب اسماعیلی
تاریخ تولد: ۱۳۳۹
محل شهادت: حلبچه
تاریخ شهادت: ۶۷/۰۲/۱۴



شهید: عبدالمجید باقری
تاریخ تولد: ۱۳۴۸
محل شهادت: بچه جک
تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۱۰



شهید: اسماعیل بهرامی
تاریخ تولد: ۱۳۴۹
محل شهادت: سردشت
تاریخ شهادت: ۷۲/۰۲/۱۵



شهید: پرویز تیموری
تاریخ تولد: ۱۳۴۵
محل شهادت: مریوان
تاریخ شهادت: ۶۶/۰۲/۲۴





شهید: احمدعلی جعفرزاده

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: شرق بصره

تاریخ شهادت: ۶۱/۰۲/۲۳



شهید: حیدر دهقان

تاریخ تولد: ۱۳۱۱

محل شهادت: روستای کوکیا

تاریخ شهادت: ۵۹/۰۲/۲۱



شهید: لطف اله رضوی دیزجی

تاریخ تولد: ۱۳۱۵

محل شهادت: جاده باراندوز

تاریخ شهادت: ۵۹/۰۲/۲۱



شهید: محسن سبزی دورباش

تاریخ تولد: ۱۳۳۲

محل شهادت: مهاباد

تاریخ شهادت: ۶۰/۰۲/۱۵



شهید: محمدرشید سلامت مکان

تاریخ تولد: ۱۳۴۵

محل شهادت: جزیره مجنون

تاریخ شهادت: ۶۳/۰۲/۱۹



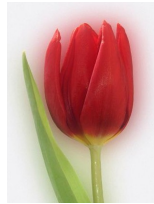


شهید: صفر سلیم ابراهیم

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل شهادت: عمادیه عراق

تاریخ شهادت: ۷۰/۰۲/۱۱



شهید: محمود شکوهی

تاریخ تولد: ۱۳۳۹

محل شهادت: نقده

تاریخ شهادت: ۵۸/۰۲/۰۲



شهید: محمد عبدلی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷

محل شهادت: فاو

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۰۹



شهید: لقمان عظیمی

تاریخ تولد: ۱۳۵۳

محل شهادت: نفت شهر

تاریخ شهادت: ۷۵/۰۲/۳۰



شهید: امیر حسین علوی پور

تاریخ تولد: ۱۳۴۸

محل شهادت: والفجر ۸

تاریخ شهادت: ۶۷/۰۲/۰۹





شهید: نادر عزیززاده زاهدی صفت

تاریخ تولد: ۱۳۴۶

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۲۹



شهید: جادر قدیرهناره

تاریخ تولد: ۱۳۴۸

محل شهادت: ارومیه

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۰۷



شهید: فرمان مشهورچلیک

تاریخ تولد: ۱۳۴۳

محل شهادت: ارومیه نقده

تاریخ شهادت: ۶۶/۰۲/۰۵

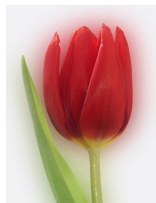


شهید: میرحسین موسوی

تاریخ تولد: ۱۳۴۴

محل شهادت: مجنون

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۱۹



شهید: مهیاره مهدوی

تاریخ تولد: ۱۳۱۱

محل شهادت: بوکان

تاریخ شهادت: ۵۹/۰۲/۱۱





شهید: ابراهیم نازی

تاریخ تولد: ۱۳۳۵

محل شهادت: محال ترکور

تاریخ شهادت: ۶۲/۰۲/۳۱



شهید: حبیب نجف زاده

تاریخ تولد: ۱۳۵۴

محل شهادت: ناناس

تاریخ شهادت: ۷۴/۰۲/۰۸



شهید: محمد ولی زاده شونقاری

تاریخ تولد: ۱۳۴۰

محل شهادت: نقده

تاریخ شهادت: ۵۸/۰۲/۰۲

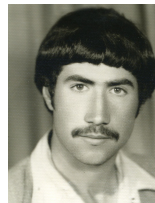


شهید: علاءالدین یوسفی نیجلائی

تاریخ تولد: ۱۳۴۳

محل شهادت: حاج عمران

تاریخ شهادت: ۶۵/۰۲/۳۱





دوره ها



جستجو

ویدیو



بیت سر امام حرکت کنید که اگر از امام خیزد بوی سوزانده خواهد شد، پس باید بشت سر امام حرکت کنید و دستاورد و ضعیفها را از آنجا بکشید شما نوصی می‌کنیم که آن نوصی‌های امام را که راجع به خونسار است، عمل کنید.

فرار از وحشیانه شهید پرویز (محمد) درگاه‌های جانان



درگاه که وحشیانه شهید

آرشو مطالب

اسفند ۱۳۹۲

آرکوب، دوسان



آرکوب



کتابچه های جاب شده

چهارشنبه ششم اسفند ۱۳۹۲ ساعت ۱۰:۵۹

نظر بندهید

مقدمه:

سه شنبه ششم اسفند ۱۳۹۲ ساعت ۹:۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام علیکم

انشاء الله برفیق اطاعت کاملی از زندگانه شهدای شهرستان ارومیه بر اساس زندگانه جاب شده شر

فاه این شهرستان و اقلان هراسم و یادواره شای در حال از این در ویلاک گنجینه خواهد شد تا برای

عکس قابل استفاده باشد.

سناد برگزار یادواره شهدای شهرستان ارومیه

روایت شعری بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان ارومیه

نظر بندهید

موضوع اصلی

صفحه اصلی

بسمت انکرونگ

آرشو ویلاک

عناون جاب

آر ام اس

عناون بنشین

کتابچه های جاب شده

مقدمه:

نگارخانه مطالب ها

این آه پست الیوم در راه شهادت

نام عملیات:

کربلا/۸

رهان عملیات:

۱۸ فروردین ۱۳۶۶

مکان عملیات:

شرق بصره عراق - نجف

ارگان عمل کننده:

سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی

تلفات دشمن:

(کشته، اسیر، زخمی)

۵۲۰۰

اهداف عملیات:

پاسخ به تهاجمات دشمن در

خلیج فارس، تهدید شهر بصره

عراق و تأمین کتاب و کتاب

نوع: -

نگارخانه مطالب ها

بنیاد شهید و امور ایثارگران

فرماندهای شهرستان ارومیه

استاندارد آذربایجان غربی

آرشو بنیادهای روزانه

نظرات سازنده خود را در ویلاک شهدای شهرستان ارومیه به آدرس:

www.hohada-urmia.blogfa.com

درج نمایند. متشکریم

برای شادی روح امام شهدا و شهدای انقلاب اسلامی ایران صلوات

استراحتگاه نیستند
سکس با است که دیان
به انسان



مقام معظم رهبری:

یاد شهدا را هیچکس نمی تواند
از سینه این ملت بزداید.



بنیاد شهید و امور ایثارگران
شهرستان ارومیه



میدان و بسیج مرکزی
آذربایجان غربی



ناحیه مقاومت بسیج
سپاه ارومیه



سازمان فرهنگی ورزشی
شهرداری ارومیه